

۶۱

کوه

فصلنامه

KOUH
Mountain Sport

سال شانزدهم زمستان ۸۹
پهنا: ۳۰۰۰ تومان

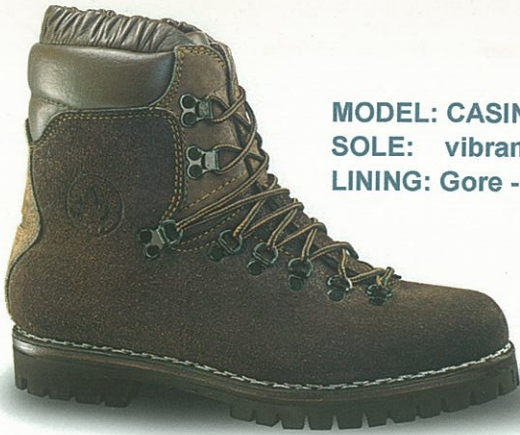
گزارش جشنواره بین المللی سنگ نوردی، کرمانشاه
گزارش صعود به قله نان، کشمیر، هندوستان
گزارش صعود به قله نوشاخ، افغانستان
یادی از گذشته (کاظم گیلان پور)



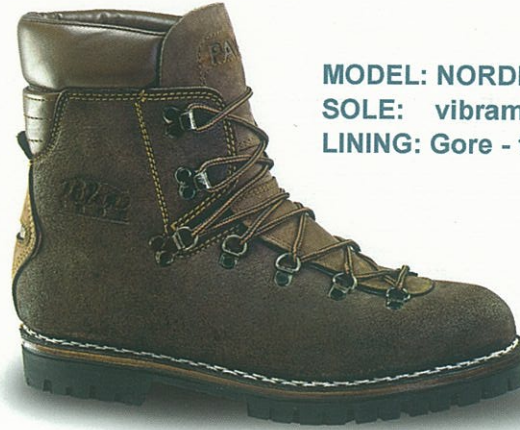
PAYAR

CLIMBING • TREKKING • MOUNTAIN

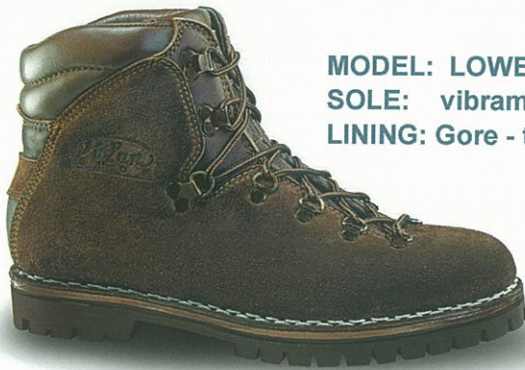
پایار



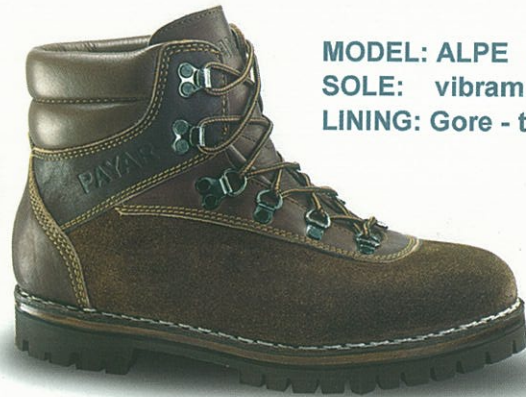
MODEL: CASINGER کاسینگر
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



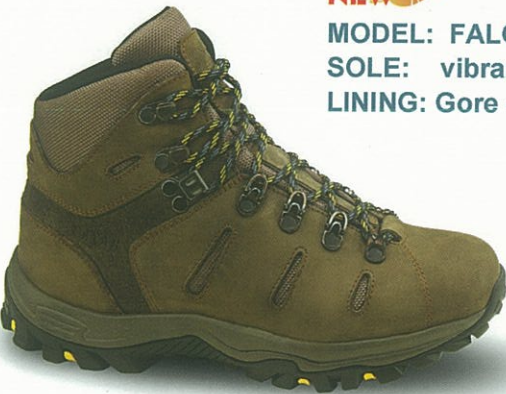
MODEL: NORDICA نوردیکا
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



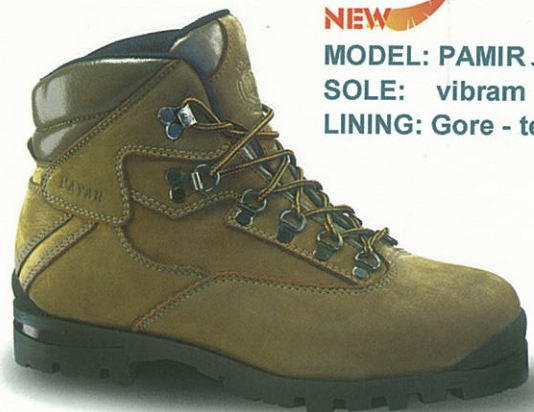
MODEL: LOWE لووا
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



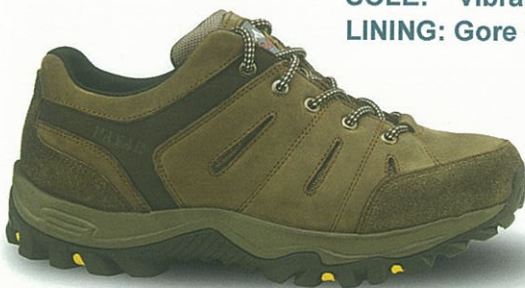
MODEL: ALPE آلپ
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



NEW
MODEL: FALCON فالکون
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



NEW
MODEL: PAMIR پامیر
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex



NEW
MODEL: VIPER وایپر
SOLE: vibram
LINING: Gore - tex

تولید کننده انواع کفشهای کوهنوردی،

پنج لایه با لایه گورتکس

و عرضه کننده کلیه لوازم کوه نوردی، سنگ نوردی و کمپینگ

خوان به نام آنگله آموخت از کرم
آدمی را علم از راه قلم

فصلنامه کوه

۶۱

فرم اشتراک صفحه ۱۰۳

سال شانزدهم - زمستان ۱۳۸۹

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

دکتر حسن صالحی مقدم

زیر نظر شورای نویسندگان

شورای تحریریه: جلیل کتیبه‌ای، مهندس وارطان زاکاریان، مهندس شاهپور صمصام، مهندس منیژه برزگر، مهدی شیرازی، سید مرتضی موسوی، علی پارسایی، مهدی داورپور، نصراله فتوگرافی، رضا زارعی، مهندس هادی فوقانی، مسعود اشرفی، جمشید هدایت‌نسب، عباس محمدی، رضا چهکنوبی

صفحه‌آرایی: منصوره بختیاری

اشتراک و توزیع: ایران جوادپور

عکس روی جلد: افشین یوسفی

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

حسین اصغری، علی بابایی، بخش غارنوردی فدراسیون، پرهام بوچانی، تکیلا بهبهانی، علیرضا بهپور، سیدجواد تبریزی، ابوالفضل جوادی، سیده جوادیان، هادی جهانگرد، پریسا حسین‌زاده، غزال حشمت‌منش، مسعود حمیدی، نرگس روحانی، جواد رویانی، جعفر سپهری، آرش سعیدیان، معصومه سوارانی، مهدی عمیدی، گروه آلپ تبریز، کاظم گیلانپور، حمید مساعدیان، امین معین و افشین یوسفی.

۲	حرف اول
۴	چشنواره بیستون رضا زارعی
۸	یادی از گذشته (کاظم گیلانپور)
۱۳	گزارش صعود قله نان
۱۶	غار سم
۲۰	نوشاخ قله‌ای متفاوت
۲۴	کلنگ یخ‌نوردی
۲۸	کوه‌نوردی و گرامیون‌ها
۳۲	کفش‌های ساق بلند
۳۷	هفت معما (آخرین گردش)
۳۸	هفت معما (جاسوس)
۴۰	ایا هیمالیا جای مادران نیست
۴۱	استفاده از باتوم در کوه‌نوردی
۴۳	گزارش پزشکی تیم ملی کوه‌نوردی
۴۸	چطور یک کوله‌پشتی مناسب انتخاب کنیم
۵۰	مقدماتی بر خطرات طبیعت و محیط کوهستان
۵۲	مسیر فراموش شده
۵۴	هنر زیبا پاندون شدن
۵۵	هنر نجات از شکاف یخچال
۵۸	صعود
۶۲	غار چشمه باد
۶۶	گزارش برنامه کورژنفسکایا و کمونیزم
۶۸	غار درویش خاکی
۷۰	کوتاه و خواندنی از اینترنت
۷۶	نکات فنی
۷۶	نکات فنی در غارنوردی
۸۱	گاشربروم ۳
۸۲	پاکیزگی کوهستان‌ها
۸۴	نکات فنی در غارنوردی
۸۷	در جستجوی یتی
۹۰	بیباید تا قطره‌ای نباشیم که تا اقیانوس را ندیده است خود را دریا می‌پندارد
۹۲	گزارش حادثه دلخراش غار پراو
۹۶	اخبار فدراسیون
۹۹	قلل ۷ گانه
۱۰۰	اخبار انجمن کوه‌نوردان
۱۰۲	از میان نامه‌های رسیده
۱۰۹	برگی از تاریخ ایران باستان
۱۱۲	(GarChal (Holy Fire Place

فصلنامه کوه نشریه‌ای است که به هیچ سازمان یا تشکیلاتی وابستگی ندارد. مطالب مندرج در فصلنامه کوه الزاما نظر نشریه نیست. مقالات و عکس‌های ارسالی به دفتر مجله، مسترد نمی‌شود.

فصلنامه کوه در چاپ، ویرایش و خلاصه کردن مقالات اختیار کامل دارد. نقل مطالب فصلنامه کوه با ذکر ماخذ مانعی ندارد. مطالب را حتی‌المقدور تایپ شده و یا با خط خوانا، با رعایت فاصله خطوط و در یک روی کاغذ ارسال نمایید و چنانچه ترجمه شده است، کپی متن اصلی را نیز همراه ترجمه آن بفرستید. مسؤلیت صحت و سقم مطالب به عهده نویسنده است.

گزارش معرفی مناطق کوه‌نوردی و یا خط‌الرأسی حتما با کروکی و عکس همراه باشد تا امکان استفاده از آن جهت دیگران فراهم گردد.

فصلنامه کوه از درج گزارش‌های داخلی که تکراری و مربوط به سال‌های قبل است، معذور می‌باشد.

صحت و سقم مطالب آگهی‌ها به عهده آگهی دهنده می‌باشد.

پست الکترونیکی: faslnameyekouh@yahoo.com

تلفن: ۲۲۷۱۲۸۱۶ و ۲۲۷۴۵۳۵۴ شماره: ۲۲۷۱۲۸۱۷

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۹۳۸



چالش بزرگ در تولید لوازم کوهنوردی داخلی

واردات بی‌رویه مصرف بی‌رویه

این مبادلات به سود اقتصاد کشورمان نمی‌باشد. در این زمینه چندین عامل مهم در خرید و مصرف دخیل است. مصرف بی‌رویه - تنوع‌گرایی - عدم شناخت - تبلیغات گسترده - کیسه پر پول - اصراف - برندگرایی و عدم برگزاری نمایشگاه‌های داخلی - گسترش فضای آموزش - سنگین شدن کفه تقاضا نسبت به تولید استاندارد داخلی - عدم استقبال و حمایت از تولیدات دارای کیفیت داخلی و در آخر عدم مشارکت پیاده نظام داخلی در امر تولید.

برگردیم به بحث اصلی خودمان که همانا واردات بی‌رویه است. در بسیاری از موارد نیازها کنترل و مدیریت شده نیستند. در این مواقع سیستم‌های اقتصادی اطراف شروع به فعالیت می‌کنند تا هرچه سریع‌تر ما را به آرزوهایمان نزدیک‌تر سازند. با تبلیغات گسترده وارد میدان می‌شوند و سرمایه‌داران وارد می‌گردند، تا هرچه را بازار تقاضا می‌کند با خود بیاورند. تهیه و خرید کالاهای خارجی موجب ایجاد کار بیشتری در کشور مبداء می‌شود. یعنی به ازاء خرید هر واحد کالا، کارگری در کشور سازنده به کار

تجارت بین المللی در عصر حاضر به ویژه در دهه‌های اخیر رشد بالایی داشته است و امروزه کالاهای مورد نیاز مردم از سرزمین‌های دورتری می‌آیند. یعنی بعضی از کشورها نقش بیشتری در رفع نیازهای دیگر جوامع دارند و دائما دنبال زمینه‌های جدیدی برای افزایش صادرات تمامی اقلام تولیدی خود هستند.

آنها از امر تبلیغات غافل نیستند. افزایش بیشتر از پیش صادرات به این معنا است که کشورهای تولید کننده، مصرف‌گرایی را به کشورهای مصرف کننده القاء و تلقین می‌کنند و در این رابطه مرتبا تقاضاهای مصرف کنندگان بیشتر و کالاهای بیشتر را طلب می‌کنند. پر شدن بازار ایران از کالاهای دیگر کشورها بخصوص چین، نمونه بارزی است از جریان اقتصاد و تجارت مصرف‌گرایانه ما. در حالی که واردات خیلی از آنها نه به لحاظ نیاز داخلی است و نه از کیفیت مطلوب برخوردارند. از گردو - لپه - فرش - سرامیک - کفش و ... الی ماشاءالله گرفته تا ابزارآلات صنعتی و سنگین. یادمان باشد تا همین دو دهه گذشته کفش دست‌دوز ایران در دنیا جزو بهترین‌ها بود و امروز در بازار کفاشان تهران یک مغازه کفش فروشی هم نیست و اگر هم باشد کفش‌های یک‌بار مصرف چینی و شرق آسیا. در بسیاری از مواقع

بسازی دارند. آنها می‌توانند خود پیاده نظام تولید و نظام اقتصادی در کوه‌نوردی و صعودهای ورزشی باشند. ما در برخی از گرایش‌های کوه‌نوردی و صعودهای ورزشی با استانداردهای روز جهان رسیده‌ایم و یا با کمی احتیاط نزدیک شده‌ایم و در آن سوی مرزها سری در میان سرها درآوردیم. باید کوشش کنیم همه اعضای و پیکر کوه‌نوردی و صعودهای ورزشی با هم رشد کنند والا توازن برقرار نمی‌گردد. خودباوری را فراموش نکنیم.

شاید لازم باشد شروع کار با موضوع آسیب‌شناسی تولید و اقتصاد کوه‌نوردی و صعودهای ورزشی باشد و در این مسیر شناخت فرصت‌ها - تهدیدات و استعدادهای از اهمیت بسزایی برخوردار است. یادمان باشد پیاده نظام تولید - واردات و اقتصاد چینی و به زبان دیگر واردات بی‌رویه، بیماری و در نهایت آنفراکتوس اقتصادی را برای کشورمان به ارمغان می‌آورد. مشکل تولیدکنندگان - صنعت‌گران - بنگاه‌های اقتصادی و ... مشکل همه ما نیز محسوب می‌شود.

در خاتمه تبلیغ اجناس خارجی در مجله به دو دلیل است:

- ۱- آگهی‌های شهرگ حیات مطبوعات است.
 - ۲- در تولید برخی لوازم ما هنوز فاصله زیادی تا وضع مطلوب داریم. با مشارکت در این عرصه تولید حتی به عنوان سربازی کوچک در پیشرفت و توسعه پایدار و همه‌جانبه سهمیم باشید.
- یادمان باشد که اصولاً تکامل تدریجی است.**

دکتر حسن صالحی مقدم

فصل‌نامه کوه به منظور حمایت از تولیدات کوه‌نوردی داخلی برای چاپ آگهی این‌گونه لوازم تخفیف ویژه‌ای قائل است. به شرط زیر:

- ۱- کالا دارای نام ایرانی باشد.
- ۲- از کیفیت مطلوب برخوردار باشد.

گرفته شده و برعکس در کشور مصرف‌کننده کارگری بی‌کار می‌گردد. به عبارت ساده‌تر وقتی در سال ۵۰ میلیارد دلار کالا وارد می‌کنیم به این معنا است که در کشورهای دیگر نیروهایی به کار گرفته تا آن کالا را برای ما تولید کند. توجه به این نکته داشته باشیم که بسیاری از مواقع فقط برای ما تولید می‌کنند. و برند مصرف خودشان با ما بسیار متفاوت است. خرید کالا از خارج به معنای وابسته شدن به دیگران است و این امر پسندیده‌ای نیست. مگر در مواردی حساس و غیرقابل اجتناب.

خودکفایی در تولید و صنعت دور از دسترس نیست. با جور کردن پازل اقتصاد داخلی این امر امکان‌پذیر می‌شود در این‌جا به چند اصل مقدماتی جهت این مشارکت اقتصادی اشاره می‌شود.

خودباوری اقتصادی - تخصصی شدن تولیدات - تحقیق و پژوهش - توجه به استاندارد - توجه به تبلیغات - توجیه اقتصادی - جاذبه - حمایت همه‌جانبه - عزم ملی در تهیه و تولید و مصرف و

همه باید سعی کنیم از همین امروز در این امر بزرگ به قدر وسع مشارکت نماییم و در این راه و طی سالیان دور بسیار کسان کوشیده‌اند که تلاششان قابل تقدیر است. و در بحث ورود به حیطه برخی از تولیدات و اقتصاد کوه‌نوردی می‌توانیم فعال‌تر وارد صحنه کارزار شویم.

در این رابطه باید هر کس و با هر نهاد و سازمان در قطار توسعه پایدار به موقع سوار و پیاده شود. شرح وظایف مشخص شود. مثلاً از فرآیند سمنارها و همایش‌ها و برگزاری نمایشگاه‌ها نباید غافل شد. سیستم بانکی نیز باید با قدرت و اعطای شرایط ویژه تسهیلات وارد میدان شود و تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران با هوشمندی و حوصله اقتصادی عزم را جزم کنند و مصرف‌کنندگان داخلی دیدگاه ملی را فراموش نکنند. از عرصه ملی شروع کنیم و آن‌گاه وارد اریکه بین‌المللی شویم. اجرای موارد فوق دور از دسترس نیست اصلاحات فرهنگی و اقتصادی باید از هم اکنون شروع شود.

فدراسیون کوه‌نوردی - انجمن کوه‌نوردان - گروه‌ها - هیات‌ها - باشگاه‌ها و نهادهای مدنی در این فرهنگ‌سازی و پویایی اقتصادی سهم

قابل توجه خوانندگان محترم فصل‌نامه کوه

روال انتشار مجله بر مبنای ۹۶ صفحه است. لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

- ۱- آگهی‌های رنگی مجله فاقد شماره صفحه است.
- ۲- در صورتی که میزان آگهی‌های سیاه و سفید بیشتر از ۱۰ درصد صفحات باشد. به منظور جلوگیری از تضییع حقوق هم‌نوردان به صفحات مجله افزوده می‌گردد. به عنوان مثال این شماره در ۱۱۲ صفحه منتشر شده است.

جشنواره سنگ نوردی بیستون



عکس‌ها از خیرگزاری فارس - آرمین کریمی

رضا زارعی - مسؤل فنی جشنواره بیستون

فعالیت‌های صورت گرفته در جشنواره بیستون گشایش مسیرها

مسیر بیستون - ۷ طول: توسط ۴ سنگ نورد فرانسوی و با همکاری سنگ نوردان ایرانی - کارگاه‌ها و میانی‌های این مسیر تماما آماده است. این مسیر در سمت راست دیواره قرار دارد.

مسیر جشنواره - ۶ طول: ۴ طول مسیر آماده برای صعود و طول‌های پنجم و ششم نیاز به ابزارگذاری دارد. این مسیر در سمت چپ کتیبه فرهاد تراش قرار دارد. این مسیر به افتخار جشنواره بیستون به نام مسیر جشنواره نام نهاده شد.

گشایش ۴ طول در سمت چپ مسیر جشنواره که از طول پنجم با مسیر کاریز مشترک می‌گردد توسط سنگ نوردان ایرانی.

گشایش ۶ طول مسیر بین مسیرهای کل و فرهاد توسط سنگ نوردان ایرانی.

گشایش یک طول مسیر اسپرت بین مسیر فرهاد و نگین.

گشایش مسیر به نام Vaccess در سمت چپ مسیر قرارگاه، میانی‌ها و کارگاه‌های این مسیر آماده استفاده است.

گشایش ۹ طول مسیر در منطقه سختون توسط سنگ نوردان فرانسوی که نام آن را تاول نهادند.

گشایش ۲٫۵ طول مسیر در منطقه سختون که ناتمام رها گردید.

گشایش ۱ طول ۵۰ متری مسیر در منطقه سختون توسط سنگ نوردان ایرانی.

گشایش ۶ طول مسیر توسط سنگ نوردان فرانسوی با همکاری سنگ نوردانی از

کشورمان در محدوده مسیر عقاب‌ها.

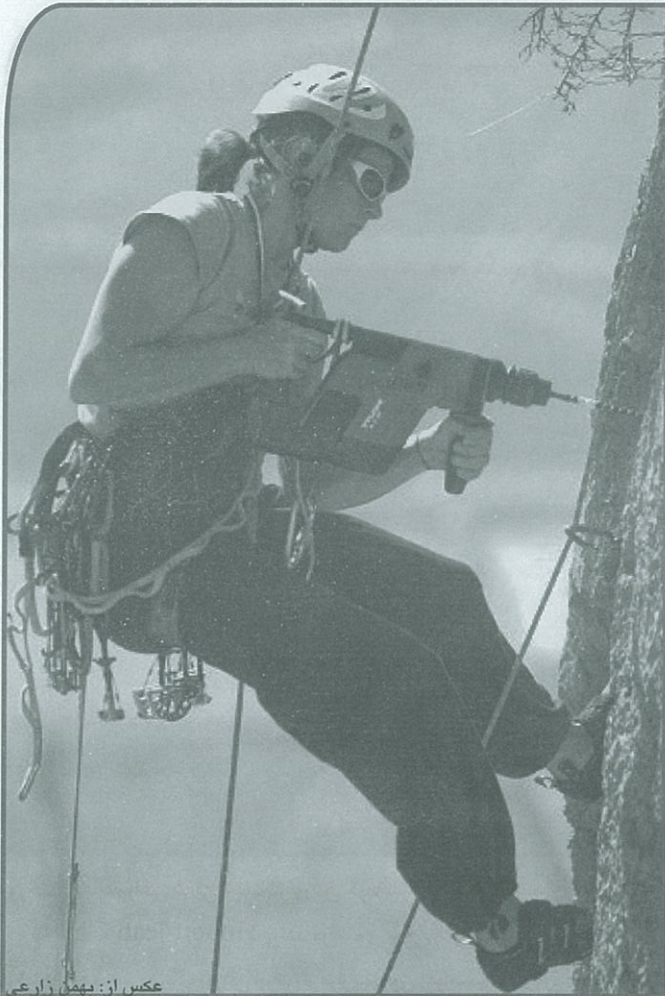
گشایش ۱۸ طول مسیر توسط دو سنگ نورد از اسلونی و یک سنگ نورد

در اواخر مهر شهر کرمانشاه شاهد رویداد بین‌المللی بود که برای نخستین بار در ایران برگزار می‌شد. جشنواره سنگ نوردی حاصل تلاش پیگیر سازمان‌های مرتبط در کوه نوردی و تربیت بدنی کرمانشاه بود که امیدواریم ضمن حذف کاستی‌ها هر سال باشکوه‌تر انجام پذیرد.

جشنواره سنگ نوردی بیستون با حضور ۲۵ سنگ نورد از سه کشور فرانسه ۲۱ نفر، اسلونی ۲ نفر و سوئیس ۱ نفر و همچنین ۷۰ سنگ نورد ایرانی از تاریخ ۲۵ لغایت ۳۰ مهر ماه در کرمانشاه برگزار گردید. مقدمات این جشنواره از سال ۸۸ و پس از جشنواره سنگسر سمنان که به همت انجمن کوهنوردان اجرا شده بود صورت گرفت و به پیشنهاد فرانسوا برنارد رییس سازمان صعودهای بلند فرانسه GHM که پس از آن جشنواره سری به بیستون زده بود بنا بر اجرای جشنواره بیستون در مهر ماه سال ۸۹ نهاده شد.

متعاقب این پیشنهاد ابراهیم نوتاش از کوهنوردان اسبق گروه ابرمرد و آرش که در فرانسه اقامت دارد و طی سال‌های گذشته زحمات زیادی را نیز برای نزدیکی کوه نوردی ایران و فرانسه کشیده بود به عنوان رابط سازمان صعودهای بلند فرانسه در اردیبهشت ۸۹ پیشنهاد همکاری در اجرای این برنامه را به فدراسیون کوه نوردی ارایه نمود و طی جلسات متعدد صورت گرفته میان مسئولین فدراسیون و استانداری کرمانشاه برنامه ریزی اجرای جشنواره به میزبانی استانداری صورت گرفت.

در نهایت زنگ افتتاح جشنواره بیستون در بعد از ظهر روز ۲۵ مهرماه و در مراسمی هر چند سرد و بی روح در کاروانسرای بیستون زده شد.



عکس از: بهمن زارعی

هئیت کوهنوردی کرمانشاه صورت گرفت تا فضایی امن برای اجرای صعودها در بیستون فراهم گردد.

■ برای نخستین بار کروی ۱۰ مسیر دیواره بیستون توسط هیئت کوهنوردی کرمانشاه گردآوری گردید و در دفترچه ای به منظور راهنمایی سنگ نوردان در اختیار ایشان قرار گرفت. اگر چه کروی های ثبت شده و دفترچه راهنمای ارایه شده دارای نواقص زیادی بود، اما به واسطه نو بودن این کار جای قدرانی دارد و امید می رود ثبت کروی مسیرها که از مهم ترین نیازهای دیواره نوردی ایران است بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

■ کاروانسرای بیستون که در گذشته بخشی از زندان بیستون به شمار می رفت و هم اکنون در اختیار سازمان میراث فرهنگی قرار دارد به واسطه این جشنواره به خوبی ترمیم گردید و امید می رود این کاروانسرای زیبا در آینده در راه جذب گردشگر موثر واقع گردد.

■ اختلاف نظر میان سنگ نوردان کرمانشاه، متاسفانه موجب عدم حضور برخی از بهترین دیواره نوردان این شهر گردید که با تمهیدات صورت گرفته از سوی هیئت کوهنوردی استان از بروز لطمات به جشنواره جلوگیری شد؛ هر چند دیواره نوردان دور مانده استان از این تجربه ارزشمند بی نصیب ماندند.

■ نخستین پرش Bace jump در ایران توسط یک زن سوئسی به نام جردالدین فاسناشت از بالای مسیر عقابها صورت گرفت. وی برای این پرش ها سه بار طی سه

فرانسوی در سمت چپ دیواره بیستون، کارگاههای این مسیر آماده و صعود آن نیاز به ابزارگذاری دارد.

مسیرهای ترمیم شده

مسیر شیرین، مسیر کاریز، مسیر قرارگاه سایر مسیرهای صعود شده در جشنواره به جز مسیرهای نو و مسیرهای ترمیم شده، در مجموع ۳۵ مرحله فعالیت بر روی مسیرهای مختلف انجام شد که عبارتند از:

مسیر ابرمرد (هاری رست)، صدف و شکاف دلفر، شیرین، فرهاد، داریوش، قرارگاه، قاجر، بیستون، آدرنالین، دره کنار قرارگاه، حصار حاج علی محمد، عقابها - بازگشت از مسیر هاری رست، گرده تا جان پناه پله دوم، کاریز، اسکندر - بازگشت از مسیر هاری رست، بین مسیر کل و قرارگاه، صعود تا قله، پرش های صورت گرفته از روی دیواره، دو بار پرش از مسیر هاری رست با پاراگلایدر، دوبار پرش Bace jump از مسیر عقابها، پنج پرش پاراگلایدر از بالای بیستون زا.

آمارهای جشنواره

تعداد کل شرکت کنندگان ۸۵ نفر، سنگ نوردان خارجی ۲۵ نفر شامل ۱۸ مرد و ۷ زن؛ سنگ نوردان ایرانی ۶۰ نفر شامل ۴۹ مرد و ۱۱ زن. تعداد استان های حاضر ۹ استان، تهران ۲۴ نفر، کرمانشاه ۱۷ نفر، همدان ۵ نفر، البرز ۵ نفر، کردستان ۳ نفر، مرکزی ۲ نفر، گیلان ۲ نفر، فارس ۱ نفر، یزد ۱ نفر.

نکات قابل توجه در این جشنواره

- جدا بودن محل اسکان سنگ نوردان خارجی از ایرانیان حاضر در جشنواره مانع از تعامل بیشتر و کسب تجربه در میان سنگنوردان داخلی گردیده همچنین این مساله موجب گردید تا امکان معرفی بهتر سنگ نوردان برای یکدیگر میسر نباشد.

- نامشخص بودن برنامه سنگ نوردان خارجی و برنامه ریزی روزانه بر اساس خواست سنگ نوردان خارجی نوعی سر درگمی را برای سنگ نوردان ایرانی ایجاد کرده بود و موجب شد تا کادر اجرایی مجبور به برنامه ریزی روزانه شود.

- ضعف مکالمه زبان از عواملی بوده که ارتباط با سنگ نوردان خارجی را محدود ساخته بود.

- وسعت دیواره و پراکندگی نفرات مانع از جذب گردشگران در جشنواره و محدود شدن فضای بازدید گردید.

- اختلاف عقیده و سلیقه میان سازمان های کوهنوردی داخلی، جشنواره را به بیراهه برده و موجب گردید در برخی مواقع مشکلات این سازمان ها گریبان عوامل برگزاری جشنواره را نیز بگیرد.

■ به دلیل عدم صدور رواید سنگ نوردان انگلیسی، آمریکایی و کشورچک از حضور در جشنواره بازماندند. ضمن آنکه دو سنگ نورد ایتالیایی دعوت شده به جشنواره پاسخی به دعوت صورت گرفته ندادند.

■ ترمیم ۸ مسیر دیواره بیستون یک ماه قبل از آغاز جشنواره توسط سنگ نوردان

قدردانی صورت گرفته به هیچ وجه در حد و اندازه زحمات صورت گرفته توسط مدیر کل لایق تربیت بدنی استان کرمانشاه نبود و به نظر رفع تکلیفی از سوی روابط عمومی اداره کل به شمار می آید!

■ پوشش خبری جشنواره توسط شبکه استانی کرمانشاه، شبکه خبر و چند شبکه ورزشی سراسری موجب قرارگیری جشنواره در صدراخبار روز ورزش کشور گردید. همچنین با حضور خبرنگار سنگ نورد یورونیوز اخبار جشنواره جهت این خبرگزاری و نشریه کوهنوردی ورتیکال ارسال گردید.

■ سایت بیستون که توسط روابط عمومی فدراسیون کوهنوردی یک هفته پیش از آغاز جشنواره به آدرس <http://bistoon.mfi.ir> راه اندازی گردید بازگو کننده فعالیت‌های روزانه سنگ‌نوردان در بیستون بود. هر چند جای زبان انگلیسی و فرانسوی در این سایت بسیار خالی به نظر می رسید.

■ فضای امنیتی حاکم بر کاروانسرای بیستون به شدت مورد اعتراض سنگ‌نوردان و کادر اجرایی جشنواره بود. این امر به منظور محافظت از سنگ‌نوردان خارجی مهیا شده بود که تا حدی غیر ضروری به نظر می رسید. طی روزهای پایانی جشنواره این فضا تا حد زیادی برچیده و صمیمی تر گردید.

■ کلاس آموزش نجات از دیواره همزمان با برگزاری جشنواره در محل هلال احمر کرمانشاه به صورت عملی و تئوری توسط دو تن از مربیان فدراسیون کوهنوردی آقایان کامران اندامی و احسان سلحشور و به همت شرکت کوه ویسی برگزار گردید که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

■ بخشی از پشتیبانی جشنواره توسط دو شرکت آپامهر و کوه ویسی صورت گرفت که زحمات این عزیزان جای تقدیر و تشکر دارد.

و آنان که برای شکل گیری این جشنواره زحمت کشیدند:

سازمان صعودهای بلند کشور فرانسه GHM

استانداری کرمانشاه

اداره کل تربیت بدنی استان کرمانشاه

فرمانداری هرسین - بیستون

سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه

هلال احمر استان کرمانشاه

نیروی انتظامی کرمانشاه

فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی

هیئت کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان کرمانشاه

انجمن کوهنوردان

و ... بسیاری از عزیزان که نامشان از قلم افتاده است.

همچنین شایسته است از روابط عمومی فدراسیون کوهنوردی به خاطر زحمات

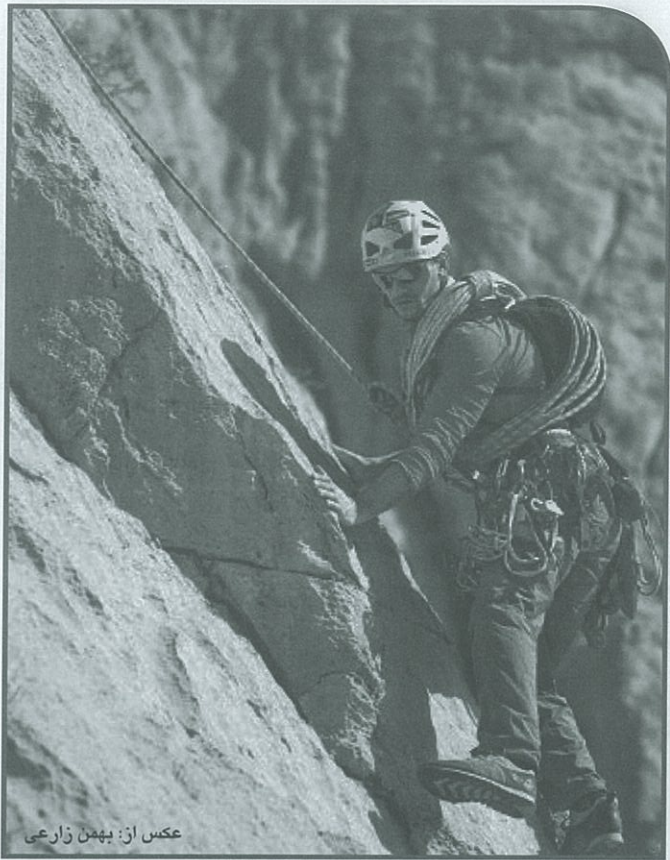
صورت گرفته در پوشش خبری جشنواره و آقای ابراهیم نوتاش مربی و کوهنورد

پرسابقه کشورمان به دلیل زحمات بسیار و پشتکار ستودنیش در هماهنگی

فعالیت‌های سنگ‌نوردان خارجی تقدیر ویژه به عمل آید. ■

نیز باشد.

■ مراسم اختتامیه جشنواره همچون افتتاحیه به صورتی سرد و بی روح اجرا شد و



عکس از: بهمن زارعی

روز متوالی با همراهی دو تن از سنگ‌نوردان کرمانشاهی مسیر عقاب‌ها را صعود نمود.

■ Hubert Jean Giot پرنده فرانسوی سه بار از بیستون پرواز نمود که دو

پرش او با همراهی سنگ‌نوردان ایرانی از فراز بیستون زا و مسیر هاری رست انجام شد.

هوبرت در پرش سوم از فراز مسیر هاری رست به دلیل سرخوردن از ناحیه پا آسیب دید.

در این پرش همراه ایرانی هوبرت با تلاشی ستودنی مانع از سقوط خود و پرنده فرانسوی

از فراز دیواره شد.

■ محمد رضا نقدی رئیس هیئت کوهنوردی کرمانشاه جزو افرادی بود که با پاراگلایدر

از فراز دیواره بیستون زا پرواز کرد.

■ مارکو پریزل از اسلونی به همراه هموطنش لوکا لیندیک و مانوئل از فرانسه با ۵

روز فعالیت مداوم موفق به گشودن ۱۸ طول مسیر در منطقه یال سخت شدند. ایشان تنها

یک شب در جان پناه یال سخت شبمانی نمودند که با همکاری سنگ‌نوردان کرمانشاهی

تدارکات این شبمانی برای ایشان به جانپناه حمل گردید.

■ در طول جشنواره از دو تن از زحمتکشان کرمانشاهی تقدیر به عمل آمد. آقای

شیرزادی مسؤول خانه فرهنگی بیستون که سال‌ها در کنار کتیبه بیستون و قهوه خانه

خود پذیرای سنگ‌نوردان بوده و همچنین باقر عیوضی از پیشکسوتان سنگ‌نوردی

کرمانشاه مورد تقدیر قرار گرفتند.

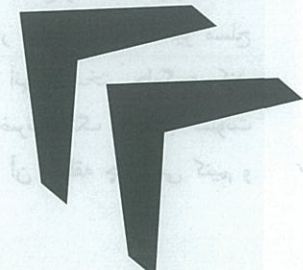
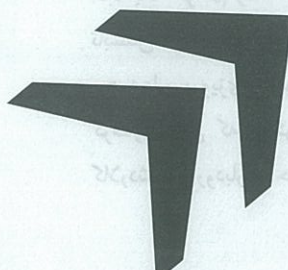
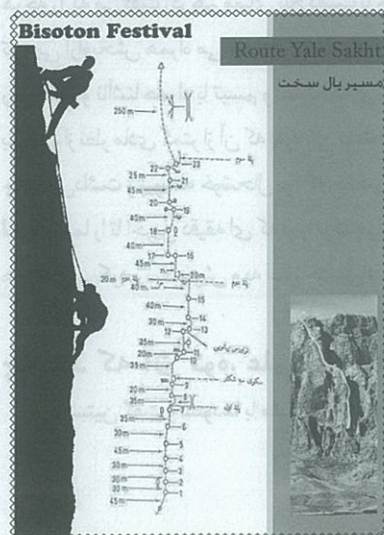
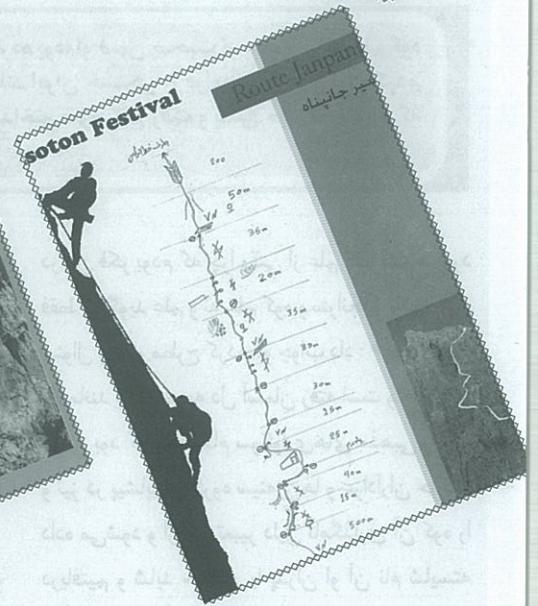
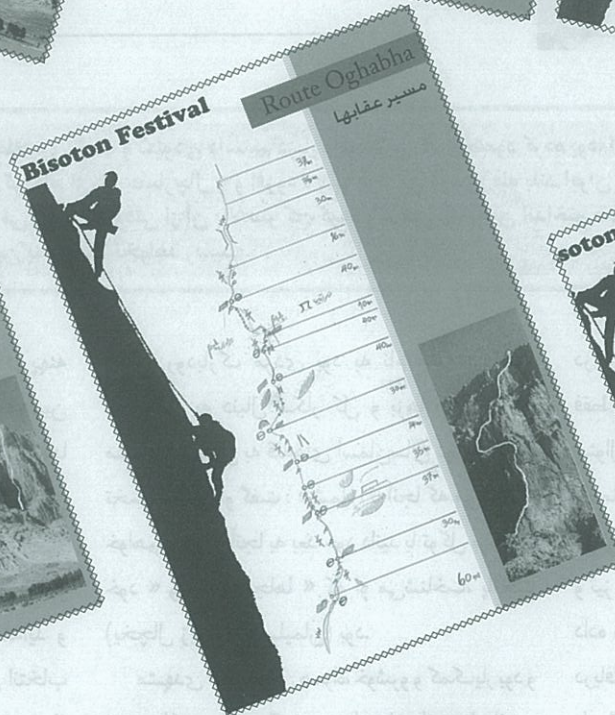
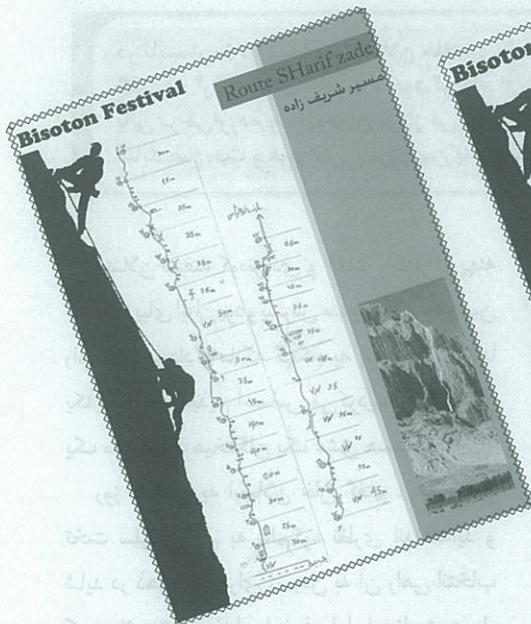
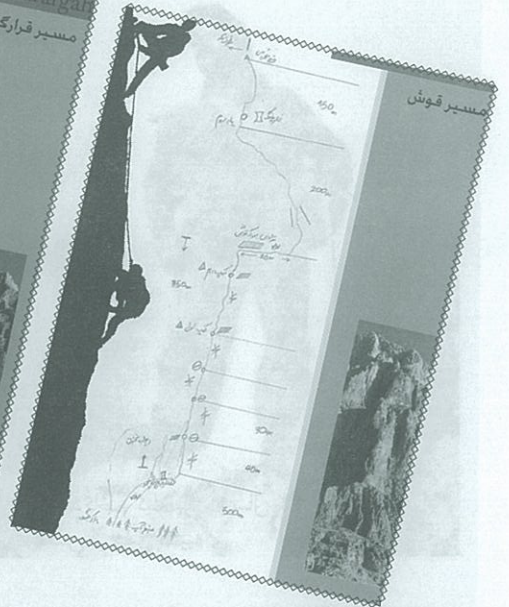
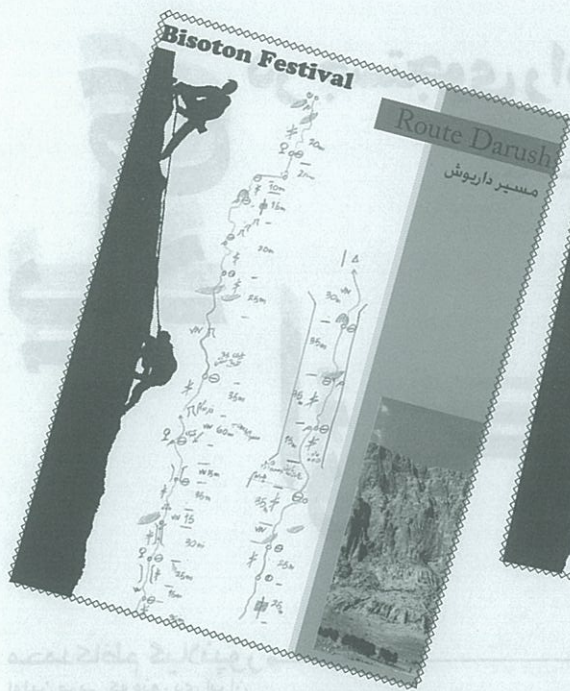
■ با توجه به شناسایی صورت گرفته از دیواره بیستون امید می رود طی سال‌های

آینده بیستون شاهد حضور سایر سنگ‌نوردان عضو سازمان صعودهای بلند کشور فرانسه

نیز باشد.

■ مراسم اختتامیه جشنواره همچون افتتاحیه به صورتی سرد و بی روح اجرا شد و

مسیرهای دیوار هیستون



در جستجوی راهی به آن نوک

«وجه تسمیه نام گذاری علم کوه»

پیاد

از گذشته



محمد کاظم گیلانپور ۳۲ سال
عکس از جلیل کتیبه‌ای

محمد کاظم گیلانپور
اولین مربی کوهنوردی ایران

در تابستان ۱۳۲۵ با آقای ارسلان خلعتبری گفت و شنودی داشتیم درباره کوههایی که او صعود کرده بود. او ضمن صحبت از صعودش به علم کوه گفت: «آری به علم کوه هم صعود کرده‌ام از راه حصارچال» و افزود: «بر فراز آن دومین قله بلند ایران خستگی را فراموش کرده و آرزو کردم بالی در می‌آوردم و دوروبر آن پرواز می‌کردم. اما وقتی از آن بالا سر کج کرده و نگاهی به پایین انداختم سرم گیج رفت و پیش خود فکر کردم که شاید هیچ وقت و هیچ کس از آن پایین به آن بالا نخواهد رسید».

در این فکر بودم که چرا وقتی از علم کوه اسم می‌برد فقط می‌گوید علم و نه علم کوه و سرانجام یک بار این سؤال را با او مطرح کردم. او جواب داد: «این کوهی که مانند یک علم به دل آسمان رفته است و منظور او علمی بود که به هنگام سوگواری‌های مذهبی راست و تیز در پیشاپیش گروه سینه‌زن‌ها و عزاداران حرکت داده می‌شود و از این تعبیر دلیل نامگذاری آن کوه را دریافتیم و شاید خودش یا پدران او آن نام شایسته را برگزیده بودند».

یک بار که صفر چند تن از دوستان و مرا با خود به تخت سلیمان می‌برد در نیمه راه. نزدیک به کاخ‌های سلطنتی به دو مرد که نیمه اونیفورمی بر تن و تفنگی بر دوش داشتند برخوردیم. آن روزها چپگراها گوشه و کنار کوه‌ها را برای اجتماع و تصمیم‌گیری انتخاب می‌کردند و هر مامور دولتی مسلح یا غیر مسلح ماموریت داشت که از آنها به سختی جلوگیری کند. حتی اگر لازم شد به ضرب تفنگ! آن‌ها با خشونت از ما پرسیدند که در آن منطقه چکار می‌کنیم و

در رودبارک مردی بود به نام مشهدی صفر که بیشتر به دنبال شکار کل و بزها بود تا بردن مشتریان تهرانی به قله‌های آسمان‌سای دوروبر حوزه تخت سلیمان. او گفت: «شما را تا آنجا که می‌شناسم خواهم برد و از آنجا به بعد خود دانی با توکل بر خدای خود» و آن «آنجاها» که او می‌شناخت، پاتخت (یخچال زیر تخت سلیمان) بود.

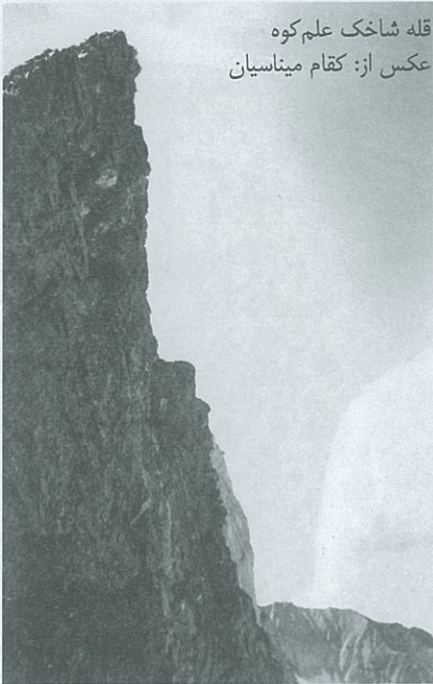
مشهدی صفر مردی همراه، خوشرو و کمک‌یار بود و هرچه را که می‌گفت اگر هم معنای تلخ داشت با چاشنی تبسمی آرام‌بخش همراه می‌کرد. در خانه‌اش همیشه به روی آشنا و ناآشنا همراه با تبسم و دست‌فشاری گرم او باز بود و از نظر مادی کمتر از آن که به راستی مستحق بود چشم می‌داشت و پیوسته خوشحال بود که خدمتی کرده است و شما را تا آخرین دقیقه‌ای که او را ترک می‌کردید همراهی می‌کرد و سفرخوش و به امان خدا می‌گفت.

چه شد که آن کوه، علم کوه شد؟

از نخستین گفت و شنودها با مشهدی صفر همیشه

ارسلان شیفته کوهنوردی و گشت و گذار در پهنه طبیعت زیبای ایران بود و پسرش منوچهر را نیز به همین راه سوق می‌داد و ما که گهگاه به پیچ و خم کوه‌ها یکدیگر را می‌دیدیم احساس می‌کردیم که شاگردان یک مکتب و فرهیختگان یک عشق هستیم.

روز دیگری به ارسلان خان گفتیم: «حتماً از تخت سلیمان هم به علم کوه نظری انداخته‌اید و شاید در ذهن خود برای رسیدن به آن راهی انتخاب کرده باشید». پاسخ او با خوف اما با عظمت همراه بود. گفت: «نگاه به علم کوه و دیواره‌های عمودی آن وحشت‌انگیزتر از آن است که می‌اندیشی» و من با اندیشه‌ای که همیشه یک نوجوان در این گونه موارد دارد فوری جواب دادم: «بالاخره روزی از آنجا بالا خواهم رفت» و همان شد که در اواخر تابستان ۱۳۲۸ خورشیدی به اتفاق جلیل کتیبه‌ای و محمدعلی پرویزی تصمیم گرفتیم با توجه به همه گرفتاری‌هایی که ممکن است پیش آید به سوی کلاردشت و رودبارک حرکت کنیم.



قله شاخک علم کوه
عکس از: کقام میناسیان

او خدانگهدار گفت و ما ماندیم با کوهی عظیم و بس خیال‌انگیز که هیچ چیز از آن نمی‌شناختیم!

نخستین کاری که لازم بود هرچه زودتر پیش از رسیدن سرمای شب و تاریکی انجام شود یافتن جایی برای خوابیدن بود. پس از دقایقی جستجو روی رودخانه‌ای که از میان یخچال پوشیده از سنگ‌های تنومند می‌گذشت سرانجام یک تخته سنگ بزرگ از گرانیث سفید، درست در برابر شاخک علم کوه یافتیم که ما سه نفر را جا می‌داد و کم و بیش هموار بود و می‌توانستیم با احتیاط روی آن غلت بزنیم بی‌آنکه در آب سرد آن رود کوچک سرنگون شویم.

آنگاه پس از صرف غذایی با شتاب، در کیسه‌خواب خود خزیدیم به این امید که بتوانیم تا نزدیکی صبح چشمی برهم نهمیم اما این آرزویی عبث بود چون سنگ‌های زیادی که بر اثر شروع یخ‌بندان از برف کوه جدا می‌شد و به پایین می‌غلطید با صدای وحشت‌انگیز مانع هرگونه آسایش بود و شاید پاره‌ای از آنها از زیر پای خرس‌ها رها می‌شد و به هر حال ما خود را قانع می‌کردیم که دراز کشیده‌ایم و کم و بیش گرم هستیم و علاوه بر صدای سنگ‌های غلتان فریاد یخچال نیز همراه بود و آن هنگامی بود که آب کنار یخچال بیشتر یخ می‌زد و صدا می‌کرد و آن را در آلپها « فریاد یخچال » می‌نامند.

نزدیک صبح، پیش از آنکه به راستی هوا روشن شود تختخواب را ترک کردیم و می‌بایستی از هر لحظه ممکن برای پیشروی استفاده می‌کردیم. اول راه را انتخاب می‌کردیم و آنگاه علامتی به هر شکل روی آن سنگ می‌نهادیم که اگر بلایی بر سر ما می‌آمد، جستجوگران می‌توانستند ردپای ما را بیابند. از این رو نوشته‌ای را در پارچه نارنجی رنگ پیچیده و بر روی یک تنه باریک درخت که برای آتش افروزی همراه برده بودیم محکم بستیم و آن را به کمک سنگ‌های ریز و درشت محکم کردیم که باد آن را نبرد و از دور دیده شود و درواقع یک پرچم نجات بود! در تهران برادر بزرگم و چندتن از کوه‌نوردان کلوب دماوند و در راس آن‌ها فرخ رحمدل، ناصر فلاح و شادروان فتح‌الله زندگی از برنامه ما کم و بیش اطلاعی داشتند و درواقع افراد گروه نجات ما بودند.

بدیهی است که پاسخ ما روشن بود اما آنها را قانع نکرد و بنا را بر ناسازگاری نهادند و از جمله گفتند: « یا برگردید یا خون شما را به این رودخانه خواهیم ریخت ». که در آن موقع مشهدی صفر سررسید و به آن‌ها گفت: « مزاحم اینها نشوید. اینها افسران ارتش و مشتریان من هستند و آنها را به تخت سلیمان می‌برم » و همزمان کلنگ کوه‌نوردی مرا گرفت و مارک قورخانه ارتش را به آنها نشان داد و خلاصه آنها را قانع کرد ما از چپ‌گراها نیستیم و هیچ قصد خرابکاری در املاک سلطنتی ارتش را نداریم و ما خوشحال شدیم که به لطف مشهدی صفرخون ما آب زلال رودبار را ارغوانی نساخته بود! آنها هم نه چندان راضی دستشان را روی کولشان گذاشتند و شرشان را از سرما کوتاه کردند.

با آن وسایل مفلوک در آن کوه زیاده‌خواه!

در آن روزها رسیدن به آن نوک آسان نبود و بغرنج‌ترین مساله تهیه سازوبرگ لازم برای چنین عملی بود که در ایران هنوز وجود نداشت مگر بازمانده اندکی از اروپاییان که ایران را ترک می‌کردند و در شماره‌های پیش اشاره‌ای به آنها داشته‌ام. مثلاً تنها طنابی که ما برای حمایت از خود پیدا کردیم طناب ضخیم و خشنی بود که فروشنده آن بنگاه ژرژ یانوسکی لهستانی در نزدیکی هتل فردوسی (خیابان فردوسی) کارش فروش وسایل مربوط به قایقرانی و ماهیگیری بود. آن طناب البته محکم اما سنگین بود و گره‌زدن آن هم آسان نبود. اما با وجود همه معایب می‌توانست ناجی جان ما باشد. کوله پشتی‌های ما از پارچه کلفت و آرماتور آن از میله‌های ضخیم و سنگین آهنی یا گنجایش اندک و بالاپوش ما دو پتوی سربازی بود که یکی از آنها را به شکل یک کیسه بلند دوخته بودیم و درون آن می‌خزیدیم و پوشاک ما نیز بهتر از آنها نبود و کفش‌هایمان از پوتین‌های قاچاقی سربازان آمریکایی بود که کاظم شریفی آنها را گیر می‌آورد و به امثال ما می‌فروخت و ما می‌دانستیم که هرچه بود از پوتین‌های بازار کفاش‌ها محکم‌تر بودند! با تمام این اوصاف به همراه صفر به پاتخت رسیدیم و در آنجا که ما باید به سوی علم می‌رفتیم

چند تخمه و یک پسته و دو فندق!

نام‌گذاری نقاط مختلف حوزه تخت‌سلیمان در برنامه من بود و ما در آن روز وقت کافی برای آن نداشتیم. این بود که با نگاهی به اطراف و مشورت با کتبیهای و پرویزی تصمیم گرفتیم که نخست به گردنه میان سیاه کمان و علم کوه به نام چالون برسیم و از آنجا به سوی شاخک سیاه علم کوه پیچیده و سپس به یاری خداوند به سوی قله برویم.

درباره راه بازگشت کوچک‌ترین فکری نکرده بودیم زیرا نمی‌دانستیم در قله با چه موقعیتی برخورد خواهیم داشت. تنها احتمال آن بود که شاید بهترین راه بازگشت از همان مسیری باشد که از آن صعود کرده بودیم. اما پس از رها شدن کوله‌پشتی از دست پرویزی و برخورد با مشکلاتی که در راه صعود وجود داشت از آن تصمیم منصرف شدیم و این به راستی مرحمت خداوند بود که از همان راه مراجعت نکردیم.

از دست دادن آن کوله‌پشتی با غذا و آب که در آن داشتیم و آن گرامپون یکتا، مزید بر علت شد. رسیدن به گردنه چالون چندان اشکالی نداشت و فقط با شتابی که ما داشتیم گاهی سنگ‌های نسبتاً بزرگ از زیر پای ما می‌غلطید. اما از آنجا به بعد اشکالات متعدد یکی پس از دیگری فرا راه ما قرار می‌گرفت و ما را وادار کرد که طناب یانوسکی را به کمر خود ببندیم

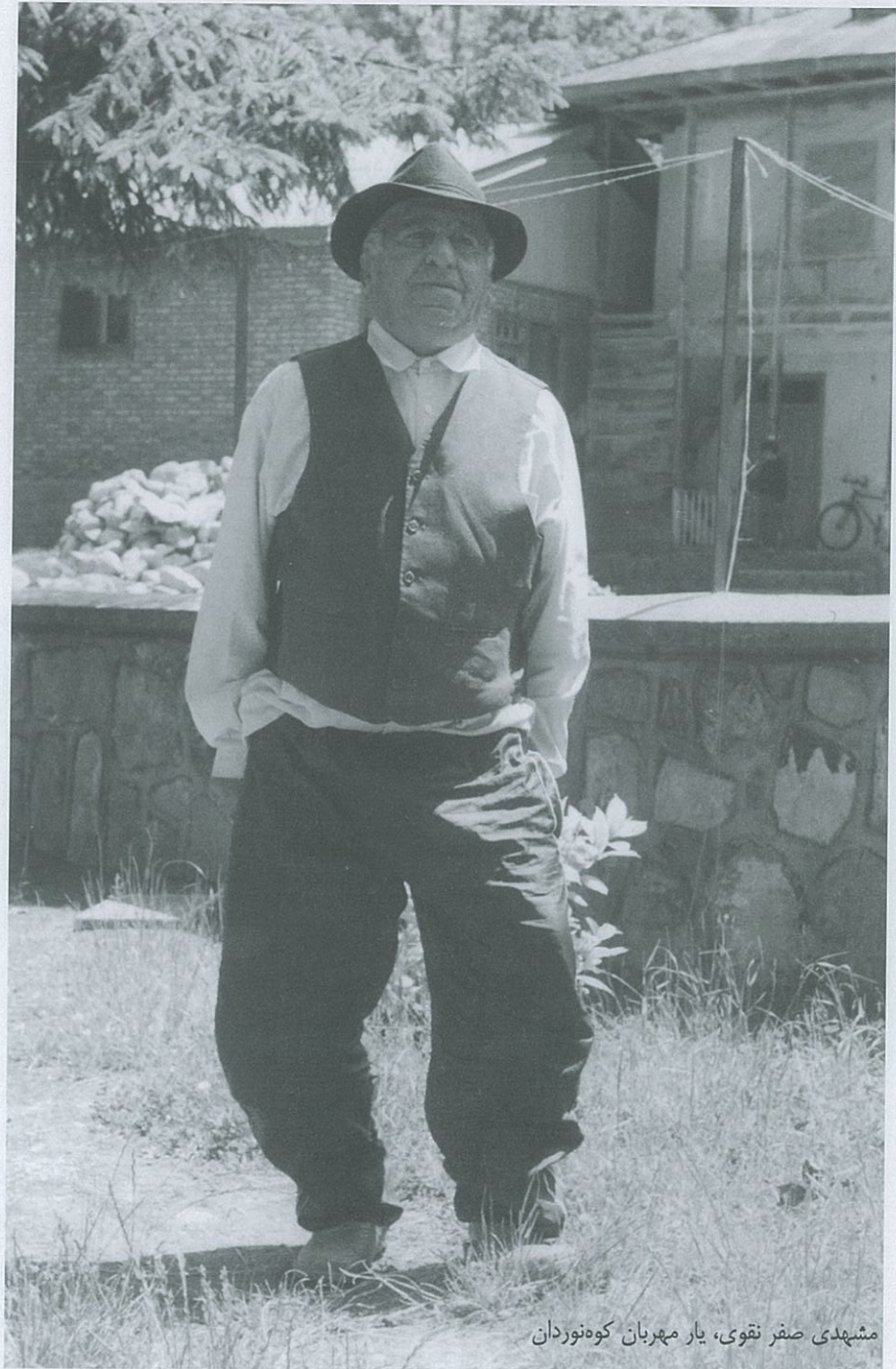
روبه حصارچال وجود داشت و همین اندازه که دانستیم برای شبمانی احتمالی مناسب است شکر گذار شدیم و پس از رسیدن بر نوک شاخک با نگاهی به اطراف راه حصارچال را درپیش گرفتیم و با علم بدرود گفتیم و رسیدن به قله آن را گذاشتیم برای کوشش بعدی چون درواقع به نود درصد از هدف اصلی خود که گشودن راهی به آن نوک بود رسیده بودیم و راه گشوده شده بود. چند دقیقه بعد به جویباری رسیدیم و چند مشت از آب گوارای آن نوشیدیم و گلویی تازه کردیم.

سگی راهنمای ما شد

چند دقیقه‌ای که گذشت از دور صدای پارس سگی به گوش رسید که برای ما به منزله زیباترین و جانبخش‌ترین موسیقی بود چه دانستیم که آن سگ ما را همچنان به سوی خود راهنمایی خواهد کرد. سگ متعلق به چوپانی بود که آن پایین دست‌ها بیتوته کرده بود و ما با فریاد بلند او را متوجه کردیم که گم شده‌ایم و نیاز به کمک او داریم. چوپان رادمرد آتش روشن کرد، جایی در کنار آن برای ما فراهم آورد و از کیسه پوستین خود مثنی قرمه بیرون آورد و گرم کرد و به ما داد و ما پس از بلعیدن آن به خواب رفتیم و هنگامی بیدار شدیم که در آفتاب جانبخش نه از چوپان اثری بود و نه از سگ و رمه او و این یکبار دیگر نمونه‌ای بود از میهمان‌نوازی جبلی مردم با شرف ایرانی که من در رهگذرهای چندی دیگر همواره از آن برخوردار شده‌ام. تا این نفس برمی‌آید مدیون و شرمنده این هموطنان به راستی انسان هستم و اگر بخت یاری می‌کرد نمونه‌های دیگری از آن را برای شما خواننده گرامی بازگو خواهم کرد.

و از جمله آن‌بار که یک کوه‌نورد فرانسوی را از گرده آلمان‌ها به قله بردیم و بر اثر هوای توفانی ناچار بار دیگر از حصارچال سرازیر شدیم و میهمان‌نوازی و سخاوت چوپانی دیگر آن فرانسوی را مهیوت و مرا از حوق‌شناسی گریان کرد.

به این جای این نوشته رسیدم قلم را کنار گذاشتم و چند لحظه‌ای از روی احساس اشک ریختم و همراه با آن به مردمی چنین دوست داشتنی و بی‌نظیر و بازماندگان سلف آن‌ها درود می‌فرستم.



مشهدی صفر نقوی، یار مهربان کوه‌نوردان

کم کم نگرانی داشت بر ما چیره می‌شد و می‌بایست هرچه سریع‌تر خود را به شاخک می‌رساندیم. آن هم به آن امید که جای مناسبی برای صعود یا پایین رفتن داشته باشد و گفته ارسالان به یاد آمد که گفت: « از حصارچال صعود کردیم و از همان راه برگشتیم ». فقط امید ما آن بود که پیش از رسیدن تاریکی بتوانیم سرازیر شویم. خوشبختانه به پای شاخک که رسیدیم دیدیم که شیئی شن‌زار مانند و گاهی پوشیده از علف

و از آن برای حمایت یکدیگر استفاده کنیم. برنامه ما آن بود که وقتی بالای یک دهلیز تنوره شکل رسیدیم نان و آبی صرف کنیم، اما نان و آب و دیگر مخلفات آن در قعر یخچال پایین افتاده و ناپدید شده بود و ما سه نفر ماندیم تنها با توکل به خدای خود و به آن بالا که رسیدیم ته جیب‌های خود را واریسی کردیم و مجموعاً چند دانه تخمه کدو و چند فندق و پسته و بادام یافتیم که آن را برادرانه بین خود تقسیم کردیم.

از سوی دیگر آغاز می‌شود و به این گونه است که این نام‌ها و چند نام دیگر - که بعداً اشاره خواهد شد - پابرجای مانده است که راهنمایی است برای شناسایی آسان راه‌ها و پیش از آن وجود نداشت و بدون آن‌ها حتی با توضیحات مفصل امکان نداشت که راهنمایی صحیح داده شود.

در شماره‌ای دیگر داستان نخستین صعود از گرده آلمان‌ها به قله علم کوه (پس از صعود آلمانی‌ها) را برای شما می‌نویسم که باردیگر از عظمت و زیبایی و به یادمانی این کوه حکایت می‌کند.

در پایان از همکاری ارزنده و همفکری دوستان ، جلیل کتیبه‌ای و محمدعلی پرویزی سپاسگذاری می‌کنم. بدبختانه شنیده‌ام که دوستم پرویزی جان به جان آفرین داده است امید دارم درست نباشد و اگر درست است به روح او درود می‌فرستم و به بازماندگانش صمیمانه تسلیت می‌گویم. ■

زیر تخت سلیمان را تخت چال و زیر سیاه کمان را کمان چال.

در فاصله میان تخت سلیمان و علم کوه و در واقع میان تخت چال و علم چال و کمان چال رشته کوه کوچک یال مانند دیگری وجود دارد که تقریباً از علم چال آغاز می‌شود و به گردنه شانه کوه پایان می‌پذیرد و صعود از تیزه آن به سوی شانه کوه دید شکوهمندی از تخت سلیمان و علم کوه همزمان به انسان می‌دهد. آن را میان سه چال خواندیم و از آنجا که میان سه چال پایان می‌پذیرد شانه کوه آغاز می‌شود آن‌جا را از آن‌رو شانه کوه نامیدیم که تخت سلیمان را به علم کوه می‌پیوندد و درواقع به شانه این دو کوه میماند و از این گذشته خود شکل دندان‌های آن مانند شانه ایست که برای آرایش موی سر از آن استفاده می‌گردد و ضمناً از آن‌جا است که راه گرده آلمانی‌ها از یک طرف و راه تیز تخت سلیمان

بازگشت و بازگشتی دیگر

به هر حال پس از ترک آن چوپان سرا دوباره از پیت‌سرا به پاتخت صعود کردیم تا آنچه را که در علم چال گذاشته بودیم برداریم و یک‌بار دیگر بازگردیم به پیت‌سرا و رودبارک و شادمان شدیم از اینکه همه‌چیز به همان صورتی که ترک کرده بودیم هنوز بر روی آن گرانبه سفید قرار داشت و از شما چه پنهان بیش از آنچه لازم و صحیح بود با حرص و ولع خوردیم و نوشیدیم و بعد تصمیم گرفتیم که راه پاتخت را پیش بگیریم و در علف‌زارهای مسطح آن یک شب راحت بگذرانیم و فرصت آن داشته باشیم که به نامگذاری اطراف خود پردازیم.

ساده‌ترین راه نامگذاری آن بود که از نام کوه‌های اطراف برای نامیدن یخچال‌ها و گردنه‌ها استفاده شود. مثلاً یخچال زیر علم کوه را علم چال نامیده و

Jack Wolfskin
Julbo



KOVEA



PETZL

LAVAN

هفت کوه



تنها عرضه کننده لوازم کوه نوردی سنگنوردی ، کمپینگ در شیران

نماینده فروش دستگاه دفع سگ سانان DAZER II در تهران

آموزش پاراگلایدر و پاراموتور توسط اساتید مجرب زیر نظر هیئت ورزشهای هوایی استان تهران

آدرس: تجریش، روبروی بیمارستان شهداء ، پاساژ میری ،

طبقه همکف بازار، شماره ۲۳ تلفن: ۲۲۷۱۴۷۷۲ -

همراه: ۷۳۸۴۲۹۵ - ۰۹۱۲ فاضلی

Email: f.damavand@yahoo.com



گزارش صعود قله نان

Nun Peak

گزارش از معصومه سوارانی •

هیات کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان تهران در سال‌های گذشته در جهت ارتقاء سطح هیمالیانوردی استان با فراخوان از هیات‌های تابعه، حوزها، گروه‌ها و باشگاه‌های استان و برگزاری اردوهای انتخابی توانسته است برنامه‌های موفق را اجرا نماید. سال ۱۳۸۷ قله برودپیک (۸۰۴۷ متر) و در سال ۱۳۸۸ قله گاشربروم (۸۰۳۵ متر - آقایان) و قله اسپانتیک (۷۰۲۹ متر - بانوان) برنامه‌هایی است که از نتایج آن می‌توان به حضور ۶ تن از اعضای این تیم‌ها در تیم ملی اعزامی به قله دانولاگیری اشاره کرد. با توجه به تجارب کسب شده در سال جاری، این هیات تصمیم به اجرای برنامه متفاوتی نسبت به سال‌های پیش نمود. انتخاب رده سنی ۲۰-۳۰ سال این امکان را فراهم نمود تا اطلاعات و تجربیاتی که برای فعالیت در این عرصه لازم می‌باشد، به امیدهای بعدی این رشته انتقال است.

کشور هندوستان

کشور هند با جمعیتی حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر و با پهنايي دو برابر ایران هفتمین کشور پهناور جهان محسوب می‌شود. کشوری که با ۳۱ ایالت، ۱۶۱۸ زبان و گویش مختلفه ۶۴۰۰ طبقه اجتماعی، ۹ دین و فرقه متفاوت به سرزمین عجایب مشهور است. هندوستان دارای تاریخ و فرهنگ بسیار کهن و پربراری است که به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. طی ۸۰۰ سال تسلط فارسی‌زبانان یا ایرانیان بر هند، این کشور از فرهنگ ایران و زبان فارسی تاثیر بسیاری پذیرفته است.

به دلیل قرار گرفتن رشته کوه‌های هیمالیا در شمال آن رطوبت و ابرهای باران زا به شمال آن نفوذ نمی‌کند و در نتیجه هند کشوری پر باران و مرطوب و دارای خاک بسیار حاصلخیزی است.

جامو و کشمیر شمالی‌ترین ایالات جمهوری هند است. مرکز تابستانی این ایالت شهر سرینگار و مرکز زمستانی آن شهر جامو است. بیشتر خاک این ایالت در رشته کوه‌های

ترکینگ در منطقه فعالیت دارند با مکاتبات به عمل آمده با برخی از این شرکت‌ها در نهایت شرکت Rimo به عنوان طرف قرارداد مدنظر قرار گرفت.

در اینجا ذکر نکاتی در مورد این شرکت برای افرادی که قصد فعالیت در این منطقه را داشته باشند می‌تواند مثمر ثمر واقع شود.

در مورد کیفیت خدماتی که تا کمپ اصلی از این شرکت دریافت کردیم، می‌توان به رسیدگی‌های کامل به تیم و اجرای برنامه تمرینی در شهر له اشاره کرد. بعد از استقرار در کمپ اصلی نیز کیفیت بالای غذا و تجربه شریلهایی که در خدمت تیم بودند کمک شایانی به هرچه بهتر برگزار شدن برنامه نمود.

تجهیزاتی مانند چادر، طناب و... نیز که توسط شرکت به تیم سپرده شده بود، همگی از کیفیت قابل قبولی برخوردار بودند.

هدف شرکت Rimo از سوی مدیریت شرکت، سلامت اجرای برنامه عنوان شد که این موضوع خود می‌تواند مؤید اجرای حرفه‌ای برنامه از سوی شرکت باشد.

انتخاب قله نان

بعد از ۸ مرحله اردوی آموزشی - انتخابی در نهایت ۴ نفر از بانوان و ۵ نفر از آقایان این استان راهی منطقه هیمالیای هند شدند.

این بخش از هیمالیا به دلیل آب و هوای متغیر و کمبود اطلاعات کافی، از چشم کوهنوردان ایرانی دور مانده بود. به همین دلیل برای گشودن دریچه‌ای جدید در منطقه‌ای مستعد از هیمالیا با تحقیقات گسترده، در ابتدای امر دو قله مهم منطقه، نان و کان برای صعود دو تیم انتخاب شد.

به دلیل مشکلات مالی هیات، برای اجرای برنامه و تحمیل هزینه‌های اضافی که صعود مجزای این دو قله (که در یک منطقه قرار گرفته ولی دارای کمپ اصلی متفاوت می‌باشد) برای تیم داشت، در نهایت یک قله (نان) برای فعالیت هر دو تیم در نظر گرفته شد.

انتخاب شرکت Rimo:

باتوجه به توریستی بودن کشور هند و منطقه شرکت‌های زیادی در زمینه اجرای برنامه‌های اکسپدیشن کوهنوردی و



منطقه گشت. این تیم از مسیر دورتر و از دامنه های جنوبی نان و روستای Fariabad خود را به یال غربی رساندند. در نهایت پیر ویتوز و خانم کلود کوگان در شرایط ناپایدار منطقه حمله نهایی به سمت قله را آغاز کردند و موفق به صعود آن شدند.

در سال های بعد از آن دومین صعود قله از تیغه شرقی انجام گرفت و به مرور نیز مسیرهای دیگری بر روی کوه گشایش یافت. در ۱۹۷۶، یک تیم ۶ نفره از چک از تیغه شمال غربی و در ۱۹۸۰، تیم آمریکایی از مسیر شمالی به این قله دست یافتند.

سال ۱۹۸۱، دیواره غربی کان که در مقابل دیدگان خودنمایی می کرد، مورد توجه ژاپنی ها قرار گرفت. آنها توانستند بعد از دوازده روز تلاش مشقت بار در ۵ جولای در هوایی ابری خود را به قله برسانند، اما در اقدامی عجیب برای تهیه عکس، تا آفتابی شدن هوا در روز بعد بر روی قله بیواک کردند. در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۲) محمد دلوودی، از کوهنوردان نامی ایران، در غالب یک تیم اکسپدیشن بین المللی راهی منطقه شد. ایشان توانستند وایت نیدل را صعود کنند، ولی به علت شرایط بد جوی از صعود کان بازماند.

← قله های منطقه

قله های محدوده زانسکار که در نزدیکی نان - کان قرار دارند، همگی در سال های اخیر صعود شده و با پیشوند Z

های جنوبی با رودخانه Fariabad که در جنوب کیشتوار جریان دارد، محصور شده است.

تاریخچه صعود:

در سال ۱۸۹۸، F.G.Lucas و C.G.Bruce اولین سیاحانی بودند که به این قسمت از هیمالیا پا گذاشتند. پس از آن در سال های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۴ دکتر آرتور نیو برای تحقیقات و اصلاح نقشه های قدیمی از سمت یخچال شفات وارد منطقه شد. وی این مسافر هلندی، دکتر H.Sillem بود که توانست فلات مرتفع مابین نان و کان را کشف کرده و تا ارتفاع ۶۴۰۰ متری پیشروی کند.

یک زوج آمریکایی یعنی هانتز و فنی بولک ور کمز در ۱۹۰۶ برای مطالعات بیشتر به کشمیر آمدند و توانستند قله پیناکل پیک را نیز صعود کنند.

اولین صعود قله کان در ۱۹۱۳ توسط کنت پیاچنزای ایتالیایی به وقوع پیوست. او توانست از طریق فلات برفی خود را به یال شمال شرقی قله رسانده و بر روی آن بایستد. در این میان تلاش برای صعود قله مشکل تر نان ادامه داشت. در ۱۹۳۴، والتر تلاشی بر روی تیغه شرقی انجام داد و در نهایت توانست وایت نیدل را که در شرق نان قرار گرفته صعود نماید. او بعداً برای تلاش بر روی یال غربی بازگشت، مسیری که دوباره توسط بری و ویتوز دنبال شد.

در ۱۹۵۳ یک تیم فرانسوی - سوئیسی با به خدمت گرفتن شریاهای هندی، به سرپرستی برنارد پیر عازم

هیمالیا قرار گرفته است. منطقه سابق شاهنشین جامو و کشمیر مورد مناقشه بین کشورهای چین، هند و پاکستان است. ایالت هندی جامو و کشمیر توسط پاکستان به نام کشمیر اشغال شده هند نامیده می شود. ایالت جامو و کشمیر به سه ناحیه تقسیم می شود: جامو، کشمیر و لداخ (Ladakh). این ایالت دارای جاذبه های گردشگری بی شماری است. به «دره کشمیر» به سبب دورنماهای زیبا و رشته کوه های شگفت، بهشت روی زمین گفته می شود و «جامو» به محل معابد جذاب معروف است که همه ساله صدها هزار زائر هندو و مسلمان آنها را زیارت می کنند. لداخ نیز به سبب کوه های دور از دسترس و زیبا و همچنین فرهنگ بودایی به تبت کوچک شهره است.

← معرفی قله نان (NUN)

ارتفاع: ۷۱۳۵ متر (۲۳۴۱۰ فوت)
موقعیت: هند - ایالت جامو و کشمیر
مختصات جغرافیایی: $33^{\circ} 48' 58'' N$, $76^{\circ} 18' 11'' E$
نزدیک ترین شهر: کارگیل
نزدیک ترین فرودگاه بین المللی: دهلی
بهترین ماه های صعود: جولای - اگوست - سپتامبر
در محدوده زانسکار از هیمالیا و در امتداد محور نانگا پاربات یک گروه از قله های مرتفع - نان (۷۱۳۵ متر)، کان (KUN) (۷۰۸۷ متر)، پیناکل پیک (Pinnacle Peak) (۶۹۵۲ متر) و وایت نیدل (White Needle) (۶۶۰۰ متر) - قرار گرفته اند که مهم ترین توده هیمالیایی کشمیر را تشکیل می دهند.
محققان آمریکایی قله های دوقلوی نان و کان، را این گونه توصیف می کنند: روشنایی خیره کننده برف سفید و قله های سنگی که سرشان بالاتر از کوه های اطراف رفته است در واپسین گاه غروب در آسمان خاکستری همچون زبانه های آتش در نظر جلوه می کنند.
مهم ترین قله این توده نان و کان توسط یک فلات مرتفع برفی به طول ۴ کیلومتر از یکدیگر جدا شده اند. امتداد این فلات به سمت پایین به آبشارهای یخی و سپس به یخچال Parctict در شرقی ترین شاخه آن می رسد. شاخه اصلی این یخچال در سمت یال غربی نان پیشروی کرده است.
همچنین دامنه های شرقی قله با یخچال شفات و دامنه



معرفی شده و از این پس تیم راهمراهی خواهند کرد. از دهلی تا آخرین روستا که در تانگول قرار دارد، در دو شهر دیگر نیز توقف داریم. فاصله میان دهلی تا شهر له در ایالت کشمیر را با هوای پیمای می کنیم. دفتر شرکت Rimo در این شهر قرار دارد و آشپز و شریپاهای تیم در این شهر به ما ملحق می شوند. شریپاها عبارتند از:

لاک پا شریپا که در کارنامه کوهنوردی خود دوبار صعود به اورست، K2، ماکالو و چند قله ۷۰۰۰ متری را دارد و لیدر شریپاها است (آقای لاک پا با توجه به تجارب اجرای برنامه ها، مسؤل مستقیم و نماینده شرکت Rimo در برنامه صعود است).

سام گل شریپا که مسؤل فنی شریپاها است. پسانگ شریپا که در کارنامه کوهنوردی خود صعود به قله اورست و ماکالو را دارد.

مینگما شریپا که در سال ۲۰۰۸ تا کمپ ۲ قله NUN را صعود نموده است و دان سینگ شریپا شهر له (LEH) که در ارتفاع ۳۵۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته، به دلیل جاذبه های طبیعی و تاریخی همواره پذیرای توریست های بسیاری می باشد، به طوری که بیش از ۵۰ دفتر توریستی در شهر به چشم می خورد. در مدت اقامت دو روزمان در له، یک برنامه هم هوایی توسط شرکت Rimo به منطقه ای به نام ستوک ترتیب داده شده که برای حفظ آمادگی افراد بسیار مناسب است.

۸۹/۵/۱: به سمت کارگیل حرکت می کنیم. جاده کوهستانی له به کارگیل با وجود زیبایی، بسیار طولانی و پرپیچ و خم می باشد و ما را کمی خسته می کند. این آخرین شهر در مسیر است و تیم یک روز را در یکی از هتل های

نامگذاری شده اند. به جز 3Z که توسط پیاچنزا اولین صعود کننده کان، که در ۱۹۱۳ صعود شد. در واقع با صعود پیاچنزا از آن زمان تا کنون قله های این منطقه هدف کوهنوردان ایتالیایی واقع شده است.

از دیگر قله این منطقه که در شرقی ترین قسمت قراقرم واقع شده می توان از Apsaras II (۷۲۰۰ متر)، Chong Kumdan II (۷۰۰۴ متر)، Rimo I (۷۰۹۳ متر) نام برد. روز شمار برنامه:

۲۷/۸۹/۴: تیم هیمالیانوردی امید آقایان: ۱- رضا کفاش (سرپرست) ۲- محمد نادریان (مربی) ۳- کامران کشتکار از گروه سایپا ۴- نادر قاسمی از خانه کوهنوردان نظر آباد ۵- محسن ملاجان از طالقان ۶- محمد دانشمندی از گروه تهران ۷- محمد رضا رضایی از باشگاه دماوند و تیم هیمالیانوردی بانوان: ۱- یونس رضاخانی (سرپرست) ۲- مسعود حمیدی (پزشک) ۳- جعفر ناصری (تدارکات) ۴- معصومه فریار از هیات دماوند ۵- معصومه سوارانی از باشگاه اسپیلت ۶- رویا ریاضی از کهد* ۷- بیان فاضلی از همت شمیران عصر یکشنبه در میان بلرکه مسؤلین، خانواده ها و دوستان تهران را به مقصد دهلی ترک می کند. دوشنبه ساعت ۳ صبح در دهلی هستیم و با همراهی نماینده شرکت Rimo به هتل Broadway منتقل می شویم.

در جلسه ای که بعد از ظهر به صورت مشترک با آقای رولیندر، رئیس فدراسیون کوهنوردی هندوستان و خانم الیکه، نماینده شرکت Rimo برگزار می شود افسران تیم ها (آقای برات برای تیم بانوان و آقای کاپور برای تیم آقایان) به ما

شهر به نام Dzojila اقامت می کند. فردا حرکت خود را در جاده ای که در امتداد رود سورو به سمت تانگول پیش می رود، ادامه می دهیم. بعد از ظهر به روستا رسیده و شب را در قرارگاه کوهنوردی که توسط فدراسیون کوهنوردی هند، برای اقامت کوهنوردان ساخته شده، به سر می بریم. ارتفاع منطقه ۳۴۰۰ متر می باشد و کلاً ۸ روستا آن را احاطه کرده است.

۸۹/۵/۳: پس از گذشت یک هفته از آغاز سفرمان سرانجام خود را در مسیر کمپ اصلی نان می یابیم. با ۴ ساعت کوهپیمایی سبک در پاکوبی سرسبز و پوشیده از گل و گیاه، به محل شب مانی در ارتفاع ۴۲۰۰ متری می رسیم.

۸۹/۵/۴: ادامه مسیر به سمت کمپ اصلی را در پیش می گیریم. با ۴ ساعت کوهپیمایی در مسیری مرکب از برفچال، یخ و سنگ به کمپ اصلی به ارتفاع ۴۵۰۰ متر می رسیم. در منطقه دو تیم حضور دارند: تیم هندی ها که تا کنون کمپ ۲ خود را نیز برپا کرده اند و تیم اسپانیا که تا کمپ ۱ صعود کرده است. کمپ اصلی در پای قله ۵۸۱۳ متری بارمال قرار دارد. ولی قله نان از این منطقه قابل رؤیت نیست.

۸۹/۵/۵: ثابت گذاری های مسیر کمپ ۱ توسط شریپاها به پایان رسیده است. نفرت تیم نیز به خوبی هم هوا شده اند. بنابراین امروز برای لمس کمپ یک و برپایی چادرها به سمت بالا حرکت می کنیم. مسیر را می توان به سه بخش تقسیم نمود: کمپ اصلی تا ABC با شیب متوسط ۴۰ درجه که بدون نیاز به ثابت گذاری صعود می شود، ABC تا فلات برفی با شیب بین ۶۵ تا ۸۰ درجه با شکاف های زیاد در مسیر که به حدود ۷۰۰ متر ثابت گذاری نیاز دارد و فلات برفی ای که در واقع محل استقرار کمپ یک است. این منطقه به خوبی می تواند چادرهای زیادی را در خود جای دهد.

منظره نان و قله برج مانند کان در سمت شمال شرقی، با وارد شدن به فلات کم کم نمایان می شود. در مجموع شش ساعت و نیم زمان برای صعود از کمپ اصلی به کمپ یک کافی است. دو تیم با فاصله نیم ساعت، در حدود ساعت ۱۳ به کمپ یک می رسند. برای هم هوایی توقفی دو ساعته داریم و ساعت ۱۷ نیز مجدداً در کمپ اصلی هستیم.

۸۹/۵/۶: استراحت در کمپ اصلی و برگزاری مراسم دعای مخصوص نپالی برای سلامتی تیم

۸۹/۵/۷: استراحت در کمپ اصلی به دلیل بارش باران در کمپ اصلی و بارش برف در ارتفاعات بالا



است به کمپ ۳ در ارتفاع ۶۵۰۰ متر می‌رسیم.

۸۹/۵/۱۴ (روز صعود): بارش ملوم برف که دیشب ساعتی بعد از ورود ما آغاز شده است تا صبح ادامه دارد. یکی از افراد تیم بانوان و یک نفر از تیم آقایان به دلیل کسالت به همراه لاکپا شریا به کمپ ۲ انتقال داده می‌شوند. ما همچنان در انتظار هوای مناسب

۸۹/۵/۸: یک تیم ۵ نفره به سرپرستی محمد نادریان، ساعت ۶ و بقیه افراد ساعت ۸ صبح به سرپرستی یونس رضاخانی برای شب مانی در کمپ ۱ اقدام به صعود می‌کنند

۸۹/۵/۹: در هوای صاف صبحگاهی، دو تیم در ساعت ۶ با فاصله نیم ساعت، حرکت خود را به سمت کمپ ۲ آغاز می‌کنند. با ۱ ساعت پیاده روی در فلات به ابتدای ثابت گذاری‌های مسیر کمپ ۲ می‌رسیم. مسیری با شیب تند یخی تا ارتفاع ۵۹۰۰ ادامه می‌یابد. پس از آن وارد دست به سنگ‌های مسیر که حدود ۲۰۰ متر ادامه دارد می‌شویم؛ این قسمت بسیار ریزشی بوده و نفرات نزدیک به هم صعود می‌کنند. تا تیغه باریکی که محل چادر هندی هاست ادامه می‌دهیم. برای رسیدن به کمپ ۲ به سمت پایین سرازیر شده و دو تیم با اختلاف ۱ ساعت در ساعت ۱۲ به محل برپایی چادرها (۶۱۰۰ متر) می‌رسیم.

بعد از دو ساعت هم‌هوایی مستقیماً به سمت کمپ اصلی سرازیر می‌شویم.

۸۹/۵/۱۰: استراحت در کمپ اصلی و رسیدگی به کارهای شخصی

۸۹/۵/۱۱: روز دوم استراحت در کمپ اصلی به دلیل پیش‌بینی‌های هواشناسی حذف شده و ما امروز حرکت نهایی به سمت قله را آغاز می‌کنیم. با بدرقه سرپرست و عبور از زیر قرآن تیم‌های امید بانوان و آقایان با اختلاف نیم ساعت راهی کمپ یک می‌شوند. هوا ابری است ولی در طی صعود بارش نداریم.

۸۹/۵/۱۲: در هوای نیمه ابری مسیر یخ‌زده کمپ ۲ را پشت سر گذاشته و ساعت ۱۵ الی ۱۶ دو تیم در کمپ هستند در انتهای افق قله ۸۱۲۶ متری نانگاپاربات هم مانند یک قالب سفید برفی خود نمایی می‌کند.

۸۹/۵/۱۳: مسیر کمپ ۳ کمترین شیب را در کل مسیر صعود داراست و تنها به دو ساعت و سی دقیقه کوهنوردی نیاز دارد. قرار است بعد از ظهر به سمت کمپ ۳ رفته و با چند ساعت استراحت در این کمپ در ساعات اولیه روز بعد راهی قله شویم.

در مدت استقرارمان در کمپ ۲ تیم هندی موفق به صعود قله شده است و ما در بازگشت اطلاعاتی در مورد مسیر کمپ ۳ به قله دریافت می‌کنیم.

حدود ساعت ۱۵:۳۰ در میان وزش باد شروع به حرکت کرده و ساعت ۱۸ در حالی که بر شدت باد افزوده شده

سرازیر می‌شویم. از کمپ ۲ به پایین در مه حرکت خود را ادامه می‌دهیم و در ساعت ۱۳ به کمپ یک می‌رسیم و مورد استقبال افراد حاضر در کمپ و سرپرست تیم قرار می‌گیریم. خبر صعود نیز از طریق تلفن ملهواره‌ای به تهران مخابره می‌شود. پس از کمی استراحت مجدداً حرکت خود را به سمت کمپ اصلی ادامه می‌دهیم. به هنگام برگشت با چهره جدید مسیر که دچار تحول‌های زیادی شده است رو به رو می‌شویم بهمن‌های ریخته شده به دلیل بارش برف در دو روز گذشته و ایجاد شکاف‌های جدید تنها در مدت کوتاه صعود ما به وقوع پیوسته بود. در نهایت ساعت ۱۹:۳۰ تلاش سه روزه دو تیم برای صعود قله با رسیدن به کمپ اصلی نان پایان می‌رسد.

۸۹/۵/۱۶: شب برای جشن صعود آشپز ماهر تیم کیک بسیار لذیذ و زیبایی را آماده می‌کند و ما در چادر آشپزخانه مراسم جشن کوچکی برپا می‌کنیم.

امروز با تماسی که با له گرفته شد باخبر می‌شویم به علت بارش باران زیاد در منطقه سیل آمده است و راه‌های ارتباطی بین کارگیل و له قطع شده است.

۸۹/۵/۱۷: امروز با وداع از منطقه و قله نان کمپ اصلی را برای بازگشت به تانگول ترک می‌کنیم. تمامی بارها نیز توسط باربرهای محلی به پایین منتقل می‌شوند.

۸۹/۵/۱۸: به دلیل سیل ماشین‌های شرکت Rimo نتوانستند از له خود را به ما برسانند و تا بعد از ظهر منتظر افسر تیم برای آوردن ماشین هستیم.

۱۹ و ۲۰: ۸۹/۵/۱۹: به دلیل خرابی پل‌ها بازگشت به له امکان پذیر نبوده و ما به سمت سرینگار پایتخت ایالت جامو و کشمیر منتقل می‌شویم. ■

در چادرها می‌مانیم. حدود ساعت ۱۲ هوا بهتر شده و زمان مناسب برای صعود فرا می‌رسد. با مشورت پزشک و مربی تیم و شریلاها و با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های هواشناسی و اینکه افراد نمی‌توانند یک شب دیگر را در این شرایط سپری کنند، ساعت ۱۳ تلاش برای صعود قله توسط ۸ نفر آغاز می‌شود. یکی از نفرات بعد از نیم ساعت اقدام به بازگشت می‌کند و تیم هفت نفره ما به همراه ۳ شریا وارد ثابت گذاری‌های مسیر می‌شود. دو طول از مسیر را که دارای شیب ۸۰ درجه و کاملاً یخ‌زده است صعود می‌کنیم. کم کم مه اطراف را در بر می‌گیرد. ساعت ۱۷ به نوار صخره‌ای که درست در زیر خط الرأس قله قرار دارد می‌رسیم. بارش برف نیز شروع شده و در هوایی سرد به صعود ادامه می‌دهیم. سعی می‌کنیم سرعت را بالا برده تا بتوانیم به موقع خود را به قله برسانیم. ساعت ۱۹ به روی خط الرأس قله قرار می‌گیریم این قسمت توسط تیم هندی صعود نشده و ما در حین صعود اقدام به ثابت گذاری می‌کنیم. ما چشم به جلو دوخته‌ایم و در انتظار دیدن قله با احتیاط در میان مه پیش می‌رویم. حالا دیگر ابرها به پایین سرازیر شده و ما با قله‌ای که در نزدیکی مان است روبه‌رو می‌شویم. آخرین قدم‌ها را با انرژی دو چندان برداشته و در ساعت ۱۹:۴۰ به وقت محلی با برافراشتن پرچم پر افتخار ایران، قله ۷۱۳۵ متری نان توسط تیم امید آقایان و بانوان استان تهران صعود می‌شود. تیغه قله بسیار باریک بوده و ما نمی‌توانیم از حمایت خارج شویم. تنها با تمهیه عکس و فیلم از قله به سرعت راهی پایین می‌شویم. فرود ثابت‌ها در تاریکی شب و در شیب بالای مسیر باید همراه با احتیاط بیشتری باشد.

افراد تیم حاضر در کمپ ۳ به استقبالمان می‌آیند و ما ساعت ۱۱ کنار چادرهای کمپ هستیم.

۸۹/۵/۱۵: با جمع کردن کمپ ۳ به سوی کمپ ۲

(غار سُم)

گزارش کار دومین غار
عمودی ایران
سازایی کامل تر، نقشه
برداری و رولکوبی غار
«سُم» - دومین غار
عمودی ایران

گزارش از: بخش غارنوردی کارگروه کوهنوردی

فدراسیون

مرداد ۱۳۸۹

مقدمه:

از ۱/۶۲۳/۲۹۲ کیلومتر مربع مساحت ایران ۸۸۲/۱۵۰ کیلومتر مربع و یا معادل ۵۴/۵ درصد کشور را کوه فرا گرفته است که این کوه ها از چهار قوس شمالی، زاگرس، خاوری و مرکزی تشکیل یافته اند. کوه های شمالی ایران که بخشی از چین خوردگی های آلپ و هیمالیا هستند به صورت رشته طویلی از آذربایجان خاوری شروع شده و رو به سوی شرق از کرانه های جنوبی دریای خزر می گذرد و در شمال خراسان به کوه های خاوری ایران می پیوندد.

زمین شناسی:

رشته کوه های شمالی به وجود آمده از چهار دوره زمین شناسی (۱) پری کامبرین (۲) ژوراسیک (۳) دوره سوم رسوبات نئوژن و ماسه سنگ آهکی نواحی گرگان و نکا (۴) رسوبات دوران چهارم هستند که مناطق کارستی* به صورت پراکنده در این نواحی

وجود دارند.

* (مناطق کارستی: خاستگاه پدید آمدن غارهای

انحلالی هستند)

■ اقلیم کوه های شمالی ایران

کوه های البرز را بایستی مرز میان دو اقلیم کاملاً متمایز به شمار آورد. دامنه های شمالی این ارتفاعات به اقلیم ساحلی جنوب خزر و دامنه های جنوبی آن به اقلیم فلات مرکزی ایران مشرف است. جبهه شمالی البرز همواره در معرض جریانات جوی و رگبارها و باران های زیادی است که به ۱۲۰۰ میلی متر در سال می رسد و این مقدار در مناطق انزلی تا به ۱۷۰۰ میلی متر در سال هم می رسد. به عبارتی می توان به این نکته توجه نمود که هر چهار عامل (۱) زمین مناسب (۲) دما (۳) بارندگی (۴) ارتفاع که از عوامل اصلی زایش غارها هستند در این مناطق حکم فرما است و پتانسیل های لازم جهت کشف غارهای جدید هنوز وجود دارد. شاید دور از واقعیت نباشد که عمیق ترین غار ایران را می توان در همین نواحی جست.

■ موقعیت قرارگیری غار سُم

سُم در زبان محلی به معنای اشکفت و غار است؛ این غار در کوهی بنام «خوجه قنبر» به ارتفاع ۲۵۵۰ متر واقع است و از نظر تقسیمات استانی جزو استان گلستان و در نزدیکی مرز استان سمنان می باشد. غار «سُم» در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی شاهرود و ۱۴ کیلومتری غرب «ترین» با اقلیم جنگلی کوهستانی البرز شرقی است در هر صورت چه از سمنان برویم و چه از استان گلستان، مقصد روستای «نام نیک» است. نظر به اینکه یکی از اهداف بخش غارنوردی فدراسیون کمک و مشارکت در امور کشف و ثبت غارهای کشور است و پیرو تعاملات فی مابین شبکه استانی فدراسیون با هیئت گلستان، این بخش با توجه به دریافت گزارش اولیه و اسناد موجود مبنی بر وجود غاری عمودی در منطقه پس از دو ماه هماهنگی و تکمیل اطلاعات لازم و تهیه ملزومات و تجهیزات مورد نیاز این برنامه خاص و ویژه در نهایت با همکاری جمعی از غارنوردان، مربیان غارنوردی بخش، دوستان شرکت کوه‌ویسی، نفرات اعزامی هیئت گلستان، سرانجام در تاریخ ۸۹/۵/۵ با توجه به فصل مناسب



شهر میامی رفته و به سمت شمال تغییر جهت داده به سوی حسین آباد کالپوش ادامه مسیر داد و نهایتاً در ساعت ۱۸:۰۰ پس از ۶۳۰ کیلومتر به روستای «نام نیک» رسیدیم و پس از انتقال تجهیزات و بارگیری لوازم توسط دو دستگاه تراکتور به سمت غار حرکت نموده و به فاصله ۱۵۰ متری آن رسیدیم و نهایتاً تمام نفرات و تجهیزات تا ساعت ۲۱:۰۰ به محل کمپ در نزدیکی دهانه غار منتقل شدند. تیم گرگان نیز در ساعت ۷:۰۰ بامداد حرکت کرده بودند و توسط یک دستگاه تراکتور در ساعت ۱۶:۰۰ به محل کمپ رسیده بودند (در صورت خلوت بودن، جاده تهران تا نام نیک را می‌توان ۸ ساعته پیمود).

از ساعت ۲۱:۰۰ تا ۲۲:۳۰ به برقراری کمپ و تهیه شام و معارفه و توجیه برنامه تا ساعت ۲۴:۰۰ ادامه یافت. روز دوم (۸۹/۵/۶): بیداری در ساعت ۸ بامداد و ورود اولین تیم جهت

دهانه مورد بازدید قرار گرفت) در این برنامه تمامی اهداف فوق میسر گردید، ولی امکان اکتشاف همچنان وجود دارد.

■ موقعیت غار:

دهانه غار سُم با مختصات: $37^{\circ}N-06^{\circ}38'W$ و $55^{\circ}E-38'02^{\circ}$ در ارتفاع ۲۱۳۷ متری در ۵۰ متری از خط الرأس کوه «خوجه قبر» واقع شده و از نظر تقسیمات کشوری در استان گلستان و از توابع روستای «نام نیک» با مختصات: $37^{\circ}N-07^{\circ}46'W$ و $55^{\circ}E-41'56'$ می‌باشد.

■ «روزشمار برنامه»

روز اول (۸۹/۵/۵):

تیم تهران در ساعت ۶:۴۵ بامداد از میدان فردوسی توسط دو دستگاه اتومبیل ون و پراید حرکت کرد و در ساعت ۱۳:۰۰ به شهرستان شاهرود و سپس به

عازم منطقه شدیم.

غارنوردان خوب ایرانی طی یک فعالیت سخت و فشرده طی ۳ روز ضمن بازگشایی کامل تا عمق بیش از ۴۰۰ متر و نصب کارگاه های ثابت رول و ایجاد تعداد متناهی لوب در چاه های مسیر و نقشه برداری به انتهای غار رسیدند و رکورد جدیدی را در غارهای ایران به ثبت رساندند (دومین غار عمودی ایران پس از پراو و یکی از سخت ترین و فنی ترین غارهای ایران). برنامه ای که با همت و همکاری تمامی عزیزان صد در صد ایرانی محقق گردید با پشتوانه علمی و بهره برداری از فنون روز دنیا به انجام رسید برگ زرینی است در تاریخ غارنوردی ایران.

■ «تاریخچه غار»

این غار به دلیل وجود یک راه زیارتی در کنار آن از قدیم مورد بازدید قرار می گرفته (معمولاً تا سر چاه اول) ولی وجود دو اسکلت انسان در انتهای چاه دوم نشان دهنده پیموده شدن غار تا آن نقطه می‌باشد. در دو سال گذشته نیز توسط گروهی از غارنوردان شاهرودی، گنبدی (گروه قابوس گنبد) که تا سر چاه ۱۶ پیموده شد که در آن تاریخ هیچ گزارشی به فدراسیون ارایه نشد. سپس گروه آفاق شهرستان گرگان در ۱۵ خرداد ۸۹ تا چاه ۲۰ فرورفته و متوجه یک دریاچه کوچک در انتهای چاه ۲۰ می‌شوند و همچنین در تیرماه ۸۹ طی تلاشی دیگر به انتهای چاه ۲۰ رسیده و تابلوی خود را نصب می کنند. به دلیل احتمال وجود چاه‌های بیشتر و حتی امکان وجود حوضچه و دریاچه تقاضای کمک از بخش غارنوردی می نمایند و موجبات اجرای این برنامه با مساعدت دوستان فراهم می گردد.

■ «اهداف برنامه»

اکتشاف تا حد ممکن در زمان اندک و در صورت وجود حوضچه، اکتشاف و غواصی در آب. رول کوبی و استانداردسازی مسیرهای غار براساس اصول SRT و نصب کارگاه‌های امدادی. نقشه برداری از تمام مسیرهای پیموده شده و فیلم‌برداری از غار و تهیه عکس. اکتشاف دهلیزهای جدید در روی سطح زمین (۲)

ورود تیم اول	۶ بامداد	اربابی، وجدانی، سلحشور
ورود تیم دوم	۹:۳۰ بامداد	مصدری، سورنی نیا
ورود تیم سوم	۱۱ بامداد	بلاغی، لطفی
ورود تیم چهارم	۱۵ بعد از ظهر	دل پسند، دینانی



■ «چند نکته و هشدار»

در فصل بارندگی - به‌خاطر احتمال زیاد بروز خطرات جانی (ریزش سیل) - از حضور در این غار اجتناب شود، بنابراین قبلاً از سایت‌های هواشناسی استعلام گردد.

خطر ریزش سنگ از دهانه‌ها و دیواره‌های چاه‌ها برای نفرات پایین‌تر بسیار جدی است.

امدادرسانی توسط برانکار و یا برای افراد بیهوش غیرممکن است و فقط مجروحین هوشیاری که قادر به راه رفتن باشند را به علت معابر باریک و طولانی، با دشواری بسیار زیاد می‌توان از غار خارج نمود.

کلیه لوازم فنی تیم‌های بازدیدکننده می‌بایست از نوع تخصصی غارنوردی باشد در غیر این صورت امکان عبور و فرود در بعضی نقاط ممکن نیست.

مقدار طناب همراه و مصرفی و Backup هفتصد متر.

به علت وجود بقایای باستانی (اسکلت‌ها) مستعدی است بازدیدکنندگان به موارد حفاظتی توجه نموده و ضمن ایجاد حریم از کناره آنها عبور کنند.

از به‌جا گذاشتن هر نوع زباله به هر شکل جلوگیری به‌عمل آید.

پوشاک مناسب و گرم و تغذیه همراه پرکالری جزء لاینفک در بازدید از این غار است. (دمای داخل غار در فصل تابستان ۷ درجه سانتی‌گراد است)

■ «پروژه دوم»

با توجه به احتمال وجود دهانه‌های جدید در سطح زمین و همچنین احتمال وجود چاه‌ها و مسیرهای جدید در میانه غار و انتهای آن نهایتاً تصمیم گرفته شد که طناب‌ها و کارگاه‌های غار جمع‌آوری شود و یک تیم از باشگاه آفاق طی دو هفته دیگر وارد منطقه شده و پس از بازدید از غار طناب‌ها را جمع‌آوری کنند و در اختیار خود نگه‌داری نمایند.

در حال حاضر غار تا عمق بیش از ۴۰۰ متری پیمایش شده است و همچنان احتمال عمیق‌تر بودن غار در صورت تلاش و کاوش بیشتر وجود دارد. (با استفاده از روش‌ها و لوازم دیجیتال نوین نقشه‌برداری، از غار ۳۴۴ متر عمق و ۷۵۲ متر طول



کار و بسته شدن مسیر توسط ایشان و متراژ چاه‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و بازگرداندن درل‌ها.

(ب) ورود تیم دوم در ساعت ۱۵:۳۰ (مصدری، لطفی، محمدی، خسروی) نهایتاً خروج نفرات بتدریج تا ساعت ۱۹:۳۰ و نقشه برداری از سر چاه اول تا دهانه، ساعت ۲۰ بازگشت با تراکتور، ساعت ۲۱ روستای نام نیک، ساعت ۲۲:۳۰ حرکت به سمت تهران و ترک منطقه، اتمام برنامه.

■ «تجهیزات برنامه»

تمامی لوازم فردی توسط خود اعضاء تهیه شده بود. دو کپسول غواصی و ۵ دست لباس غواصی از آتش نشانی، موتور برق از گرگان، جمعاً ۷۰۰ متر طناب، ۱۲۰ عدد کارابین، ۱۵۰ عدد صفحه پلاک استیل، ۱۵۰ عدد رول استیل هیلتی، ۳ ست امدادی و کمک‌های اولیه، ۲ ست نجات تخصصی، ۲ دستگاه بی‌سیم، ۲۰ عدد ساک، دوربین فیلم برداری ۱ دستگاه، عکاسی ۵ دستگاه، ۳ دستگاه درل شارژی، ۲ دستگاه Disto A۳ نقشه برداری.

«کمک‌های اسپانسر»

تهیه یک عدد دستگاه خودروی و نون جهت انتقال ۵ نفر و مقدار زیادی بار از تهران تا روستای نام نیک و بازگشت به تهران و حضور راننده به مدت ۴ روز، اهداء ۴۵۰ متر طناب استاتیک، ۱۵۰ عدد رول استینلس استیل ۱۰ میلی‌متری، ۱۵۰ عدد صفحه پلاک، ۱۵۰ عدد کارابین غارنوردی مایلون، کرایه شش سرویس تراکتور و اجرت دو راهنمای محلی، تقبل قسمت عمده هزینه‌های غذایی برنامه و تأمین آب حدود ۲۰۰ لیتر.

رول کوبی در ساعت ۱۰ با اعزام ۴ نفر.

(۱) بلاغی (۲) آریانفر (۳) سلحشور (۴) لطفی ساعت ۱۱: اعزام یک تیم جهت بازدید از یک دهانه چاه با مختصات جغرافیایی: $37^{\circ}N-06^{\circ}E$ و $55^{\circ}E-38^{\circ}N$ در ارتفاع ۲۰۳۲ متری به همراه دو راهنمای محلی و آقایان مصدری، دل‌پسند، اربابی، قلیچ، عبادی و سرایی پور و وجدانی تا ساعت ۱۱:۴۵.

ساعت ۱۲ تا ۱۳: حرکت جهت بازدید از

دهانه دیگر با مختصات جغرافیایی: $37^{\circ}N-$

$06^{\circ}E-38^{\circ}E$ در ارتفاع ۲۰۸۷

متری به اتفاق آقایان سورنی نیا، حاتم نژاد و دو راهنمای محلی.

ساعت ۱۲:۳۰: تیم آقایان مصدری، وجدانی،

طهمورث سرایی پور و دل‌پسند جهت پشتیبانی تیم

اول وارد غار سُم شدند و رول کوبی تا سر چاه ۳ انجام

شد به دلیل اتمام باطری تیم سوم در ساعت ۱۵:۳۰

شامل دل‌پسند و دیانی وارد و بقیه نفرات اضافه خارج

شدند. پیشروی و رول کوبی تا ساعت ۱۹:۰۰ و ابتدای

چاه ۱۴ ادامه یافت، آخرین نفرات مصدری، دل‌پسند

و دیانی در ساعت ۱۹:۳۰ و بلاغی و لطفی در ساعت

۲۰:۳۰ از غار خارج شدند.

روز سوم (۸۹/۵/۷):

حضور تیم ۶ نفره در سر چاه ۲۱ آخرین نقطه پیموده

شده توسط گروه آفاق و رؤیت تابلوی نصب شده

آنان.

فرود سورنی نیا در چاه ۲۱ و اتمام طناب و اتمام

فیلم برداری.

اقدام به بازگشت در ساعت ۲۰:۳۰ به تدریج و

شروع نقشه برداری از انتهای غار تا دهانه، خروج

آخرین نفرات در ساعت ۲ بامداد (۸۹/۵/۸)، بارگذاری

لوازم و تجهیزات.

روز چهارم (۸۹/۵/۸):

■ «جمع‌آوری»

(الف) بازگشت ۵ نفر به تهران در ساعت ۱۱ صبح

و ۴ نفر به گرگان در ساعت ۱۴ در همین روز، ورود

تیم اکتشاف در ساعت ۱۰:۳۰ (بلاغی و سورنی نیا) و

فرود تا انتهای چاه ۲۳ توسط سورنی نیا و اعلام اتمام

نقشه برداری شد)

در پایان

جهت هماهنگی‌های بعدی بهتر است با هیئت کوهنوردی استان نیز مکاتبه نمود.

شماره‌گذاری چاه‌ها باید با تعاریف جدید مجدداً بازنگری گردد.

در منطقه، احتمال وجود غارهای جدیدی نیز می‌باشد.

در پایان از مدیریت محترم شرکت کوه‌ویسی و تیم همراه که با تهیه و تدارک تجهیزات و ابزار مصرفی (طناب، رول، صفحه پلاک و ...) و تدارکات حین برنامه، موجبات اجرای این برنامه را مهیا نمودند کمال تشکر و قدردانی بعمل می‌آید. شایان توجه

است به پیشنهاد آقای سرایی پور کلیه اقلام فنی یاد شده، طی صورتجلسه‌ای در محل، جهت بهره‌برداری در غار سم تحویل گروه آفاق گردید - جهت استفاده از امکانات یاد شده با گروه آفاق تماس حاصل شود - امید است در آینده نیز با مشارکت دیگران در این گونه برنامه‌ها موجبات پیشرفت ورزش غارنوردی در کشور را مهیا نماییم.

اعضای شرکت کننده:

بخش غارنوردی کارگروه کوه نوردی:

(۱) وحید مصدری (سرپرست برنامه)

(۲) علیرضا بلاغی (مسؤل فنی)

شرکت کوه ویسی:

(۱) طهمورث سرایی پور

(۲) احسان سلحشور

(۳) شروین آریانفر

(۴) محمد وجدانی

هیئت استان تهران:

(۱) یوسف سورنی نیا

سازمان آتش نشانی:

(۱) اصغر عبادی

باشگاه آفاق گرگان:

(۱) عباس اربابی (۲) محمد رضا لطفی (۳) صبا دریانی

(۴) موسی دلپسند (۵) روح الله محمدی خسروی

(۶) فواد حاتم نژاد (۷) امین قلیچ ■

تهیه و تنظیم: بخش غارنوردی فدراسیون کوه‌نوردی

فروشگاه کوهنورد پارسه

تنها عرضه کننده تجهیزات کوهنوردی، سنگنوردی و گردشگری در غرب تهران در محیطی متفاوت

پذیرای شما کوهنورد عزیز می باشد.

تولید کننده و عرضه کننده پانچو، پلاکیر، کتر... با نام تجاری چاکاری (CHAKARI) با

پرتین کیفیت و مناسبترین قیمت. قابل قیاس با پرتهای خارجی، تولید داخلی با کیفیت

پرتی از تولیدات چینی

مژده مژده:

اولین و تنها پایگاه خرید و فروش لوازم استک و دست دوم کوهنوردان کرامی. (جهت کسب

اطلاعات بیشتر به سایت مراجعه نمایید)

WWW.KOOH SHOP.COM

آدرس: تهران - میدان صلاحیه - برج تجاری کلدیس - طبقه ۱۱ - واحد ۱۶

تلفن: ۰۲۱ ۲۸۸ ۲۴۰ هسره: ۰۲۱ ۶۲۷۰۲۰۵ عماد قشای



نو شاخ قله ای متفاوت

گزارش از: حسین اصغری - امین معین

۱۳۳۹). انجام دادند ۳ نفر نامبرده توانستند از طریق یال جنوب غربی و یخچال قاضی ده موفق به صعود قله شوند. اولین صعود زمستانی این قله در فوریه ۱۹۷۳ میلادی. بهمن و اسفند ۱۳۵۱. توسط تدئوش پتروفسکی و آندره زاوادا از لهستان و از طریق یال شمالی صورت پذیرفته است. صعود این دو کوهنورد لهستانی درحقیقت اولین صعود زمستانی به یک قله بالای ۷۰۰۰ متر جهان، محسوب می‌شود.

«گاهی اوقات ریگی را در کفشم حس می‌کنم»

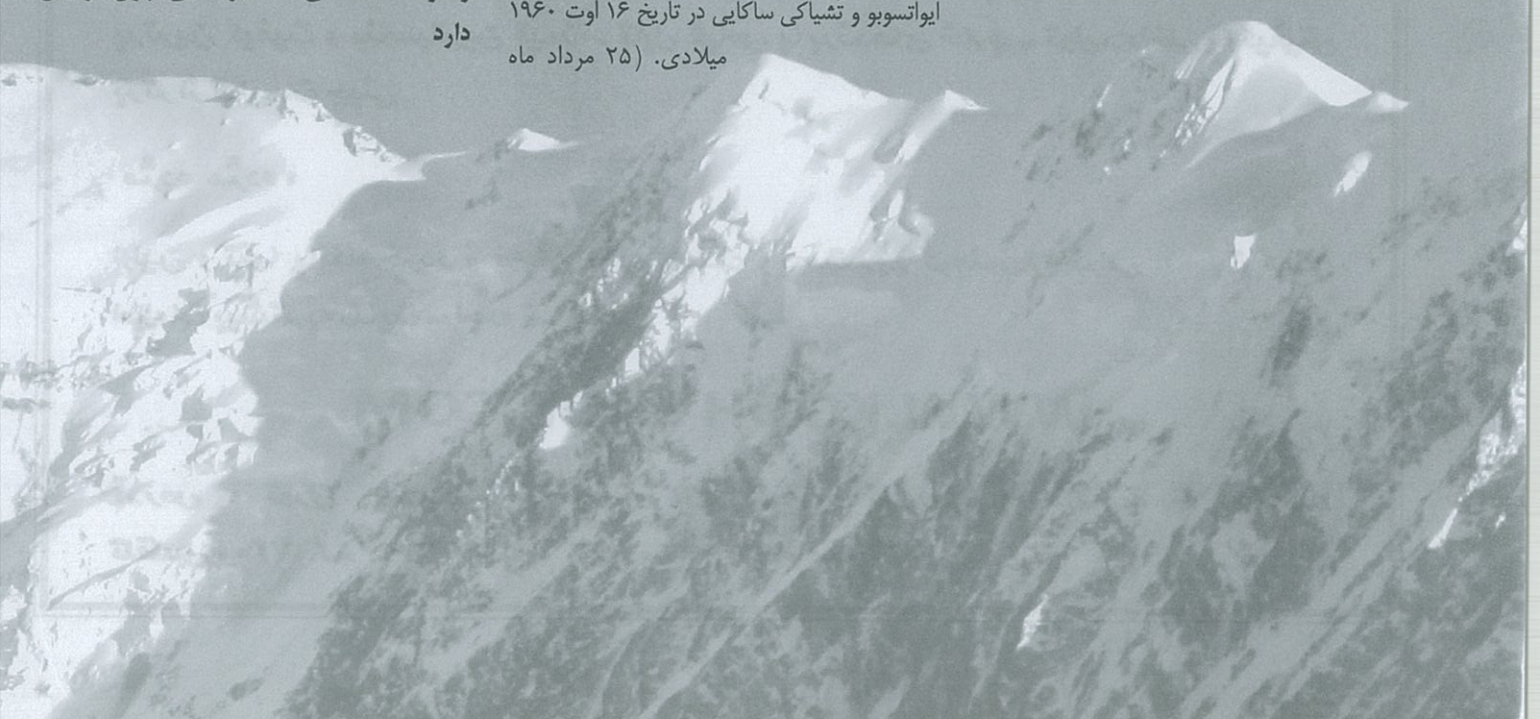
همیشه از سفر یادگارها می‌ماند

آسمان آبی، دوست، طناب، صخره ای آشنا و دوست داشتنی که گیره‌هایی چون نردبان دارد

شرق فرودگاه بین‌المللی کابل، ۱۳۹/۸ کیلومتری جنوب غرب فرودگاه محلی - نظامی فیض‌آباد افغانستان و دومین قله مرتفع رشته کوه هندوکش پس از تیربج‌میر به ارتفاع ۷۶۹۰ متر است. این قله با ارتفاع ۷۴۹۲ متر از سطح دریای آزاد در فاصله‌ی هوایی ۲۰/۸ کیلومتری شمال جغرافیایی قله تیربج‌میر واقع شده است.

نو شاخ دارای چهار قله: غربی ۷۲۵۰، میانی ۷۴۰۰، اصلی ۷۴۹۲ و شرقی با ارتفاع ۷۴۸۰ متر می‌باشد. اولین صعود به این قله را یک گروه ژاپنی به سرپرستی پروفیسور یائورو ساکاتو و همراهی گورو ایواتسوبو و تَشیاکی ساکایی در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۶۰ میلادی. (۲۵ مرداد ماه

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان (پشتو: افغانستان اسلامی جمهوریت) کشوری در آسیای میانه است که حدفاصل آسیای میانه، جنوب باختری آسیا و خاورمیانه بوده و پایتخت آن کابل می‌باشد. همسایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و شرق؛ ایران در غرب؛ تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال؛ و چین در شمال شرقی هستند. قله نُوشاخ (NOSHAQ) (بلندترین قله کشور افغانستان، در استان (ولایت) بدخشان در فاصله هوایی ۳۱۷/۳ کیلومتری شمال



چیزی که به زحمتش می‌آرزد، جایی که انسان احساس آرامش می‌کند آرامشی در خلال کار؛ مائین و اجتماع با من است

حسی به من می‌گوید:

دیواره‌هایی بود که می‌خواستیم با تمام وجود در برابرشان مقاومت کنیم و درست به همین دلیل به کوه می‌روم؛ تا ریگی را در کفشم احساس کنم.

(از کتاب بازگشت به کوه - تألیف رینهلد مسنر)

ما هم هنوز در کفش‌مان ریگی را احساس می‌کنیم؛ ریگی که ما را به ارتفاعات بلند می‌کشاند، به دماوند، علم کوه و به ارتفاعاتی بلندتر از آن، هندوکش، افغانستان و یک ماه زندگی در شرایطی ناامن؛ خرابی خودرو در اواسط تونل ۲۰ کیلومتری در ایالت سالنگ در ارتفاع ۳۵۰۰ متری؛ خطر مواجه شدن با طالبان افراطی، خطر انفجار مین در مسیر بیس کمپ؛ دزدی وسایل توسط باربران در بازگشت و... واقعا "یاید ریگ بزرگی را در کفش‌مان احساس کنیم".

در مرداد و شهریورماه سال ۸۹ تیمی مستقل، متشکل از ۶ نفر جهت صعود به قله ۷۴۹۲ متری نوشاخ به سوی کشور افغانستان حرکت کردند. این متن گزارشی است از ۳۰ روز فعالیت این تیم که نهایتاً موفق به صعود این قله گردیدند.

نوع برنامه: صعودهای بلند

زمان صعود: اوایل مرداد ماه تا اواسط شهریور

(جولای و آگوست ۲۰۱۰).

شیوه صعود: اکسپدیشن.

مدت زمان اجرای برنامه: ۲۹ روز از مشهد تا مشهد.

پس انجام تمامی مراحل قبل از اجرای برنامه اعزام: اجرای برنامه‌های آماده‌سازی - تهیه تدارکات برنامه (وسایل و تجهیزات - مواد غذایی) - تهیه مدارک خروج از کشور و... نهایتاً ساعت ۹/۳۰ روز ۸۹/۵/۱۵ تیم شش نفره ما با پرواز مشهد - کابل ایران را ترک نمود.

نفرات شرکت کننده:

حسین اصغری، سرپرست (عضو باشگاه‌های آفاق و دماوند گرگان)

امین معین، مسؤل فنی تیم (عضو خانه کوه‌نوردان تهران)

حمید سنجری، مسؤل تدارکات تیم (عضو

باشگاه دماوند تهران)

غلامرضا نودهی، مسؤل مالی و

پشتیبانی تیم (عضو باشگاه

دماوند گرگان)

ایرج طاهری، عضو تیم (عضو باشگاه دماوند

گرگان)

محمد رفیعی، عضو تیم (عضو باشگاه دماوند

گرگان)

صعود به قله نوشاخ را می‌توان از جهاتی به یک

سفر ماجراجویانه تشبیه کرد. نبود خدمات معمول

که در اکثر مناطق کوه‌نوردی همانند: هیمالیا،

قراقرم، پامیر، تیان‌شان و... ارایه می‌شود، خود

به سختی و متفاوت بودن برنامه می‌افزاید که

در عین حال می‌تواند تجربه بسیار گرانبهایی

برای کسانی باشد که پا در عرصه صعودهای

بلند می‌نهند. تجاربی که بی‌شک راهگشای

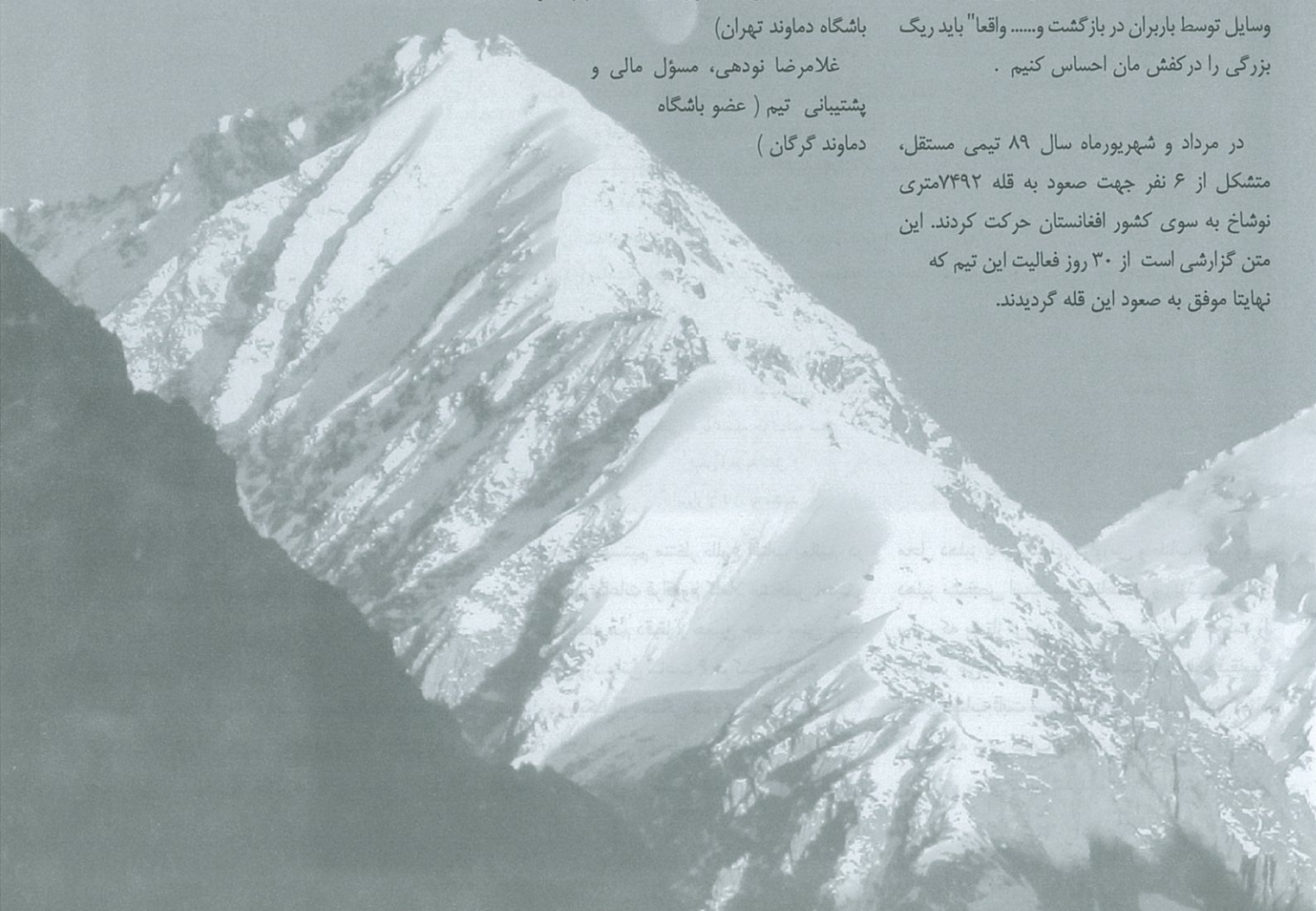
صعودهای با ارزش‌تر خواهد بود. بی‌شک بیان

تمامی جزئیات سفر به صورت یک گزارش کتبی

، امکان‌پذیر نیست بنابراین در زیر به صورت

مختصر به روزشمار برنامه از ایران به ایران

پرداخته شده است.





ردیف	روزشمار برنامه	فعالیت روزانه سفر	تاریخ
۱	روز اول	مشهد به کابل و اقامت در کابل	۱۵ مرداد ماه
۲	روز دوم	حرکت از کابل به شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان - توقف شبانه در محلی موسوم به سالنگ به علت خرابی خودروکرایه	۱۶ مرداد ماه
۳	روز سوم	سالنگ به فیض آباد- اقامت در شهر فیض آباد	۱۷ مرداد ماه
۴	روز چهارم	فیض آباد به یارک- یارک به اشکاشم- شب مانی اظطراری قبل از اشکاشم به علت خراب شدن جاده به دلیل جاری شدن سیل	۱۸ مرداد ماه
۵	روز پنجم	شهر اشکاشم (آخرین محل دارای مغازه برای خرید اقلام جزئی برنامه)- روستای قاضی ده	۱۹ مرداد ماه
۶	روز ششم	هماهنگی باربر ها (۱۳ نفر) حرکت به طرف بیس کمپ و شب مانی در حاشیه رودخانه موسوم به آب سفید	۲۰ مرداد ماه
۷	روز هفتم	حرکت از آب سفید به کمپ لهستانی ها (لزوم وجود راهنمای محلی به دلیل عدم ورود به منطقه مین گذاری شده) شب مانی در کمپ لهستانی ها ارتفاع ۴۲۲۵ متر	۲۱ مرداد ماه
۸	روز هشتم	حرکت از کمپ لهستانی ها به کمپ اصلی - ارتفاع ۴۶۷۵ متر	۲۲ مرداد ماه
۹	روز نهم	استراحت در کمپ اصلی - رسیدگی به امور کمپ اصلی و تقسیم بندی بار های کمپ های بالاتر	۲۳ مرداد ماه
۱۰	روز دهم	استراحت در کمپ اصلی - کوهپیمایی تا نزدیکی یخچال منتهی به کمپ یک و بررسی مسیر.	۲۴ مرداد ماه
۱۱	روز یازدهم	حرکت از کمپ اصلی به کمپ یک (به مدت ۷ ساعت) - برپایی کمپ یک در ارتفاع ۵۴۰۰ متر - برگشت به بیس کمپ	۲۵ مرداد ماه
۱۲	روز دوازدهم	استراحت در کمپ اصلی	۲۶ مرداد ماه
۱۳	روز سیزدهم	حرکت از کمپ اصلی به کمپ یک و شب مانی در کمپ یک	۲۷ مرداد ماه
۱۴	روز چهاردهم	حرکت از کمپ ۱ به کمپ ۲ (به مدت ۷ ساعت) و شب مانی در کمپ ۲	۲۸ مرداد ماه
۱۵	روز پانزدهم	کمپ ۲ به طرف کمپ ۳ (۵ ساعت) لمس کمپ ۳ و برگشت به کمپ اصلی	۲۹ مرداد ماه
۱۶	روز شانزدهم	استراحت در کمپ اصلی	۳۰ مرداد ماه
۱۷	روز هفدهم	کمپ اصلی به کمپ یک و شب مانی در کمپ یک	۳۱ مرداد ماه
۱۸	روز هجدهم	کمپ ۱ به کمپ ۲ و شب مانی در کمپ ۲	۱ شهریور ماه
۱۹	روز نوزدهم	کمپ ۲ به طرف کمپ ۳ و شب مانی در کمپ ۳	۲ شهریور ماه
۲۰	روز بیستم	صرف نظر از تلاش برای صعود قله به دلیل ورود توده ناپایدار به منطقه	۳ شهریور ماه
۲۱	روز بیست و یکم	برگشت به کمپ اصلی به علت شرایط نامساعد جوی	۴ شهریور ماه
۲۲	روز بیست و دوم	شرایط نامساعد جوی در کمپ اصلی و فعالیت امدادی به تیم لهستان	۵ شهریور ماه
۲۳	روز بیست و سوم	کمپ اصلی به کمپ ۱ - شب مانی در کمپ ۱	۶ شهریور ماه
۲۴	روز بیست و چهارم	کمپ ۱ به کمپ ۳ (۱۰ ساعت) و (۱۰ ساعت) شب مانی در کمپ ۳	۷ شهریور ماه
۲۵	روز بیست و پنجم	حرکت از کمپ ۳ به قله (۱۰ ساعت) - صعود قله و برگشت به کمپ ۳ مجموعاً (۱۶ ساعت) - شب مانی در کمپ ۲	۸ شهریور ماه
۲۶	روز بیست و ششم	جمع آوری کلیه کمپ ها و برگشت به کمپ اصلی	۹ شهریور ماه
۲۷	روز بیست و هفتم	جمع آوری کمپ اصلی و حرکت از کمپ اصلی به سمت آب سفید	۱۰ شهریور ماه
۲۸	روز بیست و هشتم	آب سفید به قاضی ده بلافاصله حرکت به سمت فیض آباد	۱۱ شهریور ماه
۲۹	روز بیست و نهم	فیض آباد به کابل	۱۲ شهریور ماه
		پرواز از کابل به مشهد	

روز شمار برنامه:

روزهای پیش از صعود به صورت جدول در ادامه درج می‌گردد.

روز یکشنبه ۸۹/۶/۷ (روز صعود):

طبق قرار ساعت ۴/۳۰ بامداد بیدار شده و ساعت ۶ حرکت را آغاز می‌کنیم. اگرچه این ساعت کمی دیر به نظر می‌رسد ولی به خاطر سرمای شدید

هوا مجبور هستیم منتظر طلوع آفتاب بمانیم. در سمت غرب ارتفاعات قراقرم کاملاً مشخص است و باد قالب منطقه هم دقیقاً از همین جهت یعنی غرب به شرق می‌وزد. راس ساعت ۶ حرکت از ارتفاع ۶۶۵۰ متر بر روی یک یال سنگی شروع می‌شود. بعد از ۲ ساعت به انتهای یال و محلی می‌رسیم که ادامه مسیر به صورت تراورس به سمت شرق کوه است از این

محل دهلیز یخی انتهایی تراورس و طناب ثابت روی دهلیز مشخص است. مسیر ناهموار و ریزشی است و برفی که به تازگی در منطقه نشست است حرکت را دشوارتر می‌کند. بعد از یک ساعت و پنجاه دقیقه به ابتدای طناب ثابت می‌رسیم و پس از استراحت کوتاهی یومارها به روی طناب ثابت قرار می‌دهیم. سرما بیداد می‌کند و وزش نسبتاً شدید باد و عدم تابش مستقیم



پس از عکاسی و فیلم برداری ساعت ۱۸/۳۰ قله را به سمت پایین ترک می کنیم. ساعت ۲۰ به ابتدای طناب ثابت می رسیم، هوا کاملاً تاریک است و همه بچه ها خسته هستند و این، ادامه حرکت را مستلزم دقت و احتیاط دوچندان می کند. به نوبت فرود می رویم و بعد از عبور از تراورس خطرناک زیر دهلیز در ساعت ۲۲ به محل کمپ ۳ می رسیم. قبل از هر کاری مقداری نوشیدنی آماده می کنیم و پس از نوشیدن به داخل کیسه خوابها فرو می رویم...

نفرات صعود کننده به قله اصلی:

حسین اصغری-امین معین-حمید سنجری-ایرج طاهری-محمد رفیعی

ضمیمه:

با سپاس و تشکر از همه دوستانی که در اجرای برنامه ما را یاری کردند:

جناب آقای محمود شعاعی، هادی صابری، رضا زارعی، دکتر نعیمی، حمید اولنج، مهندس کاشفی و دیگر عوامل کمک کننده.

یقیناً اشخاص و سازمان های دیگری نیز در این برنامه ما را یاری کرده اند که به دلیل فراموشی نامشان از آنها پوزش خواسته و قدر دانی می کنیم. ■

خط الراس در این ارتفاع توان فرسا و بسیار خسته کننده است ولی به آرامی ادامه می یابد. بعد از صعود قله های غربی و میانی با باز شدن هوا نمایی از قله اصلی و فلات قبل از آن پدیدار می شود. حدود ۲۰۰ متر ارتفاع کم کرده و مجدداً برف کوبی در فلات مسطح زیر قله آغاز می شود. گامها و نفسها به شماره افتاده است و فاصله چندانی تا قله باقی نمانده...

((بعد از هر قدم به قله نگاهی می اندازم. تمامی زحماتی که در طی این مدت کشیده ایم مثل یک فیلم از جلو چشمانم عبور می کند،

امروز روز موعود است و تا لحظه پیروزی چند گام بیشتر باقی نمانده... انگیزه رسیدن به قله نیروی بازدارنده ناشی از خستگی مفرط را از بین می برد...

آهسته به جلو می روم... گام به گام... و سر انجام... بالاترین نقطه...))

اینجا قله ۷۴۹۲ متری نوشاخ است. صعود از محل کمپ ۳ حدود ۱۰ ساعت به طول انجامیده است. ادامه خط الراس و قله شرقی ۷۴۸۰ متر کاملاً مشخص می باشد. پرچم ایران عزیز بر روی قله نصب می شود. پرچم کوچکی از تیم ایالات متحده که یک ماه پیش قله را صعود کرده اند نیز، آنجا قرار دارد. به ترتیب (ایرج-حمید-حسین و محمد) روی قله می رسند و اشک های شادی در دیدگانمان حلقه زده است.

آفتاب مزید بر علت است. هنوز تصور واضحی از مسیر بعد از طناب ثابت نداریم به همین دلیل بعد از خارج شدن از دهلیز و با دیدن یک فلات مملو از برف و خط الراس طولانی قله، کمی جا می خوریم!

ساعت ۱۰ را نشان می دهد و ارتفاع حدود ۷۰۵۰ متر است برف کوبی را شروع می کنیم سه نفر (امین-حمید-ایرج) در جلو و دو نفر (حسین-محمد) با فاصله در حرکت هستند.

((کم کم فاصله مان با بچه ها زیاد می شود بی سیم را روشن می کنم و حسین را پیچ می کنم او می گوید که وضعیت مناسب است و با فاصله از ما در حال حرکت هستند. خیالم آسوده می شود و ادامه می دهم. هوا ابری ولی بدون بارش است و باد نسبتاً شدیدی از سمت غرب می وزد، هنوز راه زیادی تا قله در پیش داریم سعی می کنم انگشتها را مداوم تکان دهم و کمتر برای استراحت بایستم. روی گامها و تنفسم تمرکز می کنم... یکی بعد از دیگری...))

بعد از ۳ ساعت به بالای خط الراس می رسیم. منظره ای خیره کننده از منطقه هندوکش، قراقرم و قسمت هایی از پامیر در زیر پایمان خودنمایی می کند. ارتفاع حدود ۷۲۰۰ متر است و از اینجا قله غربی به ارتفاع ۷۲۵۰ و قله میانی به ارتفاع ۷۴۰۰ متر کاملاً مشخص هستند. مسیر فاقد کار فنی ولی مملو از برف است. حرکت یکنواخت بر روی

کلنگ یخ نوردی

(کلنگ صعودهای فنی)

نویسنده: تام ریچاردسون
مترجم: وارطان زاکاریان

مقدمه مترجم

محققان و کارشناسان در زمینه کاربرد ابزار و ادوات فنی کوهنوردی متفقاً به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ وسیله و ابزاری مانند کلنگ دارای کاربردهای گوناگون نیست و به همین دلیل در نوآوری و ساخت آن توجه خاصی از طرف سازندگان صورت می‌گیرد. با ورود به وب سایت‌های مختلف مقالات فنی درباره انواع کلنگ‌ها - اشکال مختلف - جنس ساختاری آنها از نوک گرفته تا قسمت انتهایی و یا درباره نوع فولاد و آلیاژ سخمه - نوک - دسته و حتی درباره انتخاب دسته که هماهنگ با کاربردهای گوناگون ساخته شده است مقالات گوناگون آرایه شده است ولی قسمت مهم در این زمینه رسیدن به نتیجه نهایی و مفید و یک دست برای اتخاذ تصمیم نهایی خرید یکی از آنها است. هم زمان با پیشرفت تکنیک صعودهای فنی در زمینه‌های مختلف سنگ نوردی، صعودهای فنی در شیب‌های پوشیده از یخ برف و یا کوه نوردی در فصول مختلف تنوع گرای فنی بر این وسیله حاکم است. با کمی دقت به سیر تحولی کلنگ‌های یخ نوردی از پانزده سال پیش تا به امروز شما این تغییرات را به خوبی مشاهده خواهید کرد. بنابراین بحث و گفتگوی منطقی و سازنده هنوز هم جایگاه اصلی خود را حفظ کرده است. بعضی از بحث‌های فنی از طرف معدود کارشناسان مطرح می‌شود که آنها فقط به نکات محدود توجه داشته‌اند مثلاً بعضی‌ها معتقد هستند نوک کلنگ باید مانند لیزر تیز و برنده باشد تا بتواند به راحتی بر همه چیز رسوخ کند یا دسته کلنگ باید همچون چوب دست باشد که کوهنورد بتواند به آن آویزان شود و مطالب محدود دیگر از این نوع. با آرایه چنین شرایط محدود کوهنورد در نهایت فقط به یک یا دو نوع کلنگ خاص آشنایی کامل پیدا می‌کند ولی آگاهی و اشراف او درباره کلنگ‌های دیگر و با طیف‌های کاربردی گوناگون محدود خواهد بود. مطالبی که اکنون ملاحظه می‌کنید درباره شرایط عمومی کلنگ‌ها و اطلاعات فنی چند نمونه مختلف از آنها به وسیله تام ریچاردسون که از کوهنوردان برجسته انگلستان و کارشناس ادوات فنی مجله کلابمب می‌باشد استخراج و ارائه شده است.

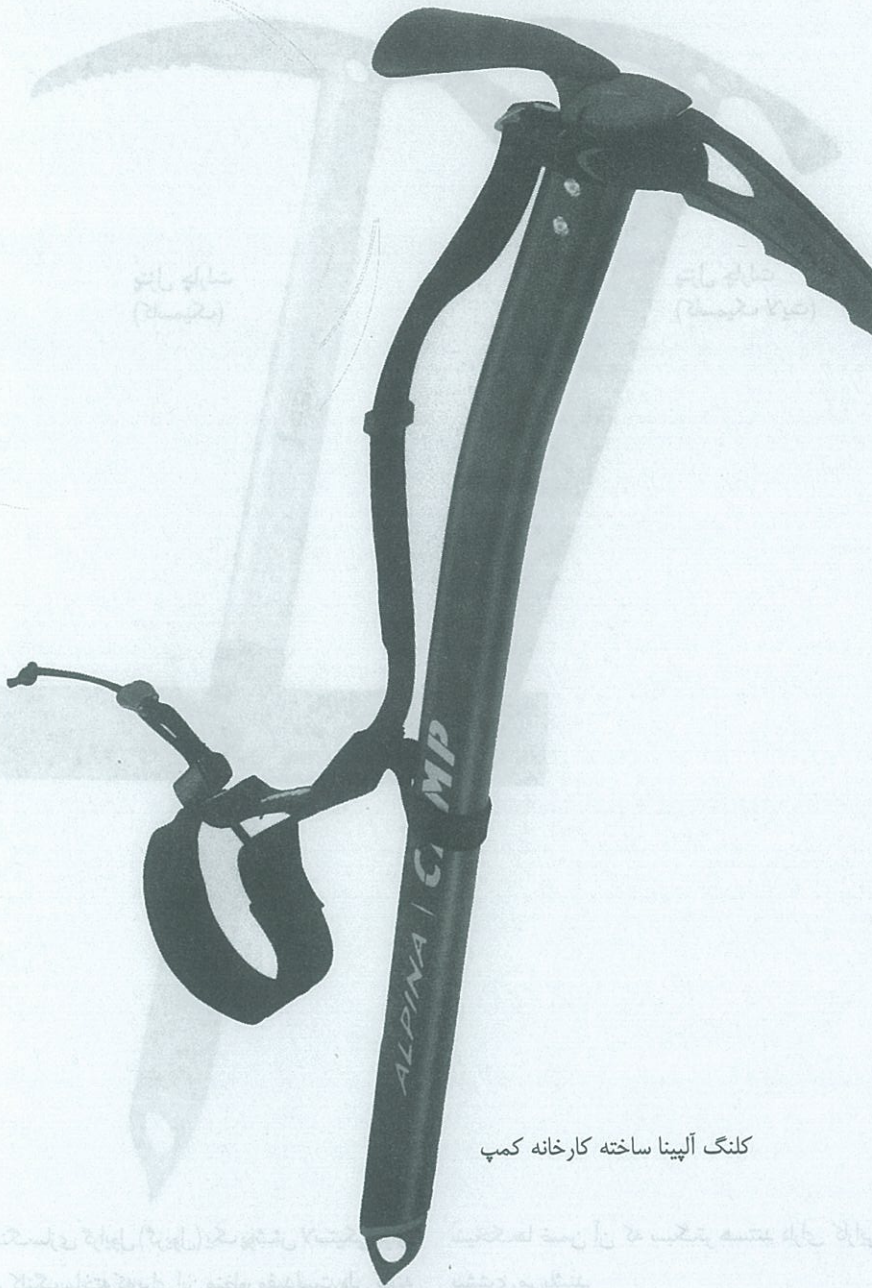
مقاله:

چند سال پیش از من دعوت شد تا به یکی از مدارس لندن رفته و درباره کوهنوردی سخنرانی داشته باشم. من هم پذیرفته و به همراه خود تعدادی ابزار و وسایل کوهنوردی برداشتم در میان این وسایل کلنگ یخ نوردی هم وجود داشت ضمناً سعی کردم تعدادی اسلاید مربوط به صعودهای خود در منطقه هیمالیا و آند نیز به آنها نشان دهم. وقتی شاگردان به خانه برگشتند بنابه گفته یکی از اولیا که از پسرش پرسیده بود کدام یک از این وسایل جالب تر بود آن پسر کلنگ یخ را معرفی کرده بود با اطمینان می‌توان گفت که حق با او بوده و حتی دست کم نیز گرفته است. کلنگ یخ نوردی و یا کلنگ صعودهای فنی یخ و برف سمبل و نماد کوهنوردی است. بنا به گفته گاستون ریوفا کوهنورد مشهور فرانسوی «کلنگ یخ نوردی نزدیک‌ترین

وسيله به کوهنورد است و همیشه هم یار و همراه او می‌باشد». به نظر من او جان کلام را گفته است. امروزه کلنگ‌های کوهنوردی که با دسته‌های چوبی جنگلی ساخته می‌شود زیننده دفتر یا منازل ژاپنی‌ها شده است. حتی کلنگ‌های جدید چوبی ساخته می‌شود که با قوانین و اصول CEN نیز مطابقت دارد. یک کلنگ یخ نوردی یا کوهنوردی که برای مقاصد گوناگون به کار می‌رود می‌تواند پای سوم کوهنورد در شیب‌های تند باشد و یا در شیب‌ها مانند یک عصا باشد که با اطمینان در دست کوهنورد قرار می‌گیرد و بر آن تکیه می‌کند. کلنگ همیشه می‌تواند لنگر - تکیه گاه و نقطه ثابت حمایت برای هر کوهنورد و هم‌نورد او باشد و یا نگهدارنده و ترمز کننده حرکت او هنگام سقوط. بنابراین لازم است این وسیله از جهات مختلف مانند محکم و سبک بودن برای حمل و نقل و نوع سخمه

مورد بررسی قرار گیرد.

تاریخ و سابقه طراحی کلنگ یخ نوردی به اشخاص مشهور و معروف قدیم مربوط می‌شود. کوهنوردان مشهور مانند ایوان کوینارد، همیشه مک اینس و چند نفر دیگر، که بیشترین طرح‌های آنها مربوط به کارایی کلنگ در کوهنوردی و یخ نوردی بوده است. هرچند در زمینه ادوات دیگر نیز فعالیت داشتند. لازم است در این میان نام لاری پمبرتی را به یاد آوریم. او در سال ۱۹۷۰ در سیاتل انجمن خیره‌ای با نام مرکز تحقیقات ایمنی کوهستان تاسیس کرد ولی به مرور این مرکز تحقیقات ضمن انجام تحقیقات، تجهیزات کوهنوردی نیز تهیه می‌کرد و امروز این مرکز تحقیقات با نام MSR یکی از کمپانی‌های بزرگ تولید لوازم و ادوات کوهنوردی است و هنوز هم محصولات آن شرکت در آمریکا، کانادا



کلنگ آلپینا ساخته کارخانه کمپ

و کشورهای اروپایی به عنوان یک تولیدکننده برتر وسایل و ابزار کوهنوردی شهرت دارد ولی متأسفانه در سال‌های اخیر کلنگ یخ‌نوردی را دیگر تولید نمی‌کنند. لاری پمبرتی می‌گوید که با نگرش به حوادث کوه‌نوردی که در منطقه کوه‌های مونت راینر اتفاق افتاده خیلی از این حوادث زمانی رخ داده که کوه‌نورد در شیب برف یا یخ و برف افتاده و به پایین سرخورده و نتوانسته است خود را نگهدارد و یا دسته‌چوبی کلنگ او در اثر فشاری که به آن وارد شده شکسته است. او در نوآوری در طرح‌ها ابتدا به نوک کلنگ توجه نمود و طرح‌های جدید ارایه کرد تا کوه‌نورد بتواند خود را بهتر نگهدارد. ضمناً جنس دسته کلنگ را نیز تقویت کرد. او در ابتدا دسته کلنگ را از پلاستیک مخصوص درست کرد و سپس برای سبک‌تر شدن آن جنس دسته را تغییر داد و آن را از آلومینیوم ساخت این نوع دسته کلنگ یخ خیلی عالی جواب داد. امروزه دسته کلنگ‌های یخ‌نوردی یا از آلومینیوم و یا پلاستیک مخصوص ساخته می‌شود. با تغییر زاویه تیغه و نوک کلنگ که به منظور افزایش قدرت کوه‌نورد برای نگه داشتن او هنگام سقوط در نظر گرفته شده است. هنگام صعود ایمنی کامل کوه‌نورد تضمین نمی‌شود. بنابراین بعضی‌ها منتقدانه چنین نتیجه گرفتند که این نوع کلنگ فقط زمانی مفید است که کوه‌نورد سقوط کند و او خود را با آن نگه دارد. یک کلنگ با نوک موثر برای سقوط بهترین است این به آن معنی است که به محض آن که کوه‌نورد تعادل خود را هنگام صعود از دست داد. کلنگ اولین وسیله‌ای است که بر سطح شیب‌دار می‌کوبد. در کوه‌نوردی عمومی وقتی کوه‌نورد تعادل خود را از دست می‌دهد کلنگ نقش پای سوم را ایفا می‌کند. انحناء سر کلنگ باید دارای قوسی باشد که اگر کوه‌نورد تعادل خود را از دست داد، کلنگ او به گونه‌ای عمل کند که نوک آن به راحتی و بازو به موثر داخل برف و یخ شود و از آن نیز خارج نگردد. اگر انحناء سر کلنگ خیلی زیاد شود استفاده از آن برای موارد دیگر خیلی سخت خواهد شد و اگر قوس آن خیلی کم باشد وقتی کوه‌نورد وزن خود را روی آن می‌گذارد ممکن است جا خالی کند. سر دیگر کلنگ تیشه است که برای تمیز کردن و باز کردن مسیر و پاک کردن لبه‌ها و طاقچه‌های پوشیده از برف و یخ به کار می‌رود و حتی بعضی مواقع برای شکستن یخ‌های یک تکه شیب‌های تند نیز استفاده می‌شود. کلنگ‌هایی با قوس‌های زیاد همراه با انحناء برای استفاده صعودهای فنی یخ و برف

نیز ساخته شده و برای دست کوه‌نورد فضای راحت‌تری فراهم می‌کند. امروزه کلنگ‌ها شکل و طرح محدود نداشته و مطابق با نوع استفاده طراحی و ساخته شده‌اند. طبیعتاً کلنگی که برای سنگ‌نوردی فنی نوع سخت یا Dry Tooling استفاده می‌شود متفاوت است.

« طول کلنگ

کوه‌نورد به کلنگ بلند احتیاج ندارد زیرا هنگام صعود کلنگ را در دست سمت کوه قرار دهد تا زمین یا شیب کوه به دست نزدیک‌تر باشد پس استفاده از کلنگ بلند در

کوه‌نوردی و شیب‌های زیاد بی مورد است.

« اجزاء کلنگ

قسمتی از دسته بسیاری از کلنگ‌ها دارای پوشش لاستیکی است و در موقعیت کوه‌نوردی فنی نیز این پوشش نوعی عایق سرما است ولی از طرف دیگر سبب افزایش وزن کلنگ نیز می‌شود بنابراین بهتر است از یک لایه عایق حرارتی سبک استفاده شود. وقتی کوه‌نورد در زمین‌های صاف و پوشیده از برف راه‌پیمایی می‌کند معمولاً سر کلنگ را به دست می‌گیرد در نتیجه کارخانه



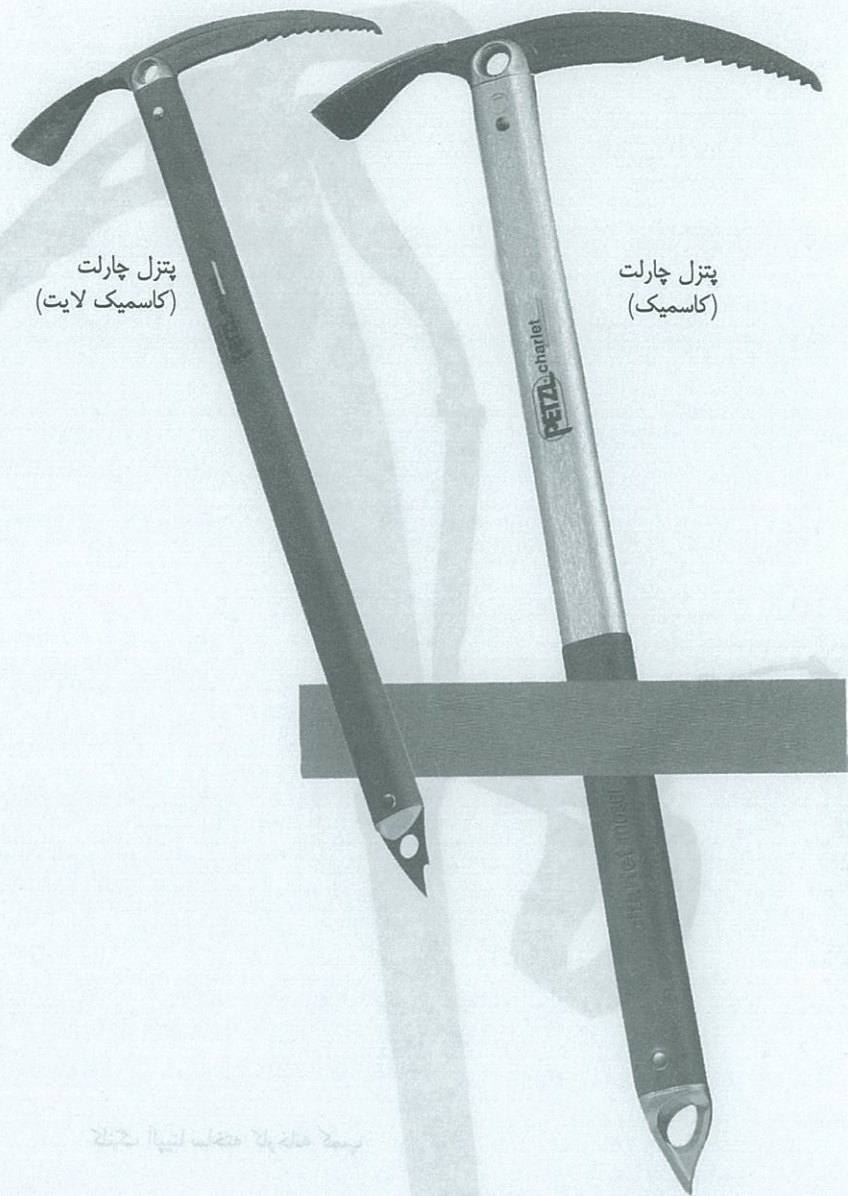
از آلومینیوم ساخته شده؛ ولی کلنگ‌های فلزی شکل خود را حفظ کرده و ما توانستیم از آنها به عنوان لنگر، چنگک و... استفاده کنیم و صعود خود را انجام دهیم. کلنگ سبک که سر آن فولادی باشد و دسته آن انحناء داشته باشد یک ترکیب ساختاری مناسب است. انحناء دسته کلنگ در ایجاد زاویه نوک آن جهت بهتر نشستن به داخل برف و یخ می‌باشد بنابراین با کمترین تلاش می‌توان شیب‌های پوشیده از یخ و برف را به راحتی صعود کرد.

بند یا تسمه دسته کلنگ. (شکل ۳) نوع بند دسته کلنگ همیشه مورد بحث و گفتگو بوده است زمانی که کوهنورد می‌خواهد دسته کلنگ را عوض کند و از یک دست به دست دیگر انتقال دهد بند دسته کلنگ باید هماهنگ با این عمل باشد بنابراین بعضی از کوهنوردان بند دسته کلنگ را از آن جدا کرده و در جیب خود قرار می‌دهند تا زمانی که شرایط تغییر کرده و استفاده از آن لازم باشد. می‌توانید بند دسته کلنگ را که در انواع مختلف ارائه می‌شود خریداری ولی من به نوبه خود مایلم از بندی استفاده کنم که نوار آن از جنس مرغوب نظیر نوار اسلینگ باشد؛ در ضمن ارزان بودن مطمئن باشد و چنانچه هنگام صعود ضربه‌ای به آن وارد آمد بتوانم آن را به راحتی عوض کنم و جایگزین آن را داشته باشم. بعضی تولید کنندگان به جای بند کلنگ چیزی شبیه حمایل برای جای کلنگ درست کرده‌اند و کلنگ در داخل آن قرار می‌گیرد و از شانه آویزان می‌شود. همه کوهنوردان دوست ندارند از این نوع بندها استفاده کنند. گاهی بند دسته کلنگ بر اثر حرکت حلقه آن در امتداد دسته قرار گرفته و ممکن است انگشت دست را گاز بگیرد ولی صدمه چندانی نمی‌رساند. برای این کار هم باید چاره‌ای اندیشید. در زیر به مشخصات بعضی از کلنگ‌ها به صورت خلاصه اشاره می‌کنیم:

کلنگ دی ام ام سیرک (Dmm Cirque) دسته این نوع کمی انحناء دارد و سبب می‌شود کوهنورد بتواند ضربه‌های موثر به یخ و برف وارد کند. قیمت این نوع کلنگ نسبت به انواع دیگر مناسب‌تر است.

کلنگ گریوال ارتک ایو (Grival Airtech Evo)

این کلنگ نیز شبیه دی ام ام سیرک است ولی کمی از آن سبک‌تر. در ساخت قسمت‌های مختلف



سیخک‌ها ضمن آن که سبک‌تر هستند دارای کارایی بیشتری می‌باشند.

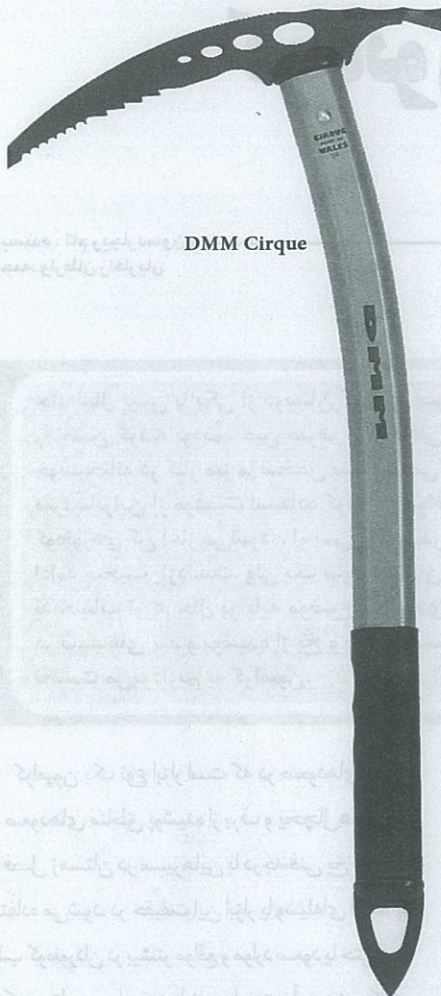
◀ وزن کلنگ

کوهنوردان سعی می‌کنند بیشتر از کلنگ‌های سبک‌تر استفاده کنند و آنها را به دست گیرند. وقتی شما از یکی از این کلنگ‌ها استفاده می‌کنید کاملاً راحت هستید ولی یک کوهنورد واقعاً به یک کلنگ یخ‌نوردی احتیاج دارد. صعود با کلنگ سبک بسیار مشکل است. ما هنگام صعود از شیب‌های پوشیده از یخ در نپال به تجربه دریافتیم که صعود با این نوع کلنگ‌ها مشکل است مانند کلنگی که سر آن

کلنگ‌سازی گریبول (گریبول) یک پوشش لاستیکی برای سر کلنگ ساخته که برای این منظور مفید است. ولی کهنه کارها برای جلوگیری از لغزندگی دست‌گیره کلنگ روی آن را نوار پارچه‌ای می‌پیچانند که هم سبک و هم با صرفه باشد ضمناً همان کار را نیز انجام می‌دهد.

◀ سیخ نوک انتهایی کلنگ

تمام کلنگ‌ها به جز سبک‌ترین آنها در انتهای دسته کلنگ شیئی نوک تیز با اشکال مختلف نصب شده که به آن سیخ انتهایی می‌گویند. هرچه نوک انتهایی کلنگ صاف‌تر باشد بهتر می‌تواند داخل برف فرو رود. فلز نوک انتهایی بعضی از کلنگ‌ها دارای برش است این نوع



DMM Cirque



girvel Air Tach Evo

در پایان این مقاله باید یادآور شویم که کلنگ‌های زیادی با مشخصات فنی گوناگون وجود دارد و هدف این مقاله ارائه نوع خاص از این کلنگ نیست، بلکه این مقاله سبب می‌شود تا شما هنگام انتخاب این وسیله نکات فنی و ایمنی آن را بهتر بشناسید و نوع مورد علاقه‌تان را انتخاب کنید. آنچه که مناسب صعودهای شما باشد و طبیعتاً کلنگی که کاربرد مناسب نداشته باشد انتخاب آن جایز نیست. ■

مناسب است. کلنگ کمپ آلپینا (Camp Alpina) این نوع کلنگ تقریباً ساختاری شبیه گریوال و دی ام ام دارد اما انحناء دسته آن مقداری کمتر از دو نوع دیگر است. این نوع کلنگ همراه با بند دسته کلنگ مناسب است.

کلنگ پتزل کاسمیک معمولی، کاسمیک سبک و کاسمیک تک:

دو کلنگ کاسمیک و کاسمیک سبک تماماً یک تکه بوده و دسته آن دارای انحناء و بعضی از آنها در قسمتی که به دست گرفته می‌شود دارای روکش لاستیکی است ولی از نظر کارشناسان کلنگ کاسمیک سبک از دو نوع دیگر بهتر است. در هر حال این کلنگ به علت انحناء معکوس که سر آن دارد برای خود حمایت کوهنورد چندان مناسب نیست.

آن از فولاد استفاده شده است و دسته آن نیز کمی انحناء دارد. این نوع انحناء منحصر به این کلنگ است. بعضی از انواع این کلنگ‌ها قسمتی از دسته‌اش دارای پوشش شبیه سمباده و مشبک است و سبب می‌شود که کوهنورد بتواند به خوبی آن را در دست بگیرد. مدل‌های جدید این کلنگ دارای پوشش لاستیکی‌اند.

کلنگ بلاک دایاموند راون (Black Diamond Roven)

در حال حاضر از این نوع کلنگ سه نوع با نام راون ارائه شده است که راون فلزی تقریباً سنگین، راون با دستگیره لاستیکی و راون پرو که خیلی سبک است؛ ویژگی منحصر به فرد هر سه کلنگ شکل و طرح سه کلنگ است که برای به دست گرفتن بسیار مناسب است. برای بودجه‌های معمولی کلنگ با دسته پوشش لاستیکی



فروشگاه اینترنتی لوازم کوهنوردی و ورزشی

www.AlvarsSport.ir



کوهنوردی و کرامپون‌ها

کوهنوردی و کرامپون‌ها

نویسنده: تام ریچاردسون
ترجمه: وارطان زاکاریان

چند سال پیش با یکی از دوستان کوهنورد پس از موفقیت در صعود به یکی از قله‌های هیمالیا در جابخانه‌ای در کاتماندو نشسته و این موفقیت را جشن گرفته بودیم. حین صرف چای محلی و گپ و گفتگو به ناگاه و بی‌مقدمه وارد بحث جالبی شدیم با موضوع «کوهنوردی دقیقاً چیست». خوشبختانه در کنار میز ما شخص بسیار مهمی نشسته بود او آلن هینکس بود از کوهنوردان برجسته انگلستان و صعود کننده ۱۴ قله بالاتر از ۸۰۰۰ متر؛ بنابراین از موقعیت استفاده کرده و با تواضع از او سوال کردم «آل کوهنوردی یعنی چه» سپس ادامه دادم «کوهپیمایی کی به پایان می‌رسد و کوهنوردی کی آغاز می‌شود». او پس از نوشیدن چند جرعه چای جواب داد «در کوهستان همه ما کوهنورد هستیم» یک جواب خوب و مناسب مرا از ادامه صحبت بازداشت. ولی یک سوال کماکان برایم باقی است آیا یک چوپان - یک جنگل‌بان یا یک خلبان هلی کوپتر را نیز می‌توان یک کوهنورد به حساب آورد. حال بر پایه موضوع کوهنوردی در نظر داریم تا درباره دو وسیله مهم در ارتباط با کوهنوردی یعنی کرامپون و کلنگ کوهنوردی که در شیب‌های تند و پوشیده از یخ و برف کوهستان از آنها استفاده می‌شود اطلاعاتی در اختیار کوهنوردان و کوهپیمایان حتی گردشگران قرار دهیم. نخست می‌پردازیم به کرامپون.

کرامپون یک نوع ابزار است که در صعودهای آلبی و در صعودهای مناطق پوشیده از برف و یخچال‌ها به ویژه در فصل زمستان در مسیرهایی با درجه فنی یخ دو و سه استفاده می‌شود. در حقیقت این ابزار یا وسیله‌ای است که اغلب کوهنوردان در بیشتر مواقع و موارد صعود یا حتی فرود در کوهستان همراه خود دارند و با بستن آن به زیر کفش خود از سر خوردن در شیب‌های تند جلوگیری می‌کنند.

طبقه‌بندی کرامپون‌ها: برای ارایه بهترین روش طبقه‌بندی کرامپون از روش طبقه‌بندی برایان هال راهنمای معروف کوهستان استفاده می‌شود. او کرامپون‌ها را در سه طبقه C1 و C2 و C3 تقسیم‌بندی کرده است. در این طبقه‌بندی کرامپون C1 برای راهپیمایی در کوهستان یا کوهپیمایی در زمستان و شیب‌های برف کم و آسان استفاده می‌شود. کرامپون C2 برای کوهنوردی عمومی در برف در کلیه شیب‌ها و کرامپون C3 برای کوهنوردی و یخ‌نوردی در شیب‌های تند و عمودی و صعودهای فنی در نظر گرفته می‌شود وقتی بحث استفاده کرامپون همراه با کلنگ یخ یا به تنهایی پیش می‌آید کوهنوردان از این وسایل به عنوان پای سوم صعود در منطقه کوهستانی یاد می‌کنند. کرامپون مانند دیگر اختراعات ابزاری در کوهستان به وسیله شخص خاصی ابداع یا اختراع نشده بلکه به مرور

زمان و به تدریج در طی ده‌ها سال در ساختار آن تغییر و تجدیدنظر شده است و معمولاً در هر دوره کوهنوردان و دیگر اشخاصی که از این وسیله استفاده می‌کردند آن را مورد بررسی قرار داده و درباره آن اظهار نظر فنی نموده‌اند و در تغییر شکل آن تاثیر داشته تا به شکل کنونی ارایه شده است.

مردم در چند صد سال گذشته مجبور بودند برای راه رفتن بر روی برف و یخ وسیله‌ای به پای خود ببندند تا سر نخورند. با بررسی در تاریخ اروپا مشاهده می‌شود در پنجاه سال پیش از میلاد نیز مردم آن زمان نیز برای راه رفتن روی یخ و برف از چنین وسیله‌ای ولی ابتدایی استفاده می‌کردند. به استناد دائرةالمعارف کوهنوردی تالیف والت آنس ورت. اولین گزارش استفاده در کوهنوردی به سال ۱۶۸۹ برمی‌گردد. مردم آن زمان می‌خواستند از منطقه گُل دوگینت بگذرند و از چنین وسیله‌ای استفاده کردند؛ ولی اولین امتیاز این اختراع به یک کوهنورد انگلیسی که نام انگلیسی هم ندارد تعلق می‌گیرد نام او اوسکار اِکن استاین بود که جایزه اختراع کرامپون جدید نیز در سال ۱۹۱۰ به او تعلق گرفت. در حقیقت طرح او اقتباس و تجدیدنظر از طرح قدیمی یک آهنگر گمنام منطقه تیرول اطریش بود. از آن تاریخ به بعد گسترش و نوآوری‌های این اختراع

بحث‌انگیز شد در ابتدا اغلب کوهنوردان با تجربه تصور می‌کردند این اختراع یک حقه یا گول زنگ یا یک وسیله فانتزی حتی خطرناک و غیرانسانی است. اگر به تاریخچه کوهنوردی در چند دهه گذشته در انگلستان توجه کنید شما متوجه میزان عدم استفاده از این ابزار می‌شوید اغلب کوهنوردان تصور می‌کردند این وسیله خطرناک است و سبب جراحات و زخمی شدن ساق پا می‌شود. کوهنوردان قدیمی استفاده از گچ - انواع میخ‌ها - رول پلاگ‌ها و نصب بولت به روش جدید و حتی مسابقه دادن در کوهنوردی و سنگ‌نوردی را غیرضروری، فانتزی نمایشی و حتی خطرناک می‌پنداشتند. در هر حال ایده و نظریه استفاده از کرامپون پس از ارایه و یا اختراع آن سریعاً سرتاسر اروپا را طی نمود ولی در انگلستان هم مانند استفاده نکردن از سیستم‌های متریک استفاده از کرامپون نتوانست تا سال ۱۹۵۰ در میان کوهنوردان انگلیسی جا باز کند. اختراع آلن استاین در اوایل سال ۱۹۳۰ به وسیله لورن گرایوال تجدیدنظر شد او در جلوی این اختراع دو نوک تیز یا دو شاخک اضافه کرد و همین امر سبب شد که هایتریش هارر و هم‌نوردان او توانستند اولین صعود تاریخی خود در جبهه‌ی شمالی آیرگر را در سال ۱۹۳۸ انجام دهند. امروزه مجموعه گسترده‌ای از انواع کرامپون‌ها با



بلاک دیاموند



پتزل



بلاک دیاموند

زیر آن بوده و از انباشته شدن و گلوله شدن برف در زیر کرامپون جلوگیری می‌کند.

■ گروه کرامپون‌های C1 نوع Bom - er برای صعودهای سخت و سریع

این نوع کرامپون‌ها برای کارهای سخت ساخته شده است. کوهنوردان منطقه سردسیر اسکاتلند سال‌ها است از آن استفاده می‌کنند. کوهنورد با استفاده از این

در صعودهای سنگین و زمین‌های سخت به خوبی داخل شکاف‌های کوچک یخ و سنگ و یخ و برف فرو رفته و خوب عمل می‌کند. وزن این نوع کرامپون‌ها کمی بیشتر از نوع اول است. در این مقاله کرامپون C2 برای تمامی موارد مناسب و قابل استفاده معرفی شده است.

■ کرامپون C1 نوع خیلی سبک - e1 ULTme Light

این نوع کرامپون اساساً برای استفاده کوهنوردی و اسکی توام طراحی شده است کاربرد آن زمانی است که شیب خیلی زیاد بوده و پوستی که زیر اسکی نصب شده نتواند جوابگو باشد. این کرامپون‌ها به این دلیل سبک طراحی شده‌اند که اولاً برای حمل و نقل راحت و متناسب با کفش کوه و اسکی باشد و به آسانی به زیر کفش بسته شود. ویژگی اصلی طرح این کرامپون در این است که معمولاً نوک شاخک کوتاه است در نتیجه برف نرم و برف‌های در حال ذوب شدن قدیمی در زیر آن به کمترین مقدار انباشته می‌شود ضمناً این نوع کرامپون در هر موقعیتی که کوهنورد بخواهد می‌تواند آن را به زیر کفش خود ببندد و یا آن را جدا کند. اولین نوع معرفی شده از این گروه کرامپون کاتولا ساخت آمریکا است این نوع کرامپون در موارد و شرایط گفته شده بالا بسیار خوب عمل می‌کند و با کرامپون‌های هم‌کلاس خود برابری می‌کند. این نوع کرامپون به گونه‌ای طراحی شده که حتی می‌توان با کفش راهپیمایی معمولی نیز استفاده کرد. شاید باور کردنی نباشد ولی حقیقت دارد. البته باید توجه داشت همان‌طور که قابل استفاده با انواع کفش‌ها می‌باشد زمانی که استفاده از آن با کفش‌های راهپیمایی ساده آن چنان که باید راحت نیست. دو امتیاز مهم این نوع کرامپون یکی تسمه‌های خیلی ساده پنجه و پاشنه جدا از هم آن است و دیگر فلز تختی که پاشنه و پنجه را به هم وصل می‌کند متحرک بوده و قابل تنظیم است؛ بنابراین از این نوع کرامپون برای کفش‌های راهپیمایی معمولی یا کفش‌های کوهپیمایی ساده نیز می‌توان استفاده کرد. نوع دیگر حبس پاشنه و پنجه‌اش از نوع سخت بوده و از هم جدا نمی‌شود. شاخک جلویی ندارد و برای کارهای سخت یخ‌نوردی ساخته نشده است. این نوع کرامپون در نوع آلومینیوم و فلز سبک وزن در فروشگاه‌های کوهنوردی ارابه می‌شود. کف پلاستیکی سخت و جداگانه آن در مواقع مختلف قابل نصب به

مارک‌های گوناگون در تمامی جهان ارابه شده است ولی یادآوری می‌شود کلیه کرامپون‌های ارابه شده باید مورد تایید کمیته CEN یعنی کمیته هماهنگی در اروپا و UIAA قرار گیرد. در آزمایش‌های انجام شده بر روی شاخک‌ها باید میزان تحمل شاخک‌های کف پا برابر با ۱/۲ KN و شاخک‌های نوک کرامپون باید ۱/۵ KN باشد (یک نیوتن برابر با یک کیلوگرم متر بر مجذور ثانیه است و یک KN هزار برابر این مقدار است). تعداد کرامپون‌هایی که مقدار مقاومت آنها کمتر از این مقادیر باشد بسیار کم است. علاوه بر طبقه‌بندی تاثیر نیروها بر نیش‌ها یا شاخک‌های کرامپون طبقه‌بندی دیگری نیز براساس کاربرد آنها انجام شده است شامل: کرامپون‌های نوع یک C1= این نوع کرامپون برای کوه‌پیمایی یا راه‌پیمایی در مناطق برفی کوهستان، عبور از مناطق پوشیده از برف در زمستان استفاده می‌شود:

- کرامپون نوع دو C2= این کرامپون در کوه‌نوردی فنی صعودهای ترکیبی، یخ‌نوردی در دهلیزهای پوشیده از یخ و برف، خط‌الراس‌های پوشیده از برف سفت و صعودهای فنی در فصل زمستان مورد استفاده اغلب کوهنوردان قرار می‌گیرد:

کرامپون نوع سه C3= این نوع کرامپون برای تمامی صعودهای فنی یخ‌نوردی، دیوارهای بلند یخ و قندیل‌های یخ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هر کدام از این انواع طبقه‌بندی شده به دو بخش خیلی سبک Super-Light و سنگین Bomber تقسیم می‌شود. که جهت صعودهای سنگین یخ‌نوردی، سنگ و یخ، صعود از آبشارهای یخی و صعودهای سبک‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد. امتیاز کرامپون‌های فوق سبک (سوپر لایت) سبکی آنهاست البته به مانند اسم خود خیلی سبکی نیستند ولی به علت نوع آلومینیم به کار رفته از وزن سبکی برخوردار هستند. شاخک‌ها یا نیش‌های این نوع کرامپون ضمن سبک بودن هنگام برخورد با سنگ‌ها و قرار گرفتن به داخل شکاف‌های ریز در مکان‌های پوشیده از سنگ و یخ یا زمین‌های سنگ و برف زود ساییده شده و دوام آنها کم است. در نتیجه جنبه اقتصادی ندارد. هم‌چنین هنگام استفاده از آن در زمین‌های سخت سنگلاخی پوشیده از برف و یخ نقاط محوری و اتصال خوب عمل نمی‌کنند اما کرامپون‌های سنگین (Bomber) تقریباً حالت یک تکه، قوی و مقاوم در مقابل تمام نیروهای خارجی بوده و

کرامپون می‌تواند به مناطق سخت و دشوار پوشیده از یخ و برف نیز برود. مانند کرامپون سامین ساخت DMM که به نام DMM Summit و در کلاس C1 قرار داده شده است.

این کرامپون دارای ۱۲ شاخک است در قسمت جلویی دو شاخک کاملاً مناسب دارد. استفاده از آنها در دهلیزهای پوشیده از برف و مناطق برفی در رشته کوه‌های آلپ مناسب است. این کرامپون یک تسمه بلند ساده دارد و فقط در یک اندازه ساخته شده است. رابط فلزی پاشنه و پنجه آن مانند کرامپون گرایول است (این شباهت تصادفی بوده و کارخانه‌های تولیدی از روی محصول یکدیگر کپی نکرده‌اند). می‌توان تسمه‌های مهار کننده طولانی‌تر با انحناء بیشتر و انعطاف‌پذیرتر جایگزین تسمه‌های نوع دیگر کرد. هر کدام از تکه فلزهای به کار رفته در کرامپون اگر در اثر فرسودگی صدمه ببیند می‌توان با استفاده از آچار ساده دوچرخه به آسانی آنها را تعویض نمود. به نظر می‌رسد این نوع کرامپون در میان تمامی کرامپون‌های سبک بهترین باشد.

وزن آن فقط ۸۷۰ گرم است. چند سال پیش کارخانه پتزل یک محصولی بنام پتزل شارلت به بازار ارایه نمود و همچنین نوع اروپوس که این کرامپون برای عبور از یخچال‌ها در نظر گرفته شده است. خیلی ساده و مدرن به نظر می‌رسد که نتیجه پیشنهادات کوهنوردان باتجربه و کوهنوردان جدید می‌باشد. این کرامپون با کرامپون‌های دیگر دو اختلاف دارد یکی نوک شاخک‌های آن می‌باشد که از دیگر انواع کرامپون گروه یا کلاس C1 بلندتر است و این امتیاز سبب شده از آن مانند کرامپون‌های نوع C2 استفاده شود. امتیاز دوم تسمه و سیستم ضامن اهرم مهار کننده انعطاف‌پذیر است که کرامپون را در تمامی شرایط به راحتی قابل پوشیدن و استفاده کرده است. آنها به راحتی به کفش‌های مختلف بسته می‌شوند. این گروه کرامپون‌های Petzl چندین سیستم ضمیمه مختلف به همراه دارند که با شرایط مختلف می‌توان آنها را جایگزین کرد. این نوع کرامپون ۸۲۰ گرم وزن دارد.

کرامپون نوع بلاک دیاموند با نام اختصاصی BD-contact-strap دارای ۱۰ شاخک است پایه‌های آنها کوتاه است از نظر کارایی شبیه کرامپون گرایول جی ۱۰ (Grivel G10) شکل یک است وزن این کرامپون ۷۹۵ گرم است. کرامپون گرایول جی ۱۰ معرف

یک کرامپون کامل از کلاس C1 می‌باشد و می‌توان در تمام فروشگاه‌های ورزشی انگلستان از این نوع خریداری نمود. صفحه پلاستیکی زردرنگی با شبکه منظم در کف کرامپون نصب می‌شود و از گلوله و انباشته شدن برف در زیر کرامپون جلوگیری می‌کند. تسمه اتصال بین پاشنه و پنجه دارای فنریت خاص است و انعطاف‌پذیری تسمه‌های اتصال نسبت به کفش‌های کوهنوردی زیاد است. اگر آن را در زیر کفش کوهنوردی خیلی سخت ببندید به راحتی در زیر کفش جای می‌گیرد. از نظر تنوع بندها و تسمه‌ها سه نوع مختلف دارند که به آنها کرامپوماتیک، نیوماتیک و نیو کلاسیک می‌گویند و در انواع کرامپون‌های گرایول استفاده می‌شود. همچنین نوار فنری و فلزی جداگانه‌ای هم وجود دارد که انحناء آنها با کف کفش‌های کوهنوردی مطابقت دارد و می‌توان متناسب هر یک را جایگزین نوار اصلی نمود وزن این کرامپون ۸۲۰ گرم است کرامپون‌های C2 = کرامپون‌های نوع C2 برای کوهنوردی فنی طراحی شده است هیچ تعریف کامل برای طرح هر یک از اجزاء تشکیل دهنده آن در نظر گرفته نشده است فقط دارای یک راهنمای فنی کلی است. با توجه به این که بعضی از کرامپون‌های گروه C1 برای راهپیمایی در یخچال‌ها در نظر گرفته شده است از این کرامپون می‌توان در مناطق فراتر از آنها استفاده کرد برای نفوذ به داخل عمق مناطق برخی از کرامپون‌های گروه C2 نیز می‌توان در شیب‌های تندتر نیز استفاده کرد بعضی از کرامپون‌های گروه C3 نیز کلاً برای کوهنوردان خیلی مناسب هستند برای همین منظور در این بررسی یک نوع کرامپون از کلاس C3 نیز در نظر گرفته شده است زیرا این کلاس در تمامی موارد کوهنوردی و یخ‌نوردی استفاده می‌شود.

■ کرامپون C2 فوق سبک

ساختن کرامپون‌های کوهنوردی فوق سبک کلاس C2 زمانی آغاز شد که رینهولد سنر اولین صعود کننده ۱۴ قله بالاتر از ۸۰۰۰ متر برای صعود خود از کرامپون تیتانیوم خیلی سبک استفاده کرد زیرا او در نظر داشت صعود تمامی قله‌های بالاتر از ۸۰۰۰ متر را بدون استفاده از کپسول اکسیژن به پایان رساند. از آن به بعد ساخت این نوع کرامپون‌ها متداول گردید.

کرامپون سبک گرایول این کرامپون از آلومینیوم ساخته شده و شاخک‌های زیرین آن کوتاه و شاخک‌های جلویی

بسیار مناسب برای صعود در یخچال‌ها می‌باشد. مشروح طرح این نوع کرامپون مانند نوع فلزی آن است که قبلاً شرح داده شده است وزن آن ۴۷۶ گرم است. یک نوع کرامپون فوق‌العاده سبک ساخت کارخانه کمپ ارایه شده که وزن آن باورنکردنی است فقط ۳۹۰ گرم دارای ۱۲ شاخک و مناسب برای کوهنوردی و کوهنوردی و اسکی توام می‌باشد نام اختصاصی آن Camp XLC 390 است. این نوع کرامپون در برابر نیروهای وارد بر آن فوق‌العاده مقاوم است ولی فقط در مناطق شیب‌های بدون سنگ‌های فرسودنی باید استفاده شود. اغلب کوهنوردان صعود کننده به قله‌های بالاتر از ۸۰۰۰ متر که دارای شیب‌های تند یخ و برف ولی بدون دیواره‌های سنگی است می‌توانند از این نوع کرامپون استفاده نمایند.

کرامپون گروه C2 برای صعودهای فنی در شیب‌های تند استفاده می‌شود و معروف به کرامپون‌های C2 Bomber می‌باشند در این گروه کرامپون‌هایی وجود دارد که نیازهای صعود اغلب کوهنوردان را تامین می‌کند. در زیر چند نمونه از این کرامپون‌های شناخته شده معرفی می‌شود.

کرامپون گرایول C12 - (Greivel C12) این کرامپون دارای ۱۲ شاخک است همراه با سه سیستم نگهدارنده ضمیمه که به آن وصل می‌شود. گاهی بعضی از کوهنوردان در نحوه وصل کرامپون به کفش کوهنوردی خود یا خطا می‌کنند و یا زمان زیادی را تلف می‌کنند ولی اگر آنها را صحیح به کفش خود ببندید و به اصطلاح صحیح ببندید آنها به خوبی در زیر کفش قرار می‌گیرند و در نحوه بستن هیچ اختلافی به وجود نمی‌آید. اگر نوع قدیم از این کرامپون را با نوع جدید آن که معروف به سیستم کلاسیک جدید است مقایسه شود خواهید دید که در سیستم جدید یک تسمه بلند و پلاستیکی از پنجه تا پاشنه متصل است.

برای کرامپون گرایول نیوماتیک که به آن اتوماتیک نیز می‌گویند این کرامپون برای کوهنوردی فنی با دقت بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع کافی است که کفش کوهنوردی به داخل آن فشار داده شود ضامن‌های اتوماتیک به کار افتاده و کفش‌ها را در برمی‌گیرند. این نوع کرامپون‌ها دارای کابلی است که در گودی پشت پاشنه کفش قرار می‌گیرد و آن را بیشتر مهار می‌کند. کرامپون گرانول C12 در دو اندازه مختلف ارایه شده است سایز بزرگ و سایز مناسب. کرامپون سایز بزرگ مناسب‌تر

دارد شاخک پیشین و کناری این کرامپون مضاعف شده و قدرت عملکرد آن را زیاد کرده است این کرامپون نیز مانند دیگر کرامپون‌های DMM برای کلیه کفش‌های کوهنوردی و صعودهای بلند مناسب است وزن آن ۹۸۰ گرم است. کارخانه بلاک دیاموند کرامپونی ارایه کرده به نام سابرتوت (تیزدندان).

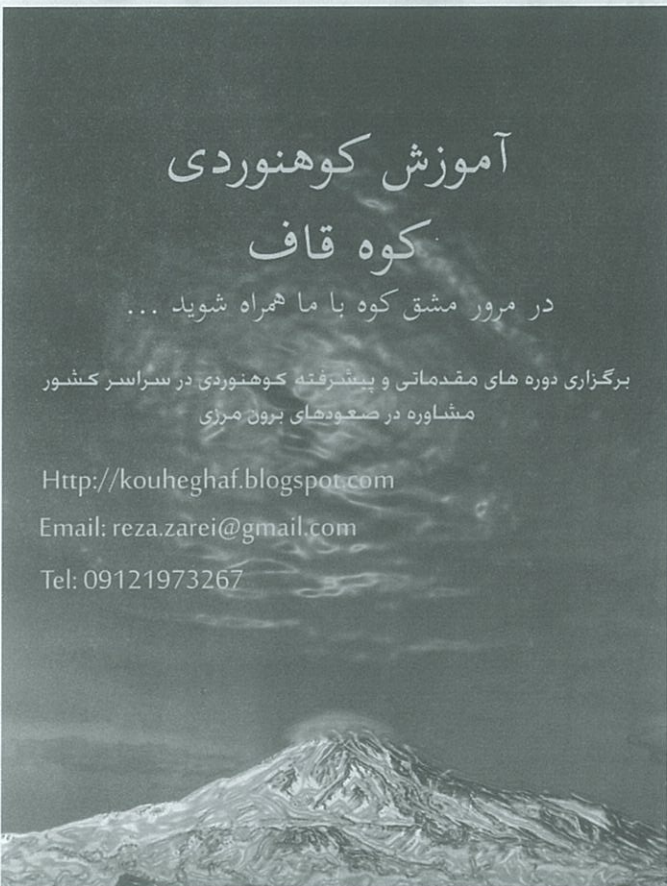
دندانهای شاخک‌های این کرامپون شبیه گلا دیاتور است. شاخک‌های دنداندار اضافی در دو پهلو جلوبی پنجه آن در نظر گرفته شده است این کرامپون دارای بند اطمینان و بست لاستیکی در پاشنه است ولی با همه کفش‌های کوهنوردی خیلی خوب جفت نمی‌شود. هر دو نمونه این کرامپون از نمونه‌های خوب است و برای کارهای سنگین مناسب می‌باشد. در جلوی پنجه این کرامپون هم تسمه پلاستیکی و فلزی برای مهار کردن کفش تعبیه شده است وزن این کرامپون ۱۰۶۰ گرم است. ■

ماخذ مجله کلایمینگ شماره ۴۵ نوامبر ۲۰۰۸
Climbing 45 Nov.2008

کرامپون ایرویس قدیم است. در این کرامپون تسمه‌های پشت دارای انعطاف خاصی است. این نوع کرامپون در شیب زیاد خوب عمل می‌کند وزن آن ۹۴۰ گرم است. کرامپون کلاسیک کارخانه Camp آیس‌رایدر می‌باشد. این کرامپون برای تمامی موارد کوهنوردی در مناطق برف و یخ مناسب بوده و کمی از کرامپون‌های دیگر در این کلاس سبک‌تر است وزن آن ۹۳۰ گرم بوده دارای ۱۲ شاخک است؛ نحوه پوشیدن و بستن بندهای نگهدارنده ساده است. ابتدا کفش را به داخل آن قرار داده و فشار می‌دهند پس از آن بست و بند اطمینان به راحتی بسته می‌شود. کرامپون دیگر از گروه C2 کرامپون DMM Aiguil است این کرامپون از فلز سخت ساخته شده و پنجه آن دارای یک دسته پلاستیکی است که برای جا کردن کفش از آن استفاده می‌شود و پاشنه آن نیز یک ضامن دارد که در پشت پاشنه کفش قرار گرفته و آن را محکم نگه می‌دارد. وزن این کرامپون ۹۷۰ گرم است. کارخانه DMM نوع دیگری کرامپون ارایه کرده با نام اختصاصی گلا دیاتور که در گروه کرامپون‌های C3 قرار

است. زیرا از آن برای کفش‌های کوهنوردی پلاستیک در اندازه‌های استاندارد بزرگ بهتر می‌توان استفاده کرد ولی اغلب فروشگاه‌های ورزشی سعی دارند اندازه‌های استاندارد را ارایه کنند وزن این کرامپون ۹۵۰ گرم است.

کرامپون گرایول ایریک Grine Airlech: این نوع کرامپون دارای ۱۰ شاخک است و هنگام عبور از شیب یخی و تراورس‌های برج‌های یخی از آن استفاده می‌شود. هر چند شاخک‌های آن در برخورد با یخ کوتاه است ولی برای همه موارد کوهنوردی و یخ‌نوردی مناسب است. یکی از نوآوری‌هایی که در این کرامپون به کار گرفته شده است بست‌های فلزی و معمولی زیر کرامپون است. این بست‌ها به مانند یک زایده یا میله‌های کوچک فلزی از داخل شکافی وارد شکاف‌های لاستیکی پنجه کفش شده و کفش و کرامپون را تقریباً یک تکه می‌کند (ضخامت زایده تقریباً برابر با گودی عاج تخت کفش است). یک جفت کرامپون Air-Tech حدود ۸۹۰ گرم وزن دارد. کارخانه پتزل petzl برای کوهنوردان کرامپونی ساخته با نام اختصاصی واساک این کرامپون ۱۲ شاخک دارد و شبیه



آموزش کوهنوردی
کوه قاف
در مرور مشق کوه با ما همراه شوید ...

برگزاری دوره های مقدماتی و پیشرفته کوهنوردی در سراسر کشور
مشاوره در صعودهای برون مرزی

Http://kouheghaf.blogspot.com
Email: reza.zarei@gmail.com
Tel: 09121973267



باشگاه کوهنوردی اسپیلت
با مجوز رسمی از اداره کل تربیت بدنی استان تهران

عصو می پذیرد
اوئین و تنها باشگاه خصوصی دارای سالن سنگ نوردی

مرکز آموزش: دوره های کوه بیماری، سنگ نوردی، داخل سالن و طبیعت، برف (یخ نوردی)، کلاسیک پیشرفته و ...

مجری برنامه های: قله نوردی، کوه نوردی تخصصی و فنی جنگل و کویر نوردی، صعود قله خارج از کشور، طبیعت گردی، دوچرخه کوهستان، اسکی کوهستان و ...

دوره اول دولت، اول مشق چترپی پارک ۲۰، طبقه سنگی
تلفن: ۰۸۲-۸۸۳۰۱۰۸۲ تلفن فکس: ۸۸۳۱۳۳۹۷
اطلاعات بیشتر در سایت: www.espilat.com
Email: Email@espilat.com

ساعت کار: همه روز به جز روزهای تعطیل از ساعت ۹ صبح تا ۹ شب



سیمورخ پارس کوه
simorgh pars kox

با آرزوی زمتانی پر بار و زیبا در خدمت شما هستیم:

برنامه شش ماهه اول ۱۳۹۰

کشور	ارتفاع	زمان اجرا	زمان لازم	آب و خاک	کازک
ترکیه	۵۱۳۷ متر	خرداد الی مهر	۱۱ و ۹ روز	زمینی و هوایی	مرجستان ۵۰۴۷ متر
ترکیه	۵۱۳۷ متر	مرداد الی شهریور	۶ روز	زمینی	آرارات شمالی
ترکیه	۴۲۵۰ متر	تیر الی شهریور	۷ روز	زمینی	شاهداغ
ترکیه	۴۰۵۷ متر	اردیبهشت الی مهر	۹ روز	زمینی و هوایی	سپهان
ترکیه	۳۹۳۲ متر	اردیبهشت الی مهر	۶ روز	زمینی	کاجکار
ترکیه	۳۹۳۲ متر	اردیبهشت الی مهر	۷ روز	زمینی	

جهت کسب اطلاعات بیشتر
لطفاً تماس حاصل بفرمائید

www.SimorghParsKouh.com
Email: ararat_rezakhmoudi@yahoo.com



برنامه سه ماهه آخر ۸۹

کشور	ارتفاع	زمان	قله مرابیک
نیپال	۶۴۶۱ متر	۱۹ روز	قله آبلندیک و بیس اورست
نیپال	۶۱۸۹ متر	۱۹ روز	بیس کمپ اورست و کالایاتار
نیپال	۵۴۴۵ متر	۱۵ روز	کلیمانجارو
کنیا	۵۹۸۵ متر	۱۱ و ۹ روز	آرارات زمستانی
ترکیه	۵۱۳۷ متر	۹ الی ۷ روز	شاهداغ زمستانی
ترکیه	۴۲۵۰ متر	۱۱ الی ۱۰ روز	سپهان زمستانی
ترکیه	۴۰۵۷ متر	۹ الی ۷ روز	کاجکار زمستانی
ترکیه	۳۹۳۲ متر	۹ الی ۷ روز	

در چندین آپشن

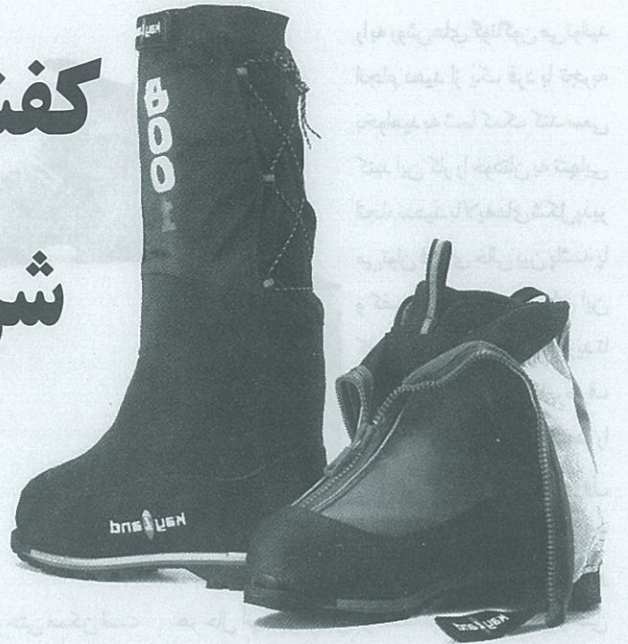
پیستهای ، اولوداغ ، ارزروم و ساری قمیش
دی ، بهمن ، اسفند و ایام عید

زمینی و هوایی

تلفکس: ۳۳۶۹۷۹۸۶ - ۰۲۱ - همراه: ۰۹۱۲ - ۶۲۶۶۸۰ (محمودی)

کفش‌های ساق بلند برای شرایط صعودهای سرد

ترجمه: جواد رویانی*
تصحیح و ویرایش فنی: وارطان زاکاریان



داشتن کفش‌های غیرمناسب احتمال سرمازدگی پاها را بیشتر می‌کند

«پانصد پوند برای یک جفت پوتین کوه‌نوردی پول بسیار زیادی است. دقیقاً برای هر انگشت پا ۵۰ پوند باید هزینه کرد. من این پول را می‌پردازم تا پاهایم را حفظ کنم.»

این مکالمه‌ای بود که در میز مجاور میز من در آن مرکز فرهنگی کوه‌نوردی و مرکز غذاخوری مشهور انجام می‌شد و این در حالی بود که من بشقاب بزرگی از غذای گیاهی را با ولج می‌خورده و لیوان بزرگی از چای در جلو داشتم. این مکالمه‌ای بود که بین دو نفر انجام می‌شد و من بدون اینکه بخواهم می‌شنیدم. از صحبت‌هایشان معلوم بود خود را برای صعود قله‌ای بلند و سرد آماده می‌کنند.

اولین باری که با پوتین‌های طراحی شده مخصوص ارتفاع بالا برخورد کردم پوتین‌هایی بودند که ظاهراً برای ادموند هیلاری و تیم صعود به قله اورست در سال ۱۹۵۳ طراحی شده بود آنها اجسام بزرگی بودند از جنس چرم نرم که بیشتر شبیه ساک چرمی چروک خورده با دندان‌های فلزی بود و درست مانند این بود که یک دست دندان مصنوعی در کف آنها تعبیه شده تا بتوانند ابزارهای صعود را بر آن سوار کنند.

البته در آن روزها بازار فروش چنین پوتین‌هایی وجود نداشت و فقط به سفارش تیم‌ها ساخته می‌شد. سازنده آنها آقای روبرت لاوریه mr. Robert lawrie مغازه‌اش در شهر لندن خیابان سیمور Seymour بود و با توضیح مورد به مورد سفارش کفش هیلاری به کارش بسیار افتخار می‌کرد. در حال حاضر یک پلاک برنجی ناهماهنگ روی درب بیرونی ساختمان واقع در پشت ماربل آرک marble - arc (طاق مرمر) وجود دارد که بر روی آن لغت آلپاین Alpine نوشته شده است. اکنون مدت مدیدی است که با کمال تأسف، نوع کاری که او ارایه می‌داد از بین رفته است.

در حال حاضر پوتین‌های خوب تفاوت بین شکست و موفقیت در قله‌های بلند و سرد را رقم می‌زنند. برای اینکه پا در مقابل برف و رطوبت محافظت شود ما چند نوع گتر یا پوشش روی کفش ساخته بودیم که الهامی بود از عکس دو قهرمان صعود ۱۹۷۶ به قله چانگ بانگ یعنی پیت پوردمن pit poard man و جو تاسکر joe tasker آنها چیزی شبیه گترهای به کفش چسبیده امروزی به پا داشتند. ما گترها را به وسیله ماشین دوخت (منگنه صنعتی) به لبه تخت کفش نصب می‌کردیم. آنها در زمستان‌های ارتفاعات آلپ و هیمالیا به خوبی عمل می‌کردند. چند سال بعد کارخانه برگ هاس گترهای عالی و جدیدی yeti را به بازار ارایه نمود که از همان مواد ساخته شده بود و از لایه درونی تیوپ‌های کهنه به جای مواد اصلی استفاده شده بود. این

نمونه خیلی بهتر از مدلی بود که ما ساخته بودیم و حتی تغییرات و بهبودهایی که ظرف سی سال انجام پذیرفت آن را بهتر و بهتر کرد و دیگر از لایه درونی تیوپ‌های کهنه ساخته نمی‌شود.

با این حال بازار کالا به ویژه در انگلستان هنوز نسبتاً محدود است و تنها معدود خرده فروش‌های متخصص تعداد متفاوتی از این پوتین دارند که می‌توانید از بین آنها انتخاب کنید بدون آن که هیچ یک از فروشندگان اطلاعات لازم در مورد محصولات و شرایط آب و هوایی و اقلیمی که این پوتین‌ها برای آن طراحی شده اند داشته باشند.

بنابراین تحقیق و پژوهش فقط در صورتی امکان دارد که افرادی برحسب اتفاق در آن فروشگاه باشند که از سوابق این محصول اطلاع داشته باشند و شما بتوانید با آنها صحبت کنید و سوال‌هایی که آماده کرده اید با کارکنان فروشگاه در میان گذارید. اگر فروشگاه فقط یک نوع از این پوتین‌ها را دارد بهترین گزینه این است که به فروشگاه دیگری مراجعه کنید. در آنجا مارک‌های متفاوت را پوشیده و بگذارید هر کدام دقایقی در پایتان باشد در این صورت می‌توانید پوتین مناسبی انتخاب کنید.

پیش از هر چیز منظور ما از مکان‌های سرد و مرتفع چیست. این موضوع به این سادگی قابل شرح نیست، ما همه در کوه‌نوردی خودمان تصمیم می‌گیریم، به طور کلی اگر درباره ارتفاعات بیشتر از ارتفاع آلپ‌ها صحبت می‌کنم تقریباً ارتفاع بالاتر از ۵۰۰۰ متر و مشابه ارتفاعات آلپ ها در زمستان است، در نتیجه در ارتباط با موضوع مورد بحث ارتفاعات بلند از ۵۰۰۰ متر تا ۷۰۰۰ متر و بالاتر از



۷۰۰۰ متر ارتفاعات خیلی بلند در نظر گرفته می‌شود.

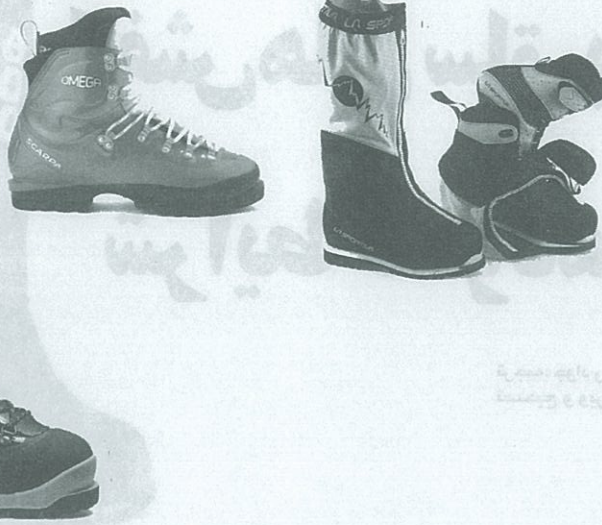
موقعیت محلی، مشخصات جغرافیایی و فصل‌های سال از عوامل مهم در ایجاد شرایط نامساعد صعود است. مثلاً شرایط اقلیمی در فصل اصلی صعود به قله دنالی یا مک کینلی با ارتفاع ۶۱۹۴ متر در آلاسکا بسیار سردتر و سخت‌تر است از قله ایماجتسه یا قله آیلندپیک در کشور نپال که ارتفاعش ۶۱۸۹ متر است. صعود فنی و تکنیکی به قله مرآپیک در کشور نپال با ارتفاع ۶۴۷۶ متر در هوای

سرد یا خیلی سرد کاملاً متفاوت است با صعود قله چوآبو با ارتفاع ۸۲۰۱ متر که در مرز بین تبت و نپال واقع شده است به شرطی که فصل وزش بادهای شدید و بارندگی موسمی نباشد و گر نه شرایط بسیار سخت‌تر و نامساعدتر خواهد بود. گاشربروم ۲ به ارتفاع ۸۰۳۵ متر در منطقه قره قروم پاکستان را زمانی که بارندگی‌های موسمی نمی‌شود می‌توان در ماه ژوئن صعود کرد و چندان سرد نیست. صعود به قله مون بلان در تابستان با شرایط صعود زمستانی آن کاملاً متفاوت است.

■ هماهنگی بستر پا در کفش یا کفی کفش :

بعد از انتخاب مدل، اندازه صحیح کفش را انتخاب کنید آنها باید اندازه کفش‌هایی باشد که سرکار می‌پوشید و نه سایز کفش‌های سنگ‌نوردی. اگر بتوانید اندازه صحیح پاهایتان را مطابق با جدول و الگوی پا محاسبه کنید کار درستی انجام داده‌اید. بعد از آن کفی درون کفش را از لایه درونی آن خارج کنید (مواردی که گفته می‌شود شامل مدل جدید کفش و گانمی‌شود زیرا کفی آن قابل جابه‌جایی است) و سپس آن را زمین گذاشته و پایتان را به روی آن بگذارید در این حالت باید مطمئن شوید که انگشت شست شما به اندازه کافی در آن آزاد است.

اگر انگشتان پای شما در سرازیری مسیر یا پایین آمدن به انتهای جلویی کفش یا نوک داخل کفش فشار وارد می‌آورد دیگر مهم نیست که پوتین‌های شما عایق و ضدسرما باشند؛ پاهای شما ناخواسته کوبیده شده انگشتان



را به روش‌های گوناگون می‌توانید انجام دهید از یک فرد با تجربه بخواهید به شما کمک کند. سعی کنید این کار را خودتان به تنهایی انجام ندهید. با لایه‌های شکل‌پذیر می‌توان فضای خالی بین پاشنه پا و کف پوتین را پر نمود. برای این کار به یک فرد با تجربه نیاز دارید تا به نحو مناسبی مشکل را برطرف نماید. شما نمی‌توانید پوتین‌ها را زیاد باز کنید ولی آنها را شل و ول نبوشید اما می‌توانید پای خود را به تدریج در آن راحت‌تر کنید ولی در

هر حال آنها هرگز نمی‌توانند دمپایی خانگی راحتی فراهم کنند.

■ استفاده از کرامپون‌ها

اگرچه پوتین‌های بسیار بلند مدرن مانند پیشینیان خود خیلی ضخیم و سنگین نیستند اما هنوز هم از پوتین‌های کوه‌نوردی بزرگ‌تر هستند. پیش از اینکه عازم سفر شوید کرامپون‌ها را چک کنید؛ آنها را تنظیم کرده و یا حتی اگر مجبور هستید نوع جدیدی خریداری کنید. تمام این کارها را باید قبل از حرکت و نه در مسیر حرکت انجام دهید. کرامپون مارک گریول جی ۱۲ در همه جا با دو سایز مختلف ارائه می‌شود که نوع بزرگ‌تر آن برای اغلب صعودهای خیلی بلند مناسب است. من به نوبه خود ترجیح می‌دهم برای صعودهای خیلی بلند و جهت امنیت بیشتر از کرامپون‌هایی با بند اطمینان بلند استفاده کنم تا کرامپون‌های دیگر که بند اطمینان آنها به قدر کافی بلند نیستند. بندهای اطمینان خیلی بلند گاهی مورد استفاده دیگری هم قرار می‌گیرند. پوتین‌های مخصوص ارتفاعات بلند که دارای پوشش پلاستیکی هستند قابلیت نصب کرامپون‌های اتوماتیک را دارند معمولاً وقتی پوتین درون آنها قرار می‌گیرد به طور اتوماتیک و به خوبی بسته می‌شوند و معمولاً آنها بسیار فنی و مناسب ساخته شده و به خوبی عمل می‌کنند.

گترها و روکش‌های پوتین

استفاده از گترهای استاندارد در اکثر صعودهای بالاتر از ۶۰۰۰ متر بسیار خوب و لازم است. هرگز تصور نکنید آنها

پای شما تحت فشار شدید قرار گرفته و حتی ممکن است به سرمازدگی شدید هم دچار شوند. مردم درباره فاصله صحیح انگشتان پا و فضای اطراف نظرات گوناگون ارائه می‌کنند ولی اصل بر فضای کافی است که نیاز دارید. اگر سنگین وزن و تنومند هستید فضایی که نیاز دارید بیشتر از یک فرد سبک وزن است. سعی کنید انگشتان پایتان را در پوتین تکان دهید و سعی کنید با لگد زدن به موانع محکم مانند قطعه سنگ یا یخ یا دیوار از عدم برخورد انگشتانتان به جلوی کفش مطمئن شوید. قبل از خرید از راحت بودن پا در آن مطمئن شوید و پیش از بردن به منزل یا فروشنده به توافق برسید که در صورت عدم رضایت می‌توانید آنها را برای تعویض برگردانید. هر چند امتحان کفی کفش به شما می‌گوید که اندازه کفش چگونه است اما بهتر است آنها را چندین بار بپوشید و امتحان کنید.

مورد دوم که باید امتحان شود بالا آمدن پا شنه پا در داخل پوتین است. در پوتین‌های سفت و سخت و محکم امکان بالا آمدن پاشنه پا بیشتر است زیرا پاهای شما خم شدن و انعطاف را دارند اما پوتین‌ها این انعطاف را ندارند. جوراب‌های ساق کوتاه و ضخیم بپوشید! بعضی‌ها قبل از جوراب ضخیم یک جفت جوراب نخی نازک هم برای کمتر شدن اصطکاک می‌پوشند. معمولاً در پوتین‌های جدید به ندرت دو جفت جوراب ضخیم مورد نیاز می‌باشد. بندهای پوتین‌ها را ببندید حال اگر هنوز هم پاشنه‌های پا بالا می‌آیند سعی کنید از بهترین روش استفاده کنید تا شاید این مورد رفع شود. اولین و کم هزینه ترین روش این است که فضای خالی زیر پاشنه پا را پر کنید این کار

اشیاء تجملی و ترفنی صعود هستند. من از گترهایی استفاده می‌کنم که جنس آن گورتکس یا جنس مشابه آن بوده و قسمت جلوی آن چسبی است. با این گترها می‌توانید به راحتی و با حداقل زمان آنها را باز کنید تا بند پوتین‌ها را محکم کنید یا آنها را تنظیم کنید تا هنگام فرود از صخره‌ها امکان برخورد آنها با کرامپون یا موانع دیگر کم باشد. مخصوصاً زمان برگشت از قله که بدن شما خیلی خسته و توان کنترل اعضا را کمتر دارد. تولید کننده‌های برگ هاس berghous و بلک دیاموند black diamond چند نمونه خوب تولید و به بازار ارایه نموده‌اند. گترهای نوع برگ هاس راحت‌تر هستند زیرا با دست‌های یخ زده نیازی به پوشیدن آن نیست بلکه دو لبه آنها را روی هم می‌چسبانده و می‌توان آنها را روی قسمت بیرونی پوتین نزدیک ورودی چادر تا بزنیم تا برف‌ها به داخل چادر منتقل نشوند. همیشه قبل از عزیمت بندهای لاستیکی گترها را با گیره‌ها یا قالب‌های مربوط ببندید و گرنه در برف‌های نرم بدون کرامپون گترها باز می‌شوند اگر پوتین‌ها یک لایه لاستیکی در دور تا دور دارد می‌توان برای چسباندن گترها به کفش از چسب پنچرگیری لاستیک دوچرخه استفاده نمود اما باید دقت کرد تا هنگام باز کردن گترها به لاستیک دور پوتین آسیب وارد نشود. امروزه روکش‌های پوتین آن چنان مرسوم نیست. اکثر کوهنوردان از پوتین‌های طرح جدید بسیار بلند استفاده می‌کنند که گتر بر روی آن تعبیه شده. اگر در منطقه‌ای هستید که یخ و برف آنجا را کاملاً پوشانیده و شما تمام وقت از کرامپون استفاده می‌کنید نوعی پوشش جدید بر روی پوتین‌ها قرار دارد که عملکرد آنها را درون یخ و برف کامل می‌کند و شما می‌توانید در ارتفاعات کم پیش از اینکه پاهای شما کاملاً سرد شود بدون گتر صعود کنید. شرکت برگ هاس یک نوع گتر از جنس لباس غواصی ساخته که از نظر مواد بسیار گرم است اما کمی بیشتر سبب عرق کردن پاهای شما می‌شود اما یک شرکت آمریکایی بنام فورتی بیلو Forty below گترهایی با پوشش جدید ساخته که هنگام استفاده آن قسمت که ساق پا را می‌پوشاند قابل تنفس است یا قابل عبور هوا است و باعث می‌شود پاهای شما کمتر عرق کند اما هنگام قدم زدن و حرکت در برف‌ها کمی از پا می‌لغزد و به پایین می‌افتد. موارد گفته شده مشکلات گترها است اما پیدا کردن گتر مناسب غیر ممکن نیست. من در ارتفاعات بالاتر از ۸۰۰۰ متر با پوتین‌های لاستیکی نوع قدیمی

قرار می‌گیرد. قبلاً دو نوع از این پوتین با لایه‌های مختلف درونی ارائه می‌شد. اکنون دو مدل با هم ترکیب و با یک لایه جدید درونی ساخته می‌شود که گرم و مناسب می‌باشد. این نوع پوتین برای پاهای پهن ساخته شده است. **اسکارپا امگا (Scarpa - omega) :** وزن این پوتین ۱۸۵۰ گرم است. لایه درون این پوتین از فوم قالب پذیر و گرم نگه دارنده پا استفاده شده است. برای اینکه بهترین و مناسب ترین کفش را داشته باشید به یک فروشنده متخصص تجهیزات کوهستان مراجعه کنید تا با گرم کردن فوم لایه‌ی درونی پای شما را بگیرد. این پوتین‌ها نه تنها برای ارتفاعات بالای ۶۰۰۰ مناسب است بلکه ارتفاعات بالاتر از ۸۰۰۰ متر را هم به خوبی جواب می‌دهد. آنها برای پاهای لاغر و ظریف بسیار مناسب هستند.

■ آسولو اف اس ۸۰۰۰ (Asolo afs -) :

وزن این پوتین ۲۴۰۰ گرم است این نوع پوتین مناسب برای ارتفاعات حدود ۷۰۰۰ متر است من حدود ۹ سال از آن استفاده می‌کردم و رضایت داشتم. نمونه‌های جدید آن دارای یک لایه داخلی عایق بندی شده به جای لایه فوم است. آنها اغلب ظریف هستند و سایزهای کوچک هم دارند و با مقایسه با پوتین‌های دیگر کمی ظریف به نظر می‌رسند.

■ لا اسپورتیوا اسپانتیک (La - sporthiva spantic) :

وزن این پوتین ۲۳۰۰ گرم است. طرح انقلابی این پوتین‌ها منحصر به فرد بوده و آنها را نسبت به پوتین‌های هم گروه خود متمایز نموده است. آنها برای صعود بسیار مناسب بوده و پاهای شما را گرم نگه داشته و از پاهای محافظت می‌نمایند. مشخصات آنها غیر عادی اما موثر هستند برای بستن بندها به گره زدن نیاز نیست. از نمونه‌های هم ردیف خود مقداری گران‌تر است اما از آنها بهترند. (شکل ۶) چند توصیه لازم در مورد پوتین‌های ارتفاعات بسیار بلند و معرفی آنها:

پوتین ساقه بلند لا اسپورتیوا مدل المپیوس مونس (La - Sportiva Olampus Mons) :

وزن این پوتین ۲۵۲۰ گرم است. نمونه جدید آنها با

مارک اسکارپا و همراه با یک پوشش جدید صعود کرده ام آنها خوب کار کرده و هنوز هم کار می‌کند.

چند توصیه برای پوتین‌های ارتفاعات بلند :

اولین پوتین‌های ارتفاعات بلند با رویه پلاستیک با نام کوفلاخ Koflach برای سال‌های زیادی تنها مدل موجود در انگلستان بود. این کفش‌ها که در اصل کفش‌های ساخت اطریش است آنقدر معروف بودند که پوتین پلاستیک را با نام کوفلاخ می‌شناختند. این نوع پوتین‌ها هنوز هم در بازار وجود دارد در این جا چند نمونه از پوتین‌های مخصوص ارتفاعات بالا بدون در نظر داشتن قیمت آنها معرفی می‌شوند.

بوریل جی یک (Boreal G1) وزن این پوتین جمعاً ۲۶۳۷ گرم بوده و با رنگ زرشکی و ارغوانی ارایه شده است. این مدل از پوتین‌های بوریل در کار و استفاده بسیار سخت و محکم بوده و شاید بتوان آنها را یکی از بهترین‌ها به شمار آورد. لایه چرمی نوار مانند که دور کفش را فرا گرفته آن را کاملاً ضد آب نموده است. در قسمت درونی یک لایه مناسب گرم عایق وجود دارد. این نوع پوتین برای فعالیت‌های زیاد همراه با برخورد با اطراف بسیار مناسب است. شما می‌توانید پوشش خارجی پوتین را جداگانه بخرید و پوتین‌ها را برای ارتفاع بالاتر از ۸۰۰۰ متر به طور استاندارد تجهیز کنید این یک سرمایه گذاری خوب است شما می‌توانید از شماره ۸/۵ تا ۱۱ اروپایی از بازار خریداری نمایید.

■ بوریل جی یک جدید سبک (Boreal lite G1 New boreal) :

وزن این پوتین ۲۱۹۰ گرم است پوتین جی یک جدید دارای تکنولوژی جدیدی است که از نظر وزن نسبت به مدل جی یک، هم سبک و هم پیشرفته است. این مدل با مقایسه با پوتین جی یک، پیشرفت قابلی داشته و در ساخت آن مواد جدید استفاده شده و هیچ گونه مواد چسبی برای عایق بندی آنها استفاده نشده است. در این کفش حداکثر تلاش برای عایق بندی رعایت شده، کفش ارزشمندی است مراقب آنها باشید.

■ اسکارپا وگا (scarpa - vega) :

وزن این پوتین ۲۴۰۰ گرم است. این یک نوع پوتین کلاسیک بوده و حدود ۲۰ سال است که مورد استفاده

اشکال زرد و مشگی با طرح های برجسته و درخشان وارد بازار شده است وزن آنها تقریباً نصف پوتین‌هایی است که به آنها گتر وصل می‌شود. آخرین نمونه ارایه شده کفی یک سره و بسیار نرم و سبک و گرم دارد. به هر شکلی از این پوتین‌ها استفاده شود، قابل قبول بوده و بسیار عالی عمل می‌کند. استفاده از این پوتین‌ها همراه با کرامپون صعود خوبی را روی یخ و برف به ارمغان می‌آورد. اگر می‌خواهید این پوتین‌ها مدت بیشتری دوام داشته و دیرتر کهنه و فرسوده شوند. توصیه می‌کنم ابتدا لایه درونی آن را با پاهای خود اندازه کنید. زیپ گترها دارای یک زبانه یا لایه چسبی است که بسیار مناسب است. چند سال پیش یک حادثه وحشتناک در قله برودپیک منطقه قره قروم رخ داد. یک کوه‌نورد پاهایش یخ زد فقط به خاطر اینکه زیپ گترهایش شکسته بود. روش گره زدن بندهای این نوع پوتین بسیار ماهرانه در نظر گرفته شده است تنها نقطه ضعف این نوع پوتین‌ها این است که کش گترها در قسمت بالای ساق و زیر زانو شل شده و باعث لغزیدن و پایین آمدن گترها می‌شود آنها روی پا کمی باد کرده و متورم می‌ایستند، ولی در هر حال بستن کرامپون روی آنها به آسانی انجام می‌شود. (شکل ۷)

■ پوتین بلند اسکارپا فانتوم ۸۰۰۰ (Scarpa phantom) :

وزن این پوتین ۲۶۶۰ گرم است. مدل اسکارپا فانتوم ۸۰۰۰ از بدو ساخت چندین بار دچار تغییر و تبدیل شده است مدل حاضر آن مقداری از آخرین نمونه سبک‌تر است و یک لایه درونی شکل پذیر گرم کننده و پردوام دارد. باید نزد فروشنده متخصص بروید و برای شکل‌پذیری فوم داخلی کفش به او مراجعه کنید تا در عرض ۴۵ دقیقه کار را انجام دهد، در این حالت شما صاحب پوتین‌های خوبی خواهید شد. در جلوی گتر نوعی زیپ دوخته شده که حلقه فیکس کننده دارد. اما اگر دست‌ها یخ زده باشند کمی سفت و محکم و سخت کشیده می‌شود. توصیه می‌شود از بند مخصوص یا اویز تعبیه شده زیپ استفاده کنید. (شکل ۸)

■ پوتین بوریل جی یک اکسپدیشن (Expedition Boreal G1) :

وزن این پوتین ۲۸۷۳ گرم بوده و با انواع دیگر پوتین‌های این مجموعه شباهت ندارد. پوسته اصلی پوتین جی یک نوع چرم است اما با نوع گروه قدیمی متفاوت است. این نوع پوتین دارای یک گتر بیرونی عایق‌بندی شده خوبی است. قسمت سخت پوتین با گتر پوشانیده نشده تا حرکت بر روی صخره راحت باشد یک لایه چرم صورتی از جنس سیمپاتکس و یک لایه فوق عایق بندی شده در زیر پوتین تعبیه شده است. سرتاسر گتر لایه درونی آن عایق بندی شده و تا شماره یازده ساخته شده است.

* ده نکته ضروری برای گرم نگه داشتن پاها :

- ✓ پوتین‌ها را مناسب پا و به اندازه درست انتخاب کنید پوتین‌هایی که مناسب و اندازه پا نباشند احتمال سرمازدگی را افزایش می‌دهد.
- ✓ صعود را با پاهای گرم آغاز کنید ولی کار سخت‌تر آن است که بخواهیم پاها را بعد از سرد شدن دوباره گرم کنیم
- ✓ سرتان را با کلاه بپوشانید؛ هر کوه‌نورد مقدر زیادی گرمای بدن را از راه سر از دست می‌دهد و در اصل این گرمای پاها کشیده می‌شود. پس اگر می‌خواهید به صعود ادامه دهید سرتان را با کلاه بپوشانید.
- ✓ خوب غذا بخورید و مایعات گرم بنوشید. اگر مایعات کم بنوشید خون شما غلیظ می‌شود و گردش خون کاهش می‌یابد. این مورد در ارتفاعات بدتر می‌شود. اذرار خود را روی برف آزمایش کنید باید زیاد و شفاف باشد.
- ✓ با پوشش درونی پوتین‌ها نخوابید : خوابیدن با لایه درونی پوتین که به پا دارید یک کار عبث و بیهوده است زیرا قسمت درون پاها در حالت مرطوب و گرم باقی می‌ماند ولی قسمت بیرونی و خارج از این پوشش به سرعت سرد می‌شود. توصیه می‌شود درون کیسه خواب با جوراب‌های خشک بخوابید و حتماً قبل از ورود به کیسه خواب لایه درونی کفش را در آورید و جوراب‌ها را عوض کنید.
- ✓ برای روز صعود به قله یک جفت جوراب خشک و مناسب در نظر بگیرید جوراب‌های پشمی با مارک گوناگون ارایه می‌شود اما جورابی را انتخاب کنید که لیاف آن از پشم طبیعی باشد. زیرا همیشه احساس آرامش می‌کنید.

✓ فکر این موضوع که با افزودن کفی یا لایه‌ای در درون پوتین‌ها سیستم گرمادهی اضافه می‌شود کمی اغوا کننده است اکثر مردم با افزودن لایه گرم کننده به درون کفش‌ها سبب برآمدگی کف درون پوتین و تنگ شدن فضای آن می‌شوند، با این کار راحتی پا کاملاً از بین می‌رود. زیرا اکثراً این لایه‌های درونی خوب عمل نمی‌کنند و نمی‌توانند اکسیژن لازم را از طریق پا به بدن برسانند. به‌تازگی شرکت تولیدی اسکارپا یک کفی کفش آزمایشی به بازار ارایه کرده که به کمک باطری گرم می‌شود. این نوع کفی برای کفش‌های اسکی مناسب هستند ولی برای کوه‌نوردان تعویض باطری و شارژ مجدد آن مشکل‌آفرین است.

✓ بخار درون پوتین را خارج کنید: گاهی بعضی کوه‌نوردان کیسه پلاستیکی را روی جوراب‌های نخی می‌پوشند و سپس روی آنها جوراب‌های معمولی می‌پوشند. هدف آنها خشک نگه داشتن جوراب‌ها و گرم‌تر شدن پاها است. اما با این کار جوراب‌های درونی عرق کرده و عرق مداوم جوراب‌ها سبب سرد شدن پاها می‌شود و به محض آن که کوه‌نورد از حرکت بایستد پاها او سرد می‌شود. این روش چندان پسندیده نیست باید کفش را نفوذ ناپذیر نمود.

✓ هر زمان که از حرکت و صعود متوقف می‌شوید کاری انجام دهید. مانند تنظیم کردن بند پوتین - یا تمیز کردن عینک‌های ضد آفتاب و یا آشامیدن نوشیدنی گرم. اگر پاهای شما سرد شده کاری کنید که آنها گرم‌تر شود. سعی کنید در داخل پوتین انگشتان پا را حرکت دهید و اگر این کار را نمی‌توانید انجام دهید پوتین‌ها را از پا در آورید و با دست انگشت‌های پا را بمالید و ماساژ دهید تا هم گرم شود و هم به حالت عادی برگردد، این کار را حتماً انجام دهید.

✓ از پاهایتان مراقبت کنید : پس از فرود از قله و رسیدن به دره به پاهای خود رسیدگی کرده و مراقب آنها باشید. حتماً ناخن‌های انگشتان پا را کوتاه کنید. سعی کنید اگر امکان دارد پاها را با آب ولرم بشویید. ■

منبع: مجله کلاب ۴۸

* گروه کوه‌نوردی سایپا

هفت معمای کوهنوردی

معمای پنجم (Last Run)

آخرین گردش

نویسنده: Alison Osius
مترجم: منیژه برزگر

آدم‌ربایی و قتل چند نفر دستگیر شده است. او اضافه می‌کند: از نظر آماری ایتون با زرنگی توانست خود را از جرم قتل‌ها برهاند ولی معمولاً در جریان جستجو و تحقیق پنجاه درصد از این قبیل جرایم کشف و حل می‌شود. اگر ایتون مستقیماً در جریان امی شرکت نداشته ولی می‌تواند برای حل معمای امی کمک کند. اخیراً شنیده شده است که او از پاسخ دادن به سئوالات مفقود شدن امی خودداری کرده است. بعضی از اهالی ناحیه امیدوارند او اعدام نشود زیرا با کشته شدن او بسیاری از سئوالات بدون پاسخ خواهد ماند.

در آگوست سال ۲۰۰۵، استیو بچل مجدداً ازدواج کرد. او می‌گوید: زندگی هر کس لحظات شاد و لحظات غم‌انگیزی دارد. سپس می‌گوید: ناپدید شدن امی خیلی غم‌انگیز بود ولی من آدم خوشبختی هستم که مدتی با او زندگی کردم. پس از او نیز باید زندگی شادی داشته باشم. البته گاه مشکل است چنین کاری بکنی و فکر می‌کنی بعد از این لحظات شاد و خوشی نخواهی داشت.

سپس ادامه می‌دهد: ممکن است کسی مدرک و دلیل تازه‌ای پیدا کند و یا ایتون لب به سخن بگشاید. شاید همه ما تا آن زمان مرده باشیم یا هیچ وقت پاسخ صحیحی برای این مشکل پیدا نشود. در حقیقت همه ما قبول داریم که در آینده نیز چیزی به اطلاعات ما، در این زمینه، اضافه نخواهد شد. شاید ایتون در این کار دخالت داشته و شاید هم دخالت نداشته است!

ژانویه سال ۲۰۰۵، جمعیت جستجوی امی بچل مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار پول باقیمانده در صندوق جمعیت را به دانشگاه آیوومینگ هدیه کرد. ■

ماه در این سمت بود در تاریخ ۲۸ ماه مه ۲۰۰۰ به علت زیاده روی در مصرف کوکائین در بیمارستان بستری شد و معلوم شد که کوکائین را از یکی از شهود دادگاه دریافت کرده بود. او چندماه بعد، از شغل خود استعفا داد و یک سال بعد به علت مصرف کوکائین مجرم شناخته شد و از شغلش به حال تعلیق درآمد.

پدر امی - سال ۲۰۰۱ در سن ۷۱ سالگی فوت کرد بدون اینکه اطلاعی از سرنوشت دخترش به دست بیاورد. مادر او هنوز زنده است و امیدوار است که پاسخی برای معمای خود بیاید. آوریل ۲۰۰۳ عکس‌های امی دوباره در صفحات جراید پیدا شد. پلیس پس از آزمایش DNA شخصی به نام دیل ایتون را به عنوان قاتل ماری کیمل ۱۸ ساله بازداشت کرد. ماری کیمل پانزده سال قبل، زمانی که ۱۸ ساله بود در حالی که از دنور به سمت کدی رانندگی می‌کرد ناپدید شده بود. پلیس اتومبیل ماری کیمل را که در حیاط خانه ایتون مخفی شده بود پیدا کرد. خانه ایتون در ۷۵ کیلومتری لندر است.

مادر آن زن جوان، که نام او شیلا است، به روزنامه دنور پست گفت، پس از دستگیری ایتون پلیس درصدد است تا تحقیقات مجددی درباره امی بچل انجام دهد.

دستگیری ایتون و کینگ تاندازه‌ای سبب آرامش استیو بچل شوهر امی که اکنون ۳۵ ساله است، شد. دستگیری ایتون سروصدای زیادی به راه انداخت و همه می‌گفتند (او این کار را انجام داده است). ایتون به اتهام تجاوز و قتل ماری کیمل به مرگ محکوم شد ولی تقاضای تجدید نظر کرد. یکی از ماموران جستجوی امی می‌گوید: ایتون به جرم

یکی از وقایع دردناک و مرموز کوهنوردی مربوط به ناپدید شدن امی بچل است. او یک کوهنورد آماتور ولی سخت‌کوش و ستاره‌ای در کوهنوردی دانشگاه آیوومینگ بود.

در ۲۴ جولای ۱۹۹۷، امی ۲۴ ساله که فردی کم‌حرف ولی دوست‌داشتنی و بذله‌گو بود در جریان صعود در نزدیکی لندر آیوومینگ ناپدید شد. از آن زمان تا به حال اثر و ردپایی از او پیدا نشده است. اتومبیل او در حاشیه خاکی جاده پیدا شد و اثر جای لاستیک آن تا جاده کشیده شده بود. یادداشت کارهای روزانه و عینک آفتابی او هنوز در اتومبیل بود ولی کیف پول او بروده شده بود.

۶۰ کوهنورد مجرب و تعداد زیادی افراد و گروه‌های داوطلب، هشت روز تمام در آن نواحی به جستجو پرداختند و در این عملیات از سگ‌های تربیت شده و هلیکوپتر نیز استفاده شد و تا چند ماه پس از آن کوهنوردان ناحیه لندر عملیات جستجو را به تناوب دنبال کردند.

ابتدا همسر امی، به نام استیو، که خود کوه‌نورد با تجربه‌ای بود مورد سوءظن قرار گرفت ولی بعد اتهام او رفع شد. او در تمام مراحل بازجویی اتهامات را به شدت رد کرد و انجمن کوهنوردی لندر هم غیر مستقیم از او جانبداری کرد. دوست او به نام سام لاتیز گواهی داد که در روز حادثه، او و استیو جهت صعود بر یک صخره بزرگ در ۱۱۰ کیلومتری لندر رفته بودند.

خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها مطالب زیادی منتشر کردند ولی هیچ‌کدام منتهی به راه حلی برای مساله نشد. سرپرست گروه بازجویی به نام دیو کینگ که پانزده

هفت معمای کوه نوردی

معمای ششم (Spy Game)

جاسوس! (Spy Game)

نویسنده: Alison Osius

مترجم: منیژه برزگر

لو داوسون در ایام نوجوانی دوست داشت زمستان‌ها به قله هایدن، نزدیک اسپن صعود کند. یک روز در سال ۱۹۷۰ یکی از هموردان او فریادی کشید و به ارتفاعات روبه‌رو اشاره کرد. در آنجا یک اسکی باز ماهر به پایین حرکت می‌کرد و با مهارت از نقاط خطر خیز و بهمن خیز عبور می‌کرد. ما از دیدن طرز اسکی او خیلی بهت زده شدیم، شاید سرخپوستان آمریکایی هم از دیدن کریستف کلمب و همراهانش همین قدر تعجب کردند. مدتی بعد داوسون در کتاب جالب خود به نام «برف وحشی» نوشت: سبک اسکی او بسیار جالب و حیرت انگیز بود و ما نمی‌توانستیم آنچه را می‌دیدیم باور کنیم. البته آن اسکی باز ماهر، شخصی به نام فریتز استامبرگر بود.

استامبرگر، فردی جالب توجه و دوست داشتنی بود. اندامی بلند و عضلاتی پر قدرت داشت. او ذاتاً مدیر و مدبری خوب بود. در اوایل دهه ۱۹۶۰ از آلمان به آمریکا مهاجرت کرده بود و در اسپن مشاغل مختلفی از جمله: کارهای چاپی و مریبگری اسکی را تجربه کرده بود و در نهایت با همکاری بیل دانوی، مجله معروف «کوه‌نوردی» را در اسپن منتشر کردند. ضمناً او کوه‌نوردی جسور و شجاع بود. در ۲۲ سالگی، سال ۱۹۶۴، اولین کسی بود که بدون اکسیژن بر قله ۸۰۰۰ متری چوآیو صعود کرد و از آن ارتفاع با اسکی فرود آمد. باید گفت که دو همورد او در جریان صعود به علت نارسایی ریوی در ارتفاع جان باختند. استامبرگر با وجود ناراحتی هموردان خود به

صعود ادامه داد و موفق شد ولی همین موضوع باعث شد که مورد سرزنش و نکوهش قرار بگیرد. با وجود این مساله، او به صعود بر ارتفاعات مشکل و دست نیافتنی اطراف اسپن ادامه داد. یکی از موفقیت‌های او، صعود زمستانی بر قله لغزنده و پربرف قله پیرامید بود (سال ۱۹۶۹).

سال ۱۹۷۱ نخستین کسی بود که در جبهه شمالی کوه معروف مارون اسکی کرد و از یک صخره ۵ متری پرش انجام داد. سال ۱۹۷۲ اولین صعود زمستانی را بر قله کاپیتول انجام داد. سپس در ادامه کارهای خود به هیمالیا رفت و سعی کرد قله ماکالو را صعود کند (۱۹۷۴). ولی موفق نشد و تصمیم گرفت دوباره به آنجا برود.

حتی در اسپن که افراد فعال و موفق زیاد هستند، استامبرگر مشخص و چشمگیر بود. او یک معلم قدیمی و مجرب بود که بدون دستکش اسکی می‌کرد و در زمستان همیشه یک گلوله برف در دست‌های خود نگاه می‌داشت و به این ترتیب خود را برای فعالیت و سرما آماده نگاه می‌داشت. یک بار که می‌خواستند در آن حوالی عملیات ساختمانی وسیعی شروع کنند، او چند روز خود را به درختی بست و به این ترتیب مخالفت خود را ابراز کرد. او در سال ۱۹۷۴ با جنیس پنینگتون ازدواج کرد.

استامبرگر سال ۱۹۷۵ در مسافرتی به پاکستان، صعود تنها به قله تیریچ میر (۲۳۰ / ۲۵ پا) ناپدید شد و هرگز بازنگشت. پس از ناپدید شدن او شایعات بسیاری بر زبان‌ها آمد، از جمله اینکه بعضی فکر کردند او می‌خواهد شوخی کند

و به زودی با شادی و شغف برخواهد گشت. ولی او هرگز برنگشت.

فرضیه‌های زیادی درباره دلایل غیبت او بیان شده است: از جمله بهمن، سقوط از سنگ و یا حتی قتل توسط سارقین.

همسرش عقیده متفاوتی دارد. او می‌گوید که یک بار فریتز گفته بود «شاید روزی متوجه شوی که من جاسوس شوروی بودم»!

سئوالات مختلفی به مغز جنیس خطور کرد، از جمله اینکه او زنده ولی زندانی است!

او شروع به جستجو و تحقیق کرد ولی گویا سازمان سیا به او اطلاع داد که با این کار امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد. چند سال بعد او دوباره شروع به جستجو کرد و مقاله‌ای در یک مجله نوشت که باعث شد به مسکو دعوت شود. در آنجا یک کارمند روسی به او گفت که فریتز یک جاسوس سازمان سیا بود و در سال ۱۹۸۱ در افغانستان فوت کرد.

یک نویسنده معروف ورزشی و کوه‌نوردی، معتقد است که هر کس با خصوصیات اخلاقی فریتز آشنا باشد می‌داند که داستان جنیس دروغ و ساختگی است ولی شاید بعضی‌ها آن را بیسندند. بیل دانوی که دوست و همورد فریتز است، در سال‌های بعد برای جستجو به پاکستان رفت.

او با مقداری وسایل و لوازم شخصی فریتز به اسپن برگشت و گفت او حین صعود به تیریچ میر ناپدید شد. کسی چه می‌داند؟

معمای هفتم در مورد پتی است که به طور کامل در مجله به ترتیب چاپ می‌شود.

صعود قله اورست (جبهه جنوبی، بهار ۹۰)

✓ صعود قله کلیمانجارو (بهمن ۸۹ و بهار ۹۰)

✓ صعود زمستانی آلبروس

✓ کمپ اصلی اورست+ صعود قله کالپاتار، آیلند پیک، مراپیک (اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

✓ صعود قله ۷۰۰۰ متری: لنین، خانتانگری، پوبدا، موستاق آنا، کورژن وسکایا و ... (تابستان ۹۰)



شاگردان شما در سرزمین خورشید

چناب آقای حسین امانی

انتصاب شایسته جنابعالی را به ریاست هیات کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان خراسان رضوی تبریک عرض می نمایم.



صعود موفقیت آمیزتان را تبریک عرض می نمایم

قله کورژن وسکایا و سامانی، تیم سرزمین خورشید

ابراهیم سلامی (مشهد)، نیما افسایی (چالوس)، عزیز عبدی، جواد کوهزالی، مرتضی رضایی (شهرستان دماوند)، عثمان هاشمی، سالار آبیاری، عزیز امام جمعه (هیات کوهنوردی آذربایجان غربی)، مهدی عمیدی (سرپرست - صعود دو قله)



تلاش ارزشمندتان را جهت صعود به قله ارج می نهم

قله سامانی، تیم هیات کوهنوردی آذربایجان شرقی

احد نصیر زاده، میرمحمود فاطمی، سلیمان قرچه داغی، کریم سکوتی، علیرضا شایقی، فرشاد اسکندری، کریم حسین زاده، رحیم خشت گر، نرگس آرازی، مهدیه وادی زاده، ابوالفتح سقایی (سرپرست)



تلاش ارزشمندتان را جهت صعود به قله ارج می نهم

قله لنین، تیم سرزمین خورشید

علی حسین زاده (جلفا)، مهدی معماری (بندر عباس)، علی تقی نجات، احمد مرتضایی (همدان)، مجید دلنوا، حامد انهری (تهران)، مرجان خاندانی (کرمان)، معصومه سعیدی (گیلان)، ابوالفضل الیاسی (آمل)، جلال رکابی (زنجان)، قربان رمضان پور (سرپرست)



صعود موفقیت آمیزتان را تبریک عرض می نمایم

قله لنین، تیم بانوان هیات کوهنوردی خراسان رضوی

حسین امانی (سرپرست)، جواد نوروزی (تصویر بردار و مسئول فنی)، مجید مذهبی (پزشک تیم)، محبوبه باغبان، بصیره حسن زاده، سارا صفاییان، حکیمه وفادارنیا، زری سلیمانی، راضیه عبداللهی، معصومه قشقایی، زهرا ارغیانی، راضیه غضنفری

آدرس: مشهد، شهرک غرب (قاسم آباد)، بین شریعتی ۷ و ۵ شرکت خدمات مسافرتی سرزمین خورشید

تلفکس: ۰۵۱۱-۶۶۲۰۴۴۴

همراه: ۰۹۱۵۵۰۲۴۵۹۹ عمیدی

۰۹۱۵۱۸۹۲۰۴۷ رمضانپور

آیا هیمالیا جای مادران نیست؟

مترجم: غزال حشمت منش

صعود کرده بود مورد تحسین قرار گرفت. اما عمیقاً مورد انتقاد هم قرار گرفت زیرا که همسرش جیم بلرد و فرزندانش، تام (۶ ساله) و کیت (۴ ساله) را ترک کرده بود و جانش را برای رویایی خطرناک به خطر انداخته بود. رویای او صعود به بلندترین سه قله روی زمین در مدت یک سال بود.

پس از سه ماه از صعود به اورست، آلیسون اولین مادر در میان کوهنوردان بود که هنگام فرود از قله K2 در طوفانی ناگهانی جان خود را از دست داد.

شوهر آلیسون در مصاحبه با نشریه Guardian سالها بعد گفت: "پس از مرگ آلیسون چیزهای بسیار دردناکی درباره او گفته می‌شد. کمترین اتهامی که به او زدند، ترک فرزندانش بود. من واقعا دوران سختی را در دفاع از حقوق زنانی مثل آلیسون پشت سر گذاشتم. افراد بی‌شماری به من نامه نوشتند و گفتند که این موضوع کمک قابل توجهی به آنها در صعود قله‌های هر روز زندگی‌شان کرده است."

"پس از صعود هر قله همیشه قله دیگری برای صعود وجود دارد." بحث‌ها به شدت بالا گرفت و منتقدان می‌گفتند که ازدواج آلیسون و در نهایت زندگی‌اش با ناکامی روبرو شد. آلیسونی که به شدت دچار "تب قله" شده بود، حتی قبل از اینکه این اتفاق بیفتد شایعات زیادی در این باره پخش شده بود.

بلرد اضافه می‌کند: "یکی از دردناک‌ترین خواسته‌های آلیسون قبل از رفتن به K2 این بود. او تصمیم گرفته بود مرا ترک کند. این حقیقت داشت که قبل از رفتن آلیسون به اورست بحث میان من و او به شدت بالا گرفته بود و زمانی که او برگشت ما دیگر هم دیگر را دوست نداشتیم، گرچه نامه‌هایی که از K2 می‌نوشت بسیار گرم‌تر شده بود."

"من نمی‌دانم فرصت‌های ما چه بود. فکر می‌کنم اگر که او از K2 جان سالم بدر می‌برد بالاخره یک روز ما از هم جدا می‌شدیم. آلیسون صرفاً با اورست و یا K2 راضی نمی‌شد - پس از صعود هر قله همیشه قله دیگری برای صعود وجود دارد. اگر شما چیزی را می‌خواهید، می‌خواهیدش و این هیچ اشکالی ندارد."

صحبت‌های جیم بلرد مشکل دومی را هم مطرح می‌کند. در کنار مشکلات نگهداری از کودکان، مشکل دیگر، نگهداشتن روابط میان زن و شوهرها هنگام جدایی‌های طولانی مدت است. این موضوع برای مردان هم صدق می‌کند و گریبانگیر تمام زوج‌ها با اهداف مختلف می‌شود. ■

منبع: www.explorersweb.com

درحالی‌که مردانی که به هیمالیا می‌روند اغلب صاحب فرزندانی هستند اما زنان هیمالیانورد به ندرت مادرند. به علاوه، مردان که خانواده را برای صعودهای پرخطر ترک می‌کنند، ستایش می‌شوند اما اگر زنان چنین کاری انجام دهند مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

چرا این چنین است؟ تاریخ، تحصیلات یا غریزه مادری که زمان نمی‌شناسد؟ و آیا این مساله عادلانه است؟

آلیسون هارگریوز، کوهنوردی با انگیزه و مادر دو کودک، جرقه بحث و گفتگو را در دهه ۹۰ با صعودش به قله اورست ایجاد کرد و تا مرگش در قله K2 پیش رفت.

فضای متشنج آرام شده بود اما تنها به این علت که کوهنوردان زن دیگر در هیمالیا تا آن زمان مسئولیت فرزند به عهده نداشتند. اما درکل این قضیه به شکل یک تابلو درآمد.

سایت explorersweb تصمیم گرفت که نارنجکش را پرتاب کند و از کسانی که مستقیماً درگیر این موضوع بودند نظرخواهی کند. نتیجه این پرس و جو مطالب جالبی بود از زندگی بشر در هوای رقیق و در پایین دره‌ها.

امروز دوباره این بحث داغ شده است. آلیسون هارگریوز کوهنوردی نمونه بود. درحالی‌که در ورزشش غرق شده و درحال گشتن در آلپ با یک ماشین van بود او از صعود یک دیواره به سراغ دیگری می‌رفت در حالی که شوهرش با صبوری مشغول مراقبت از فرزندانشان بود. آلیسون با افزایش مهارت، انگیزه اش هم بیشتر می‌شد.

در ژوئن ۱۹۹۵، به عنوان اولین زن انگلیسی که اورست را بدون اکسیژن

فروشگاه کوهنورد

کفش و لوازم کوهنوردی

خ دکتر بهشتی نبش خیابان میرعماد پلاک ۳۰۰
ساختمان گلدیس زیر همکف واحد ۱۰۸

تلفن: ۱-۸۸۷۳۹۷۰۰ - نمابر: ۸۸۷۳۹۶۷۲

استفاده از باتوم در کوه‌نوردی

sticks

ترجمه و برگرفته از کمیسیون پزشکی اتحادیه جهانی کوه‌نوردی
دکتر حمید مساعديان

از رودخانه، کوه‌نوردی در شرایط مه یا دید کم (در شرایط یادشده حفظ تعادل نقش حیاتی برای سلامتی فرد دارد)
فواید استفاده از باتوم:

افزایش حس تعادل و ایجاد تعادل (کاهش زمین خوردن و سر خوردن و سقوط)
خصوصاً در خستگی‌های مفرط در برنامه‌های کوه‌نوردی
هنگام حمل کوله پشتی سنگین

استفاده از باتوم از افزایش بی رویه ضربان قلب در ابتدای فعالیت و شروع کوه‌نوردی کمک کننده است (ولی بعد از مدتی این کاهش ضربان به دلیل فعالیت ماهیچه‌های دست و پا ادامه پیدا نمی‌کند).

■ معایب استفاده از باتوم در کوه‌نوردی:

۱- استفاده نادرست از باتوم (اگر فاصله بین بدن و باتوم زیاد باشد نه تنها کشیدگی در اندام‌ها زیاد می‌شود بلکه هنگام چرخش درد زیادی نیز احساس خواهد شد.

۲- استفاده از باتوم‌ها احساس تعادل را کاهش می‌دهد.
(استفاده مداوم از باتوم توانایی هماهنگی کوه‌نورد را کاهش می‌دهد. در مورد استفاده مکرر از باتوم، کوه‌نورد احساس امنیت بیشتری می‌کند. این اثر مخرب بوده و باعث می‌شود در مناطقی که صعب‌العبور است، خصوصاً جایی که فرد نمی‌تواند از باتوم استفاده کند فرد دچار مشکل شود، مانند: تیغه‌های باریک کوه و مسیرهای پرتگاهی) (متداول‌ترین حادثه کوه‌نوردی: سقوط بدلیل لغزش هنگام فرود است).

۳- مکانیزم‌های محافظتی فیزیولوژیکی را کاهش می‌دهد:
استفاده مداوم از باتوم تحریک کشیدگی فیزیولوژیکی را که برای تغذیه غضروف مفصلی و ورزیده کردن و حفظ حالت کشسانی مفصل لازم است کاهش می‌دهد.
۴- افزایش ضربان قلب به دلیل فعالیت ماهیچه‌های بزرگ‌تر در اندام فوقانی (دست‌ها).

۵- راحت نبودن هنگام عکاسی یا فیلم‌برداری در برنامه‌های کوه‌نوردی (دلیل پزشکی نیست). (حتی می‌تواند خطراتی برای کوه‌نورد داشته باشد).

امروزه بسیاری از کوه‌نوردان از باتوم در پیمایش‌ها و صعودهای خود استفاده می‌کنند و روز به روز به تعداد استفاده کنندگان اضافه می‌شود.

این سوال همیشه برای کوه‌نوردان و طبیعت گردان باقی بوده که: آیا استفاده از باتوم ضرری برای انسان دارد یا از ضروریات است؟ انواع باتوم که مورد استفاده کوه‌نوردان قرار می‌گیرد:

الف: عادی

ب: تلسکوپ

باتوم‌های تلسکوپ از نظر کارایی در کوه‌نوردی بهتر و ایمن‌تر می‌باشند. باتوم‌های فیردار از نظر قدرت کاهش فشار روی دست‌ها و ایجاد خستگی در ضربه‌های متوالی به دست‌ها کارایی بیشتری دارند.

نحوه استفاده از باتوم: طول باتوم بر اساس قد فرد و شیب مسیر باید تنظیم شود و همچنین طوری که هنگام استفاده از باتوم آرنج زاویه ۹۰ درجه داشته باشد. در استفاده از باتوم دقت شود تا حد امکان نزدیک به خط عمود بدن باشد. هنگام راه رفتن بدون حمل بار و کوله پشتی تفاوتی نمی‌کند که از یک یا دو باتوم استفاده شود. اما در حمل بارهای سنگین برای حفظ تعادل حتماً باید از دو باتوم استفاده شود. فواید باتوم هنگامی است که از باتوم درست استفاده شود:

باتوم‌ها در ازای هر ساعت فعالیت کوه‌نوردی چندین تن وزن را از روی اندام تحتانی به دست‌ها منتقل می‌کنند.

و در ازای یک روز فعالیت سنگین کوه‌نوردی حدود ۳۰ تن وزن و فشار را از روی زانوهای شما منتقل می‌کند.

در موارد زیر و در حمل کوله پشتی‌های سنگین استفاده از باتوم فشار را از روی مفاصل اندام تحتانی کم می‌کند:

الف: در سنین بالا و افراد سالمند

ب: در وزن بالای کوه‌نورد (کوه‌نورد سنگین وزن)

ج: ناراحتی قبلی مفاصل و ستون فقرات

د: هنگام حمل کوله پشتی‌های سنگین (در برنامه‌های زمستانی و طولانی

مدت)

ه: هنگام کوه‌نوردی بر روی برف و مکان‌های خیس، سبزه‌زار، نرم، هنگام عبور



فرود باید کوتاه، کشش دار و تا حد امکان آرام باشد. (نه آنقدر آرام که موجب خستگی عضلات چهارسر ران و عضلات جلو ران گردد).

ضمناً از دویدن در سراسیمگی‌ها و برداشتن قدم‌های بلند بپرهیزید و در راه‌های باریک و خطرناک از طناب به عنوان کمک و حمایت استفاده کنید. مسیرهای فرود را میانبر نزنید.

برنامه‌های کوه‌نوردی را متناسب با توانایی بدنی خود انتخاب کنید. با رعایت موارد بالا می‌توان ده‌ها سال به ورزش کوه‌نوردی بدون بروز عوارض ارتوپدی و مفصلی پرداخت.

مصرف مایعات در حین کوه‌نوردی: اگر کوه‌نوردان به نوشیدن زیاد مایعات عادت کنند مشکلات مفصلی کمتری برایشان به وجود می‌آید زیرا مفاصل از بی‌آبی رنج می‌برند. بخصوص در طول ضرب‌دیدگی‌های خفیف و مداوم غضروف‌ها (به ویژه در زانوها هنگام پایین رفتن از کوه) مشکل کم‌آبی بیشتر نمود پیدا می‌کند؛ زیرا غضروف‌ها دارای رگ نیستند و اولین جایی هستند که از بی‌آبی دچار مشکل می‌شوند.

استفاده از باتوم در کوه‌نوردی نباید عادت و همیشگی باشد. ونباید از آن در تمامی مسیرها استفاده کرد به‌خصوص استفاده دائمی از باتوم در کودکان و نوجوانان جایز نیست.

در استفاده از باتوم باید فواید و مضرات آن در نظر گرفته؛ سپس درباره کاربرد آن تصمیم گرفته شود.

باتوم را طوری حمل و استفاده نمایید که در صورت نیاز به دستانتان و عدم نیاز به باتوم بتوانید آن را به راحتی در کوله پشتی خود قرار داده و قسمت تیز باتوم به سمت پایین باشد تا خطر یا مزاحمتی برای کوه‌نورد پشتی شما نداشته باشد.

مترجم: استفاده از باتوم می‌تواند در تقویت عضلات دست‌های کوه‌نورد موثر باشد همان‌طور که می‌دانیم کوه‌نوردان به‌خاطر نوع و شیوه ورزش کوه‌نوردی اکثراً از پاهای خود استفاده می‌کنند که به مرور زمان می‌تواند باعث ضعف نسبی عضلات دست‌های آنان گردد که با استفاده از باتوم می‌توانند جلوی این ضعف نسبی عضلات دست را بگیرند. ■

■ روش صحیح راه رفتن و کوه‌نوردی و جلوگیری از کشش شدید عضلات اندام‌ها:

لازم است کوه‌نوردان به دلایل فیزیولوژیکی - حرکتی (سیستم گیرنده‌های عمقی مفاصل) روش صحیح پیمایش و کوه‌نوردی را برای حفظ حالت کشسانی، ایمنی و کم فشار بودن مفصل، نحوه استفاده صحیح از باتوم را آموزش دیده و بیاموزند.

■ عوامل مهم در میزان فشار وارده بر مفاصل اندام تحتانی:

وزن بدن (خصوصاً وزن زیاد کوه‌نورد)

وزن کوله پشتی

روش صحیح پایین رفتن از کوه

توصیه‌ها:

کوه‌نورد باید با قدم‌های کوتاه، ضربه گیر و متغیر (از لحاظ نحوه قدم برداری) تا جایی که می‌تواند جلوی کشیدگی اندام‌ها را بگیرد. یعنی قدم برداشتن هنگام

اورست DVD
مجموعه‌ای مستند از فعالیت‌های انجام شده در کوه اورست
 با ترجمه و دوبله فارسی در مراحل پایانی تهیه می‌باشد
 بزودی از طریق فصل نامه کوه
 طرح، مشاوره و مجری: **کلیه احمدی**
 وبسایت: **ماتی میا گرانیک انجمن فیلم و صدا**
 www.damawand.com
 ۰۹۱۲ ۵۱۳ ۷۱۱۸
 ۰۲۱ ۵۵۷۱۷۸۲۹
 رشتی

گروه تبلیغات فرات
 هدایای نمایشگاهی، همایشی و تبلیغاتی
 مدیر عامل
 کاظم مبهوتیان
 «قلم، کاغذ و سوت از وسایل کوه‌نوردی است.»
 تلفن: ۰۱ - ۵۵۰ ۰۷ ۱۵ ۵۵، ۵۵ ۱۸ ۵۲ ۸۸
 همراه: ۰۹۱۲ ۳۳۸ ۵۰۹۶ - ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۸۳۷۰

اشتباه یک یخ‌نورد

حتی یک صعود کننده خوب هم می‌تواند مرتکب یک اشتباه بد شود

مترجم: هادی فوقانی

رویداد:

روز بیست و یکم مارس ۲۰۰۲ یخ‌نوردی سی و یک ساله به نام براتنسکی هنگام فرود از یک مسیر یخی کلاسیک در منطقه یخ‌نوردی ایالت کلرادو آمریکا، از بالای سر خود صدایی شبیه به پکیدن چیزی شنید. او فکر کرد که طنابش از روی یک برآمدگی یخی سر خورده و عامل صدا آن بوده است. پس به آن توجهی نکرده و به کار خود ادامه داد. اما کمی بعد او دومین صدای پکیدن را شنید و این بار فکر کرد که درختی که او به عنوان کارگاه از آن استفاده کرده است از جا ریشه کن شده و به سوی پایین به پرواز درآمده است. او با این تصور به بالا نگاه کرد و برخلاف تصورش طناب را دید که چون ماری بالای سرش چنبره زده و همراه او به سرعت به پایین سقوط می‌کند. فاصله او تا زمین حدود بیست و پنج متر بود. او فوراً به این نتیجه رسید که از این حادثه جان به در نخواهد برد. ولی برخلاف تصورش او از این حادثه جان به در برد و امروز با یادآوری آن تجربه می‌گوید که در آن لحظات تصاویر ثابت همسر و پسر یک ساله‌اش را در سمت راست خویش مثل یک تصویر سه بعدی می‌دید. شاید این به یاد آوردن دوباره عکس‌های واقعی آنان بوده است. ولی این بار در پس زمینه عکس‌ها صخره‌هایی بودند که در فضایی وهم‌آلود بر روی هم انباشته می‌شدند و سر به فلک می‌کشیدند. او می‌گوید که در آن لحظه رو به همسر و پسر خویش کرده و از آنان عذرخواهی کرده است. ولی دوستان او می‌گویند که قبل از اصابت او به زمین هیچ صدایی از او نشنیده‌اند. اصل قضیه این بوده که او در کارگاه فرود، طناب خود را به جای عبور از کارابین‌ها از میان دو نوار استیک که به دور درخت انداخته بوده عبور داده و در هنگام فرود اصطکاک بین طناب و نوارها باعث ذوب نوارها شده و هر دو نوار یکی پس از دیگری از هم گسیخته و بدین ترتیب او تا روی زمین سقوط کرده است.

او کوه‌نورد کم تجربه‌ای نبود. او از سن پانزده سالگی به یخ‌نوردی و صعود قله‌های مختلف پرداخته بود. او در نگاه به آنچه رخ داده بود بلافاصله به خطای خود پی برد. در روز حادثه او تنها نبود دو نفر دیگر هم با او بودند. ابتدا او مسیر را سرطناب صعود کرده و در انتهای مسیر کارگاه فرود را با استفاده از یک درخت و دو نوار برپا ساخته و طناب خویش را از میان دو نوار عبور داده و به سرعت فرود را آغاز کرده است. او با این فکر این کار را کرده است که پس از اتمام فرود طناب را از نوارها بیرون کشد تا دو هم‌نورد تازه کار او سرطناب مسیر را صعود کنند اما وقتی که او به پایین می‌رسد آنها می‌گویند که نمی‌خواهند سرطناب صعود کنند بلکه می‌خواهند با حمایت از بالا بر روی قرقره صعود کنند. او اصلاً متوجه نبوده است که طناب را از داخل کارابین‌ها رد نکرده بلکه از داخل نوارها عبور داده است. به این ترتیب هر دو هم‌نورد او با استفاده از همین طناب به صورت قرقره‌ای صعود کرده و سپس

فرود می‌آیند. و دست آخر خود او هم یک بار دیگر بالا می‌رود تا کار را به اتمام برساند و فقط در هنگام بازگشت او بوده که آن اتفاق می‌افتد. او حدود پنج متر فرود آمده بود که هر دو نوار از هم گسیخته می‌شوند.

سقوط او منجر به جراحات شدیدی شد: نه مهره شکسته، استخوان شکسته جناغ سینه، در رفتگی مفصل ران و در رفتگی مفاصل شانه. خوشبختانه او به علت بر سر داشتن کلاه ایمنی دچار ضربه مغزی و آسیب به سر نشده بود. حدود سی تا چهل دقیقه طول کشید تا ابتدا امدادگران سازمان آتش‌نشانی و سپس امدادگران کوهستان سر رسیدند و او را انتقال دادند. اکنون حال عمومی او رضایت بخش است گرچه برخی عوارض دراز مدت‌تر را هم باید از سر بگذرانند. او برنامه ریزی می‌کند تا در جشنواره یخ‌نوردی آتی شرکت کند. او اکنون بسیار قدران بخت و زندگی خویش است. او می‌گوید که هر روز این فکر از سر او می‌گذرد که وضعیت چقدر می‌توانست بدتر باشد اگر به هنگام صعود یکی از هم‌نوردانش در کارگاه این اتفاق رخ می‌داد.

بررسی رویداد:

در اصل حادثه به خاطر اصطکاک بین طناب و سیستم نوارها اتفاق افتاده که باعث ذوب نوارها شده است. حتی اگر وقایع طبق انتظار براتنسکی پیش می‌رفت همان یک بار فرود اولیه او روی طنابی که از نوارها عبور کرده بود، باعث تضعیف نوارها جهت استفاده‌های بعدی می‌شد. در حادثه مورد بحث چندین بار عمل حمایت و فرود روی چنین طنابی انجام گرفته که سرانجام باعث پاره شدن نوارها شده است.

پیشگیری:

هرگز طناب را از درون نوار عبور ندهید طناب باید فقط از درون فلز عبور کند. اگر لازم است باید قید کارابین‌ها را زد و آنها را در نوارها باقی گذاشت. در نهایت اگر به هر دلیلی قصد دارید با استفاده از نوارها سریعاً فرود آید، نوارهای کار کرده را با نوارهای نو جایگزین کنید. می‌دانیم که فرود روی طناب‌هایی که مستقیماً از نوارها عبور کرده‌اند در مسیرهای کوهستانی امری است که گاهی اجتناب ناپذیر است و این به خاطر همراه نداشتن ابزار و کارابین کافی است، در چنین مواردی فرود باید با حداکثر احتیاط انجام پذیرد. برای کارگاه‌های حمایت از بالا یا صعود قرقره‌ای باید توجه داشت که این کارگاه‌ها باید حتماً دارای پشتیبان باشند و در برپایی آنها باید از نوارهای تازه و نه چندان مستعمل که دارای دو کارابین هستند استفاده کرد. همان طور که هر کس باید گرم‌های هم‌طنابش را کنترل کند باید این برابریان عادت شود که کارگاه را هم کنترل کنیم حتی کارگاهی را که توسط یک آدم مطمئن برپا شده است. ■

گزارش پزشکی تیم ملی کوه نوردی

قله داتولاگیری ۸۱۶۷ متر

حاصل حضور چند ساله دکتر علیرضا بهپور در تیم‌های هیمالیانوردی، تجربیات ارزشمندی است که نامبرده کسب کرده و در گزارش زیر مکتوب کرده است که می‌تواند برای پزشکان همراه و تیم‌های برون‌مرزی مفید باشد.

در بهار سال ۱۳۸۹ تیم ملی کوه‌نوردی جمهوری اسلامی ایران به قصد صعود قله داتولاگیری به ارتفاع ۸۱۶۷ متر عازم کشور نپال شد. این تیم متشکل از ۱۳ کوه‌نورد بود که شامل تیم سرپرستی و هشت عضو منتخب می‌شد. اینجانب پس از مذاکرات اولیه و اطلاع از نظرات سرپرست محترم برنامه از اواخر آذرماه ۱۳۸۸ مسئولیت امور پزشکی تیم را به عهده گرفتم. این روند بر خلاف رویه معمول در انتخاب پزشک تیم در تیم‌های هیمالیا نوردی بود. به نظر می‌رسد که این روش جدید، روند صحیح تری باشد. زیرا فرصت مناسب و کافی برای پزشک فراهم می‌آورد تا با اعضای تیم آشنایی پیدا کرده و معاینات و بررسی‌های لازم از آنها را به عمل آورد و در صورت نیاز بتواند به روند انتخاب نهایی اعضای تیم کمک نماید. از طرف دیگر برای هماهنگی امور کاری خود نیز زمان کافی در دست دارد.

انتخاب اعضا

فراخوان اولیه جهت تشکیل تیم ملی در پاییز سال ۸۸ اعلام گردید. یکی از شروط اولیه و اصلی برای افراد شرکت کننده در این اردوها داشتن سابقه حداقل یک صعود بلند به قله بالای ۷۰۰۰ متر بود. به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن این پیش شرط یکی از قدم‌های اساسی و بسیار مفید در تشکیل این تیم موفق بود. موارد زیر را می‌توان به عنوان مزایای این شرط بیان نمود:

آشنایی افراد با شرایط هیمالیا و تجربه قبلی در کوه‌نوردی در چنین شرایطی سبب گردیده بود که همگی افراد آمادگی جسمی و روحی لازم را برای چنین صعودی داشته باشند.

افرادی که برای بار اول وارد منطقه هیمالیا می‌شوند، معمولاً تحت تأثیر عظمت قله و یخچال‌های منطقه دچار نوعی شوک روانی یا در اصطلاح عامه تخلیه روحی می‌شوند. این افراد امر صعود را ناممکن دانسته و بسیار ضعیف‌تر از حد معمول خود عمل می‌کنند. همچنین این افراد استعداد بیشتری برای ابتلاء به بیماری‌های ارتفاع دارند. این گونه کوه‌نوردان اگر در همان مراحل اولیه منصرف نشوند؛ معمولاً بعد از چند روز حضور در منطقه و صعود تا کمپ‌های بالاتر به تدریج به خود مسلط شده و با شرایط خود می‌گیرند. خوشبختانه ترکیب تیم اعزامی به گونه‌ای بود که همگی افراد تجربه چند باره حضور در

هیمالیا را داشته و همگی در اوج آمادگی روحی و روانی قرار داشتند.

یکی دیگر از مسایل مهم در چنین صعودهایی؛ مشکلات ناشی از زمان طولانی این گونه صعودها و حضور طولانی در کمپ و فشارهای روحی روانی دوری از خانواده و شرایط زندگی نرمال است. چنین مشکلاتی است که سبب می‌شود بعضی از افراد بعد از یک بار حضور در اینگونه صعودها قید هر گونه صعود بلندی را بزنند و باوجود شایستگی، دیگر در این سطح کوه‌نوردی نکنند. طبیعتاً آشنایی فرد با این مشکلات سبب می‌شود که با آمادگی روحی لازم حضور مجدد در چنین شرایطی را تجربه نماید.

از دیگر مشکلات افراد فاقد تجربه در هیمالیا مربوط به تصورات و پیش فرض‌هایی معمولاً غلط در ارتباط با شرایط صعود، منطقه کوه‌نوردی، توانایی‌های شخصی و... است. هر مقدار هم که پیش از صعود سعی در انتقال تجربیات دیگران از طریق مطالب مکتوب و شفاهی شود؛ باز هم مواجهه خود شخص و برداشت فردی اوست که نقش اصلی را در عملکردش در منطقه ایفا می‌کند. طبیعتاً تجربه قبلی افراد سبب می‌شود که با تصویری مناسب و پیش زمینه فکری درست وارد منطقه شوند و بسیار بهتر و سریع‌تر با شرایط صعود و تیم خو بگیرند.

افراد با تجربه بسیار راحت‌تر و معقول‌تر در سلسله مراتب تیمی جای گرفته و تصمیمات اتخاذ شده توسط تیم سرپرستی را پذیرا می‌شوند (البته موارد استثناء و بر عکس نیز وجود دارند). این امر خود سبب روند مطلوب‌تر و بهتر انجام امور تیم گردیده و احتمال موفقیت تیم را بالا می‌برد.

تجربه قبلی فرد سبب می‌گردد که از تصمیمات احساسی و اکثراً نادرست کاسته شود و الگوی رفتاری فرد ناشی از اصل "بار اول و آخر" نباشد.

معاینات پزشکی

فرد شرکت کننده در اردوها در دو نوبت مورد معاینات پزشکی قرار گرفتند: در سطح شهر شامل: تکمیل فرم‌های عمومی، معاینات عمومی و ثبت علائم حیاتی (فشار خون، ضربان قلب و...) و در خواست آزمایشات پاراکلینیکی شامل: نوار قلب، عکس قفسه سینه و آزمایشات کامل خون و ادرار.

لازم به ذکر است که این معاینات شامل کلیه افراد تیم منجمله کادر سرپرستی می‌شد و مورد استثنایی وجود نداشت.

در طول اردوی یخ‌نوردی در منطقه آب نیک از شرکت کنندگان معاینات میدانی به عمل آمد که شامل معاینات عمومی قلب و ریه و اندازه‌گیری: ضربان قلب؛ تعداد تنفس و فشار خون بود. این اندازه‌گیری‌ها در حال استراحت و در هنگام حداکثر فعالیت بدنی افراد انجام گرفت. با توجه به اینکه این معاینات در ارتفاع حدود ۲۸۰۰ متری و در



سرمای قابل توجهی انجام شد؛ نتایج به دست آمده تفاوت قابل توجهی با نتایج معاینات در سطح شهر و محیط سالنی دارد. مثلاً چنانچه فردی مبتلا به نوعی از آسم باشد که در اثر سرما تشدید می‌شود؛ در صورت عدم ذکر مشکل از سوی خود فرد، فقط با معاینه دقیق در همین شرایط قابل تشخیص خواهد بود و معاینه در سطح شهر کمکی به مشخص شدن بیماری اش نخواهد کرد. در اندازه گیری های انجام شده نیز نکات قابل توجهی از وضعیت آمادگی افراد قابل مشاهده است که بیان آن از حوصله این گزارش خارج است.

در زمانی که این دوره از معاینات انجام گردید تعداد منتخبین اردوها به حدود ۱۵ نفر رسیده بود و با توجه به اینکه قرار بر اعزام حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر به برنامه اصلی بود به نظر می‌رسد که زمان

مناسب برای چنین معایناتی در همین دوره زمانی خاص باشد، زیرا اگر در این معاینات فردی مناسب شرکت در برنامه تشخیص داده نشود امکان جایگزین نمودن فرد مناسب دیگر وجود دارد. در عین حال از تحمیل هزینه اضافی به افراد بیشتر که کاندید احتمالی نیستند، جلوگیری می‌شود.

البته خوشبختانه هیچ کدام از افرادی که مورد معاینه قرار گرفتند مشکل خاصی از نظر پزشکی نداشته و دلایل حذف افراد بر اساس معیارهای دیگر در نظر گرفته شده بود.

به دنبال ۸ مرحله اردو در نهایت ۸ کوهنورد انتخاب شدند و با این انتخاب ترکیب تیم نهایی نیز مشخص گردید که علاوه بر کوهنوردان شامل: سرپرست، معاون سرپرست، مسؤل فنی، مسؤل تدارکات و پزشک تیم بود. خوشبختانه ترکیب تیم نهایی به گونه ای شکل گرفته بود که همگی نسبت به همدیگر شناخت کافی داشته و به خصوص این شناخت از سوی مسؤلین تیم نسبت به افراد اهمیت دو چندانی داشت. خود این جانب با تمام افراد تیم حداقل یک برنامه بلند مدت خارجی همراه بوده ام (در مورد بعضی ها ۳ بار) و شناخت مناسبی از وضعیت جسمی و روحی این افراد در چنین برنامه هایی داشتیم که در مواردی بسیار کمک کننده بود.

تهیه تدارکات

پس از مشخص شدن تعداد نفرات نوبت به خرید دارو وسایر ملزومات تیم گردید. در سال جاری خرید دارو بر اساس لیست تجدید نظر شده به عمل آمد و به همین دلیل میزان داروهای نامناسب و بی مصرف، کمتر شده بود. البته همواره در پایان چنین صعودهایی مقادیر زیادی دارو باقی می‌ماند که معمولاً به درمانگاه های محلی اهدا می‌شود. به هر صورت حمل این مقدار دارو اجتناب ناپذیر بوده و می‌بایست همراه تیم باشد، تا در زمان نیاز مصرف شوند.

دوره هم هوایی

برنامه ریزی صعود تیم به کمپ‌های بالاتر جهت هم هوایی و انتقال تجهیزات مورد نیاز به صورت کاملاً کلاسیک و علمی صورت گرفته بود و با توجه به شانس تیم در داشتن دوره های هوایی مناسب این برنامه تقریباً به طور کامل و بر طبق پیش بینی صورت گرفت. بر طبق این برنامه همه افراد تیم به ترتیب کمپ یک (۵۹۵۰ متر) و کمپ ۲ (۶۴۰۰ متر) و کمپ ۳ (۷۳۳۰ متر) را لمس نموده و پیش از عظمت به ارتفاع بالاتر حداقل یک شب را نیز در کمپ پایین ترسپری نمودند.

اصولاً در چنین صعودهایی برنامه هم هوایی تیم رکن اساسی در موفقیت و یا شکست تیم محسوب می‌شود. از این بالاتر عدم رعایت قواعد هم هوایی می‌تواند به قیمت جان

مناسب برای چنین معایناتی در همین دوره زمانی خاص باشد، زیرا اگر در این معاینات فردی مناسب شرکت در برنامه تشخیص داده نشود امکان جایگزین نمودن فرد مناسب دیگر وجود دارد. در عین حال از تحمیل هزینه اضافی به افراد بیشتر که کاندید احتمالی نیستند، جلوگیری می‌شود.

البته خوشبختانه هیچ کدام از افرادی که مورد معاینه قرار گرفتند مشکل خاصی از نظر پزشکی نداشته و دلایل حذف افراد بر اساس معیارهای دیگر در نظر گرفته شده بود.

به دنبال ۸ مرحله اردو در نهایت ۸ کوهنورد انتخاب شدند و با این انتخاب ترکیب تیم نهایی نیز مشخص گردید که علاوه بر کوهنوردان شامل: سرپرست، معاون سرپرست، مسؤل فنی، مسؤل تدارکات و پزشک تیم بود. خوشبختانه ترکیب تیم نهایی به گونه ای شکل گرفته بود که همگی نسبت به همدیگر شناخت کافی داشته و به خصوص این شناخت از سوی مسؤلین تیم نسبت به افراد اهمیت دو چندانی داشت. خود این جانب با تمام افراد تیم حداقل یک برنامه بلند مدت خارجی همراه بوده ام (در مورد بعضی ها ۳ بار) و شناخت مناسبی از وضعیت جسمی و روحی این افراد در چنین برنامه هایی داشتیم که در مواردی بسیار کمک کننده بود.

تهیه تدارکات

پس از مشخص شدن تعداد نفرات نوبت به خرید دارو وسایر ملزومات تیم گردید. در سال جاری خرید دارو بر اساس لیست تجدید نظر شده به عمل آمد و به همین دلیل میزان داروهای نامناسب و بی مصرف، کمتر شده بود. البته همواره در پایان چنین صعودهایی مقادیر زیادی دارو باقی می‌ماند که معمولاً به درمانگاه های محلی اهدا می‌شود. به هر صورت حمل این مقدار دارو اجتناب ناپذیر بوده و می‌بایست همراه تیم باشد، تا در زمان نیاز مصرف شوند.

همچنین وسایل پزشکی دیگری (متجمله پالس اکسیمتر) نیز در خواست شد که با مساعدت سرپرستی تهیه و بسیار مفید واقع شدند. در دنباله توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

اعزام تیم

در نهایت تیم ملی در آخرین روزهای سال ۱۳۸۸ به منطقه اعزام شد. مجموعه داتولاگیری شامل ۶ قله بالای ۷۰۰۰ متر است و داتولاگیری یک به ارتفاع



مشکلات تنفسی شده که با تماس بیسیم با من در کمپ اصلی و بررسی موضوع احتمال ادم ریوی ارتفاع بالا مطرح و داروهای لازم تجویز گردید و کاهش سریع ارتفاع را توصیه نمودم، که خوشبختانه مؤثر واقع شد و فرد مورد نظر از خطر حتمی نجات یافت. نکته قابل توجه در این حادثه عدم وجود هیچگونه عامل زمینه ای و یا علامت هشدار دهنده قبلی در این فرد، قبل از فتح قله بود.

البته نکته منفی در این بین اولاً فشار بیش اندازه فرد جهت انجام صعود و خستگی بیش از اندازه وی و دوماً عدم حضور اینجانب در محل کمپ بالا و رسیدگی بهتر به موضوع بود که خوشبختانه در نهایت ختم به خیر گردید.

سرمزدگی انگشتان دست و پای دو نفر از شریکها که از نوع درجه دوم بوده و مشکل جدی برای آنها به وجود نیاورد و بعد از مراقبت‌های اولیه و پس از چند روز بهبودی حاصل شد. پوشاک نامناسب عامل اصلی زمینه ساز برای بروز این مشکل بود.

تجربیات

پالس اکسیمتری

دستگاه پالس اکسیمتر از دیر باز یکی از ابزارهای مهم پزشکی در ارزیابی وضعیت بیماران محسوب می‌شود. به طور خلاصه این دستگاه میزان اشباع خون سرخرگی از اکسیژن را اندازه گیری می‌کند. این میزان در سطح دریا حدود ۹۸ درصد است.

با پیشرفت تکنولوژی اندازه این دستگاه به تدریج کوچک‌تر شده و قیمت آن نیز سیر نزولی پیدا کرده و به همین دلیل استفاده از آن گستردگی بیشتری پیدا کرده است. در کوهنوردی نیز این دستگاه استفاده روز افزونی در ارزیابی وضعیت کوهنوردان و بررسی سلامت آنان و سیر بیماریهای احتمالی آنان دارد. با استفاده از این دستگاه می‌توان روند هم هوایی کوهنوردان و میزان تطابق آنها با شرایط کوهستان را مورد ارزیابی قرار داد و با استفاده از آن نسبت به برنامه ریزی دقیق تر صعود اقدام نمود همچنین در صورت بروز بیماری های خاص ارتفاع، استفاده از این دستگاه کمک شایانی به تشخیص بیماری و بررسی وضعیت بیمار و چگونگی درمان های لازم و تاثیر آنها می‌نماید.

میزان اشباع اکسیژن خون سرخرگها در سطح دریا ۹۸ درصد است و با افزایش ارتفاع به تدریج کم شده و در ارتفاعات بالا به نصف تا یک سوم این میزان می‌رسد.

در صعود سال جاری برای اولین بار در صعودهای هیمالیا نوردی ایران از این دستگاه استفاده گردید. میزان اکسیژن خون هر عضو تیم بارها در طول زمان صعود اندازه گیری و ثبت گردید. به طور خلاصه نتایج بررسی‌ها به شرح زیر بود:

متوسط میزان اشباع خون شریانی افراد در بدو ورود به منطقه حدود ۷۳ درصد بود که با توجه به ارتفاع ۴۸۰۰ متری محل کمپ نشان از هم هوایی خوب افراد تا این ارتفاع دارد. بعد از پایان صعود و در انتهای دوره زمانی اقامت در کمپ اصلی این میزان به حدود ۸۱ درصد رسید که نشان دهنده پیشرفت هم هوایی افراد است.

اندازه گیری این میزان در کمپ‌های بالاتر نیز نشانگر افت کمتر اکسیژن خون در مقایسه با مقادیر تعریف شده است که باز هم نشان دهنده آمادگی مناسب افراد بوده است.

به طور کلی میزان اکسیژن خون افراد تیم در یک دامنه تقریباً یکسان قرار داشت. ولی به طور کلی در هر ارتفاعی چنانچه سایر شرایط نیز یکسان باشد افرادی که اکسیژن خون بالاتری دارند عملکرد بهتری نیز خواهند داشت.

اعضای تیم تمام شود. نمونه مشخص این مساله تیم چین بود که با وجود برخورداری از همه امکانات با برنامه‌ریزی غلط خود و انجام هم هوایی فقط تا کمپ اول؛ برای خود چنین فاجعه‌ای آفریدند.

روز صعود

پس از حدود ۳۵ روز اقامت در کمپ اصلی و با بررسی وضعیت هوا زمان صعود قله تعیین شد و دشوارترین قسمت برنامه فرا رسید: انتخاب نفرات صعود کننده به قله.

طبق تصمیم تیم سرپرستی برنامه: قرار بر صعود حداقل نفرات به قله گرفته شد. شرایط خاص قله و زمان اندک هوای خوب روزانه که معمولاً تا هنگام ظهر بیشتر طول نمی‌کشد و از سوی دیگر فضای اندک موجود در کمپ ۳ جهت برقراری چادر را می‌توان از دلایل این امر برشمرد که مجموعاً چنین تصمیمی را اجتناب ناپذیر می‌کردند.

خوشبختانه همه افراد تیم چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی آمادگی کامل برای صعود را داشتند و تفاوت بین افراد بسیار اندک بود. همین امر کار انتخاب را مشکل می‌کرد. در نهایت از خود افراد نظر خواهی شد و نتیجه آن مبنای انتخاب نفرات قرار داده شد. در نهایت چهار نفر از اعضای تیم جهت صعود به قله انتخاب گردیدند تا به همراه مسؤل فنی تیم (عظیم قیچی ساز) و چهار شریک به قله صعود نمایند.

این افراد نیز در نهایت با اقتدار کامل موفق به صعود قله سرسخت و خطرناک دانولاگیری در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۸۹ شدند.

در مورد شریک‌های همراه تیم این نکته قابل ذکر است که با وجود زحمات بسیاری که کشیدند ولی با توجه به قدرت تیم ایران، آنها نتوانستند در قسمت‌های دشوار مسیر کمک چندانی به تیم بنمایند. فقط یکی از آنها موفق به صعود قله گردید و در روز صعود و هنگام بازگشت نیز یکی دیگر از آنها مشکلات فراوانی را برای تیم ایجاد نمود.

مشکلات پزشکی

همان گونه که پیشتر اشاره شد، چون همه تدابیر لازمه اندیشیده شده بود و احتیاط کامل بر همه تصمیمات حکم فرما بود خوشبختانه مشکل عمده پزشکی در بین اعضای تیم مشاهده نشد. موارد مهم در زیر اشاره می‌شود:

یکی از افراد صعود کننده به قله در هنگام بازگشت و هنگام اقامت در کمپ ۳ دچار



چشمگیر کمپ اصلی، نبود این وسیله را می توان به عنوان نقص مهمی در تدارکات تیم عنوان نمود.

به نظر من همان گونه که در مکاتبات قبلی با فدراسیون نیز شرح داده ام؛ پزشک تیم

باید در مراحل صعود تا حد ممکن همراه تیم باشد تا در صورت بروز مشکل جدی بتواند کمک کننده باشد. البته پیش شرط آن را نیز نظر مثبت سرپرستی برنامه می دانم. در این صعود نظر سرپرست محترم بر عدم صعود اینجانب بود که با تبعیت کامل و بدون هیچ مخالفت و بحثی پذیرفتم و سعی در انجام وظیفه خود به نحو احسن نمودم. ولی معتقدم که در صورت حضور پزشک در کمپهای بالاتر و اقدامات به موقع و مناسب؛ ریسک کمتری متوجه اعضای تیم خواهد بود.

با وجود رابطه طولانی و خوب فدراسیون کوهنوردی با شرکت خدمات دهنده تامس کو؛ متأسفانه این شرکت شریکهای مناسبی را در اختیار تیم ایران قرار نداده بود به طوری که گاهاً سبب کند شدن روند کار و گاهی مخاطره برای سایرین می شدند. همچنین با عدم تامین باربر کافی برای بازگشت تیم، بار اصلی حمل تدارکات بر دوش پرسنل زحمتکش آشپزخانه و خود افراد تیم افتاد که با وجود زحمت زیاد خوشبختانه مشکل جدی را به وجود نیاورد. مواد غذایی تهیه شده از سوی شرکت تامس کو که با توجه به ذائقه ایرانیان و همچنین مشکل در تهیه گوشت با ذبح اسلامی تدارک دیده شده بود از نظر میزان پروتئین لازم و مناسب به هیچ عنوان کافی نبود. خوشبختانه تهیه مکملها از سوی خود تیم این نقیصه را تا حدی جبران نمود. ولی لازم است که جهت تیمهای دیگر عازم به نپال در این مورد پیش بینی کامل تری صورت گیرد.

در خاتمه از همه دست اندرکاران محترم در فدراسیون به ویژه ریاست آن سپاس فراوان دارم. ■ با آرزوی صعودهایی سلامت، موفق و ایمن و برای همه کوهنوردان.

درباره فردی که مبتلا به ادم ریه ارتفاع بالا شده بود، اندازه گیری میزان اکسیژن خون نشانگر افت شدید تا حدود ۵۸ درصد حتی با وجود دریافت اکسیژن کمکی بود، که وضعیت خطیری را نشان می داد و همین امر راهنمای ما برای لزوم کاهش هر چه سریع تر ارتفاع بود. در روزهای بعدی نیز اندازه گیری این میزان نشان از چگونگی پیشرفت درمان های انجام شده داشت و لزوم یا عدم لزوم دریافت اکسیژن و دیگر درمان ها را مشخص می کرد.

با توجه به اینکه این دستگاه به طور همزمان ضربان قلب افراد را نیز اندازه می گیرد، کنترل وضعیت آنها بهتر و دقیق تر انجام می شود. شایان توجه است که اندازه گیری ضربان قلب در حالات مختلف یکی از فاکتورهای بسیار مهم در ارزیابی آمادگی ورزشکاران است.

■ استفاده از مکمل های غذایی

یکی از مشکلات عمده در صعودهای بلند کاهش وزن شدید افراد است که گاهی تا ۱۵ الی ۲۰ کیلوگرم می رسد. تجربیات قبلی من میزان متوسط کاهش وزن افراد حدود ۷ کیلوگرم بود (۲ تا ۱۵ کیلوگرم) که تقریباً با آمارهای ثبت شده دیگر برابر بود. این کاهش وزن علل متنوعی دارد و بر عملکرد جسمی و روحی فرد تاثیر منفی قابل ملاحظه ای دارد. به طوری که افراد بسیار قدرتمند گروه را از ادامه صعود ناتوان می سازد.

یکی از دلایل مهم این کاهش وزن نبود تغذیه مناسب و مواد غذایی مفید و غنی است. پروتئین مواد غذایی نیز چندان کیفیتی نداشته و در حداقل میزان است. همچنین هضم و جذب مواد غذایی نیز به شدت مختل شده است. چنانچه مواد غذایی با قابلیت هضم و جذب بهتر در دسترس باشند میتوان از این کاهش وزن تا حدی جلوگیری نمود.

به همین دلیل در صعود سال جاری نسبت به تهیه دو نوع مکمل پروتئینی اقدام گردید و همه اعضای تیم موظف بودند که روزانه حداقل ۳۰ گرم از این مواد را مصرف کنند. میزان کاهش وزن افراد تیم در این صعود حدود ۲/۳ کیلوگرم (بین ۰ تا ۵ کیلو) بود که اختلاف قابل توجهی را با تجربیات قبلی نشان می دهد.

البته به طور حتم متغیرهای دیگری نیز در این اختلاف دخیل هستند و برای اثبات تاثیر این مواد در چنین شرایطی باید مطالعات کنترلی گسترده و دقیق تری به عمل آید.

■ کنترل منظم وزن افراد

در صعود سال جاری با تهیه یک ترازوی قابل حمل و انتقال آن به کمپ اصلی به طور منظم اقدام به توزین افراد گردید. این اندازه گیری در بررسی وضعیت سلامتشان و کفایت تغذیه آنها کمک کننده بود که در قسمت قبل شرح داده شد.

■ کمبودها

خوشبختانه با پیش بینی های قبلی و استفاده از تجارب گذشته سعی در تدارک همه موارد لازم شده بود و موارد چندانانی را به عنوان کمبود یا نکته منفی نمیتوان برشمرد با این حال روی موارد زیر تاکید دارم:

عدم تهیه گاموبگ از سوی شرکت تامس کو؛ این وسیله که در صورت بروز مشکل ریوی یا مغزی در کوهنوردان می تواند بسیار کمک کننده بوده و سبب نجات جان افراد شود، از لوازم بسیار ضروری در صعودهای بلند است و معمولاً به تعداد حداقل یک دستگاه در هر کمپ اصلی و گاهاً در کمپهای بالا قرار داده میشود تا در صورت نیاز استفاده شوند. با توجه به دور افتاده بودن این قله و عدم حضور تیمهای صعود کننده و خلوتی

فروشگاه ورزشی فرهنگ

عرضه کننده لوازم و وسایل کوه نوردی
شرکت های معتبر در استان یزد

فروش انواع کفش، (خارجی و ایرانی) کوله پشتی، کیسه خواب،
لباس های پلار و سی دی کوه نوردی

یزد: خ ایرانشهر - روبروی هنرستان شهید رجایی - ورزشی فرهنگ
محمد مهدی کمالیان : ۰۹۱۳۱۵۳۲۶۵۱ - ۰۳۵۱-۶۲۶۲۴۱۸

چطور یک کوله پشتی مناسب انتخاب بکنیم

ترجمه: سید جواد تبریزی*



در صعود از شیبهای تند و فرودها دچار مشکل خواهید شد.

۳- نوع سفر یا گردش:

فکر کنید که چطور دوست دارید به وسایل تان دسترسی داشته باشید. اگر شما میل دارید که قمقمه آب و کیسه غذای خود را در قسمت بالای کوله پشتی حمل نمایید دیگر نیازی نیست که کوله پشتی شما حتما دارای قسمت‌های مختلف باشد. و یا اگر تصمیم دارید شب مانی داشته باشید، نیاز به کوله‌ای دارید که بخش نگهداری وسایل شب همچون چادر و کیسه خواب را جدا داشته باشد. اگر می‌خواهید جدی‌تر به کوه‌نوردی بپردازید؛ باید وسایلی مانند تبر یخ، وسایل اسکی، باتوم، کلاه ایمنی و زیر انداز با خود حمل کنید، باید کوله پشتی‌ای انتخاب کنید که برای این منظور طراحی شده باشد. اگر زیاد عکس می‌گیرید و لوازم و تجهیزات عکاسی با خود حمل می‌کنید نیاز به کیف یا کوله پشتی مخصوص دارید تا جایی که ممکن است خواسته‌تان را از یک کوله پشتی و

وزن تقریبی ۵ تا ۷ کیلوگرم شامل ده مورد وسایل ضروری مانند غذای مختصر و کاپشن و پیاده روی تا حدود ۱۳ کیلومتر با کوله پشتی‌های برنامه‌های چند روزه با باری حدود پانزده کیلوگرم و پیاده‌روی روزانه ۱۹ کیلومتر متفاوت بوده و فرق دارد. علاقه‌مندان و مشتاقان به کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی معمولاً چندین کوله پشتی مناسب برای برنامه‌های مختلف دارند.

۲- مسیر کوه پیمایی:

از خود بپرسید مشخصه اولیه و ابتدایی ناحیه‌ای که من می‌خواهم با کوله پشتی به آنجا بروم کدام است. شما می‌خواهید در یک مسیر ساده و نسبتاً آسان پیاده روی نمایید، یا تپه نوردی در یک مسیر باز و گسترده را با کمی تلاش می‌خواهید آغاز کنید و یا مسیرهای ناهموار همراه با پستی و بلندی، شاخ و برگ و یا جدی‌تری را انتخاب کرده‌اید. باید کوله پشتی را مناسب و مطابق با شرایط یاد شده انتخاب کنید. اگر کوله پشتی به اندازه کافی بزرگ نیست و نمی‌توانید وسایل تان را تماماً داخل کوله پشتی قرار دهید می‌توانید از تسمه‌هایی برای بستن وسایل اضافی و حمل آنها در انواع مسیرها استفاده نمایید. ولی این ممکن است مشکلاتی را به همراه داشته باشد به طور مثال سر و صدا و یا گیر کردن به اطراف. اگر می‌خواهید کوله شما به صورت یکنواخت و ثابت قرار گیرد باید لوازم داخل کوله را طوری قرار دهید که هیچ گونه فضای خالی بین آنها نباشد. و این وسایل هیچ تکان و لرزشی نداشته باشند. در غیر این صورت

چه چیزهایی را هنگام خرید کوله پشتی باید مد نظر قرار دهیم؟ اینها سوالاتی است که من به هنگام خرید کوله پشتی از خود می‌پرسم. در نظر داشته باشید که ما نمی‌توانیم یک نوع خاص از کوله پشتی را به شما پیشنهاد دهیم. تجربه، ملاحظات و مشاهدات نزدیک به دو دهه ما مبتنی بر تجربه ما از طبیعت و طبیعت‌گردی ما است. علاوه بر اینها همیشه به یاد داشته باشید که یک کوله پشتی باید: ۱- طراحی مناسب و اندازه درستی داشته باشد ۲- مطمئن و راحت روی پشت نشسته و اطراف کمر (مخصوصاً هنگام افزایش وزن کوله) را بگیرد ۳- شانه‌ها و گردن را آزار ندهد در غیر این صورت صدمات و آسیب‌های جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

مواردی که هنگام خرید کوله پشتی

باید در نظر بگیرید

۱- طول مدت سفر:

اولین پاسخ را باید به این سوال داد که: چه فاصله‌ای را می‌خواهید با این کوله پشتی به خصوص طی نمایید؛ طول برنامه و مقدار لوازم و وسایلی را که نیاز دارید را مشخص کنید. این به نوبه خود به شما کمک می‌کند تا اندازه وسایل کوله پشتی را انتخاب کنید. اگر شما تازه کوه‌نوردی را شروع کرده‌اید باید بدانید که کوله‌پشتی برنامه‌های یک روزه یا باری به

در نظر گرفت مشخصات یا فیزیک بدن است. به عنوان مثال آیا شما بلند قد هستید یا کوتاه و پهن، بدن تان از انعطاف پذیری خوبی برخوردار است یا نه. و همچنین ۴ شانه هستید؟ باید مطمئن شوید وزن کوله به طور راحت در بالا و اطراف باسن قرار می‌گیرد نه در اطراف شانه‌های شما، آیا مرد هستید یا زن زیرا بانوان بعضی وقتها به طرف کوله‌هایی که به صورت ویژه‌ای برای آنها طراحی شده است می‌روند. بندهای آن بر اساس فرم سینه آنها طراحی شده و به خاطر پهن بودن باسن آنها این بخش نیز طراحی به خصوصی دارد. کوله‌ای را انتخاب کنید که نسبت به دیگر کوله‌ها مناسب فیزیک بدن شما باشد. ■

*گروه کوه نوردی اوجاذاغلاز اهر

مجبور به این کار می‌شوید و چاره‌ای نیست.

۵- اندازه و سایز کوله پشتی

اگر نقشه یک مسیر ۶ یا ۸ روزه را با یک راهنما دارید به احتمال زیاد باید یک کوله پشتی متناسب با مدت زمان برنامه انتخاب کنید. در این صورت به یاد داشته باشید که هر چقدر کوله شما بزرگ‌تر باشد و لوازم بیشتری بردارید کوله شما سنگین‌تر خواهد شد بنابراین همیشه سعی کنید کوچک‌ترین کوله‌ای را که در برنامه نیاز دارید حمل کنید به استثناء زمانی که قصد انجام کار به خصوصی با لوازم زیاد دارید.

۶- آنچه که بدن به آن نیاز دارد

از موارد دیگری که در انتخاب کوله پشتی باید

وسایلی که می‌خواهید با آن حمل کنید با فروشنده درمیان بگذارید.

۴- وزن کوله پشتی و مناسب بودن آن

داشتن چندین کوله پشتی با سایزهای مختلف و وزن‌های متفاوت از ضروریات است. برای برنامه‌های کوتاه تا برنامه‌های طولانی و چند روزه باید کوله پشتی داشته باشید. اگر تمایل به کوه‌پیمایی دارید و در این صورت به سبک‌ترین کوله پشتی ممکن نیاز دارید تا به شما اجازه حمل مواد ضروری را بدهد. برای خرید، کوله پشتی‌های مختلف را پس از پر کردن تست کنید و در نهایت یکی را که از همه راحت‌تر است انتخاب کنید. وزن کوله پشتی که حمل می‌کنید نباید از ۲۵ درصد وزن خودتان بیشتر باشد. البته مواقعی است که

صعود قله آمادابلام را به آقایان زرین و صفرزاده تبریک گفته و برای این دوستان آرزوی موفقیت بیشتر داریم.

فصل نامه کوه

Iran Expedition



مجری تورهای کوهنوردی و طبیعت گردی

• بیس کمپ اورست و صعود قله کالاپاتار (۵۵۴۵ م)

• تور کامل نپال و حیات وحش چیتوان شامل بازدید از معابد و

شهرهای نپال، پرواز با پاراگلایدر در سارانگوت، فیل سواری در جنگل

• انواع برنامه های کوهنوردی و کوه پیمائی در رشته کوه البرز

• برنامه بازدید از پارکهای ملی و حیات وحش توسط

خودروهای 4WD

• انواع برنامه های سافاری به نقاط بکر و ناشناخته در ایران

• تورهای تفریحی پرواز با پاراگلایدر در کوهستان و کویر



iranexpedition@gmail.com

شبستری : ۰۹۱۲-۳۲۲۵۶۹۹

حسینی : ۰۹۱۲-۳۱۴۴۷۵۰

تلفن : ۰۲۱-۲۲۵۰۲۴۲۴



مقدمه‌ای بر خطرات طبیعت و محیط کوهستان

کاوه اشکشی

kolakchal@gmail.com

پیشگفتار

طبیعت و محیط کوهستان، در عین زیبایی و جلوه‌ای که دارد؛ خالی از خطر نیست. گام نهادن به این دامان پر مهر که سرشار از نعمت‌های خدادادی است، نیازمند توجه و تعمق بیشتری از سوی مخاطبین می‌باشد.

"طبیعت گسترده است و پر از معنا و رمز و پیچیدگی و سحر انگیزی؛ و آماده برای پوییدنش، کشفش، درکش و مسحور شدنش ... و کوه نورد طبیعت دوست، هنوز تشنه است و در پی آگاهی و دانایی بیشتر." [۱] وسعت زیبایی و شیدایی موجود در گوشه گوشه این طبیعت پهناور، ممکن است ما را از توجه به خطرانی که بسیار آهسته و خزنده در پیرامون ما حضور دارند؛ غافل نماید. غافل که گرفتار شدن در دام آن؛ می‌تواند به سادگی قابل جبران نباشد.

تعریف خطر و فلسفه دانستن خطر

"تعریف خطر: شرایطی که تیم از حالت عادی و طبیعی خود خارج شده و در معرض آسیب قرار گیرد را خطر گویند." [۲]

"فلسفه دانستن خطر: دانستن خطر و ویژگی‌های آن در حفظ تعادل و برگرداندن شرایط عادی با تصمیم‌گیری‌های درست برای رسیدن به هدف لازم است. با دانستن خطر می‌توان امیدوار بود درصد ریسک‌پذیری و موفقیت اهداف تعیین شده به بالاترین حد خود برسد." [۳]

خطرات طبیعت و محیط کوهستان

به طور کلی خطرات در طبیعت و کوهستان به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم بندی می‌شوند. حضور آگاهانه و مدبرانه ما در طبیعت و به ویژه محیط حساس و شکننده

کوهستان، می‌تواند ضریب ایمنی ما را در برخورد با تغییر رفتارهای ناگهانی و پدیده‌هایی که در ارتفاعات رخ می‌دهند؛ افزایش دهد.

"زندگی آن قدر طولانی نیست که ما همه چیز را تجربه کنیم." [۲] "برای پرهیز از اسیرشدن در دام و تله طبیعت، همواره باید به شرایط کوهستان و سیر تغییرات سریع و لحظه‌ای آن توجه نمود. از اشتباه‌های دیگران درس بگیرید، آن قدر عمر نمی‌کنید که همه این‌ها را خود مرتکب شوید." [۵] "درایت و عقل انسان، بزرگ‌ترین محافظ او در مقابل سرما است. هنر انتخاب پوشش بهینه و متناسب با شرایط ناپایدار کوهستان رازی است که به بقا و زنده ماندن کوه‌نوردان در ارتفاعات بلند می‌انجامد." [۶]

"فعالیت‌های کوه‌نوردی، خطرهایی دربر دارد که می‌تواند به آسیب دیدگی یا مرگ منجر شود. با احتیاط، دانش اندوزی و استفاده از تجربه‌های دیگران، خطرها را از خود برانیم و با دوراندیشی خود را برای مقابله با حادثه‌ها و پیامدهای آن آماده کنیم." [۷] "این دفتر شگفت انگیز زندگی است که گاهی، به ناگاه مشت‌های صفحه‌های آرام و خوش رنگش از شیرازه جدا می‌شود و به چنگ توفانی سهمگین می‌افتد، بی آن که فرصت یک نگاه، یک نفس و یک فریاد خفیف را داشته باشیم!" [۸]

کوه‌نوردی و گام زدن در حاشیه خطر

"کوه‌نوردی، گام زدن در حاشیه خطر است." [۹] به قول رینهولد مسنر: "آنچه که مهم است، فقط شخصیت و ظرفیت زنده ماندن در موقعیت‌های خطیر است. هیچ یک از نقاط و لحظات کوه‌نوردی قابل پیش بینی نیست؛ فقط می‌توان ارتفاع یا میزان دشواری مسیر را اندازه گرفت. آن چه مهم است، نحوه رویارویی با خطر است. هر چه خطر بزرگ‌تر باشد، تصمیم‌گیری صحیح دشوارتر است و اگر بتوانی درست تصمیم‌گیری، جان سالم به در

خواهی برد. مهم این است که بتوانی صحیح و سالم به خانه بازگردی." [۱۰]

"حادثه، همزاد با کوه‌نوردی و ماجراجویی است. به هریک از کوه‌های ایران که بنگریم شاهد حوادث تلخ و شیرین در آن بوده ایم." [۱۱] "وقوع حوادث اشکال مختلف دارد. حوادث و سوانح هیچ وقت بی جهت، اتفاق نمی‌افتند بلکه در اثر عوامل زیادی که می‌توانند پیشگیری شوند، روی می‌دهند. مسؤلیت پیشگیری از حوادث وظیفه هر کسی در فعالیت‌های روزمره اش می‌باشد." [۱۲] "چشم تیز بین، ذهن هشیار، گوش‌های شنوا، بهره‌گیری از تجربیات پیشینیان، آمادگی روانی مناسب، سرعت عمل بالا، به کارگیری تدبیر و خلاقیت در لحظات بحرانی و ... از عواملی هستند که می‌توانند در نجات جان ما و همراهانمان در برخورد با حوادث و سوانح در کوهستان، تاثیر خیره کننده خود را به نمایش بگذارند.

"رینهولد مسنر: بدون خطر مرگ، کوه‌نوردی دیگر کوه‌نوردی نیست؛ ولی در کوه‌نوردی من به دنبال مرگ نیستم، دقیقا بر عکس آن، من سعی در زنده ماندن دارم. اما زنده ماندن بدون وجود خطر مرگ نیز بسیار آسان است. کوه‌نوردی هنر زنده ماندن در شرایط سخت است که شامل خطر مرگ هم می‌شود." [۱۳]

"در کوه‌نوردی تشخیص درست؛ با تجربه به دست می‌آید، تجربه‌ای که معمولا حاصل تشخیص‌های نادرست است." [۱۴] "این یکی از اصلی‌ترین قسمت‌های کوه‌نوردی است که هر لحظه باید یادتان باشد. پیش خود بگویید: این حد و مرز من است. بیشتر از این نمی‌توانم، باید پایین تر از این حد توقف کنم و اگر شما از این حد بالاتر بروید مطمئنا در کوه‌نوردی کشته خواهید شد و هنر کوه‌نوردی زنده ماندن است؛ نه مردن." [۱۳]



نتیجه گیری

همواره خطرات در کمین ما حاضر هستند. کوچک‌ترین لغزشی از سوی ما، ممکن است یک عمر پشیمانی به دنبال داشته باشد. بنا بر این بهتر است با احتیاط و توجه بیشتری در کوهستان گام بگذاریم. "کوه نورد خوب کسی است که برای بازگشت از کوهستان نیز شجاعت داشته باشد، شجاعت بازگشت به موقع." [۱۵] اگر خطرات موجود در محیط کوهستان تحت توجه و مراقبت قرار نگیرند ممکن است زندگی را به مخاطره بیندازند، دور کردن این مخاطرات و پیشگیری و مراقبت از آن‌ها کار همیشگی ما کوه نوردان در تضمین صعودهایمان محسوب می‌شود. ■

[۱]: مقیم، علی؛ دزفولی، مرتضی، کوه یاد، شماره ۱، ناشر: منلج، ۱۳۸۲

- [۲]: (گردآوری و تالیف): مبارکی، محمود؛ صمدی زنوز، یوسف؛ داوریور، مهدی؛ "طرح درس کارآموزی کوه پیمایی (ویژه مربی)"، انتشارات فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران - کمیته کوه پیمایی، ویرایش هفتم، آذر ۱۳۸۶
- [۳]: (گردآوری و تالیف): مبارکی، محمود؛ صمدی زنوز، یوسف؛ داوریور، مهدی؛ "طرح درس مربیگری درجه ۳ کوه پیمایی - ویژه فراگیران مربیگری درجه ۳"، انتشارات فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران - کمیته کوه پیمایی، ویرایش ششم، آذر ۱۳۸۶
- [۴]: آر. کارستینگر، ویلیام، پایگاه اطلاع رسانی نشنال جئوگرافیک (<http://nationalgeographic.com>)
- [۵]: پایگاه اطلاع رسانی باشگاه کوه نوردان کانادا (www.alpinclub-edm.org/accidents)
- [۶]: اشکشی، کاوه، بررسی اثر باد در پیدایش هایپوترمی و سرمازدگی و راهکارهای مقابله با آن، ماهنامه ورزش خانواده، سال دوم، شماره ۱۸، اسفند ۱۳۸۷
- [۷]: حادثه‌ها، گاهنامه داخلی انجمن کوه‌نوردان ایران، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۵
- [۸]: کتیبه‌ای، جلیل، از دریا به کرانه، فصل‌نامه کوه، سال

- چهاردهم، شماره ۵۷، زمستان، ۱۳۸۸
- [۹]: کتیبه‌ای، جلیل، کوه یاد، شماره ۱، ناشر: مقیم، علی، دزفولی، مرتضی، چاپ اول، ۱۳۸۲
- [۱۰]: (تالیف): مسنر، رینهولد، (ترجمه): امیرکیانی، الهام، مسنر و ۱۴ هشت هزار متری (قسمت ۱۳: ماکالو، کوه سیاه بزرگ - پاهای خوشبخت)، فصل‌نامه کوه، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان، ۱۳۷۸
- [۱۱]: (تالیف): مقیم، علی؛ (گردآوری): نظریان افغان، محمود، دماوند و یال هایش، انتشارات صدریه، چاپ اول، ۱۳۸۰
- [۱۲]: عیوضی، محمد باقر، حمایت و هدایت روانی و ایمنی در صعود، فصل‌نامه کوه، سال چهاردهم، شماره ۵۷، زمستان، ۱۳۸۸
- [۱۳]: حسن پور، غلامحسین، آموزش کوه پیمایی و کوه نوردی از مقدماتی تا پیشرفته، انتشارات بامداد کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۷
- [۱۴]: محمدی، عباس، یادداشت، گاهنامه داخلی انجمن کوه نوردان ایران، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۶
- [۱۵]: (نویسنده مقاله): کتیبه ای، جلیل، عنوان مقاله: القیای کوه‌نوردی؛ (گردآوری): مقیم، علی؛ با همکاری فدراسیون کوه نوردی، عنوان کتاب: فرهنگ کوه: اولین راهنمای جامع ورزش‌های کوهستانی، ناشر: مولف، چاپ اول، ۱۳۸۲

در اولین سالگرد حادثه غم‌انگیز بهمن جاده شمشک - دیزین که منجر

به فوت هشت تن از عزیزان مان شد

یاد آنان را گرامی می‌داریم



گزارش صعود زمستانی یخچال تکه گولی سبلان

مسیر فراموش شده



علامت فلش محل
ریزش بهمن می باشد

گزارش از: گروه کوهنوردی و اسکی آلپ تبریز

اسفند ماه ۸۷

سبلان قله‌ای به ارتفاع ۴۸۱۱ متر و هم‌جواری با قله‌هایی چون کسرا و هرم و ... یکی از مناطق مطرح کوهنوردی کشور است این منطقه زیبا و وسیع با قله‌های متنوع و یخچال‌ها و گرده‌ها و دیواره‌های متعدد پاسخ‌گوی نیاز کوهنوردان در سطوح مختلف می‌باشد. صعود زمستانی قله سبلان در سال‌های اخیر از مسیرهای مختلف همواره مورد توجه کوهنوردان بوده که از آن جمله می‌توان به مسیرهای زیر اشاره نمود:

مسیر شمال شرقی یا مسیر حسینی (مسیر عمومی)
مسیر غربی یا جانپناه که از طریق شایبل و یال Z و همچنین از طریق روستای موئیل قابل دسترسی است

مسیر پیست اسکی آوارس از طریق سرعین

مسیر گرده شمالی سبلان

مسیر یخچال شمالی

در این میان مسیری که در سال‌های دور مورد توجه کوهنوردان در فصل بهار و تابستان بوده مسیر یخچال تکه گولی می‌باشد که متأسفانه به دلیل گرمای سال‌های اخیر عملاً به یخچال فصلی تبدیل شده است

و برای صعود مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این یخچال در ضلع شرقی مسیر عمومی صعود قله سبلان یا یال حسینی واقع شده است. این یخچال به عنوان مسیر مناسبی برای صعود زمستانی چند سالی بود که نظرم را جلب کرده بود تا اینکه با همراهی چهار نفر از دوستان تصمیم به صعود زمستانی آن گرفتیم.

مشخصات یخچال تکه گولی

یخچال تکه گولی از ارتفاع ۳۸۰۰ متر آغاز و تا ارتفاع ۴۵۰۰ متر امتداد می‌یابد انتهای آن به یال شمال شرقی و محل مشهور به نام سنگ خسته نباشید ختم می‌گردد. شیب این یخچال بین ۴۵ الی ۷۰ درجه بوده و در فصل زمستان سطح آن پوشیده از برف سفت است. طول یخچال در زمستان حدود ۱۵۰۰ متر، حال آنکه در تابستان به غیر از حدود ۲۰۰ متر آن مابقی به‌ویژه در سال‌های اخیر نوب می‌شود. عرض یخچال بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر متغیر است. این یخچال همواره زیر سایه یال شمال شرقی و قله قرار دارد و به غیر از قسمت انتهایی آن در طول روز فاقد تابش مستقیم آفتاب است. در فصل زمستان به دلیل آفتاب گیر بودن یال و دهلیزهای واقع شده در شرق یخچال همواره

بهمن‌های بزرگ و کوچکی از آن به طرف یخچال سرازیر می‌شود و خطر ریزش سنگ از هر دو یال شرقی و غربی یخچال در زمان تابش آفتاب وجود دارد.

روز شمار برنامه

روز اول سه شنبه ۸۷/۱۲/۶

تیم پنج نفره ما ساعت شش صبح با استفاده از یک دستگاه خودروی سواری تبریز را به مقصد مشکین شهر ترک و در حدود ساعت نه صبح با گذر از شهر اهر به مشکین شهر رسیدیم و سپس مسیر خود را به سمت شهر لاهرود ادامه داده و ساعت نه و سی دقیقه در لاهرود بودیم. سپس با استفاده از یک دستگاه لنرور مسیر خود را به سمت شایبل ادامه دادیم.

در سال‌های اخیر جاده شایبل به دلیل راه اندازی مجتمع بزرگ آبگرم به جز چند روز بعد از بارش‌های سنگین همواره قابل استفاده است. در نهایت تیم ما صعود خود را از پای دستگاه تله‌سی‌یژ در حال احداث در ساعت یازده صبح آغاز کرد و کمپ خود را در دشت زیر حسینی و در ارتفاع ۳۵۰۰ متر در محل تلاقی یخچال تکه گولی و دره ای که به ابتدای گرده و یخچال شمالی ختم می‌شود

ساعت ۱۰ صبح بعد از جمع کردن وسایل به سمت شایبل سرازیر می‌شویم و جشن صعود خود را در آبگرم شایبل با خوردن چندین شیشه آب معدنی پس از چند روز استفاده از آب برف برگزار کرده و سپس به لاهرود و تبریز باز می‌گردیم.
(مسیر صعود با رنگ زرد، قسمت ترکیبی با رنگ قرمز و محل‌های بهمین با فلش مشخص شده است)



ملاحظات

بهترین محل جهت برقراری کمپ برای صعود یخچال تکه گولی قسمت آفتاب‌گیر ابتدای دره یخچال می‌باشد. در تابستان به دلیل ذوب بخش اعظم یخچال و ریزش شدید سنگ از گردهای اطراف و شنی بودن کف یخچال صعود از این مسیر مناسب نیست.
به دلیل وجود بهمین در طول مسیر صعود یخچال در زمستان دقت کافی به این امر ضروری بوده و باید از صعود این مسیر پس از بارش‌های سنگین برف خودداری کرد. مدت زمان لازم برای اجرای این برنامه از شایبل تا قله سیلان ۱/۵ الی ۲ روز است.

ابزار لازم

گرامپون - کلنگ - هارنس - تسمه درسایزهای مختلف - طناب - کارابین پیچدار - پیچ یخ بلند - کلاه کاسکت و ...

اعضای تیم از راست به چپ:

رضا طراحي (سرپرست برنامه)، پریسا شعاعی فر، فرشاد احمدپور، فراز قیصری، آیدین سالم دل.

بر پا کردیم.

(محل کمپ)

روز دوم چهارشنبه ۸۷/۱۲/۷

این روز را طبق برنامه ریزی قبلی به صعود گرده شمالی سیلان اختصاص داده بودیم که به دلیل تاخیر در حرکت و برف کوبی سنگین دره تا ابتدای گرده حرکت کرده و با توجه به احتمال بازگشت دیر هنگام در صورت ادامه مسیر و عدم استراحت کافی برای اجرای هدف اصلی برنامه که صعود یخچال تکه گولی بود از صعود گرده منصرف شده به محل کمپ بازگشتیم.

افرادی که قصد صعود گرده شمالی سیلان را در زمستان دارند باید کمپ خود را در محل چادرهای پای گرده بر پا کنند چرا که مسیر جاده پناهگاه تا گرده که در تابستان با سرعت متوسط کمتر از دو ساعت طی می‌شود در زمستان به دلیل حجم زیاد برف به حداقل چهار ساعت زمان نیاز دارد و عملاً صعود یک روزه گرده شمالی از طریق جاده پناهگاه بسیار طولانی خواهد بود.

روز سوم پنجشنبه ۸۷/۱۲/۸

بالاخره روز موعود فرا رسید و تیم ما ساعت هفت صبح حرکت خود را به سوی تکه گولی آغاز کرد. ساعت نه صبح در پای یخچال پس از مجهز شدن به کرامپون و کلنگ، صعود یخچال را آغاز کردیم. ابتدای دره یخچال به صورت برفچال است و نیاز به استفاده از گرامپون نیست اما پس از حدود یک ساعت صعود به دلیل برف سخت استفاده از کرامپون و کلنگ ضروری است. با توجه به شیب کم یخچال در صورت تسلط کافی افراد به استفاده از گرامپون و کلنگ نیاز به حمایت و ایجاد کارگاه نیست. در تمامی زمان صعود باید همواره به هدلیزهای سمت راست به دلیل وجود بهمین دقت ویژه‌ای داشت و همچنین با توجه به وجود

برف‌های جدید روی لایه سخت شده برف قدیمی و امکان لغزش این لایه‌ها بر روی هم ضروری است که همواره از مسیرهایی که دارای برف سخت است استفاده کرد. پس از حدود سه ساعت صعود، یخچال به سمت چپ و به طرف یال شمال شرقی سیلان منحرف می‌شود در این محل و درست در مقابل ما توده برف عظیمی که از صبح در معرض تابش آفتاب بوده، قرار دارد که به دلیل خطر ریزش بهمین که به نظر می‌رسد در صورت حرکت بر روی آن این امر قریب الوقوع می‌باشد مجبور به تغییر مسیر خود به سمت تخته

سنگ‌های سمت چپ (ضلع شرقی) یخچال می‌شویم. از این محل مسیر کاملاً به صورت میکس و ترکیبی از سنگ و یخ است که ایجاد کارگاه و انجام حمایت در این بخش از صعود ضروری است. باید دقت کرد که در لابه‌لای سنگ‌ها و در زیر برف یخ بلوری که حاصل از ذوب شدن برف‌های روی یال و یخ زدن آنها در بین سنگ‌ها در نزدیکی یخچال وجود دارد که بهترین وسیله برای ایجاد کارگاه در این قسمت از مسیر استفاده از تسمه و دماغه‌های سنگی موجود است. بنابراین به همراه داشتن تسمه و طنابچه به طول‌های مختلف برای سرعت بخشیدن به ایجاد کارگاه ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت پس از چهل و پنج دقیقه تلاش به قسمت انتهایی یخچال وارد می‌شویم که به تدریج از شیب آن کاسته شده و بالاخره ساعت یک و چهل و پنج دقیقه روی یال شمال شرقی سیلان قرار می‌گیریم که ادامه مسیر با مسیر کلاسیک صعود سیلان مشترک است. پس از اندکی استراحت مسیر بازگشت را در پیش می‌گیریم و از طریق مسیر کلاسیک به پناهگاه و سپس ساعت چهار و سی دقیقه به محل کمپ می‌رسیم. قابل ذکر است تمام ساعات بعد از ظهر هوا طوفانی و همراه با بارش برف بوده است.

(انتهای یخچال تکه گولی)

روز چهارم جمعه ۸۷/۱۲/۹

مشخصات جغرافیایی

نقاط مسیر	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع (متر)
ابتدای یخچال	۱۶۴۷,۴°N۳۸	۵۱۱۲,۳°E۴۷	۳۷۹۰
انتهای یخچال	۱۶۰۸,۸°N۳۸	۵۰۵۱,۸°E۴۷	۴۴۹۰

هنر زیبا پاندول شدن

ترجمه تکلیلا بیهانی *

بهترین نوع حمایت، حمایت دینامیک است زیرا جلوی نوسان شدید طناب به سمت سنگ را می‌گیرد و تا حد زیادی، نیروی شتاب افتادن را مهار می‌کند. هرگز تلاش نکنید ابزار یا رول‌ها را هنگامی که پاندول می‌شوید، بگیرید، زیرا در نهایت یا ابزارتان را خواهید شکست یا به دستانتان آسیب خواهید رساند. از کلاه‌های ایمنی حتماً استفاده نمایید و بدانید که هرگز از اینکه از آن استفاده کرده‌اید پشیمان نخواهید شد. از هارنس‌های صعود مدل ویلانز استفاده نکنید. خود را در شرایط پاندول قرار دهید و از هیجان فراوان آن لذت ببرید. ■

در چه وضعیتی قرار می‌گیرد، به زیر پایتان رفته و یا به دور دست یا گردنتان خواهد پیچید؟ بهترین سقوط‌ها می‌توانند به سرعت به بدترین آنها تبدیل شوند و آن هنگامی است که طناب در جای غلط قرار گیرد. اگر شما به طور وارونه سقوط کنید احتمال اینکه به سرتان ضربه وارد شود را افزایش خواهید داد. فرود آزاد در آب‌های عمیق مملو از ریسک است، بنابراین به خود غره نباشید. پرس و جوها و تحقیقات کافی را انجام دهید و به صورت گروهی فعالیت نمایید و در پی نکات کلیدی موفقیت باشید نه به دنبال آب‌های آزاد.

مطمئن شوید که پاندول را به خوبی تمرین کرده‌اید، هر چه محیط‌های ایمن تری را برای تمرین انتخاب کنید، هنگامی که با یکی از بدترین موارد آنها مواجه می‌شوید مجهزتر و آماده‌تر خواهید بود. قانون‌هایی طلایی پاندول از این قرارند: هر چقدر که مقدور باشد، ابزارگذاری کنید و آن را به زمان نیاز موقوف نکنید. اطمینان حاصل نمایید که کارت‌تان را به روش صحیح انجام داده‌اید. درباره جهتی که به ابزار در طول فرود و یا سقوط فشار وارد می‌شود، فکر کنید. همواره ببینیدشید که اگر سقوط کردید، طناب شما

خانم‌ها: فاطمه زندحبیبی، لطیفه بقراط
آقایان: عباس ثابتیان، محمد تقی بهره‌ور، ابوالفضل جوادی، عرفان فکری، افشین یوسفی، و رضا میرزایی (بازرس)
انتخاب شما را در هیئت مدیره انجمن کوهنوردی ایران تبریک می‌گوییم.

مبهورتبان

آقای نیما انسانی
صعود موفقیت آمیز شما به قله لنین و کورژن وسکایا را به شما و جامعه کوهنوردی ایران تبریک می‌گوییم.

باشگاه کوهنوردی آرش پابل
عبدالله قبادی - محمدرضا امیدوار

تولید و تهیه تجهیزات کوهنوردی

سهند تبریز
ایران - خارجی

تلفن: ۰۲۱-۸۱۷۸۱۸۰
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱

SAHAND 200

95 cm
 215 cm
 59 cm

Comfort	Transition	Risk
+2°C	-3°C	-10°C

در منطقه ریسک، احساس سرمای شدید و خطر هیپوترمی انتظار می‌رود.

Total Weight 950 gr وزن کل



من یک کوهنوردم ... من رو از اینجا بیارید بیرون

هنر نجات از شکاف یخچال

اثر: بروس گولند
ترجمه: تکلیلا بهبهانی*

حرکت در حمایت طناب

برای انجام این کار شما

به یک طول طناب نیاز دارید که معمولاً طناب‌های ۵۰ متری به قطر ۹/۴ تا ۱۰ میلی متر برای اغلب صعودهای آلیپی مناسب‌ترند. طناب‌های قطورتر به خصوص در صعودهایی که طناب در طول یک روز دایما بر روی زمین کشیده می‌شود از دوام بیشتری برخوردارند اما به دلیل داشتن وزن بیشتر، سرعت حرکت شما را نیز کندتر می‌کنند. در صورت صعود از یک مسیر فنی، من فقط از یک نیمه طناب استفاده خواهیم کرد (مگر آنکه طناب بسیار نازک باشد که در آن صورت من طنابم را به صورت دولا به کار خواهیم برد).

در بیشتر موارد نیازی نیست که در هنگام حرکت، همه ۵۰ متر طول طناب، میان نفر سر طناب و نفر ته طناب کشیده شده باشد. آسان‌ترین راه برای کوتاه کردن طناب آن است که اضافه آن را به دور بدنتان حلقه کنید. هر قدر تعداد نفرات وسط طناب بیشتر باشند، فاصله میان هر دو نفر نیز کمتر خواهد شد، اگر چه من شخصاً تیمی با بیش از ۵ نفر در حمایت یک طناب تشکیل نخواهم داد.

در یک گروه دو نفره، ۱۰ تا ۱۲ متر طناب میان آن دو کافی است. آسان‌ترین روش اندازه‌گیری این مقدار آن است که ابتدا وسط طناب را یافته و سپس از هر طرف آن به اندازه ۶ برابر طول دستتان اندازه بزنید (و اگر دست‌هایتان کوتاه‌اند بیشتر) و محل آن را با زدن یک گره سردست کوچک علامت‌گذاری کنید. سپس مطابق معمول، خود را به طناب متصل نموده و طناب را به حالت چرخشی از مقابل بدنتان بالا آورده و به پشت گردن بیندازید و از زیر یکی از بازوهایتان که راحت‌ترید، رد نمایید و در هر بار تکرار، یک تاب کوچک به طناب بدهید. حلقه‌ها باید در فاصله ما بین کمر و زیر بغل بنشینند. اگر حلقه‌ها بیش از حد بلند باشند از روی شانه لیز خواهند خورد و اگر خیلی کوتاه باشند باعث محدودیت حرکت شما شده و در هنگام حمل آنها احساس راحتی نخواهید کرد.

جهت مهار حلقه‌های طناب، که مانع حلق آویز شدن آنی شما به محض سقوط در یک حفره می‌گردد، می‌توانید پس از حلقه کردن اضافه طناب، مقداری از ادامه طناب را از بین بدن و مرکز حلقه‌ها عبور دهید و سپس آن را به دور قسمتی از ادامه

در جهانی آرمانی که اراده ما تعیین‌کننده مطلق رخدادهای آن باشد، عنوان این مقاله می‌توانست "اجتناب از سقوط در شکاف یخچال" باشد. اما واقعیت کوه‌نوردی در مناطق یخچالی این‌گونه است که در بعضی از مواقع شما را از سقوط در شکاف یخچال گریزی نیست. شدت سقوط می‌تواند از لغزش یک پا به درون شکاف موقع حرکت در حمایت طناب، گرفته تا سقوطی کامل، هنگام حرکت بدون حمایت، متغیر باشد.

پر واضح است که آشنایی با مناطق مساعد شکل‌گیری شکاف‌ها و اجتناب

از گذر از چنین مکان‌هایی، سودمند است. یخ یخچال با حرکتی سیال و به آرامی بسان شیرهای غلیظ به سمت پایین به حرکت در می‌آید و تا آن هنگام که در اثر حرکتی سریع و ناگهانی پیوستگی خود را از دست ندهد، به صورت یکپارچه باقی می‌ماند. مرحله بعدی، ترک خوردن سطح یخچال و شکل‌گیری شکاف‌ها است. این امر عمدتاً زمانی رخ می‌دهد که یخچال ناچاراً از انحنای تند مسیر گذر کرده و یا شیب مسیر به یک‌باره تغییر کند. شکاف‌ها می‌توانند از داخل انحنای دره‌ها به سمت خارج گسترش یابند و یا در عرض یخچال‌ها شکل گیرند و این هنگامی است که یخچال از یک بریدگی به سمت پایین سرازیر گردد، که اگر حجم آن به اندازه کافی زیاد باشد، آبشاری یخی را به وجود خواهد آورد. بخش میانی یخچال غالباً ایمن‌ترین محل برای عبور از آن است.

پرداختن به مشخصات دو دسته از یخچال‌ها یعنی یخچال‌های خشک و خیس در اینجا ضروری است. در یخچال‌های خشک، لایه برف سطحی از روی یخچال زدوده شده و لایه یخ زیرین نمایان است و در نتیجه شکاف‌ها آشکارترند.

اما سطح یخچال‌های خیس، از برف پوشیده شده و بنابراین ممکن است بسیاری از شکاف‌ها از نظر مخفی بمانند، که عبور از این نوع یخچال‌ها مستلزم دقت فراوان و استفاده از طناب است. در چنین مواردی محل شکاف‌ها را تنها می‌توان از فرورفتگی‌ها و ترک‌های روی سطح یخچال حدس زد. من بر روی یک یخچال خیس، تنها زمانی از طناب استفاده نخواهم کرد که در حال اسکی باشم، اما اگر سطح یخچال به شدت ترک خورده و یا قابلیت دید کم باشد، حتی در موقع اسکی هم خود را در حمایت طناب قرار خواهیم داد.

طناب یک گره نیم خفت (half hitch) بزنید. به این ترتیب تمام حلقه‌ها مهار می‌شوند. سپس آن را با یک کارابین پیچ به حلقه صندلی خود متصل نمایید. بنابراین اگر در داخل یک شکاف سقوط کنید از نقطه بالاتری از بدنتان آویزان خواهید شد. در حقیقت حلقه‌ها به صورت یک صندلی سینه‌ای عمل نموده و مانع از وارونه شدن شما خواهند گردید. وارونه شدن هنگامی اتفاق می‌افتد که یا کوله پشتی شما سنگین باشد و یا اینکه در هنگام سقوط در اثر ضربه‌ای بیهوش شده باشید. در یک گرده سه نفره، نفر میانی را با یک گره بولین دوپل (bowline-on-) (the-bight) و یا گره خفت تعقیب (rethreaded overhand knot) به وسط طناب متصل نمایید و برای تکمیل کار، حلقه انتهایی را با یک کارابین پیچ به صندلی متصل نمایید. یک حلقه جدا کننده کوتاه برای نفر وسط، صعود را راحت تر خواهد کرد. با حمایت سه نفر بر روی یک طناب، شما می‌توانید فاصله بین نفرات را کاهش دهید.

این پرسش که آیا نفر وسط طناب هم می‌تواند حلقه‌ها را حمل کند یا خیر، همیشه بحث برانگیز بوده است. این کار برای من شخصاً در بیشتر موارد کار دشواری نیست، مگر اینکه کوله سنگینی داشته باشم. حلقه‌ها را می‌توانیم از هر یک از دو

سرطناب و یا از هر دو سر آن بگیریم. از جمله روش‌های موجود دیگر آن است که کارابینی را به تسمه قسمت شانه کوله پشتی خود وصل کرده و طناب را از داخل آن به سمت نفر هم‌طنابان بفرستید و یا به روش مشابهی می‌توانید با استفاده از یک اسلینگ یک صندلی سینه‌ای بسازید و طناب را از داخل آن رد کنید. و آخرین نکته باقی مانده این پرسش است که آیا در هنگام اجرای برنامه باید از گره پروسیک استفاده کرد یا خیر؟ نظرهای موافق و مخالف متعددی در این زمینه وجود دارد. اولین مزیت استفاده از پروسیک آن است که هر یک از دو نفر که به داخل حفره سقوط کرد، بخشی از کارگاه نجاتش آماده است. مزیت دیگر آن است که اگر هم‌طناب شما به داخل شکافی سقوط کند، در صورتی که مرکز کشش به نقطه پایین‌تری از بدن شما منتقل شود، کنترل سقوط هم آسان‌تر می‌شود. با استفاده از یک گره پروسیک فرانسوی، می‌توانید مرکز کشش را به نقطه پایین‌تری از طناب انتقال داده و سپس به آرامی بار را به گره اصلی منتقل نمایید. این کار امکان انتقال آرام بار به یک کارگاه را برای شما فراهم خواهد آورد. ■

*هیات کوه‌نوردی استان شمیران

جناب آقای احد لبیب شتریان

درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی آرزو مندیم.
کوه نوردان تبریز

جناب آقای نصرالله فتوگرافی

درگذشت پدر همسرتان را به جناب عالی و همسر گرامی تان تسلیت می‌گوییم
فصلنامه کوه



فروشگاه سبلان



عرضه کننده لوازم کوه‌نوردی، سنگ‌نوردی، کمپینگ
نماینده محصولات ماموت، رایچل، آپامهر در اصفهان

اصفهان - خیابان مسجد سید مقابل بانک رفاه کارگران

تلفن ۲۳۵۶۲۳۲

همراه: ۰۹۱۳۳۲۹۶۱۳۴ مرادیان



آگهی استخدام

شرکت اسپیلت البرز از مربیان و کوه نوردان مجرب که به زبان انگلیسی مسلط باشند
برای سرپرستی تورهای خارجی خود دعوت به همکاری می کند

تلفکس: ۰۲۶۸۰ ۹۰۶۶ (ده خط)

اسپیلت البرز تلاش ارزشمند هموردان خود را که در گروههای اعزامی و تورهای کوه نوردی و طبیعت گردی ما
شرکت جستند ارج می نهد و برای این عزیزان سلامتی و موفقیت را در صعودهای بعدی آرزومند است:

صعود قله مونبلان - دیدار از پاریس، ژنو و شامونی

شهریور ۱۳۸۹ - فرانسه و سوئیس

سرپرست: حسین نظر

شرکت کنندگان: محمدرضا امیدوار، کبری ثابت ایمانی، ابوالفضل جعفری، سیدفاضل حسینی،
مجیدرضا حق زارع، طاهره حمصیان، رحمان خسروی، ولی الله خطیبی، کوروش رحیمی، محمود زارع بیدکی،
بهروز شریفی چابک، ژیلا عاصی ابراهیمی، حسین عموهادی، حیدر قرنچیک، سعید قطبی، ابراهیم قوامی،
غفور مطلب زاده، محمد حسین میرغیائی، سید مرتضی میری، ابوالقاسم نژادثانی.

کمپ اصلی اورست - صعود قله کالاپاتار - طبیعت گردی در چیتوان و پخارا

مهرماه ۱۳۸۹ - نپال

سرپرست: عباس کاظم لو

مربی: سهند عقدایی

شرکت کنندگان: ابراهیم اکبرپور، پرویز پورجمالی، احمدرضا دودانگه، ابوالفضل رحمانی، حجت الله رحمانی،
حجت الله رحمانی، حسن رحمانی، رسول رحمانی، مجید رحمانی، آزاد صالحی، ابوالفضل طاهرخانی،
حجت الله طاهرخانی، علی طاهرخانی.

روابط عمومی شرکت خدمات مسافرتی، طبیعت گردی و کوه نوردی اسپیلت البرز - بهار ۱۳۸۹

«صعود»

قسمت هشتم = «بارگاه اصلی»

ترجمه: ابوالفضل جوادی
نویسنده: جی. وستون. دوالت
به روایت: آناتولی بوکریف

... بدون شک تراژدی اورست در سال ۱۹۹۶ از مهم‌ترین حوادث به وجود آمده در منطقه هیمالیاست که شرح این حادثه برای اولین بار در شماره ۵ مجله کوه در سال ۱۳۷۵ چاپ شد. جزئیات کامل این واقعه از زبان جان کراکوتر نویسنده و خبرنگار مجله اوت ساید، با نام «در هوای رقیق» و در ۲۱ قسمت و با ترجمه خانم تیموری به چاپ رسید که قسمت پایانی آن در شماره ۵۳ چاپ شده است. لازم به ذکر است که فیلم «صعود به قله اورست» بازسازی همان ماجرای صعود است که در آذر ماه ۷۸ از شبکه ۳ صدا و سیما پخش شد. با گذشت حدود ۳۱ سال از پدید آمدن این حادثه، آسیب‌شناسی آن هنوز مورد بررسی جامعه کوهنوردی است. شاید اهمیت آن به این دلیل است که در جریان صعودهای تجاری، این تعداد کشته بی‌سابقه بوده است.

در واقعه ۱۹۹۶ آناتولی بوکریف برای زنده ماندن افراد تا سر حد مرگ تلاش کرد و تا حدودی موفق شد او در طی این عملیات به یک اسطوره تبدیل شد. وی در زمستان سال ۱۹۹۷ در هنگام صعود قله آنابورنا دچار بهمن شد و جانش را از دست داد.

در کتاب «در هوای رقیق» شرح ماجرا از زبان یکی از صعودکنندگان تجاری بیان شده است اما در کتاب صعود، شرح و علت حادثه از زبان یک کوهنورد برجسته، آناتولی بوکریف آسیب‌شناس و... نقل شده است.

این کتاب با تلاش دوست و همکارمان دکتر ابوالفضل جوادی ترجمه شده است. با توجه به این که مترجم نیز از تجربه صعود به ارتفاعات بلند برخوردار است، مطالعه ترجمه این کتاب، خواننده را به هیمالیا می‌برد.

شمال فلات شنی گوراک شپ، راهی را در پیش می‌گیرند که از دیواره ای یخ‌رفتی* پایین می‌رود و سرانجام به یخچال خومبو می‌رسد. پس از حدود سه ساعت پیمودن راهی که توسط باربرها و یاک‌ها کوبیده شده است، تیم به بارگاه اصلی اورست می‌رسد. آنها با دقت تمام در راه‌های باریکی که با قله سنگ فرش شده است گام برمی‌دارند تا قوزک‌هایشان نشکنند. پس از پیدا کردن جایگاه تیم، نخستین کار آنها برپا کردن چادری است که در شش هفته آینده، خانه آنها به شمار می‌آید. شریاها به کمک می‌آیند تا جای چادرها را تخت و هموار نمایند.

« با رسیدن مشتری‌ها، شریاها همکار من تغییر شغل می‌دهند. آنها هر بامداد به چادر مشتری‌ها می‌روند و آنها را با چای، قهوه و یک «صبح بخیر»

تقلای بیرون کشیدن آنها بودند. تیم اسکات فیشر در گوراک شپ، برای گذراندن وقت و هم‌هوایی در قالب برنامه‌ای یک روزه قله «کالاپاتار» به ارتفاع ۵۵۵۴ متر صعود می‌کند. از فراز این کوه، صعودکننده‌ها می‌توانند چشم انداز گسترده‌ای از یخچال خومبو - نخستین مانع جدی در راه اورست را به خوبی مشاهده کنند. بر فراز کالاپاتار، شماری از صعودکننده‌ها می‌توانند تبدیل حس به کوه رفتن را به در کوه بودن و احساس زوال و غرق شدگی ناشی از رویارویی با هدف عظیم مقابل خود را تجربه کنند. این همان چیزی است که چک‌هایشان را به‌خاطر آن امضا کرده‌اند.

سرانجام در روز دوشنبه هشتم آوریل، تیم فیشر حرکت خود را آغاز می‌کند. آنها در چند صد متری

عصر روز دوشنبه ششم آوریل، در حالی که بوکریف به بارگاه اصلی بر می‌گشت، تیم جنون کوهستان در «گوراک شپ» باقی ماند. آنها منتظر کاروان یاک‌ها و باقی مانده لوازم و تجهیزات تیم بودند. تا آن هنگام، باربرها بیشتر ملزومات بارگاه اصلی را جابه‌جا کرده بودند. این لوازم برای تجهیز و پشتیبانی بوکریف و تیم پیشرو شریاها کفایت می‌کرد اما اگر یاک‌ها بقیه ملزومات را به بارگاه اصلی نمی‌رساندند مشتری‌ها نیز نمی‌توانستند به آنجا بروند. برای همه تیم‌ها، حرکت کاروان یاک‌ها بسیار کند و فرساینده بود. اعضای تیم جنون کوهستان، یک روز پیش از رسیدن به گوراک شپ، پس از ناهار لوبوچه را پشت سر گذاشتند و کمی پس از آن با شماری از یاک‌هایشان روبه رو شدند که تا گردن در برف فرو رفته و یاک‌ران‌ها به شدت در

مؤدبانه از خواب بیدار می‌کنند. در چادر همگانی تیم، فلاسک‌های بزرگ همواره پر از قهوه، نوشابه‌های ورزشی و دیگر نوشیدنی‌های مغذی و پر انرژی است. غذاها اغلب از مواد سرشار از کالری تشکیل یافته است. من غذای شریاها را ترجیح می‌دهم زیرا با وجود یکتوختی، گوارش آن آسانتر و برای ارتفاعات مناسب‌تر است. در بارگاه اصلی، دوش آب گرم و خدمات پستی هم وجود دارد. ما حتی یک چادر ارتباطات داریم که انباشته از لوازم سندی پیتمن مانند تلفن‌های ماهواره‌ای، رایانه‌ها و صفحه‌های خورشیدی تأمین نیروی برق است. امکانات بارگاه اصلی، شاید از بسیاری از هتل‌های کاتماندو و مطمئناً از هتل «اسکالا» - سکونت گاه همیشگی من در کاتماندو - بیشتر و بهتر است.»

البته این امکانات، همه مشکلات را برطرف نمی‌کند. برخی از مشتری‌ها درگیر چالش سازگاری با ارتفاع هستند و بسیاری از آنها - به ویژه باراولی‌ها - نسبت به کارکردهای بدن خود وسواس شدیدی نشان می‌دهند. به گفته یکی از ساکنان بارگاه، «افراد همگی غرق خویش و درگیر واریسی خود هستند. اینکه ادرار می‌کنند یا نه، ادرارشان چگونه است، شکم‌شان کار می‌کند یا نه، تهوع دارند یا نه، سر درد می‌گیرند یا نه.» همه نگران تندرستی خود هستند. حتی یک اختلال گوارشی یا عفونت تنفسی ساده می‌تواند فرد را از صعود باز دارد و این چیزی نبود که مشتری‌ها خواهند آن باشند. بنا به گفته یکی از صعودکننده‌ها، «آدم‌های مالیخولیایی هم بیمار می‌شوند.» در بارگاه اصلی، نخستین نگرانی مربوط به نیل بیدلمن است. او کمی پس از رسیدن، دچار «سرفه خومبو»* شد. به گفته یکی از صعودکننده‌ها، «نیل چنان سرفه می‌کرد که مغزش می‌خواست بیرون بریزد. او نمی‌توانست بخوابد چون سراسر شب سرفه می‌کرد. دکتر هانت انواع داروها را به او داد: استروئید برای رفع التهاب، برونش‌گشا برای رفع تنگی برونش‌ها و... اما هیچ یک کمکی نکرد.» در حالی که برخی از مشتری‌ها - از جمله پیتمن - وضع همانندی داشتند مشکل بیدلمن موجب نگرانی بیشتری می‌شد. بیدلمن سؤال راهنمایی مشتری‌ها به قله بود. تیم پیش از این یکی از راهنماهایش را از دست داده بود*** و اگر بیدلمن

بهبود نمی‌یافت بعید بود که فیششر، بوکریف و شریاها بتوانند بار مسئولیت او را هم به دوش بکشند. همان‌گونه که در مورد افراد نگرانی‌هایی بود، در مورد تجهیزات هم نگرانی‌هایی وجود داشت. نخستین نگرانی درباره بیسیم‌هایی بود که فیششر برای استفاده اعضای تیم خریده بود. در صعودهای بلند، بیسیم ابزاری حیاتی است که ارتباط میان بارگاه اصلی و صعودکننده‌ها را ضمن صعود نهایی برقرار می‌نماید و هنگام بروز دشواری‌ها، موارد اضطراری، نیاز به تجهیزات، تغییر وضع هوا و بروز بیماری، یک شبکه ارتباطی پدید می‌آورد. یک صعودکننده با تجربه، همواره ظرفیت‌های ارتباطی تیمش را در نظر می‌گیرد. مارتین آدامز نیز چنین بود: این روزها می‌توان بیسیم‌های کوچک خوبی پیدا کرد که تقریباً وزنی ندارند و هر یک از صعودکننده‌ها می‌تواند یکی از آنها را با خود بردارد. کار با آنها آسان است زیرا دو دکمه بیشتر ندارند. آن وقت اسکات این بیسیم‌های کهنه ده کاناله را با خود آورده است. به او می‌گویم: ما از این بیسیم‌ها استفاده می‌کنیم. پاسخ می‌دهد: بله. این تنها چیزی است که توانستم گیر بیاورم. به عقیده من بیسیم‌ها بیشتر به جوک شبیه بودند. بالا رفتن با آن بیسیم‌های عتیقه، اشتباه بزرگی بود.

«یکی از نخستین اولویت‌های من در بارگاه اصلی، برنامه ریزی برای هم‌هوایی اعضای تیم بود. برای هم‌هوایی مناسب، لازم بود اعضا چند روزی در بارگاه اصلی بمانند تا با آن ارتفاع سازگار شوند. سپس باید مراحل بعدی هم‌هوایی را آغاز می‌کردیم. ضمن این مراحل، باید صعودکنندگان را از بارگاه اصلی به ترتیب به بارگاه‌های بالاتر می‌بردیم که توسط شریاها تیم، برپا شده بودند. با این گونه هم‌هوایی، فرد به بدن خود اجازه می‌دهد که به تدریج با ارتفاعات بالا و بالاتر سازگار شود و در روز صعود، می‌تواند پس از صعود تا بالاترین ارتفاع، به ارتفاعی که با آن سازگار شده برگردد. طرح من و اسکات شامل چهار مرحله هم‌هوایی بود. در همه مراحل، مشتریان تنها تجهیزات و لوازم شخصی خود را بالا می‌بردند تا نیرویشان را حفظ کنند. طناب‌ها و سایر ملزومات گروهی را شریاها تیم زیر نظر لوپسانگ بالا می‌بردند. نخستین مرحله، صعود تا ارتفاع ۶۱۰۰

متر را در بر می‌گرفت که قرار بود بارگاه یک در آنجا برپا شود. این مرحله شامل شب مانی نمی‌شد، بلکه باید همان روز به بارگاه اصلی برمی‌گشتیم تا به مشتری‌ها فشار نیاید. سپس باید استراحت می‌کردیم تا تیم به وضع عادی برگردد و ما فرصتی برای بررسی شرایط آنها داشته باشیم. در مرحله دوم باید دوباره تا بارگاه یک بالا رفته شب را در آنجا سپری می‌کردیم. روز بعد باید تا ارتفاع ۶۵۰۰ متر - محل بارگاه دو - بالا می‌رفتیم. آنجا بارگاه اصلی پیشرفته ما به شمار می‌آمد که نمونه کوچکی از بارگاه اصلی و شامل چادر همگانی***، لوازم پخت و پز و چادرهای شب‌مانی صعودکنندگان بود. در این مرحله در بارگاه دو شب‌مانی نداشتیم، بلکه باید بلافاصله پایین آمده دوباره چند روزی استراحت می‌کردیم تا صعودکننده‌ها تجدید قوا کنند و ما نیز آنها را زیر نظر گرفته، مشکلات احتمالی‌شان را مشاهده کرده و در مورد شرایط و میزان آمادگی‌شان با آنها گفتگو نماییم. ما امیدوار بودیم پس از استراحت، مشتری‌ها آماده آغاز مرحله سوم شوند که ضمن آن باید نخست به بارگاه یک رفته شب را سپری می‌کردند، سپس تا بارگاه دو صعود کرده نخستین شب‌مانی را در آن ارتفاع انجام می‌دادند. روز سوم باید تلاش می‌کردیم تا به ارتفاع ۶۸۰۰ متر برسیم: ارتفاعی که در آن، سرانجام به رخ لوتسه پا می‌گذاشتیم و سپس باید تا ۷۳۰۰ متر - محل برپایی بارگاه سه - بالا می‌رفتیم. قرار بود در همان روز به بارگاه دو و سپس به بارگاه اصلی برگردیم.

ما پیش از چهارمین و آخرین مرحله هم‌هوایی، سه روز استراحت در نظر گرفته بودیم. سپس باید مستقیماً تا بارگاه دو بالا می‌رفتیم. پس از شب‌مانی و ارزیابی شرایط عمومی مشتری‌ها، باید راهمان را تا بارگاه سه ادامه می‌دادیم و آخرین شب را در آنجا سپری می‌کردیم. سپس روز بعد باید چند صد متر صعود کرده بعد به سمت پایین برمی‌گشتیم. ما این مرحله را برای همه اعضای تیم اجباری کردیم زیرا این بالاترین ارتفاعی بود که پیش از صعود قله باید لمس می‌شد و پیش از رویارویی با چالش نهایی، سازگاری با این ارتفاع برای همه اعضا ضروری بود.

بوکریف مراحل هم‌هوایی را بسیار جدی

دلیل مخالفت وی با ایده بوکریف به درستی روشن نیست.

پی نوشت:

* به سنگ‌های به‌جا مانده از حرکت یخچال،

یخرفت (مورن) می‌گویند.

** سرفه خشک، آزارنده و مقاوم به درمان که

پیامد تنفس شدید در هوای سرد و خشک است و بیش از همه، هنگام گذر از یخچال خومبو دیده می‌شود. علت نام گذاری آن نیز همین است.

*** صیبر نظیر - سومین راهنمای تیم - درست

پیش از آغاز برنامه، به دلیل گرفتاری‌های خانوادگی از همراهی تیم باز می‌ماند.

**** این چادر همان چادر سفارش شده به

شرکت «اورال» بود که سرانجام در بارگاه اصلی، تحویل تیم گردید. آنها را کوچک‌تر و سبک‌تر از چادرهای همگانی سنتی مورد استفاده در بارگاه اصلی، ساخته بودند.

توان افراد را از بین می‌برد و استراحت کوتاه در بارگاه اصلی، نمی‌تواند آن را بازگرداند. گاهی شما فریب می‌خورید: مشکلاتی کوچک و غیر جدی ولی فزاینده پیدا می‌کنید اما احساس می‌کنید که وضعیتان نسبتاً خوب است. سپس در روز صعود به قله، می‌بینید که توان کافی برای تلاش نهایی ندارید. بنابراین به نظر من پس از هم‌هوایی تا ۷۳۰۰ متر باید برگردیم و در جایی پایین‌تر از بارگاه اصلی، حداقل یک هفته استراحت کنیم: جایی مانند منطقه جنگلی در ارتفاع ۳۸۰۰ متر. در آنجا اکسیژن بیشتری در دسترس داریم و دور از محدودیت‌های بارگاه اصلی، از آسایش کافی برخورداریم و این از نظر روانی نیز برای مشتری‌ها سودمند است.»

فیشر با مراحل هم‌هوایی طراحی شده مخالفتی نداشت اما طرح بوکریف برای فرود طولانی و استراحت در جایی پایین‌تر از بارگاه اصلی را نپذیرفت.

می‌گرفت و احساس می‌کرد برنامه تدوین شده باید به دقت اجرا شود. او می‌دانست فیشر وی را استخدام کرده تا تجارب خود را به میدان آورد و به وی تکیه کرده تا ایمنی مشتری‌ها را تضمین نماید. بوکریف اندیشه‌های خود را در مورد ظرفیت‌های تیم برای موفقیت، با فیشر در میان گذاشت.

«من گفتم اگر مشتری‌ها از اکسیژن استفاده کنند و آب و هوا مناسب باشد، آنها می‌توانند موفق شوند. اما باید به برنامه هم‌هوایی بچسبیم و به مشتری‌ها فرصت‌های لازم برای استراحت را بدهیم. ما اکنون نمی‌توانیم کمبود آموزش یا تجربه آنها را جبران کنیم ولی با انجام این کارها، می‌توانیم شانس صعود آنها را به حداکثر برسانیم. کار ما این است که با حداقل تعداد شب مانی در بارگاه‌های مرتفع، هم‌هوایی ضروری را برای مشتری‌ها فراهم آوریم. بنا به تجربه من، ماندن در ارتفاعات بالا به تندی

کاهنده مصرف برق از ۱۰٪ الی ۳۰٪

خانگی و تجاری

NEW




Dazer

(دفع کننده فرا صوتی)

وسیله ای است برای دفع سگ و گربه سانان
مخصوص دوستان اران طبیعت

ساخت کشور آمریکا
وزن ۱۲۰ گرم
منبع تغذیه بطاری گالنی ۹ ولتی
ابعاد دستگاه ۱۱/۵ در ۵ سانت
دفع از فاصله ۷ متری
دلرای گیره کمری از جنس فولاد ضد زنگ

محصراً نهمین سال ۱۹۹۳ آمریکا





دفع کننده حیوانات با امواج ماوراء صوتی



انواع دفع کننده حیوانات:

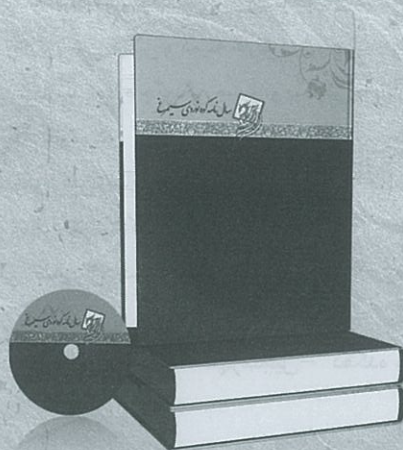
- دفع انواع پرندگان، سگ و گربه سانان، خرس و خوک
- انواع موشها، سوسک، مگس، پشه
- عنکبوت، عقرب، کره‌ها و حشرات درختان

خلیل دره کو
Co. ۹۱۹۴۸۳۷۸۱۳
۷-۲۱-۸۸۲۱۱۷۷۵
kh.darelou@fta.ir
www.fta.ir



سال نامه کوه نوردی سیمرغ ۱۳۹۰

آماده‌ی همکاری جهت چاپ آگهی تبلیغاتی در سالنامه ۹۰ و لوح فشرده ضمیمه مهلت سفارش آگهی: ۲۰ دی ماه ۸۹



به همراه لوح فشرده

حاوی مطالب متنوع آموزشی و تبلیغاتی شرکت های کوهنوردی

تخفیف ویژه

برای سفارشات سازمان‌ها، ادارات و گروه‌های کوهنوردی همراه با پلاکوب آرم روی جلد سالنامه



ویژگی‌های کلی:

۲۹۶ صفحه در چهار رنگ [مطابق رنگ فصول] - جلد گالینگور به همراه لوح فشرده ضمیمه ۲۴ صفحه گلاسه رنگی شامل تصاویر منحصر بفردی از مناظر طبیعی ایران

- ✓ یک مطلب آموزشی در هر صفحه
- ✓ [با موضوعات مختلفی مانند: بایسته‌های کوهنوردی، پزشکی کوهستان، تغذیه و سلامت، مکان‌های دیدنی، معرفی کتاب و معرفی فیلم]
- ✓ معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران
- ✓ فهرست اطلاعات گروه‌ها و هیئت‌های کوهنوردی، ادارات کل تربیت‌بدنی و هیئت‌های پزشکی ورزشی مراکز استان‌ها
- ✓ درج وقایع مهم تاریخ کوهنوردی ایران و جهان در روز وقوع آن
- ✓ فهرست سایت‌های اینترنتی فارسی و انگلیسی در زمینه کوهنوردی
- ✓ معرفی کامل چندین عنوان کتاب در زمینه کوهنوردی، سنگ‌نوردی، غارنوردی و ...
- ✓ معرفی برخی از فیلم‌های سینمایی و مستند در زمینه کوهنوردی و سنگ‌نوردی
- ✓ فرم مخصوص ثبت گزارش برنامه‌ها در انتهای هر هفته
- ✓ تصاویر رنگی گلاسه از کوه‌ها و مناظر طبیعی ایران
- ✓ صفحه‌ی مخصوص ثبت تقویم اجرایی و آموزشی برنامه‌های شش ماهه اول و دوم سال
- ✓ فرم مخصوص برنامه‌ریزی آموزشی [در زمینه‌های کوهنوردی، سنگ‌نوردی، غارنوردی، پزشکی کوهستان و ...]
- ✓ شامل بیش از صدها نکته آموزشی سیمرغ ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در لوح فشرده‌ی ضمیمه
- ✓ [با موضوعات بایسته‌های عمومی، کمک‌های اولیه، ساز و برگ کوهنوردی، تغذیه و سلامت]
- ✓ درج آگهی تبلیغاتی گروه‌ها و شرکت‌های کوهنوردی

بهترین هدیه برای کوهنوردان و علاقه‌مندان به طبیعت

دفتر مرکزی:

تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، کوچه مینا، پلاک ۲۸ جدید، طبقه دوم

انتشارات مهرماه نو ۲-۰۸۴۰۸۴۴۰۶۶۴ (۰۲۱)

۰۹۱۲۷۴۹۹۲۴۶ (نظری)
۰۹۱۲۵۵۹۸۸۴۹ (نصیری)

salnameyesimorgh@yahoo.com

با ما تماس بگیرید

غار چشمه باد (یلی بولاغی)

گردآوری گزارش و عکاسی از: آرش سعیدیان

تاریخ برنامه: ۸۹/۴/۵

هدف برنامه: برنامه مشترک بین ((گروه کوهنوردی باد منجیل از هیات کوهنوردی شهرستان رودبار استان گیلان و کمیته غارنوردی از هیات کوهنوردی شهر کرج استان البرز)) جهت بازدید دوباره چگونگی مسیر و پیمایش تا پایان غار

نوع برنامه: غار نوردی

نام مسئولین: علی رضایی، حسین بوئینی

تعداد و اسامی شرکت کنندگان:

۱- علی رضایی ۲- حسین بوئینی ۳- خانم بابایی ۴- آرش سعیدیان ۵- حسین

صفیاری

مبدأ شروع: استان گیلان - شهر منجیل - دهکده هرزویل - جنگل یوز

زربین

◀◀ زمان بندی برنامه:

امکانات منطقه: (وانت بار، فاقد آنتن دهی تلفن همراه از دربند تا دامنه قله منطقه، امکان خرید، راهنمای محلی و ...)
طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع نقاط مهم:
دهانه غار چشمه باد (۳۶° ۴۶' N, ۲۰° ۳۲۹' ۰۴۹' E) ارتفاع از سطح دریا (۱۴۰۰)

صبح روز شنبه ۸۹/۴/۵ در ساعت ۹/۲۵ دقیقه به همراه افراد نامبرده گروه از دهکده هرزویل به سمت غار چشمه باد (یلی بولاغی) منطقه جنگلی یوز زربین (۱۰۰ درخت زربین) واقع در دامنه رشته کوه آسمان سرا حرکت کردیم و با عبور از منطقه کوهستانی آبدرد و همچنین سایت نیروگاه بادی هرزویل در همسایگی ضلع شمالی چشمه لیلی بولاغی وارد جاده خاکی یوز زربین شده و راس ساعت ۱۰/۲۵ دقیقه به منطقه بیلاقی یوز زربین رسیدیم. ماشین را در کنار کلبه (کلام) یکی از دامداران محلی به نام آقای محمد یکتا پارک نموده و با آماده سازی کوله‌ها و ابزار وارد مسیری پاکوب در میان جنگل شدیم که به سمت غار می‌رود، این مسیر موازی با جاده خاکی که به بیلاق بالادست منتهی می‌شود بوده و قبل از رودخانه میان راه جاده به سمت دامنه آسمان سرا منحرف شده و تا پای دهانه غار و از آنجا به چشمه خوشاب خوره ادامه دارد. بعد از حدود نیم ساعت کوه پیمایی در ساعت ۱۰/۵۷ دقیقه به دهانه غار در جوار رودخانه‌ای که از چشمه‌های بالاتر نظیر خوشاب خوره سرچشمه می‌گیرد، رسیدیم. بدون درنگ و اتلاف وقت پس از تجهیز نمودن وارد غار شدیم.

در ابتدای ورودی غار به طاقچه‌ای برخورد می‌کنیم که برای عبور از عرض غار به شکل سینه‌خیز و نیم‌خیز باید به روی آن حرکت کنیم. بعد از کمی دور شدن از این طاقچه به یک رسوب پرده ای شکل زیبا برخورد کرده و با پشت سر گذاشتن آن از زیر یک درون رفتگی دیواره در سمت چپ به شکل نشستاده ادامه مسیر می‌دهیم و دوباره به حالت سرپایی به یک پیچ نیم دایره ملایم رسیده و با گذر از آن بر راهروی هشتی شکل با شکل هندسی نامنظم می‌رسیم. در کف این قسمت تخته سنگ‌هایی بزرگ قرار دارد، با عبور از این راهروی هشتی که رفته رفته باریک‌تر می‌شود به مار پیچ نامنظم دیگری رسیده و بعد از آن سقف غار ارتفاع کمتری گرفته و شکل عرضی غار به صورت دوزنقه تغییر می‌یابد، در این قسمت با یک تغییر زاویه ۹۰ درجه‌ای دیگر به چپ، داخل دالانی باریک به حالت ایستاده پیشروی می‌کنیم و هرچه قدر

◀◀ توصیف جغرافیایی منطقه:

پوشش گیاهی: از نوع جنگلی با درختانی چون: زیتون، گردو، انجیر، انار، خرما، وحشی، ازگیل جنگلی، آلوچه و گوجه درختی، به وحشی، گلابی و سیب جنگلی، تمشک و توت، کاج و سرو کوهی، بید، زربین، بلوط، سماق، تبریزی (شال)، آزاد، توسکا، راش، افرا و ...

پوشش جانوری: انواع دام و طیور اهلی، سنجاب، حیوانات وحشی مثل خوک، خرس، پلنگ، گرگ، گربه وحشی، روباه، شغال و حشرات چون زنبور عسل، زنبور وحشی و بندپایی چون کژدم زرد و خزندگانی چون انواع مار و مارمولک، سمندر، لاک پشت، دوزیستانی چون قورباغه، خرچنگ رودخانه‌ای و پرندگانی چون عقاب، قرقی، شاهین، کبک، بلدرچین، زاغ، کلاغ و گنجشک کوهی، سینه زرد، سار، کبوتر چاهی، بلبل جنگلی و ...

رودخانه: فصلی و دائمی در طول مسیر دربند با سرچشمه گیری از ارتفاعات سردگاه، آسمان سرا و گاو کوه تا ادامه آن به هرزویل بالا و پایین و شهر منجیل تا پشت دریاچه سفیدرود

چشمه‌ها: سرچشمه دربند با آبگیرهای (داشدان قلمبه، حسن قلمبه) و جیک جیک بولاغی، اوغری بولاغی، بوز بولاغی، یلی بولاغی، لیلی بولاغی، خزل بولاغی، خوشاب خوره، خیار بولاغی و چند آبگیر، حوضچه و برف چال فصلی در قله آسمان سرا و سردگاه ...



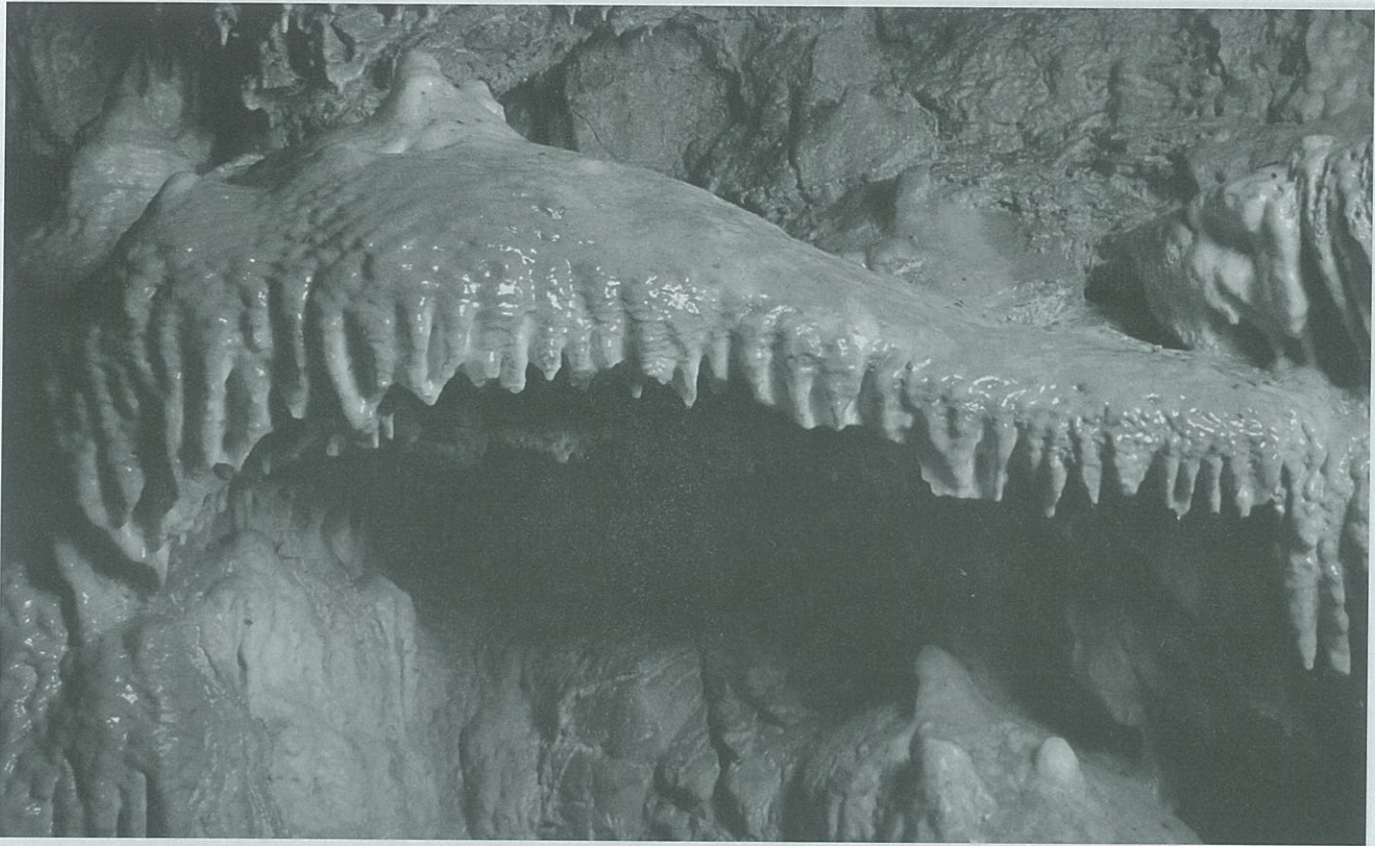
با عبور از این دو نشان بزرگ به شکاف عمودی و زیگزاگ شکل نامنظم و دیواره‌های نزدیک به هم راهروی غار می‌رسیم که در کف آب زلالی جاریست. به شکل بغل به بغل از داخل زیگزاگ دیواره‌ها عبور نموده و هر قدر جلوتر می‌رویم از ارتفاع سقف کاسته و شکل زیگزاگی به صورت عرضی کشیده می‌شود و عبور با کمی گیر و سایش به دیواره همراه است.

بعد از عبور از دیواره‌های زیگزاگ وارد راهرویی هشتی شکل بزرگ با ارتفاع سقف متغییر ۲ الی ۵ متر شده که از این به بعد کف راهروی غار با شیبی با بیشتر از ۴۵ درصد به طرف بالا ادامه می‌یابد. رفته رفته هم عرض و هم ارتفاع سقف غار بیشتر شده و با عبور از روی تخته سنگ‌های پله پله‌ای شکل ریخته شده از سقف غار خود را در بین تالاری عظیم و پر از تخته و لاشه سنگ ریزشی از دیواره و سقف و همراه با استالاکتیت‌های سقفی نسبتاً بزرگ، مشاهده می‌کنیم. هوای خنکی در داخل تالار جریان دارد که فکر می‌کنیم باید از محلی راه به بیرون داشته باشد. کمی در این قسمت تالار به نظاره سنگ‌ها می‌ایستیم. احساس نا امنی در اینجا طبیعی است.

پس از عبور از این قسمت وارد یک گالری شگفت انگیز می‌شویم که شامل انواع استالاکتیت (قندیل‌های زمینی دوکی شکل)، سنگ چکها و آویزهای جوان، استالاکتیت (قندیل‌های سقفی) به شکل پرده‌های چین‌دار و مخروطی، سودا (نی‌های کرینات سدیم) تیغه‌ها و ستون‌های کالسیتی، پرده‌ها و اشکال کارستی گوناگون است که همگی حاصل آب‌هایی است که در حال رسوب‌گذاری آهک محلول از سقف ادامه دارد. به راستی دور از واقعیت نیست اگر اسم این گالری را

جلوتر می‌رویم دالان تنگ‌تر می‌شود تا جایی که آب کم عمقی در آن جریان دارد. به شکل نشست از این راهرو عبور می‌کنیم. بعد از آن فاصله، سقف غار با کف خیلی کمتر شده و عرض آن گسترش می‌یابد و به شکل پامرگی از روی بستر شن و گلی چند متری از سمت راست عبور نموده و دوباره کف و سقف از هم فاصله می‌گیرند. حالت ایستاده از آنجا عبور می‌کنیم تا به یک حوضچه کوچک آبی با عمق نیم متر و مار پیچی که انتهای آن تغییر زاویه ۸۵ درجه به راست داده، می‌رسیم. روی دیواره سمت چپ حوضچه روان سنگ بزرگی همراه با استالاکتیت‌های سلسله‌وار نمایان می‌شود و روی سقف حوضچه‌ای از استالاکتیت‌های منظم و پرده‌ای چین خورده سازمان یافته دیده می‌شود. بعد از حوضچه، راهرویی نیم دایره متمایل به راست قرار دارد که در سمت راست راهرو دیواره‌ای تقریباً صاف با کفی شنی و گلی و در سمت چپ دیواره که به داخل شکم داده و زیر آن جویی کوچک جریان دارد دیده می‌شود که به یک تونل نیم دایره منتهی می‌گردد که سقف ورودی آن با توده سنگی عظیم و یکدست پوشیده شده است.

برای عبور از این تونل کوچک که کف رسوبی با گل و لای و جریان آبی کم عمق دارد. باید به شکل سینه خیز درآمده و حدود ۸ متر پیشروی نمود، بعد از بیرون آمدن از تونل می‌توان به طور ایستاده ادامه داد در اینجا ارتفاع غار به سه متر می‌رسد و دو استالاکتیت به بلندی ۱ و ۱/۷۰ سانتی متری با پایه‌های غوطه‌ور در آب در اولین نگاه به چشم می‌خورد که موازی با آنها، بر روی سقف تعدادی استالاکتیت دیده می‌شود.



گالری پدیده‌های رسوب نام‌گذاری نماییم. ارتفاع گالری بین ۲ تا ۳ متر متغیر بوده و در کف آن آب کمی جریان دارد.

پس از عبور از این قسمت وارد مجرایی با دیوارهای نزدیک به هم گشته که طول زیادی ندارد. دوباره به یک راهروی شیب‌دار تخته سنگ‌های فرو ریخته شده وارد می‌شویم که ارتفاعی بین ۲ تا ۴ متر داشته و شکل دیواره به صورت قفسه‌بندی شده و پله پله‌های نزدیک به هم بوده و آثار ریزش خاک سقف بر روی طبقات به خوبی مشاهده می‌شود. روی طبقات در قسمت‌هایی اشکال گل کلمی ظریف و زیبایی چشم‌نوازی می‌کنند. طبقات قفسه‌ها در کف غار به یکدیگر نزدیک‌تر شده و صدای جریان آب و چکه‌ها در زیرشان شنیده می‌شود. کمی که جلوتر می‌رویم عرض دیوارها بیشتر شده چیزی حدود ۲ تا ۳ متر و ناگهان در بالاسرمان راهروی طبقه دوم غار مشاهده می‌شود.

تصمیم به پیشروی تا پایان طبقه اول گرفته و با عبور از راهروی یادشده آثار ریزش سنگ و خاک را دنبال نموده و تخته سنگ‌های کف را با شیبی ملایم به سمت پایین ادامه داده و به انتهای بسته طبقه اول غار می‌رسیم و بعد از بررسی و حصول اطمینان از هیچ‌گونه شکاف و راهرو یا مجرای متوجه وجود تعدادی استالاکتیت در حفره کوچکی در سقف پایانی غار می‌شویم که به احتمال قریب به یقین از طبقه دوم غار انحلال و نفوذی آهکی شکل گرفته و این پدیده آشکار گشته است. به عقب برگشته تا در مکان یادشده که عرض دیواره بیشتر می‌شود و راهروی طبقه دوم مشاهده شده بود، وارد طبقه دوم شویم.

در زیر راهروی ورودی طبقه دوم چند تخته سنگ بزرگ در سمت چپ و میان راهرو سکویی برای رسیدن به طبقه دوم ساخته بودند که ارتفاع نسبی ۱/۵ تا ۲ متر

را داشت، برای داخل شدن به طبقه دوم ابتدا روی تخته سنگ سمت چپ دیواره رفته و بعد روی تخته سنگ میانی که کناره‌هایش فاصله ۴۰ تا ۵۰ سانتی با دیوار غار دارد، می‌شویم، بعد از سوار شدن روی تخته سنگ میانی تنها راه دستیابی به طبقه دوم استفاده از دیواره سمت راست غار می‌باشد. با استفاده از کارگاه طبیعی استالاکتیت‌های پفکی ۵ تا ۱۰ سانتی و حفره‌های کوچک روی آن خودمان را به دهانه ورودی طبق دوم می‌رسانیم که فقط به شکل نشسته می‌توان به آنجا وارد شد، راهروی طبقه دوم ارتفاع کمتری بین ۱ تا ۱/۲۰ با شیب تقریبی ۳۰ درصد به سمت بالا داشته و از ابتدا تا جایی که چشم کار می‌کند پوشیده از استالاکتیت و استالاکتیت است، بعد از کمی عکس گرفتن چند متری که به سمت جلو حرکت می‌کنیم راهرو متمایل به راست کمی قوس برداشته و تنگ‌تر شده و کمی شیب ملایم به سمت پایین به خود می‌گیرد که عبور به سختی انجام می‌شود، به هر حال وارد راهرویی با عرض بیشتر بین ۳ الی ۴ متر می‌شویم که فقط از سمت چپ می‌توان پیشروی نمود چون ارتفاع در سمت راست کم بوده و داخل راهرو پر از قندیل و ستون و آویزه بسیار نزدیک به یکدیگر می‌باشد، گویی اینجا سالن کنفرانس قندیل‌هاست. در این قسمت استالاکتیتی شبیه تندیس مریم مقدس وجود دارد که می‌توان اینجا را به نام تالار مریم مقدس نامید، منظره زیبایی که سپاس افزون از پروردگار را طلب می‌کند. با گذر از سمت چپ و در قسمتی هم از میان راهرو به شکل نشسته و گاهی دراز کش به شیب دیگری می‌رسیم که مجرای راهرو بازتر شده و تخته سنگ‌های فرو ریخته مشاهده می‌شود، با بیرون آمدن از مجرا به حالت ایستاده درآمد و از روی شیب تخته سنگ‌ها گذشته و شاهد چشم انداز بی‌همتایی از پایان طبقه دوم می‌شویم که پر از استالاکتیت‌های پرده ای

وسایل فنی مورد نیاز برنامه:

کلاه ایمنی غارنوردی

چراغ پیشانی و چراغ دستی

لباس کار مخصوص پیمایش غار و ضد آب و لباس اضافی

لباس غواصی و کپسول اکسیژن در صورت لزوم

کوله مناسب برای داخل غار

چکمه و کتانی و کفش مناسب

دستکش

کیف کمک‌های اولیه

طناب و ابزار فنی

برای انجام عملیات نقشه برداری از غار ابزاری چون کلینومتر، قطب نما، لیزر دیستو،

متر، نوتپد، کاغذ میلیمتری، مداد، گونیا با خط کش و ...

شدت رسوب گذاری در تالارها:

در برخی از تالارهای میانی به خصوص در انتهای غار شدت بیشتری داشته و در قسمت‌هایی از تالار طبقه دوم نیز به طور کامل دیوارها توسط روان سنگ پوشانده شده و در تالار پدیده‌های رسوب (آیینه) تعداد زیادی سودا یا همان چکنده‌های جوان به فراوانی یافت می‌شود.

سیستم گالری:

از نوع غارهای تک گذرگاهه Single Linear Passage می باشد.

اشکال رسوبی غار: (گستره زیادی از رسوبات شیمیایی و آواری با انواع

غارنشته‌های آهکی با رنگ‌های زیبا) شامل:

استالاکتیت Stalactite (چکنده)

استالاگمیت Stalagmite (چکیده)

ستون Pillar

پرده رسوبی Sinter Curtains/Draperly

اسپاگتی Soda Straw

حوضچه رسوبی Sinter Pool

رسوبات دیواری Wall Calcite/Flowstone

رسوبات زمینی Moon Milk/Rim Stone

صخره/ سنگریزه Block/Debris

سنگریزه Pebble

رسوبات جداشونده شکسته Clastic Sediment

• ماسه Sand

• گل Silt

• گل رس Clay

• گیاهخاک خاک سیاه Humus

رسوبات گل کلمی - صفحه‌ای Cauliflower Calcite/Disk

سنگ چکه Dripstone

■ کارست Karst

چین خورده به شکل چتری روی روان سنگ‌هاست و آنها تمام سطح دیواره سمت چپ و انتهای طبقه دوم را پوشانده‌اند. با بازبینی دقیق‌تر متوجه حفره کوچکی در پشت روان سنگ‌ها در انتهای طبقه دوم می‌شویم که باعث تشکیل قندیل‌های سقفی انتهای طبقه اول شده و به پایین راه دارد. درونش را رسوبات آهکی پوشانده‌اند.

با اطمینان از پایان طبقه دوم به سمت ورودی برگشته و در دهانه ورودی متوجه حفره‌هایی همانند دو حفره بین راهی بعد از گالری پدیده‌های رسوب، در بالای طبقه دوم می‌شویم که به طبقه سوم غار راه دارد اما مستلزم وجود ابزار حمایتی و طناب برای بالا رفتن و تجربه کافی است. سرانجام بازدید از طبقه سوم را به برنامه بعدی موکول نموده و با خاطراتی به یاد ماندنی و سپاسگذاری پروردگار شروع به حرکت در مسیر بازگشت‌مان می‌شویم و همه راس ساعت ۱۳/۱۵ دقیقه از غار خارج می‌شویم.

◀ تجربیان جدید

اجرای برنامه های آینده مستلزم امکانات و ابزار بیشتر می باشد

پیمایش کامل غار توسط گروه برای اولین بار در شهرستان

ثبت دهانه ورودی با GPS برای اولین بار

بازدید نزدیک از پدیده‌های رسوبی مانند ((سنگ چکه ها، استالاگمیت و استالاگتیت، ستون، پرده، روان سنگ، نی کربنات سدیم یا همان سودا و اشکال کارستی مختلف ...))

قله‌های اطراف:

قله آسمانسرا در ضلع شمالی دهانه غار با ارتفاع ۱۹۹۵ متر) بر اساس Google

(Erth

قله سردگاه در ضلع شرقی دهانه با ارتفاع ۲۳۷۰ متر (بر اساس Google

(Erth

قله گاوکوه و شاهنشین در جنوب دهانه به ترتیب ارتفاع ۱۵۹۱ و ۸۱۲ متر) بر

اساس Google Erth)

روستاهای واقع در طول مسیر:

دهکده هرزویل شامل هرزویل بالا و پایین

چگونگی جاده:

شکل جاده از منجیل تا دهکده هرزویل آسفالت

از هرزویل تا آبدره و سایت نیروگاه بادی به صورت خاکی - شنی

از سایت تا یوزبین بستر خاکی نرم و بعضی نقاط بیرون زدگی زیرسازه طبیعی

سنگی، تخته سنگ و خرده سنگ

گوش و فرهنگ مردم منطقه:

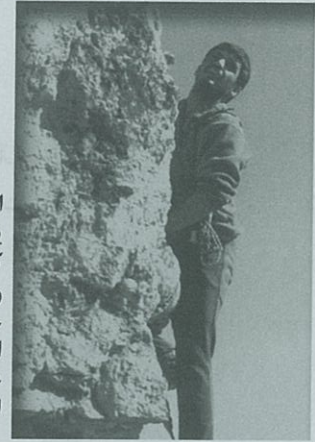
زبان و گویش محلی مردم بومی ترکی بوده و مهاجرانی از رحمت آباد و محل‌های

رودبار نیز در اینجا ساکن هستند

مردمانی مهمان پذیر و خونگرم

زندگی به سبک باغداری و دامداری و چند شهرک کارمند نشین و تعدادی کسبه

محلی



این صعود به یادمان عزیز سفر کرده کوهنورد و طبیعت مرد خستگی ناپذیر این مرزو بوم عباس جعفری انجام پذیرفت.

نویسنده: مهدی عمیدی

گزارش برنامه صعود قله کورژنفسکایا و کمونیزم

بقیه مسیر تهدیدی جدی برای مان بود. بالاخره پس از ۵ ساعت راه پیمایی به کمپ یک در ارتفاع ۵۱۰۰ متر رسیدیم و بعد از نصب چادرها به کمپ اصلی بازگشتیم. پس از یک روز استراحت کمپ اصلی را با کوله‌هایی سنگین به طرف کمپ یک ترک کردیم. شب را در چادرهای کمپ یک گذرانده و صبح برای برپایی کمپ دوم به سمت دیواره‌ها حرکت کردیم. ساعت ۲ بعدازظهر در بالای شکاف‌های برفی با هوای خراب روبه رو شده و پس از گذاشتن بارها در داخل چادری در ارتفاع ۵۷۰۰ متر به سمت کمپ یک سرازیر شدیم. شب را در هوای خراب به صبح رسانده و صبح به سمت کمپ اصلی سرازیر شدیم. عصر آن روز در کمپ اصلی توسط آقای شمس متوجه شدیم که یکی از اعضای تیم تبریز به هنگام بازگشت از کمپ یک قله سامانی در شکاف برفی افتاده است و خوش‌بختانه مشکلی پیش نیامده است.

پس از ۴ روز استراحت اجباری در کمپ اصلی سرانجام راهی کمپ یک شدیم. شب اول را در کمپ یک، شب دوم را در کمپ دوم در ارتفاع ۵۸۰۰ متر به سر بردیم.

مسیر صعود به کمپ سوم به صورتی است که ابتدا می‌باید در زیر دیواره‌ها به سمت بالا تراورس کرده و پس از رسیدن به روی گردنه شیبی ۸۰ درجه را به کمک طناب ثابت صعود نمود. بعدازظهر به کمپ چهارم با ارتفاع ۶۴۰۰ متر رسیدیم همه بچه‌ها حالشان خوب بود.

تصمیم می‌گیریم که ساعت ۵ صبح بیدار شده و به سوی قله حرکت کنیم. باد شدید صبحگاهی زمان حرکتمان را به تاخیر می‌اندازد. ساعت ۷ صبح روی یال به سمت قله حرکت می‌کنیم. مسیر روی خط‌الراس فراز و فرود زیادی دارد. ما نهایتاً ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر به قله می‌رسیم.

رسیدن ما به قله توام با خرابی هواست پس از گرفتن عکس و در طناب شدن به سرعت راه بازگشت را در پیش می‌گیریم. ساعت ۷ بعدازظهر در کمپ چهارم هستیم. چند نفر از دوستان مانده و بقیه راهی کمپ دوم می‌شویم. ساعت ۱۱

پس از صعود به قله خانتانگری، پوبدای غربی و لنین در فکر صعود دو قله کورژنفسکایا و کمونیزم بودم که سرانجام در قالب تیم سرزمین خورشید متشکل از ۹ نفر کوهنورد در تاریخ ۸۹/۵/۵ تهران را به مقصد دوشنبه پایتخت تاجیکستان ترک کردیم. در آنجا با هماهنگی‌هایی که آقای حمید کریم‌پور (دوست کوهنورد مشهدی و نماینده شرکت هواپیمایی آسمان در تاجیکستان) با شرکت تاجیکی طرف قرارداد ما انجام داده بودند، آن شب به هتل رفته و فردای آن روز به علت ترافیک کوهنوردان خارجی و نیز نبود هلی‌کوپتر، از راه زمینی به شهر جیرگاتال عزیمت کردیم.

زیبایی‌های مسیر از جمله رودخانه‌های خروشان و کوهستان‌های سرسبز و روستاهای کوچک در آن جاده‌های پر پیچ و خم خراب واقعاً دیدنی و ستودنی بود. آن شب هوا خراب شد و ما مجبور شدیم به همراه سایر کوهنوردان ۲ روز را در آنجا سپری کنیم. فرصتی بود ناخواسته تا کمی خستگی‌های قبل از سفر را از تن به‌در کنیم. با پرواز چهارم هلی‌کوپتر به سمت کمپ اصلی حرکت کردیم. مناظر فوق‌العاده بکر و زیبا بود. کوه‌های سر به فلک کشیده، دریاچه‌های کوچک و یخچال‌هایی که نشان از ارتفاع داشت، در حال تماشای این مناظر بدیع و جلوه‌های طبیعی عظمت پروردگار بودیم که ناگهان کمک خلبان با دست به طرف دیگر اشاره کرده و قله سامانی را نشانمان داد. محو تماشای قله بودیم که هلی‌کوپتر در کمپ اصلی فرود آمد. پیاده شده و بارهایمان را به سرعت تخلیه کردیم. وقتی که هلی‌کوپتر به پرواز درآمد تازه متوجه حضور آقای شمس و دوست کوهنورد تاجیکی و کمک آنها شدیم. در بدو ورود با تیمی متشکل از ۱۱ نفر که از تبریز برای صعود قله سامانی آمده و پنج روز قبل از ما به آنجا رسیده بودند، رو به رو شدیم. کمپ اصلی دارای یک سالن غذاخوری بزرگ و چند اتاق کوچک و چادرهایی است که در زمان روس‌ها و شوروی سابق تاسیس شده است.

دو روز را در کمپ اصلی استراحت کرده و روز سوم جهت هم‌هوایی و همچنین انتقال بار به سوی کمپ یک با خوش‌آمد گویی حرکت کردیم پس از عبور از یخچال و ادامه مسیر پاکوب به محلی از یخچال رسیدیم که ریزش سنگ مثل

صعود قله کمونیزم را جشن بگیریم.

شب بارش برف هم شروع شده بود و هنوز کمی از خوشحالیمان نگذشته بود که ساعت ۱۲ متوجه پرت شدن یکی از کوهنوردان روسی در ارتفاع ۵۸۰۰ متری قله کورژنفسکایا شدیم. آن شب یک تیم امداد برای کمک به سمت بالا حرکت کرد و من فردا به همراه تیم دوم به کمپ اول رفتیم. بارش حدود ۳۰



سانتی متر برف در کمپ اصلی کار را کمی مشکل کرده بود.

دو روز طول کشید تا توانستیم مصدوم را از ارتفاع ۵۸۰۰ متر از میان صخره‌ها و رودخانه به پایین برسانیم. پای او شکسته بود و اگر کمک به موقع کوهنوردان نبود حادثه دیگری در کورژنفسکایا رقم می‌خورد. فردا به وسیله هلی‌کوپتر به شهر دوشنبه بازگشتیم و من با همه خاطرات خوش منطقه خداحافظی کردم.

اعضای تیم :

۱- مهدی عمیدی (سرپرست تیم از سرزمین خورشید)

۲- ابراهیم سلامی (سرزمین خورشید - مشهد)

۳- عزیز عبدی لیلی داغی (هیات کوهنوردی شهرستان دماوند)

۴- محمد زالی (هیات کوهنوردی شهرستان دماوند)

۵- مرتضی رضانی (هیات کوهنوردی شهرستان دماوند)

۶- سالار آبیاری (هیات کوهنوردی مهاباد)

۷- نیما افسایی (هیات کوهنوردی چالوس)

۸- عثمان هاشمی (هیات کوهنوردی مهاباد)

۹- عبدالعزیز امام جمعه (هیات کوهنوردی مهاباد)

نکات قابل توجه برای این منطقه :

برای صعود قله کورژنفسکایا به علت ریزشی بودن داشتن کلاه کاسکت ضروری است.

برای صعود قله کمونیزم بهتر است اول روی قله کورژنفسکایا هم هوایی صورت گیرد.

مسیر کمپ اول کمونیزم بهمنی است و صبح زود باید عبور شود.

به این وسیله مراتب تشکر و قدردانی صمیمانه خود را از زحمات آقایان جواد عابد خراسانی جهت امور ویزای تاجیکستان و حمید کریم‌پور که پیگیری در تمام امور هماهنگی‌های این سفر به عهده ایشان بود اعلام می‌داریم. ■

شب را نشان می‌دهد که به آنجا می‌رسیم.

روز بعد همه با هم به سوی کمپ اصلی سرازیر می‌شویم. حدود ساعت ۸ شب به کمپ می‌رسیم. در آنجا متوجه می‌شویم که اعضای تیم تبریز ساعت ۴ بعدازظهر به علت خرابی هوا زیر قله کمونیزم بیواک کرده‌اند. این خبر باعث نگرانی ما شده و از فکر جشن صعود منصرف می‌شویم.

فردای آن روز هوا باز هم خراب می‌شود. آنها تصمیم می‌گیرند به قله دوشنبه بازگردند.

آن شب با خبر می‌شویم که آنها به کمک پاشا (یکی از کوهنوردان قرقیز) به کمپ و محل چادرهایشان رسیده‌اند همگی خوشحال می‌شویم. ۴ روز به همین منوال گذشت و آنها در چادرهایشان بر روی قله دوشنبه محبوس بودند. بالاخره روز پنجم هوا اجازه داد که آنها به سوی کمپ پالاتو سرازیر شوند. تیم ما آن روز با هلی‌کوپتر کمپ اصلی را ترک کرد.

من و آقای رضانی به همراه ۳ کوهنورد روسی جهت کمک به تیم تبریز و همچنین صعود قله سامانی کمپ اصلی را ترک کردیم. ساعت ۱۲ به کمپ یک در ارتفاع ۵۳۰۰ متر رسیدیم در آنجا متوجه فرود تیم تبریز شدیم ساعت ۶ بعدازظهر نزدیک کمپ دوم به آنها رسیدیم خوشبختانه حال همگی اعضای تیم خوب بود. زندگی چند روزه در ارتفاع آنان را شدیداً خسته و کمی سرمازده کرده بود. به درستی می‌توان گفت که آنها واقعا قوی بودند زیرا بیواک زیر قله و چهار شب بر روی قله دوشنبه خوابیدن آنها را از پای در نیاورده بود. دو نفر از اعضای تیم قبلاً برای صعود این قله تلاش کرده و تجربه داشتند که بی‌ثمر نبوده است. پس از خداحافظی، آنها به سمت کمپ اصلی و ما به سوی کمپ دوم حرکت کردیم. شب را در آنجا مانده و صبح من به اتفاق ۳ کوهنورد روسی به سوی کمپ پالاتو در ارتفاع ۶۱۰۰ متر صعود کردیم. پالاتو دشتی وسیع پوشیده از برف و شکاف یخی است. روز بعد نیز قله دوشنبه در ارتفاع ۶۹۰۰ متر را صعود کردیم و فردای آن روز ساعت ۷ صبح به سمت قله حرکت نمودیم هوا آن قدر سرد بود که برای رسیدن به آفتاب سرعتی صعود می‌کردیم. ابتدا می‌بایست مسیر بین این دو قله را پشت‌سر می‌گذاشتیم و از زیر گرده سنگی خودمان را به روی گردنه قله می‌رساندیم سرانجام ساعت ۱۱ صبح در میان وزش باد شدید به قله رسیده و پس از گرفتن عکس در حالی که هوا روبه خرابی می‌گذاشت به سمت پایین سرازیر شدیم. در راه تصمیم گرفتیم برای استراحت بهتر به کمپ پالاتو برویم. شب سردی را در پالاتو به صبح رسانده و ساعت ۲ بعدازظهر به کمپ اصلی بازگشتیم. شب دور هم جمع شده بودیم تا

غار درویش خاکی

گزارش دکتر حمیدی



به این چاه مسیر به دو شاخه چپ و راست تقسیم می‌شود. مسیر چپ که به اولین چاه می‌رسد و مسیر سمت راست که به دالانی به طول دهها متر ختم می‌گردد. این دالان در ادامه بن بست است و شعبه اصلی غار در واقع همان مسیر سمت چپ است. با برقراری کارگاهی طبیعی روی چاه اول فرود می‌رویم و به اتفاقی در زیر چاه می‌رسیم. دخمه ای در برابر ماست که عمق زیادی ندارد. ادامه مسیر در سمت راست است و پس از چند متر به چاه دوم خواهیم رسید. این چاه به ارتفاع بیش از ۱۰ متر و به صورت عمودی و بسیار تنگ است. در زیر این چاه دوباره مسیر دو شاخه است که مسیر سمت راست ادامه شعبه اصلی غار بوده و مسیر چپ همان مسیر مبهم و پیمایش نشده غار است. تصمیم می‌گیریم که همه نفرات تیم ابتدا شعبه اصلی را بازدید کرده و پس از آن تیمی کوچک‌تر جهت بررسی و کاوش شاخه سمت چپی اقدام کند. در ادامه شعبه اصلی نیز به دو شاخه تقسیم شده که مسیر سمت چپ اصلی بوده و پس از دهها متر به انتها رسیده و مسیر سمت راست نیز ما را به دنیایی دیگر رهنمون می‌شود.

پس از بازگشت به زیر چاه دوم تیمی ۵ نفره انتخاب و جهت پیمایش بخش ناشناخته غار حرکت می‌کند. سایر نفرات گروه در مسیر بازگشت گام برمی‌دارند. در ادامه کاوش غار در شعبه سمت چپ بلافاصله وارد دهلیزی تنگ و صعب العبور می‌شویم که بیش از ۱۰ متر درازا دارد. پس از آن به تالاری کوچک می‌رسیم که در وسط خود چاهی دارد. عمق این چاه حدود ۴ متر بوده و در انتهای خود چشمه پرآبی در قالب یک حوضچه جلب نظر می‌کند. در این دالان ۳ راه به چشم می‌خورد. راه سمت راست که دالانی است و بعد از چند متر بن بست است. مسیر وسطی که توسط دهلیزی فراخ به زیر چاه دوم متصل می‌شود و مسیر

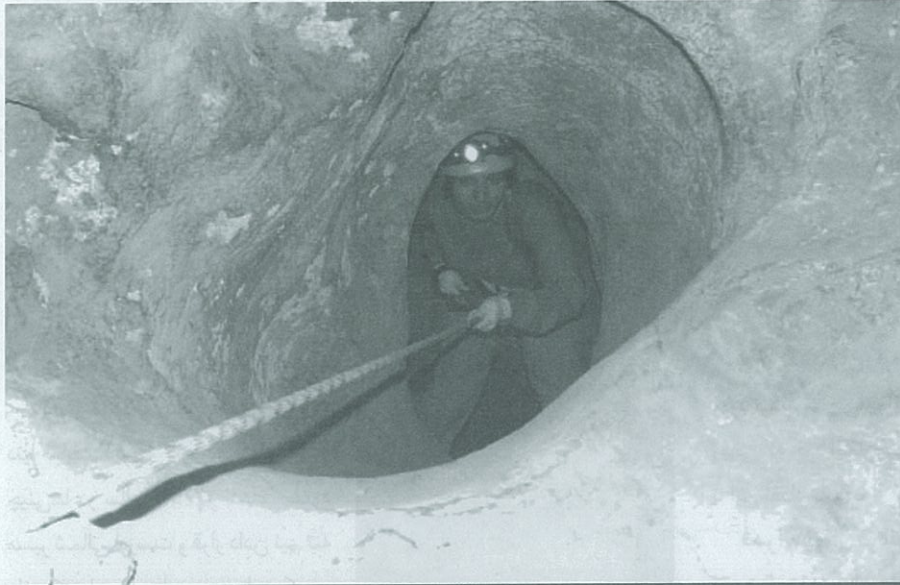
را مورد کاوش قرار می‌دهد و در گزارش خود اعلام می‌کند که درویش خاکی غاری بسیار بزرگ بوده و بدون دستیابی به انتهای این غار آنرا ترک می‌کنند. با تعجب بسیار مطلع شدیم که پس از آن نیز تیم‌های اندکی برای پیمایش درویش خاکی اقدام کرده‌اند و طبق اطلاعات موجود هنوز کسی به انتهای غار دست نیافته است. بعد از بررسی‌های اولیه تصمیم گرفتیم که تمام تلاش تیم خود را معطوف به تجسس و کاوش دقیق این غار نماییم. جالب آنکه این تلاش ما در نهایت نتیجه داده و ما موفق شدیم شعبه دست نخورده غار را تا به انتها پیمایش کرده و در واقع به نقاط ابهام و ناپیدای غار درویش خاکی پایان بخشیم.

دهانه غار درویش خاکی

بلافاصله پس از ورود به غار و بعد از طی کردن حدود ۱۵ متر به اولین چاه می‌رسیم. این چاه ارتفاعی در حدود ۵ متر داشته و مسیر فرود روی یک کلاهدک می‌باشد. این غار دارای دو چاه بوده که عبور از آنها نیازمند انجام کار فنی است. البته قبل از رسیدن

چاه اول غار درویش خاکی
کارگاه بالا کشی روی چاه اول
چاه دوم غار درویش خاکی
دهلیزهای تنگ و دشوار در غار درویش خاکی
تهیه و تنظیم گزارش
دکتر مسعود حمیدی
مربی و مدرس درجه دو غارنوردی

درویش خاکی نام روستایی در میانه راه شهرهای بیجار و دیواندره است و غار درویش خاکی نیز نام خود را از همین روستا گرفته است. دهانه این غار در شیب تپه‌ای مشرف به روستا قرار گرفته و بدون راهنما یافتن آن بسیار دشوار و بعید است. ابعاد دهانه حدود یک در یک متر بوده و دارای گرای ۵۰ درجه شمال شرقی می‌باشد. ارتفاع سنج ما ارتفاع دهانه از سطح دریا را ۱۸۳۸ متر نشان می‌دهد. درویش خاکی دارای دو دهانه در مجاورت یکدیگر است که دهانه دوم نیز ابعادی کمتر از یک متر مربع دارد. اولین بار در سال ۱۳۴۲ یک تیم آمریکایی این غار



سمت چپ که راه اصلی است. ما این راه را ادامه داده و به زیباترین بخش غار درویش خاکی دست می‌یابیم که دهلیزی طویل با هزاران استالاکمیت و استالاکتیت است. مشابه چنین صحنه‌ای را در هیچیک از قسمت‌های این غار نمی‌توان مشاهده کرد. ارتفاع سقف کم است و باید ساک غار را به دنبال خود بکشیم. با دقت از این معابر عبور کرده و به معبری تنگ و سخت می‌رسیم که به‌طور قطع تا به حال کسی از این قسمت عبور نکرده است و ما به سختی و با احتیاط از آن می‌گذریم. حال به اتاقکی وارد می‌شویم که با شیبی تند به سمت راست می‌رود و در انتهای این قسمت راه بر ما بسته شده و معمای غار درویش خاکی نیز به پایان می‌رسد. این همان بخشی است که تیم آمریکایی سال ۱۳۴۲ آن را ناتمام رها کرده بودند و در گزارش خود خبر از یک غار بسیار بزرگ و طولانی داده بودند! حال دیگر ما می‌دانیم که چنین نیست و درویش خاکی به‌طور کامل پیمایش شده و نقطه مبهمی در آن وجود ندارد. توجه همه غارنوردان را به لزوم دقت وافر هنگام پیمایش

بخش انتهایی این غار جلب می‌کنیم زیرا غنی‌ترین بخش غار درویش خاکی از جهت وجود آثار ارزشمند و اشکال مختلف همین قسمت است. به هر حال این غار زیبا را با همه دیدنی‌هایش تا به انتها از نظر گذرانیدیم و در ادامه خود را به سایر دوستانمان که درگیر صعود از چاه اول هستند می‌رسانیم. به منظور

افزایش ضریب ایمنی و سرعت بخشیدن به صعود و بازگشت با نصب کارگاه بالاکشی روی چاه یکم عملیات حمایت و بالاکشی را به سرعت به انجام رسانده و در نهایت پس از ۴ ساعت تلاش بی‌وقفه با موفقیت از غار خارج می‌شویم. ■

همه از خدائیم و به سوی خدا می‌رویم

سعیدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز

استاد ارجمند و پیشکسوت کوهنوردی ایران سرافراز، رئیس گروه کوهنوردی شقایق کرج با تمامی افتخارات صعودهای برون مرزی و درون مرزی دبیر فرهیخته آموزش و پرورش استان البرز، یاری دهنده جوانان در مقاطع مختلف زندگی، پدري مهربان و همسری شایسته



مهندس جمشید ترود

به رحمت ایزدی پیوست

ما برای بوسیدن خاک سر قله‌ها چه خطرها کرده ایم چه خطرها کرده ایم

از اول خلقت بشر، پروردگار افراد شایسته و برتر جامعه را به پیامبری مبعوث می‌نموده آنان را با علوم و فنون مختلف جهت راهنمایی بشر آشنا نموده، دانشمندان و اساتید نیز از این نبوغ الهی بی‌بهره نبودند، چه بسا در دوره‌های مختلف یک به یک برانگیخته می‌شدند. تا راهنمایی و پیشرفت انسان را بعهده بگیرند.

در مقام استاد و معلم همین نکته بس، که مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمودند: هر کس به من کلمه ای آموخت مرا تا ابد بنده و غلام خویش نموده.

استاد جمشید ترود از این قانون الهی مستثنی نبوده و جهت آموزش جوانان این مرز و بوم تلاش فراوان نموده اند.

شاگردانی در علوم و فنون مختلف مدیون تلاش این استاد بزرگوار بوده و هستند.

خرامیدن لاجوردی سیهر، همان گرد برگشتن ماه و مهر، میندار کز بهر بازیگری است، سرآورده ای این چنین سرسری است.

در این پرده یک رشته بیگار نیست، سر رشته بر کس پدیدار نیست، نه زین رشته سر می توان یافتن، نه سر رشته را می توان یافتن (نظامی گنجوی)

زندگی صحنه یکتای غزل خوانی ماست هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود صحنه پیوست به جاست خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

بیاد پدري مهربان، استادی کوشا

بچه های داغدار گروه کوهنوردی شقایق کرج

۸۹/۸/۲۰

کوتاه و خواندنی از اینترنت

ترجمه: رضا زارعی*

صعودهای مجهول!

نقد و تکیذ صعود کوهنوردان در دنیا سابقه دیرینه دارد. همانند تلاش چینی‌ها در سال ۱۹۶۰ و ادعای صعود مسیر شمالی اورست و قرار دادن نیم تنه مائو، که با صعودهای بعدی این کوه و عدم مشاهده شواهد صعودشان به عنوان دروغ بزرگ از آن یاد شد!

و یا ادعای تومو سزن یوگسلاو مینی بر صعود دیواره جنوبی لوتسه که بعدها مشخص شد عکسهای او از فراز قله در



واقع متعلق به صعود روسها به لوتسه بوده و توسط یک دوست مشترک در اختیار او قرار گرفته بوده!

از این دست صعودهای مورد تردید سالهاست در کوهنوردی رخ میدهد و به عنوان نمونه‌های اخیر آنها نیز می‌توان به دو صعود کریستین استرانگل اطریشی به کی دو و صعود مورد تردید خانم اوه یون - سان به کانچن چونگا در سال ۲۰۰۹ اشاره نمود! کریستین استرانگل پیشتر مدعی بود توانسته در مدت ۷۰ ساعت قله کی دو را از کمپ اصلی صعود نماید! این ادعا با هجوم نقدهای کوهنوردان مواجه و تردیدهای بسیاری را به همراه داشت تا سرانجام وی لب به سخن گشود و ادعای صعودش را به علت استرس و ترس خود دانست و عنوان داشت این ادعا را در یک حالت کما و بیهوشی متصور شده و گمان برده قله را صعود نموده!

اما مورد دیگر که به تلاش خانم اوه یون سان کره ای مربوط می‌شد، بدلیل رقابت سخت ایشان و خانم ادورنه پاسبان اسپانیایی برای کسب عنوان نخستین بانوی فاتح ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری بسیار حساس بود. جایی که سرانجام اوه یون سان کره ای توانست با فتح آنپورنا از رقیب اسپانیایی پیشی گیرد و نام خود و کشورش را در صدر زنان فاتح ۸۰۰۰ متریها قرار دهد.

اما این موفقیت در حالی برای خانم اوه رقم می‌خورد که پاسابان اسپانیایی از مدتها قبل صعود کانچن چونگای او را مورد تردید قرار داده بود. با این اوصاف هیچ مرجعی از او حمایت نکرد تا همچنان نام دختر کره ای در صدر این جدول (نخستین زن فاتح ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری) قرار گیرد.

اما آنچه در این گفتار بیش از هر چیز قابل ستایش است نقدها و دیدگاه‌هایی

است که هموطنان کره ای خانم اوه بر صعود او وارد نموده اند. به طوریکه صعود مورد تردید کانچن چونگا اینک برای او به چالشی جدی تبدیل گردیده و دور نیست زمانی که خود ایشان هموطنشان را مجبور نمایند بار دیگر آن صعود را تکرار نمایند تا این نقطه تاریک از کوهنوردی کشورشان رخت برینند.

فدراسیون کوه‌نوردی کره صعود خانم اوه به کانچن چونگا را مورد تردید قرار داد

۳۰ آگوست ۲۰۱۰ - آسودگی برای اوه یون-سان وجود ندارد. فدراسیون کوه‌نوردی کره (KAF) ادعای صعود ۲۰۰۹ به کانچن چونگا خانم اوه را " غیر محتمل " اعلام کرد. تردیدهای آنها به تردیدهایی که قبلا توسط رقیبش ادورنه پاسابان مطرح شده بود، که به این خاطر الیزابت هاولی وقایع نگار هیمالیا را در بهار امسال واداشت تا این صعود را مورد تردید قرار دهد، افزود. سایت ExplorersWeb/AdventureStats قبلا این موضوع را مورد تحقیق قرار داد اما دلیلی برای باطل کردن صعود خانم اوه نیافت، و به نظر نمی‌رسد مدرک جدیدی از آن زمان تا بحال بدست آمده باشد.

خانم اوه یون-سان در حال گریه در کنفرانس مطبوعاتی در دسامبر ۲۰۰۹، که پس از اینکه فدراسیون کوه‌نوردی کره اولین بار درخواست ارائه مدارک بیشتر از ادعای صعودش به کانچن چونگا را نمود.

فدراسیون کوه‌نوردی کره: عدم وجود مدرک

Korea times گزارش داد که هفت عضو ارشد فدراسیون کوه‌نوردی کره، شامل شش صعود کننده به کانچن چونگا نظیر کوه نوردان صعود کننده به ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری پارک یانگ-سئوک، اون-هونگ ایل و هان وانگ-یانگ گفتگوهای طولانی را انجام دادند و قبل از اینکه به اتفاق آرا به این نتیجه برسند که خانم اوه ظاهرا به قله نرسید، حقایق را بدقت مورد بررسی قرار دادند. جائه-بونگ کیم مدیر کل فدراسیون کوه‌نوردی کره به رسانه‌ها گفت: " حقایق موجود برای اثبات صعود اوه کافی نبودند. این کمیته تردیدهای خود را بر پایه عدم وجود عکس قله مناسب، زمان‌های صعود، و وجود تناقض در اظهارات شریهای صعود کننده، و پرچم صعود قرار دادند.

عکس قله بحث برانگیز خانم اوه که زمین صخره ای را در کانچن چونگا نشان می‌دهد.

لی یوی - جائه دبیر کل فدراسیون کوه‌نوردی کره به Korea Times گفت که از اوه خواسته شد که در این گفتگوها شرکت و از خود دفاع کند، اما از

چندین عکس واضح است. " ادورنه به سایت اکس وب گفت که هاوولی اشاره کرد که او در مورد صعود های مورد تردید خانم اوه تصمیم گیری نمی کند.

سایت اکس وب: چیزی تغییر نیافته است از نظر سایت اکس وب، تحت حق بی گناهی مسلم فرض شده، و قانون نوردی مبنی بر این که باید حرف یک کوه نورد را باور کنیم مگر اینکه حقایق جدی مغایر با گفته های او باشد: هنوز هیچ مدرک روشنی که نشان دهد خانم اوه در مورد صعود سال ۲۰۰۹ کانگچن جونگا دروغ گفته است وجود ندارد.

مسائل کلیدی در سال قبل در کره این بود که عکس قله در روی قله گرفته نشده بود و اینکه زمان بدست آمده برای حمله به قله غیر محتمل بود. خانم اوه هرگز به سایت اکس وب نگفت که عکس ارائه شده از سوی اسپانسرش در قله گرفته شده است و ادعای خراب بودن هوا بوسیله گزارش های تیم های دیگر تایید شد. او بعدا مکان کمپ بالایش را روشن ساخت که بنا به گزارش بعدا منتقدان کره ای را در مورد زمان صعودش قانع کرد.

شرپای اصلی، از جمله باتجربه ترین صعود کنندگان به کانگچن جونگا و با آشنایی خوب با قله کوه از جمله مکان قله واقعی به عنوان شاهد او عمل کرد: داوا وانگ چوک حتی در اواخر ۲۰۰۹ به کره آورده شد و در آنجا با شور و حرارت تمام حرف هایش را تکرار کرد.

در سایت AdventureStats رکورد خانم اوه معتبر باقی می ماند مگر اینکه حقایق جدیدی به میان آید، مثلا ادعاهای خانم اوه که عکس قله در قله اصلی گرفته شد؛ مدرکی که کمپ بالا پایین تر از محلی که تیم ادعا می کند بر پا شده باشد؛ و یا چندین کوه نورد ادعای صعود به قله را پس بگیرند.

دوباره باید متذکر شد که اگر چه مرکز داده هیمالیا صعود خانم اوه را " مورد تردید" اعلام کرده و فدراسیون کره آن را " غیرمحتمل " دانسته - رکوردش از او گرفته نشده است.

سایت اکس وب از خانم اوه یون-سان، اورنه پاسابان، و گرلینده کالتبرونر خواسته است تا گزارش کامل شامل جزئیات، عکس های قله و فهرستی از شاهدان تمام ۸۰۰۰ متری های شان را ارائه دهند. پاسابان قبلا چنین فهرستی را تهیه کرده است، کالتبرونر پس از بازگشت از کی دو این کار خواهد کرد، در حالیکه یون-سان هنوز پاسخی نداده است.



فاتح کلنگ طلایی در ایران

پریزل کوهنورد نام آشنای اسلونیایی نیز به کشورمان سفر خواهد نمود. پریزل متولد ۱۳ اکتبر ۱۹۶۵ در شهر لوبلیانای اسلونی می باشد. وی در شانزدهمین دوره اهدای کلنگ طلایی دنیا که فوریه ۲۰۰۷ با حضور کاندیداهای برتر سال ۲۰۰۶ در شهر گرنوبل فرانسه برگزار شد بخاطر صعودش

این کار امتناع کرد، و دلیل آن را آمادگی ناکافی اعلام کرد.

ادعاهای قدیم و جدید

اوه یون-سان و اسپانسرش بلک یاک قبلا در اواخر ۲۰۰۹ به تمام اتهامات مطرح شده در کره در مورد عکس قله (که اوه گفت به علت بادهای شدید عکس کمی پایین تر از قله گرفته شد) و تردیدها در مورد مدت زمان صعود (که ظاهرا ناشی از درک نادرست در مورد مکان کمپ بالای تیم و در نتیجه نقطه آغاز در روز صعود به قله) پاسخ داده بود. در مورد شاهدان، یکی از سه شرپای همراهی کننده خانم اوه در کانگچن جونگا یعنی داوا وانگ چوک (در چهارمین صعودش به این قله) به خانم هاوولی گفت که آنها واقعا به مرتفع ترین نقطه کوه رسیدند. نوریو شرپا گفت که گروه از مسافتی کوتاه قبل از راپل، حدود یک ساعت فاصله با قله به پایین برگشتند. شرپای سوم هنوز توسط کارکنان مرکز داده هیمالیا مورد مصاحبه قرار نگرفته است. جزئیات پرچم باشگاه کوه نوردی SWU هنوز ناقص است. بنا به گزارش منتشره یون-سان پرچم را گم کرد، اما برخی کپی های عکس قله تکه ای از آن را که به ژاکتش چسبیده بود نشان می داد. در مستندی تلویزیونی که بوسیله شبکه پخش سنول نشان داده شد، بلک یاک (اسپانسر) متهم شد که عکس قله را به منظور حذف پرچم با نرم افزار فتوشاپ دستکاری کرده است.

خانم اوه، ادورنه، لیز هاوولی و رسانه ها

یون-سان پس از شنیدن نتیجه گیری های فدراسیون کوه نوردی کره تمام اتهامات عنوان شده را شدیداً رد کرد، و گفت که قصد دارد در کنفرانس مطبوعاتی آتی از خود دفاع کند. اوه گفت: « من به جمع آوری مدارک برای اثبات صعود ادامه خواهم داد و بعد خواستار بررسی خواهم شد. » بنا به نوشته Korea Times، رئیس فدراسیون این احتمال را که اوه باید مدارک جدیدی را ارائه کند منتفی نمی داند.

ادورنه پاسابان دومین زن صعود کننده به ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری به سایت اکس وب گفت که چیزی برای اضافه کردن به اظهارات چند ماه پیش خود ندارد. ادورنه گفت: « به ادعای او شک کردم، و به این خاطر علنا اعتراض کردم. مایه آسودگی است که اکنون فدراسیون کره با گفته من موافق است، و این نشان می دهد که من تنها فردی نیستم که موضع گیری می کنم. چیزی که می توانم واقعا اثبات کنم صعودهای خودم به این قله است. »

در ضمن، رسانه های جریان اصلی تا حدی نابهنگام نتیجه گیری خودشان را گرفتند: « نخستین زن صعود کننده به مرتفع ترین قله جهان خلق عنوان شد، » که تیتز روزنامه تلگراف بریتانیا است. در اسپانیا کشور ادورنه پاسابان، رسانه ها از این هم فراتر رفتند و اعلام کردند که ادورنه « به طور رسمی اول است » و یک بیانیه « رسمی » توسط خانم هاوولی را نقل کردند که اعلام می دارد خانم اوه باید صعود کانگچن جونگا را تکرار کند.

با وجود این حقایق نسبتا متفاوت است. ایمیل هاوولی یادداشت خصوصی بود به این مضمون: « قبلا از من سوال شد که آیا ما ادعای او را به جای " مورد تردید" ، تأیید نشده " خواهیم دانست، و من گفته ام که خیر (...) من بی شک برای او متأسفم، اما به نظر می رسد اکنون تنها گزینه او برگشتن و صعود مجدد و گرفتن

به قله چومولاری به همراه بوریس لورنسیک موفق به کسب این عنوان گردید. چومولاری ۷۳۵۰ متر کوهی است مقدس برای بوداییان تبت و هر سال زائران زیادی که به دهکده پاری دسونگ در ۱۰ مایلی کوه برای مراسم دعا می آیند، سری هم به دامنه های کوه مقدس زده، آنرا طواف می کنند. کوه چومولاری را بدلیل زیباییش عروس کانچن چونگا می نامند. این کوه در مرز تبت و بوتان قرار دارد. جبهه شمالی کوه را دیواره ای عظیم به طول ۲۷۵۰ متر فرا گرفته. چومولاری نخستین بار در سال ۱۹۳۷ توسط اسپنسر چاپمن و داوا لاما صعود شد. ارتفاع قله این کوه در منابع مختلف مابین ۷۳۱۴ تا ۷۳۵۰ متر متغیر ذکر شده. تیم اسلونایی در سال ۲۰۰۶ دهلیز شمالی را هدف قرار دادند، آنها پس از بیتوته در ارتفاع ۶۸۰۰ متری خود را به یال شرقی رساندند و در ۱۴ اکتبر از آن مسیر راهی قله شدند. بخش دشوار مسیر توسط اعضای تیم با درجه سختی TD+، ۴۵/۸۰- ۶۰ درجه بندی شد که حدود ۱۹۰۰ متر طول داشت.

اما دو تن از اعضای تیم در شرایط باد شدید و در حالیکه لایه نازکی از یخ بر روی مسیر شمال غربی قرار داشت، موفق به فتح قله شدند. آنها نیز از ابتدای دهلیز شمالی صعود خود را آغاز نمودند، سپس با تراورس به سمت راست از مسیری ترکیبی خود را به یال شمال غربی رساندند. این در حالی بود که شیب تند مسیر را برفی عمیق پوشانده بود، در حالیکه در زیر آن لایه ای از یخ نازک قرار داشت. آنها درجه مسیر را ۶ مثبت ثبت کردند. کوه نوردان اسلونی برای صعود قله مجموعاً ۵ روز تلاش کردند. پس از صعود قله نیز آنها امیدوار بودند بتوانند از مسیر جنوبی به پائین باز گردند، اما شرایط بد جوی آنها را مجبور به بازگشت از همان مسیر صعود نمود و با یک شب مانی دیگر خود را به کمپ اصلی رساندند.

مارکو سرپرست تیم می گوید: به طور معمول در یک صعود موفق تدارکات و پشتیبانی در کنار تاکتیک صعود نقش ارزشمندی را ایفا می کند. مارکو پریزل کوهنوردی است که صعودهای بیشماری را به سبک آلپی در آمریکا و آسیا صورت داده. او همچنین عضو تیم سال دو هزار و چهار صعود به کی ۷- کاراکوسا - و نانگاپاربات بود که هر دو در یک برنامه به سرپرستی استیو هاوس آمریکایی انجام شد.

آمار تلاشهای ۸۰۰۰ متری پاکستان در تابستان ۲۰۱۰

در مجموع از ۳۳ هیئت ثبت نام کرده در این فصل ۴ هیئت اعلام انصراف داده و ۲۷ شرکت در منطقه فعالیت نمودند.

تلاشهای صورت گرفته بر روی ۸۰۰۰ متریها عبارتند از:

کی دو بدون صعود

نانگاپاربات ۹ صعود

گاشربروم یک ۱۲ صعود

گاشربروم دو ۲۴ صعود

برودپیک ۱۰ صعود

بدنبال آخرین ۸۰۰۰ متری با صعود مینگما شریا، کوهنورد نپالی به قله گاشربروم I به همراه برادرش داوا، اینک او بدنبال صعود قله کانچن چونگا و قرارگیری در جمع اعضای باشگاه ۸۰۰۰ متریها به عنوان نخستین کوهنورد نپالی می باشد. مینگما که در تابستان سال جاری توانست قله نانگاپاربات را صعود کند بلافاصله راهی قراقرم گردید و توانست گاشربروم I را نیز صعود نموده نام خود را به عنوان دارنده بیشترین آمار ۸۰۰۰ متریهای نپال ثبت نماید. مینگما در صدد است تا در بهار ۲۰۱۱ راهی کانچن چونگا شود تا به این مهم دست یابد.

کمپ اصلی لوتسه به همراه تیم ایران

مینگما شریا

مینگما شریا متولد ۱۶ جون سال ۱۹۷۸ در دهکده NurbuChaur



از توابع ماکالو بارون می باشد. او که از سال ۱۹۹۸ کوهنوردی را با راهنمایی گردشگران در دامنه های هیمالیا آغاز نموده بود هم اکنون با صعود به ۱۱ قله ۸۰۰۰ متری نخستین کوهنورد کشور نپال است که در صدد پیوستن به باشگاه ۸۰۰۰۰ متریها است.

مینگما تنها ۲ سال به عنوان راهنما در مسیرهای راهپیمایی تلاش کرد و پس از آن به عنوان باربر ارتفاع به جرگه شریاهای هیمالیا پیوست. او ابتدا در سال ۲۰۰۰ به همراه تیمی از ایتالیا ماناسلو را صعود کرد و در پائیز همان سال موفق شد قله چوآیو را به همراه تیمی از کره فتح نماید.

در بهار و پائیز سال ۲۰۰۱ باز هم مینگما به همراه تیمهایی از کره راهی هیمالیا شد و به ترتیب ماکالو و شیشاپانگما را صعود کرد.

قله لوتسه بهار ۲۰۰۲

وی در بهار ۲۰۰۲ به همراه برادرش داوا و در روز ۱۶ می در کنار ۶ کوهنورد ایرانی برفراز لوتسه ایستاد. ضمن آنکه در پائیز ۲۰۰۲ در کنار کوهنوردانی از ایتالیا برای دومین بار موفق به صعود چوآیو شد.

در بهار ۲۰۰۳ مینگما در تیمی کاملاً نپالی و در صعود به اورست بدلیل مواجه شدن با هوای خراب تنها



تا ارتفاع ۸۲۰۰ متر بالا رفت. اما در تابستان آن سال و در کنار تیمی از کوهنوردان کره توانست دو قله ۸۰۰۰ متری برودپیک و گاشربروم دو را در پاکستان صعود نماید. مینگما در پائیز این سال توانست به همراه تیمی از یونان برای سومین بار چوآیو را فتح نماید.

در بهار ۲۰۰۴ مینگما به آرزوی خود رسید و ابتدا توانست قله اورست را صعود کند. سپس او در کنار کوهنوردانی از ایتالیا که برای پنجاهمین سالگرد صعود به



اسامه اهل ناگویای ژاپن می باشد. پس از این حادثه بالگرد برای جستجو وارد منطقه گردید، ضمن آنکه هموردان این گروه از ژاپن برای یافتنشان به سمت نپال عزیمت نمودند.



زمستان دیواره لوتسه

تومو سزن در سال ۱۹۵۸ در اسلونی متولد شد وی از پیشگامان کوه نوردی انفرادی و البته جزو بحث برانگیز ترین کوهنوردان دنیا می باشد! در میان

صعودهای سزن بی شک بحث صعود انفرادی به جبهه جنوبی لوتسه وی جزو نکات منفی است که در زندگی کوه نوردی وی به ثبت رسیده در بهار ۱۹۹۰ وی ادعا کرد در مدت زمان ۶۲ ساعت توانسته از مسیر دیواره جنوبی، قله لوتسه را فتح نماید. اما بعدها مشخص شد تصاویری را که وی برای این ادعا ارائه نموده متعلق به گروهی دیگر از کوه نوردان اسلونی می باشد. در همان سال هیئتی از شوروی سابق توانستند این دیواره را از مسیری متفاوت با مسیر ادعا شده توسط تومو سزن فتح نمایند اوسامو تانابه، یاماگوچی کوه نوردان ژاپنی و شریا پمبا چورتن در ساعت ۳،۳۵ دقیقه بعد از ظهر روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶ توانستند دیواره لوتسه را از مسیر تومو سزن صعود نمایند. آنها برغم دست یابی به اوج دیواره بدلیل زمان اندک از صعود قله صرف نظر نمودند. یوزوکی هیروی از اعضای تیم عنوان نمود: آنها تلاش داشتند تا در مسیر اثری از صعود تومو سزن بیابند، اما مسیر صعود فاقد هرگونه میخ سنگ یا ابزار و وسیله دیگری بود لازم به ذکر است دیواره جنوبی لوتسه با حدود ۳۲۰۰ متر طول یکی از مخوفترین دیواره های دنیا به شمار می رود. این دیواره تا کنون از سوی کوه نوردان بزرگی بویژه از لهستان، ژاپن، شوروی سابق، چک و یوگسلاوی سابق، ایتالیا، اسلونی و ... تلاشهایی را به خود دیده. در این میان کشته شدن جرجی کاکوسکا در ۱۹۸۸ بر روی این دیواره، شهرت آنرا جهانی نمود قله لوتسه نیز نخستین بار در سال ۱۹۵۴ توسط کوه نوردان کشور سوئیس لوشینگر و رایز فتح گردید. اولین صعود زمستانی این کوه نیز در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ بوسیله کریستوف ویلیجکی از لهستان انجام شد. ضمن آنکه نخستین صعود زمستانی جبهه جنوبی را کوه نوردان اتحاد جماهیر شوروی سابق سرگی برشوف و ولادیمیر کاراتیف صورت دادند



زمستان لوتسه

دیواره جنوبی لوتسه زمستان لوتسه آسامو تانابه یکی از بهترین سرپرستان صعودهای بلند در ژاپن به شمار می رود. او صعود چندین قله ۷ و ۸ هزار متری را در کارنامه

کی دو راهی پاکستان شده بودند بر فراز این کوه بایستد. اما با این صعودها مینگما برای کار و درآمد بیشتر راهی ژاپن گردید تا چند سالی را بدور از هیاهوی کوهستان سر کند. وی در بازگشت به نپال به قله آناپورنا (بهار ۲۰۱۰ به همراه ادورنه پاسابان کوهنورد زن اسپانیایی) و داتولاگیری (بهار ۲۰۱۰ به همراه هشت کوهنورد چینی که متاسفانه سه تن از آنها در این کوه کشته شدند) را صعود کرد تا عملاً برای پیوستن به جمع اعضای باشگاه ۸۰۰۰ متریهها تنها دو قله نانگاپاربات و گاشربروم یک در پاکستان را در پیش رو داشته باشد.



باروتسه

باروتسه با ارتفاع ۷۱۲۹ متر کوهی است در شرق کشور نپال و درست مابین اورست و ماکالو. این کوه که خود از ۴ یال و ۴ قله مستقل تشکیل شده در جنوب یخچال هونکو، شرق یخچال

بارون و شمال غرب یخچال ایمجا قرار دارد. سه یال اصلی باروتسه که در میان این یخچالها قرار گرفته فرم کوه را شبیه به حرف Y نموده. نخستین صعود این کوه در ۳۰ می ۱۹۵۴ توسط کولین تاد و گوف هارو از نیوزلند و از مسیر جنوب شرقی انجام شد. این یال بعدها به صورت مسیر نرمال کوه شاهد صعودهای بیشماری بوده و هست. باروتسه به همراه آمادابلام، پوموری و اورست جزو پر صعودترین کوههای نپال می باشد.



فاتح زمستانی اورست و دیواره لوتسه ناپدید شد

بر اثر سقوط بهمین در داتولاگیری اوسامه تانابه کوهنورد ۴۹ ساله ژاپنی با سابقه صعود به ۹ قله ۸۰۰۰ متری به همراه ۲ هموطنش و یک شریای نپالی ناپدید گردید. تاشیو یاماموتو ۳۶ ساله، دیسوک هوندا ۳۲ ساله و شریا پاسانگ گلو همراهان مفقود اسامه در این حادثه می باشند.

اسامه کوهنورد شهیر ژاپنی در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ و تنها یکروز قبل از پایان پائیز شمسی موفق شد بر فراز اورست بایستد. همین امر موجب گردید غریبان صعود او را به عنوان صعودی پائیزه و نه زمستانه بشناسند.

لازم به ذکر است بر اساس تقویم نپالیها ماههای دسامبر، ژانویه و فوریه به عنوان ماههای فصل زمستان شناخته می شوند. اسامه همچنین سابقه تلاش بر روی دیواره لوتسه در سالهای ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ را در کارنامه خود داشت. وی در سال ۲۰۰۷ توانسته بود این دیواره را در زمستان به پایان برساند، هرچند بدلیل از دست دادن روز او و هموردش از صعود به قله لوتسه اجتناب نموده بودند.

خود دارد. از جمله صعودهای موفق او می توان به فتح زمستانی اورست در روز بیست دسامبر ۱۹۹۳ اشاره نمود. وی در سال نود و هفت نیز سرپرست تیمی از ژاپن بر روی جبهه غربی کی دو بود. ایشان قصد صعود مسیر ناتمام سال ۱۹۸۱ ژاپنی ها را داشتند. در آن سال ژاپنی ها تنها تا ارتفاع هفت هزار و هشتصد متری کوه بالا رفته بودند. تیم آسامو مسیر خود را از جبهه غربی به سمت جبهه شمالی ادامه داد اما زمستان امسال آسامو تانابه سرپرستی و هدایت تیمی از کوه نوردان ژاپنی بر روی جبهه جنوبی لوتسه را بر عهده خواهد داشت. اعضای تیم را گروهی از کوه نوردان آلمانی کلاب توکیو تشکیل می دهند. آسامو در سال ۲۰۰۱ نیز به همراه کوه نوردان توکیو بر روی این مسیر تلاش کرده بود و اینبار امیدوار است در زمستان موفق به صعود آن شود لازم به ذکر است زمستان امسال علاوه بر کوه نوردان ژاپنی تیمی از کره نیز بر روی لوتسه تلاشی را صورت خواهد داد

آیا میدانید برترین صعودهای زمستانی بر روی قله ۸۰۰۰ متر توسط کوه نوردان کشور لهستان صورت گرفته؟
خودتان قضاوت کنید:

هفده فوریه ۱۹۸۰ / اورست - اولین صعود زمستانی توسط « کریستوف ویلیچکی » و « لژک سیچی » صورت گرفت
دوازده ژانویه ۱۹۸۴ / ماناسلو - « ماسیچ بابیکا » و « ریزارد کاجوسکی » قله را صعود کردند.
بیست و یک ژانویه ۱۹۸۵ / داتو لاگیری - « جرزی کاکوسکا » و « اندری زوک » به قله رسیدند
دوازده فوریه ۱۹۸۵ / چوایو - « ماسیچ بابیکا » و « ماسی پاولفسکی » موفق به صعود قله شدند.
پانزده فوریه ۱۹۸۵ / چوایو - سه روز پس از صعود اول « جرزی کاکوسکا » و « اندری همریخ » موفق به صعود مسیری نو بر روی چوایو شدند. این مسیر پس از آنها هرگز صعود نشد.
یازده ژانویه ۱۹۸۶ / کانچن چونگا - « جرزی کاکوسکا » و « کریستوف ویلیچکی » موفق به صعود قله شدند. در طول این صعود « اندری زوک جان خود را از دست داد. وی پیش از این توانسته بود قله اورست، لوتسه، ماکالو و داتو لاگیری (زمستانی) را صعود نماید.
سوم فوریه ۱۹۷۸ / آناپورنا - « جرزی کاکوسکا » و « آرتور مایرز » موفق به صعود قله شدند.
سی و یک دسامبر ۱۹۸۸ / لوتسه - « کریستوف ویلیچکی » موفق به صعود قله از مسیر غربی کوه شد.

ژانویه ۲۰۰۵ / « سیمون مورو » از ایتالیا به همراه « پیوتر موروسکی » موفق به صعود قله شیشاپانگما شدند. حال اگر صعودهای ناموفق ایشان به ماکالو و کی ۲ و را هم به این آمار بیافزاییم بی شک پی به توانایی آنها خواهیم برد.
پی نوشت - نهم فوریه ۲۰۰۹ / ماکالو - « سیمون مورو » و « دنیس اوربکو » موفق به صعود قله ماکالو شدند.

زمستان اورست نخستین صعود زمستانی اورست

در روز ۱۷ فوریه ۱۹۸۰ کریستوف ویلیچکی و لژک سیچی موفق شدند نخستین صعود زمستانی قله اورست را از



مسیر جنوبی صورت دهند. این دو عضو تیم کوه نوردان لهستانی به سرپرستی آندره زاوادا بودند. گرچه تاکنون بیش از ۵۰۰۰ نفر موفق شده اند در بهار و پاییز به اورست صعود کنند و حتی تعدادی هم در فصل مونسون و در دل تابستان بر این کوه غلبه کرده اند، اما تنها ۷ نفر تاکنون قله اورست را در زمستان صعود کرده اند.

کریستوف ویلیچکی و لژک سیچی دو کوه نورد لهستانی بودند که نخستین بار اورست را در فصل زمستان صعود کردند. سیچی فاتح قله از فراز کوه ابراز داشت: «آنچنان که باد ما را عذاب می دهد از برف زیاد سختی نمی کشیم».

آنها شب قبل از صعود با برودی برابر ۴۰ درجه در داخل چادرهایشان روبرو بودند و روز بعد توانستند در هوایی صاف و سرد قله را فتح نمایند.

سیچی میگوید: «در مرز بین سایه و خورشید، شب و روز و در راه میان مرگ و زندگی بر فراز قله اورست ایستادیم».

لازم به ذکر است دولت نپال از دسامبر ۱۹۷۹ اجازه تلاش زمستانی بر روی اورست را صادر نمود و در اولین گام این کوه نوردان همیشه سرفراز لهستانی بودند که موفق به این امر شدند.

همچنین در ۲۷ دسامبر ۱۹۸۲ کاتو کوه نورد ژاپنی موفق شد دومین صعود زمستانی قله اورست را صورت دهد. متأسفانه او در بازگشت از قله ناپدید گردید. کاتو تنها کوه نوردی است که قله اورست را در سه فصل مختلف بهار، پاییز و زمستان فتح نموده.

در پاییز ۱۹۷۳ او و هم نورد ژاپنی اش توانستند نخستین صعود پاییزی به اورست را صورت دهند. در بهار ۱۹۸۰ و درست یکسال پس از تلاش مشترک کوه نوردان ایرانی و چینی بر روی مسیر شمالی اورست، کاتو توانست به عنوان نخستین کوه نورد غیر چینی از مسیر شمالی بر اورست فائق آید و در نهایت در ۲۷ دسامبر ۱۹۸۲ او در صعودی زمستانه قله را فتح نمود.

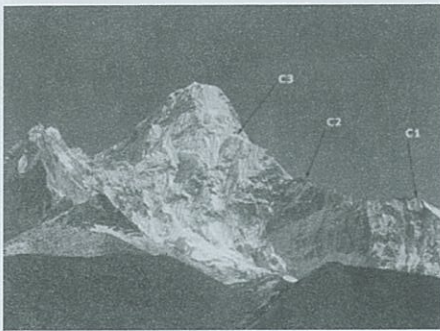
بیرون کردن کبوتران برای غارنوردی!

رئیس هیئت کوه نوردی مازندران: هزاران کبوتر در غار کتلی که عنوان پنجمین غار چاهی ایران را یدک می کشد ساکن هستند و مسئولان استان برای استفاده بهینه ورزشکاران از این محل باید فکری به حال کبوتران کنند!!!

کوه قاف - در اینکه غارنوردی ورزشی است جذاب و برای پیمایش غارهای می باید امکانات مناسبی برای این عزیزان فراهم گردد شکی نیست، اما دیدگاههای رئیس محترم هیئت کوه نوردی مازندران مبنی بر فکر کردن به حال کبوتران برای استفاده غارنوردان، گویای تمایل ایشان به بیرون راندن ساکنان اولیه غار است! که در نوع خود اظهار نظری جالب می باشد!

براستی بر مبنای همین تفکر است که کوهستان را از وجود حیات وحش پاکسازی می کنیم تا کوه نوردان به راحتی کوهها را ببیمایند؟! کویر و مراتع و جنگلهای را جاده کشی می کنیم تا انسانها بی دردرس آنها را درنوردند؟!

آیا بهتر نبود آقای رئیس به جای فکر کردن به حال کبوتران، فکری به حال غارنوردان می کرد؟ مثلاً ایشان رعایت حال کبوتران را کنند تا ساکنان اصلی غار متعجب از مهمانان ناخوانده مجبور به ترک مسکنشان نشوند؟



صعود به آمادابلام

امیر زرین و حمید
صفرزاده دو کوهنورد
خراسانی موفق شدند
در ساعت ۲,۳۰ روز ۲۱
نوامبر قله آمادابلام را
فتح نمایند.

بر اساس تماس امیر از دهکده دینبوچه در دامنه آمادابلام ایشان تلاش خود را در روز ۱۹ نوامبر آغاز نمودند و در این روز کمپ ۱ خود را برپا ساختند. در روز ۲۰ نوامبر ایشان به کمپ ۲ رفته و ساعت ۲ بامداد روز ۲۱ نوامبر به سمت قله حرکت کردند. شرفای همراه این دو بدلیل خرابی حالش در کمپ سوم متوقف شد ولی آن دو توانستند در ساعت ۲,۳۰ دقیقه قله آمادابلام یکی از زیباترین قله جهان را فتح نمایند.

لازم به ذکر است در روز ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷ سعید طوسی توانسته بود به عنوان نخستین کوهنورد ایرانی قله آمادابلام را صعود کند و این تلاش دومین تلاش و صعود موفق کوهنوردان ایرانی به آمادابلام به شمار می آید. این موفقیت را به امیر و حمید عزیز تبریک می گوئیم.

تلاش زمستانی بر روی گاشبروم II

با نزدیک شدن به فصل سرما و زمستان، بار دیگر زوج پرتوان سیمون موری از ایتالیا و دنیس اوربکو از قزاقستان در صدد تلاش بر روی یک ۸۰۰۰ متری دیگر هستند و اینبار ایشان گاشبروم II را هدف قرار داده اند.

سیمون مورو سابقه صعود و فتح زمستانی شیشاپانگما به همراه پیوتر موروسکی از لهستان در سال ۲۰۰۵ و ماکالو به همراه دنیس اوربکو در سال ۲۰۰۹ را در کارنامه دارد، ضمن آنکه دنیس اوربکو نیز با صعود به ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری که در میان آنها مسیر نو بر روی برودییک، لوتسه، چوآیو و ماناسلو به چشم می خورد جزو شاخص ترین کوهنوردان دنیا به شمار می آید.

در تلاش زمستانی گاشبروم II همچنین کوری ریچارد کوهنورد و عکاس آمریکایی ایشان را همراهی خواهد نمود.

لازم به ذکر است تاکنون تمامی قله ۸۰۰۰ متری نپال در زمستان فتح گردیده اند، اما هیچیک از ۸۰۰۰ متریهای پاکستان تاکنون به کوهنوردان روی خوش نشان نداده اند.

اما در مورد سیمون مورو لازم به یادآوری است که او در ۴۳ سالگی، چهل و سومین تلاش هیمالیایی خود را در پیش دارد. او تاکنون ۱۱ قله ۸۰۰۰ متری را صعود کرده، از ۷ قله مرتفع قاره ها بالا رفته و ۷۰۰۰ متریهای بی شماری را نیز از مسیرهای فنی و نو فتح نموده. ■

مرگ رکورددار اورست

چاوآنگ نیما شریا دومین رکورددار تعداد صعود به اورست در ساعت ۴,۳۰ روز ۲۳ اکتبر بر اثر شکستن نقاب در ارتفاع ۷۰۴۵ متری کوه بارونتسه ۷۱۲۹ متر مفقود گردید.

چاوآنگ نیما با ۱۹ صعود اورست پس از آپا شریا قرار داشت، ضمن آنکه ۸ صعود به چوآیو، دو صعود به شیشاپانگما، ۴ صعود به آمادابلام و یک صعود به قله نیچینگ کانگسا را نیز در کارنامه خود داشت.

وی در این صعود عضو Adventure Trip Baruntse Expedition Autumn ۲۰۱۰ و زیر نظر Sherpa Shangrila Treks(P) Ltd اقدام به فعالیت بر روی بارونتسه نموده بود. طی دو روز پس از حادثه بالگرد امداد برای یافتن اثری از این کوهنورد بزرگ تلاش نموده ولی تاکنون اثری از او یافت نگردیده است.



پنجمین کلنگ طلایی آسیا

در روز ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰ مراسم اعطای پنجمین کلنگ طلایی کوهنوردی آسیا برگزار گردید و دو کوهنورد ژاپنی به نامهای یوسوشی اوکادا و کاتسوتاکی یوکویاما موفق

به کسب این جایزه معتبر کوهنوردی آسیا گردیدند. همچنین کلنگ طلایی کوهنورد دوران قاره آسیا به تسونئو هاسگاوا رسید.

یاسوشی اوکادا و کاتسوتاکی یوکویاما به خاطر صعود مسیر نو بر روی یال جنوب شرقی کوه لوگان با ارتفاع ۵۹۰۰ متر که دومین کوه مرتفع آمریکای شمالی به شمار می آید موفق به پیروزی در این مراسم شدند. این موفقیت از سوی هیئت داورى به رهبری دنیس اوربکو کوهنورد معروف قزاقستان تایید گردید، کسی که خود برنده کلنگ طلایی آسیا در سال ۲۰۰۶ و کلنگ طلایی دنیا در شامونی فرانسه و کورمایور ایتالیا در سال ۲۰۰۹ شده بود.

تلاش اوکادا و یوکویاما بر روی مسیر و جبهه ای صورت گرفت که سالها به عنوان یک علامت سوال در کوهنوردی شمال آمریکا به شمار می آمد. این مسیر طولانی، دشوار و خطرناک دارای درجه سختی ED, WI۵, M۶ می باشد.

همچنین امسال نخستین کلنگ طلایی همه دوران قاره پهناور آسیا به تسونئو هاسگاوا تعلق گرفت. کوهنوردی که در سال ۱۹۹۱ بر اثر سقوط بهمین در کوه اولتر ۷۳۸۵ متر در دره هونزای پاکستان جان خود را از دست داده بود. همسر هاسگاوا برای دریافت جایزه این کوهنورد بزرگ در مراسم حاضر گردید.

جایزه برندگان این مراسم کلنگی طلایی بود که از سوی کمپانی قدیمی لوازم کوهستان، گریول به برندگان اعطا گردید.

نکات فنی

گردآوری و ترجمه: علی پارسایی

<http://www.parsaei.com/techtip>

کوهنوردی فنی می‌تواند برای مبتدیان و حتی افراد با تجربه بسیار خطرناک باشد. نکاتی که در این صفحات ذکر شده تنها برای آشنایی و بهره‌گیری آن دسته از افرادی است که صلاحیت و توانایی کافی انجام صعود های فنی را دارند.

کوهنوردی فنی احتیاج به ممارست تمرین و یادگیری فن زیر نظر یک مربی مجرب را دارد. نکات ذکر شده تنها به‌عنوان آشنایی و ایده گرفتن از روش‌های گوناگون بوده است. خواندن این مطالب به تنهایی نمی‌تواند از هیچ شخصی یک کوهنورد فنی بسازد.

تمامی تلاش هنگام گردآوری این مجموعه صورت گرفته تا مطالب عرضه شده خالی از خطا باشند اما احتمال وجود خطا و یا ناقص بودن هر یک از روش‌ها و یا توصیه‌ها وجود دارد. ضمناً ممکن است روش‌های بهینه‌تری برای انجام تکنیک‌ها و یا تاکتیک‌های کوهنوردی فنی به غیر از آنچه در این مجموعه آورده شده وجود داشته باشد.

نگارنده و فصلنامه کوه هیچ گونه مسؤلیتی چه مستقیم چه غیر مستقیم در باره حوادث ناشی احتمالی برای افرادی که از این توصیه‌ها استفاده نموده‌اند چه مبتدی چه کهنه کار را به عهده نمی‌گیرد. مسؤلیت کامل استفاده از توصیه‌ها و مطالب و تصاویر این مجموعه بر عهده خواننده است.

معرفی ابزار و لوازم فنی تنها جهت آشنایی خواننده با آن‌ها بوده و هدف تبلیغ ابزار از تولیدی خاصی نمی‌باشد.

خطر در استفاده نادرست از کش و تسمه های کشی بر روی اسلینگ

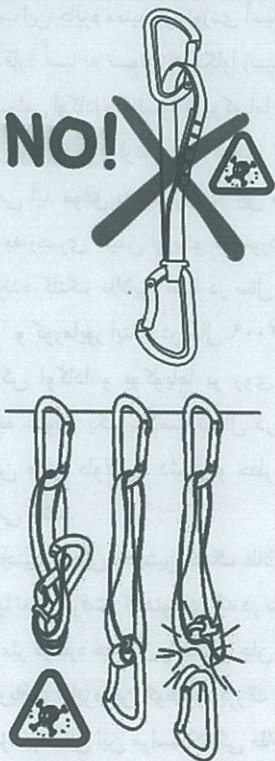
بسیاری از سنگنوردان عادت دارند به لبه اسلینگ خود و کارابین کش ببندازند و یا از قطعات پلاستیکی خاص مانند String استفاده کنند.

و اگر اسلینگ بلند باشد آن را به صورت دولا به هارنس خود وصل کنند تا در زمان صعود آزادی عمل بیشتری داشته باشند.

این روش کار خوبی است اما توجه داشته باشید هرگز و هرگز بر روی تنها یک انتهای اسلینگ این کار را انجام ندهید. چون ممکن است تحت شرایطی که در حین صعود بسیار پیش می‌آید کارابین در درون اسلینگ بچرخد و تسمه به صورت معکوس در آن قرار بگیرد و به محض وارد شدن فشار کش پاره شود.

به تصاویر دقت کنید در تصویر پایینی همه چیز به ظاهر درست به نظر می‌رسد اما حلقه‌ای که کارابین را گرفته در حقیقت تنها با کش مهار شده و در صورت پاره شدن کش کارابین از داخل آن بیرون می‌آید.

این کار را یکبار در خانه امتحان کنید! مطمئناً پس از امتحان خوشحال می‌شوید که در طبیعت دیگر شاهد بروز این اتفاق نخواهید بود!!



های تنظیم

وجود ترک یا تغییر شکل در بدنه فلزی کرامپون، به ویژه اطراف نیش های جلویی؛ برای بازبینی دقیق تر می‌توانید ANTISNOW را از پاشنه جدا کنید. پس از هر بار استفاده، کرامپون‌ها را تمیز و خشک کنید. برای جلوگیری از خوردگی، کمی روغن روی کرامپون اسپری کنید.

با سوهان زدن از طرفین نیش‌ها را تیز کنید اما هرگز قسمت بالای نیش‌ها را سوهان نکنید (به جز نیش‌های فورج شده جلویی). برای جلوگیری از ایجاد حرارت که ممکن است باعث تغییر در ویژگی‌های فولاد به کار رفته در کرامپون شود، نیش‌ها را به صورت دستی سوهان بزنید.

عملکرد مناسب سیستم تنظیم سریع را کنترل کرده و از اتصال کرامپون به کفش اطمینان حاصل کنید.

تبرهای یخ

پیش از هر بار استفاده، موارد زیر را بازبینی کنید:

وجود ترک یا تغییر شکل در ابزار

وضعیت پرچ‌ها، اتصال سر تبر و نحوه اتصال بدنه به تسمه

وضعیت و نحوه اتصال تیغه؛ در صورت لزوم تیغه را تیز کرده و تیغه‌های خمیده یا فرسوده را تعویض کنید.

در صورت وجود شرایط زیر تبرهای یخ یا کرامپون‌های خود را کنار بگذارید:

مطلوب نبودن نتیجه بازبینی

وارد شدن شوک یا ضربه جدی به ابزار

وجود هرگونه شک نسبت به قابل اطمینان بودن ابزار

پس از هر بار استفاده، ابزارها را با دقت مطابق دستور العمل‌های فنی همراه کالا

بازبینی، تمیز و خشک کنید.

برای صعودهای یخچالی از چه طنابی استفاده کنیم؟

شاید پاسخ این سؤال بسیار بدیهی بنظر برسد. طناب مناسب در مرحله اول یک طناب دینامیک است که می‌تواند خصوصیتی مانند مقاوم بودن در برابر آب و ... را داشته باشد. اما با وجود بدیهی بودن این پاسخ و نص صریح درسامه‌های موجود هنوز شاهد استفاده از طناب‌های استاتیک در صعودهای یخچالی هستیم.

استفاده از طناب‌های استاتیک باور غلطی بود که تا اواسط دهه هفتاد به صورت یک اصل در ایران پذیرفته شده بود. و باور عمومی بر این بود که این طناب‌ها به خاطر خشک بودن کمتر به خود آب می‌گیرند!! پس برای صعود بر روی یخچال و برف مناسب تر هستند. و متأسفانه هنوز این آموزه غلط در ایران به کار گرفته می‌شود.

طناب‌های استاتیک و به تعبیر درست تر (شبه استاتیک) به هیچ عنوان توانایی جذب نیروی حاصله از سقوط کوهنوردی را ندارند و انرژی سقوط را مستقیماً به بدن صعود کننده و حمایت چپی و کارگاه و تمامی زنجیره صعود وارد می‌کنند. دقیقاً همانند یک سیم بکسل. هرگز و هرگز برای صعودهای یخچالی از طناب استاتیک استفاده نکنید.

چند نکته در زمینه نگهداری کرامپون و تبر یخ

تبر یخ‌ها و کرامپون‌ها در واقع بازوان کمکی صعود کننده هستند که امکان پیشروی روی یخ یا سنگ‌های یخ زده را می‌دهند. راه رفتن روی یخ، ضربه‌های مکرر، صعود ترکیبی یا دارای تولیدینگ از جمله فعالیت‌هایی هستند که به شدت ابزارهای مذکور را تحت فشار قرار داده و باعث فرسودگی تجهیزات می‌شود.

کرامپون‌ها

پیش از هر بار استفاده، موارد زیر را بازبینی کنید:

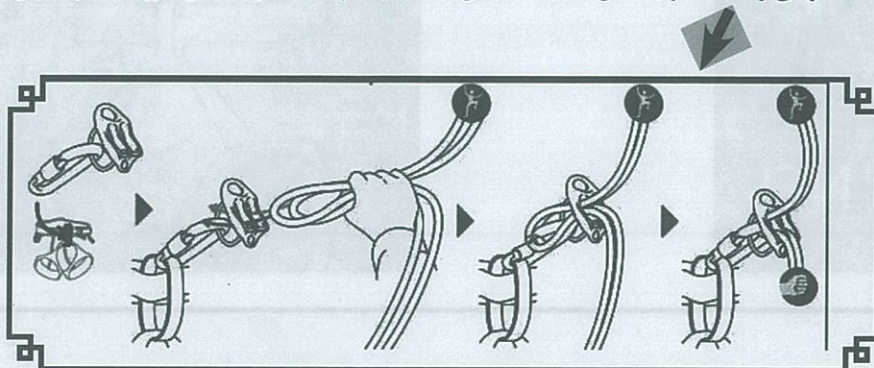
سیستم اتصال؛ وضعیت و نحوه بسته شدن نگه‌دارنده پنجه و پاشنه، پرچ‌های قسمت‌های مختلف مانند لهرم SIDELOCK قطعات پلاستیکی، تسمه‌ها و نحوه عملکرد سگک

اتصال کارابین به هارنس

برای حمایت سر طناب کارابین را به کدام قسمت هارنس باید متصل کرد؟

یکی از اشتباهات رایج (و البته خطرناک) در هنگام حمایت سر طناب اتصال غلط کارابین به هارنس است. بسیاری از سنگنوردان به جای اتصال کارابینی که ابزار حمایت به آن متصل است به حلقه هارنس آن را به هر دو تسمه کمر و پای هارنس می‌اندازند.

این روش بسیار خطرناک است و می‌تواند باعث وارد آمدن فشار به کارابین از سه جهت (به جای وارد شدن نیرو در محور طولی) شود و این امر می‌تواند حتی

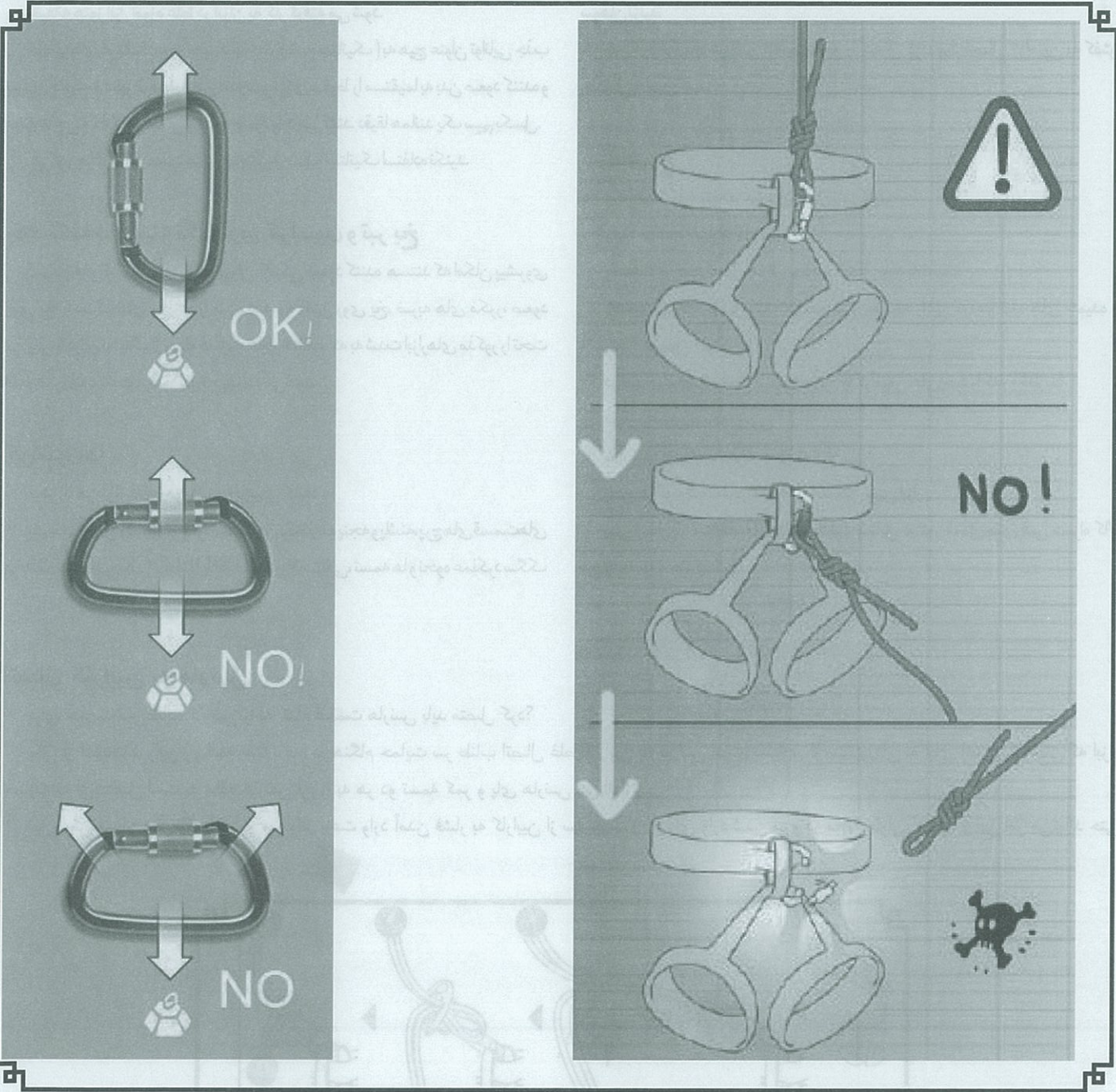


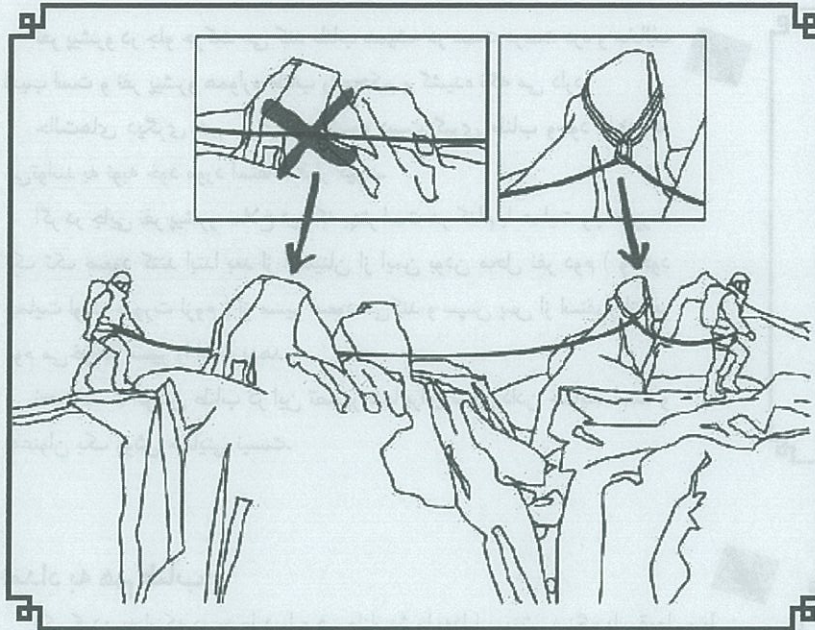
به شکستن کارابین منجر شود.

همیشه به یاد داشته باشید مناسب ترین حالت وارد شده بار بر روی کارابین حالتی است که بار بر روی محور طولی کارابین وارد شود. بهترین راه برای اطمینان از چگونگی اتصال کارابین به هارنس مطالعه دفترچه راهنمای کارابین است.

راهنمای هارنس است. اما می‌توان با قاطعیت گفت در تمامی هارنس‌هایی که حلقه کمر و بخش پا به وسیله یک تسمه دوخته شده به یکدیگر متصل هستند؛ محل اتصال کارابین چه برای فرود و چه حمایت همین حلقه است.

در صورتی که کارابین به گونه‌ای متصل شود که بار بر روی محور طولی وارد نشود، خطر شکست کارابین وجود دارد. همیشه از دفترچه راهنمای کارابین برای اطمینان از چگونگی اتصال کارابین به هارنس مطالعه دفترچه راهنمای کارابین را مطالعه کنید.





صعود همزمان

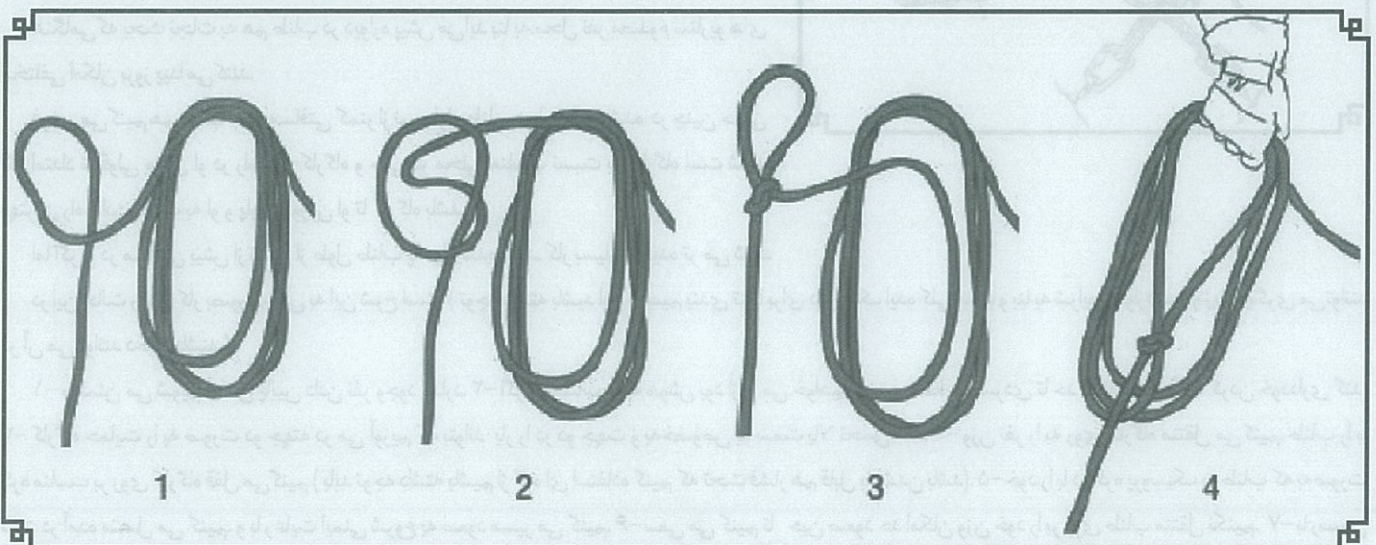
در مسیر های کوهستانی گاه به معابری برمی خوریم که استفاده از طناب برای حمایت نفرات لازم است. به خصوص تازه کارها دوست دارند طنابی به آنها متصل باشد تا دلگرمی کافی را برای عبور از آن معبر پیدا کنند.

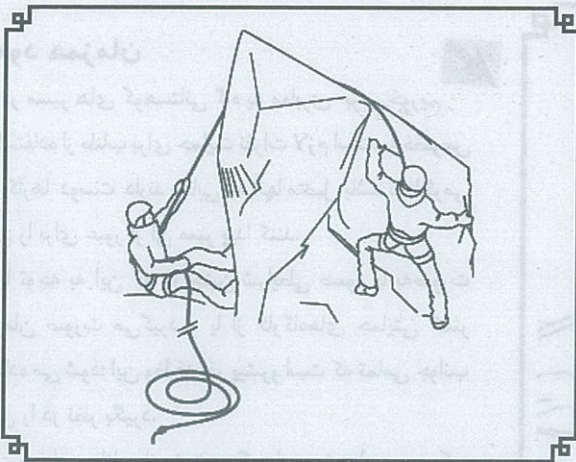
با توجه به این که در چنین شرایطی صعود یا به صورت همزمان صورت می گیرد و یا از کارگاه های حمایتی کمتر استفاده می شود: این وظیفه نفر پیشرو است که تمامی جوانب ایمنی را در نظر بگیرد.

عبور دادن طناب از پشت سنگ های ریشه دار مسیر یکی از این کارها است. زیرا در حالت سقوط نفر دوم و یا حتی پیشرو، این تکه سنگ به عنوان مهار عمل کرده و سقوط را کنترل می کند.

بنا به سختی و حالت مسیر نفر پیشرو چند متر از طناب را به صورت حلقه حلقه در دست می گیرد. و به حلقه آخر یک گره بلوک blocking knot می زند.

گذشته از نحوه اتصال طناب به بدن نفرات که بهترین حالت آن استفاده از هارنس است. حمل طناب نیز به نوبه خود اهمیت به سزایی دارد. یک روش به این شرح است:





نفر پیشرو در جلو حرکت می کند طناب همیشه در سمت درست دره و مخالف شیب است و نفر پیشرو همواره طناب را محکم و کشیده نگه می دارد. حالت‌های دیگری هم برای این شیوه دست گیری طناب وجود دارند که می‌توانند به نوبه خود مورد استفاده قرار گیرند. اگر در جایی نفر پیشرو صلاح دید که بهتر است هر کدام با حمایت و به صورت تک تک صعود کنند ابتدا بعد از اطمینان از ایمن بودن محل نفر دوم (و خود حمایت او در صورت لزوم) از مسیر صعود می‌کند و سپس پس از استقرار از نفر دوم می‌خواهد مسیر را ادامه بدهد. نحوه دست گرفتن طناب در این تصویر تنها برای نشان دادن حمایت است و به عنوان یک روش حمایتی نیست.

امداد به هم طناب

فکر کردن به اینکه در وسط دیواره هم طناب شما به دلیل ریزش سنگ یا سقوط و یا هر دلیل دیگر قادر به ادامه صعود نباشد، چندان خوش آیند نیست. اما اگر بدون دانش کافی واقعا در چنین حالتی قرار گیریم به راستی یک کابوس است.

هر چند امکان بالا کشی کامل یک مصدوم توسط یک نفر تقریبا امکان پذیر نیست، اما هر یک از نفرات کرده باید بتوانند نفر خود را حد اقل تا یک کارگاه مناسب بالاتر و یا پایین تر انتقال دهند. بهتر است قبل از اینکه مبادرت به صعود بلند کنیم در حالت های کنترل شده و حتی در قالب صحبت‌های شفاهی روش های نجات و آزاد سازی را در ذهن و یا با هم طناب خود مرور کنیم. و قبل از صعود هر مسیر بلندی ارزیابی خطر صعود را با واقع بینی انجام دهیم. به همراه داشتن کیت لوازم امداد به هم طناب برای هر یک از اعضای کرده نیز یکی از مواردی است که باید همیشه مد نظر قرار گیرد.

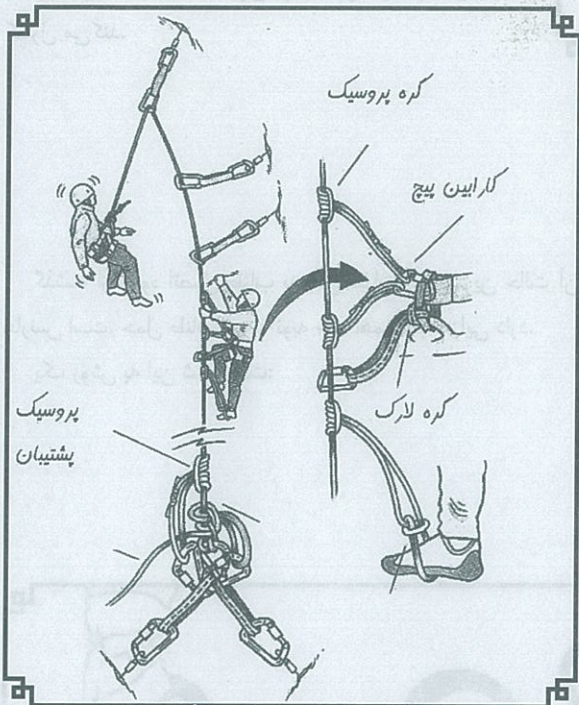
اگر تمامی ابزار صعود نزد نفر سرطناب باشد و او دچار سانحه شود از نفر حمایتچی در حالی که حتی ابزار برای دو جهته کردن کارگاه در اختیار ندارد چه کاری بر می آید؟ هنگامی که بحث نجات به هم طناب در دیواره پیش می‌آید بنا به محل نفر مصدوم سناریوهای مختلفی امکان بروز پیدا می‌کنند.

فرض می‌کنیم هم طناب ما در مسافتی کمتر از نیم طول طناب دچار سانحه شده. در چنین حالتی اگر امتداد شاقولی محل او در راستای کارگاه و حتی در محلی مناسب نسبت به کارگاه است شاید بهترین راه، دادن طناب به او و پایین آوردن او تا کارگاه باشد.

اما اگر او در مسافتی بیش از نیمی از طول طناب پاندول شده باشد. کار بسیار پیچیده تر می‌شود.

در این حالت روش کار بصورت کلی به این شرح است: (توجه داشته باشید این تقسیم بندی تنها برای دادن یک ایده کلی است و بنا به شرایط، موارد بسیار زیاد دیگری می‌توانند در آن می‌توانند دخیل باشند.)

- ۱- مطمئن می‌شویم امکان پایین دادن نفر وجود ندارد. ۲- اگر هم طناب ما به هوش بود از او می‌خواهیم ضمن حفظ خونسردی تا حد امکان از حرکت کردن خودداری کند.
- ۳- کارگاه حمایت را به صورت دو جهته در می‌آوریم که بتواند بار را در دو جهت و به خصوص به سمت بالا تحمل کند. ۴- وزن نفر را به روی کارگاه منتقل می‌کنیم. طناب را با گره مناسب بر روی کارگاه قفل می‌کنیم (باید توجه داشته باشیم از گره ای استفاده کنیم که تحت فشار هم قابل باز شدن باشد). ۵- خود را با دو گره پروسیک به طناب که به صورت ثابت در آمده متصل می‌کنیم. و با رعایت ایمنی شروع به صعود مسیر می‌کنیم. ۶- سعی می‌کنیم تا حین صعود حد امکان وزن خود را بر روی طناب منتقل نکنیم. ۷- با رسیدن به هر میانی کارابین آن را باز کرده گره های پروسیک را از آن عبور می‌دهیم و دوباره طناب را به کارابین می‌اندازیم. ۸- این کار را تا آن حد ادامه می‌دهیم که به کنار مصدوم برسیم. ۹- بعد از بازبینی وضعیت جسمانی او باید بنا به موقعیت موجود کارگاهی تعبیه کرد تا مصدوم را به پایین یا بالا انتقال داد. ■





ماه‌های متمادی گذشت و اکنون به آستانه‌ی سالروز فقدان دوستانمان رسیده‌ایم. هنوز که آن بعدازظهر ابری پانزدهم بهمن ماه را به یاد می‌آوریم. در برابر وسعت فاجعه ناباوریم؛ مگر می‌شود این همه دوستانمان به یکباره... مگر ممکن است در جایی که فرشات حضور داشته باشد چنین خطری... و هنوز در حال و هوای آن شامگاه که از هر کجای شهر داشتیم به سوی آن کوهستان حادثه می‌رفتیم. به رویاهای فریبکار خود فرو می‌رویم که آنها را زنده از زیر برف‌ها بیرون خواهیم کشید و می‌بینیم آینده را که دوباره در آستانه‌ی قله‌ها دستان هم را خواهیم گرفت، برف‌ها در پی هم خواهیم کوبید و به هم طنابی هم بر روی صخره‌ها فریاد خواهیم کشید...

در آستانه‌ی سالروز از دست دادن هم‌نوردان عزیزمان فرشات خلیلی، سعید طاهری، نادیا آنجفی، اکبر کشاورز، محمد مهدی خراسانی، علی اکبر ابراهیم پور، حمید کاظم‌زاده و مجید شهپری، کوهنوردانی که فداکارانه برای نجات دوستان حادثه زده خود به میان بهمن رفتند و جان باختند، یادشان را گرامی می‌داریم و از اینکه انسان‌هایی چنین بی‌دریغ در کنار خود داشته‌ایم و داریم بر خویش می‌بالیم. به همین مناسبت باشگاه کوه نوردی و اسکی دماوند به منظور زنده نگاه داشتن یاد این عزیزان و آشنایی هر چه بیشتر مردم با سرگذشت و زندگی ایشان، نمایشگاهی به مدت یک‌هفته از تاریخ ۱۱ تا ۱۴ بهمن ماه در محل باشگاه برگزار خواهد کرد. همچنین در روز ۱۵ بهمن ماه بر مزارشان با خانواده‌های گران قدر ایشان دیداری دوباره خواهیم داشت.

باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند تلاش اعضای خود را که در برنامه‌های دشوار کوه نوردی افتخار آفریدند یا در عرصه‌های آموزشی منشا خدمات ارزشمندی بودند گرامی می‌دارد و برای ایشان سلامتی و موفقیت‌های بعدی را آرزو مند است:

لیلا اسفندیاری:

تلاش برای صعود دشوارترین قله جهان کی تو در قراقرم پاکستان و دستیابی به ارتفاع ۷۶۵۰ متر. حمید سنجری:

صعود قله نوشاخ به ارتفاع ۷۴۹۲ متر در هندوکش افغانستان بدون استفاده از هر گونه خدمات محلی. محمد رضا رضایی:

صعود قله نان به ارتفاع ۷۱۳۵ متر در هیمالیای هندوستان در قالب تیم امید هیات کوه نوردی استان تهران. محسن عسگری:

مشارکت موثر در تدوین طرح درس دوره کار با GPS کمیته کوهنوردی فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی.

پاکیزگی کوهستان‌های

بزرگ را پاس بداریم!

عباس محمدی

در تابستان ۸۸ که در بخشی از برنامه باشگاه آرش برای گشایش مسیر روی برودپیک، همراه گروه صعود بودم، نکته‌هایی در زمینه حفاظت کوهستان به نظرم آمد که در این جا به طرح آن‌ها می‌پردازم. با توجه به این که رفتن ایرانیان به منطقه‌های کوهستانی بزرگ بیرون از کشور روز به روز بیشتر می‌شود، از دوستان کوهنورد، به ویژه مدیران باشگاه‌ها و گروه‌ها و هیات‌ها، و از فدراسیون کوهنوردی درخواست دارم در زمینه اهمیت حفاظت کوه‌های خارج از کشور بیشتر کار کنند و در مورد یادداشت زیر هم نظر اصلاحی و تکمیلی بدهند.

* در هر برنامه کوهنوردی (حتی یک روزه) باید از بردن وسایل و مواد خوراکی اضافه خودداری کنید. این نکته در برنامه‌های بزرگ بیشتر صدق می‌کند. یکی از گروه‌های ایرانی که در سال ۸۷ برای صعود برودپیک رفته بود، اقلام زیادی را در منطقه جا گذاشته بود که از میان آن‌ها می‌توانم به چند بطری نوشابه محتوی پودر لباس شویی اشاره کنم (شبهه کاری که یکی از گروه‌های ایرانی صعود گلشهر بروم ۲ در تابستان ۸۸ کرد و کیسه زباله خود را در

یخچال‌های منطقه رها کرد و عکس و گزارش این کار در تارنماهای کوهنوردی بازتاب یافت). این پودرها یکی از بدترین آلوده‌کننده‌های آب‌ها هستند و با توجه به این که یخچال‌های گودوین اوستین (پایگاه برودپیک) یکی از سرچشمه‌های اصلی رود سند (Indus) است، رها کردن (و اساساً استفاده از) پودرهای لباس شویی در آن جا کاری بس نادرست است. لازم به ذکر است که راهنمایان محلی و گروه غیردولتی Keep Baltoro Clean که در کنکور دیا مستقر بود و در پاکیزگی منطقه تلاش داشت، به من گفتند که از گروه ایرانی صعود برودپیک در سال ۸۷ گله‌مند هستند.

به طور کلی در کوهستان هم مانند دیگر جاه‌ها، بهترین خدمت به محیط زیست، کمتر مصرف کردن است؛ حتی مواد با ارزش مانند کنسروها یا چادر و وسایل فنی، به هنگام بازگشت به پایین، در برابر علاقه به فرار از «جهنم ارتفاع» یا اولویت سالم رساندن خویش، بی‌قیمت به نظر خواهند آمد و رها خواهند شد. امروزه با توجه به وسایل ارتباطی راحت و در دسترس مانند تلفن‌های موبایل و اینترنت، و خدمات گسترده‌ای که شرکت‌های گردشگری می‌دهند، لازم نیست که «احتیاطاً» از هر چیز مقداری بیشتر از حداقل لازم یا خود ببرید؛ راه کم هزینه‌تر برای شما و بهتر برای محیط زیست این است که در طول اقامت در پایگاه (چادرگاه اصلی) یا بالاتر، اقلامی را که به آن‌ها نیاز پیدا می‌کنیم، به شرکت خدمات

دهنده‌تان سفارش دهید تا برایتان بیاورند. * زباله‌های خود را در سه دسته جداگانه: کاغذ و مقوا و چوب، پلاستیک و نایلون، و قوطی فلزی، جمع‌آوری کنید. دسته اول را بسوزانید، دو دسته دیگر را به شکل تا حد امکان تمیز (که آلوده به مواد غذایی و... نباشند) فشرده کنید و در بشکه یا گونی‌های محکم به باربران‌تان بدهید تا به روستا یا شهر مبادرسانند. توجه داشته باشید که بسوزاندن نایلون و پلاستیک کار بسیار اشتباهی است. باتری‌های مصرف شده را حتماً جداگانه بسته بندی کنید و با خودتان برگردانید (ممکن است در منطقه هم گروه‌های محیط زیستی باشند که این گونه زباله‌ها را از شما تحویل بگیرند) تا حد امکان، به جای باتری‌های معمولی، از باتری‌های شارژی استفاده کنید. دستمال‌های توالی و دستمال کاغذی‌های دیگری را که مصرف می‌کنید هیچ‌گاه با این استدلال که «تجزیه می‌شوند» در محیط رها نکنید؛ آن‌ها را در یک کیسه نایلون کوچک جمع کنید و بسوزانید. غذا به مقداری تهیه کنید که اضافه نیاید و پسماند آن را اگر فکر می‌کنید که برای کلاغ‌ها و دیگر جانوران قابل استفاده است، روی سنگ‌ها بگذارید و در غیر این صورت در نقطه‌ای دور از آب دفن کنید.

* قضای حاجت خود را تا حد امکان در محل توالی‌هایی که گروه‌های مدافع محیط زیست ساخته‌اند انجام دهید. در جاهای دیگر، حتماً توالی را در جایی دور از مسیر آب بسازید، آب بسیار کم مصرف کنید تا آلودگی‌ها جاری

در منطقه خواهید داشت،
و هم از سکوت کوهستان
و زیبایی باشکوه شب بیشتر
بهره خواهید برد. شارژرهای
آفتابی و لامپ های LED
گزینه‌های بهتری هستند.

* به دستور عمل‌های زیست
محیطی کشوری که در آن به سر
می‌برید، به دقت عمل کنید و بگذارید
به جای آن که افسران رابط و راهنمایان
چیزی را به شما تذکر دهند، شما خود
الگو باشید. با سازمان‌های غیردولتی و
داوطلبانه که در امور حفظ محیط کوهستان
فعالیت می‌کنند، گفتگو و همکاری کنید و
تجربه‌هایشان را فراگیرید. در فرصت‌های
مناسب و با در نظر داشتن حساسیت‌های
احتمالی افراد محلی، با آنان از مسایل زیست
محیطی مانند ضرورت کنترل جمعیت
(به ویژه در پاکستان) و ضرورت حفاظت
از پوشش گیاهی و حیات وحش گفتگو
کنید.

* میراث فرهنگی منطقه را راج نهدید؛
از موزه‌های روستایی دیدن کنید و در
صندوق آن‌ها پول بیندازید، محلی‌ها را
به حفاظت از آثار با ارزش و معماری
بومی، و به استفاده از پوشاک‌های
سنتی‌شان تشویق کنید.
به گونه‌ای لباس بپوشید و
عکس بگیرید و رفتار کنید که
محلی‌ها را آزرده نسازد ■

می‌تواند بو، رطوبت، باکتری‌ها و قارچ‌های
آن را از میان ببرد. هر وقت که واقعا لازم
شد لباس بشویید، از صابون به جای پودر
رختشویی به کمترین مقدار ممکن استفاده
کنید. صابون‌ها سریع‌تر تجزیه می‌شوند و زیان
کمتری برای محیط دارند.

* ریش بگذارید! به این ترتیب هم
صورت‌تان کمتر می‌سوزد و هم تیغ و آب گرم
و مواد شوینده کمتری استفاده می‌کنید.

* گیاه خواری کنید! چه در کوه و چه
در شهر، به دست آوردن کالری لازم از راه
گیاه‌خواری «دپای اکولوژیک» بسیار کمتری
بر جا می‌گذارد تا به دست آوردن همان مقدار
کالری با گوشت خواری. به عبارت دیگر، اثر
منفی که با گیاه خواری بر زمین می‌ماند،
چند برابر کم تر از زمانی است که گوشت
می‌خوریم. اگر صد در صد گوشت خواری
نمی‌کنید دست کم می‌توانید گوشت کمتر
مصرف کنید. اما در کوه، به طور مشخص اثر
منفی گوشت‌خواری این است که پسماندهای
دام یا مرغ‌های ذبح شده، به شدت آلوده کننده
آب و عفونت ساز هستند. به علاوه، دام‌ها و
طیور توسط باربران طی چندین روز در شرایط
بسیار بی‌رحمانه‌ای به بالا برده می‌شوند تا در
آنجا کشته شوند.

* از ظرف های متعدد استفاده نکنید!
شرکت‌های خدمات دهنده، در چادرهای ویژه
غذاخوری، مانند رستوران‌ها برای هر نفر یک
کاسه، یک بشقاب کوچک (پیش دستی)، یک
بشقاب بزرگ، قاشق سوپ خوری و قاشق و
چنگال بزرگ می‌گذارند. بهتر است که از لطف
آنها سپاسگزاری کنید و در هر وعده از یک
کاسه و یک قاشق استفاده کنید؛ باور کنید که
کار سختی نیست و هیچ اشکالی هم ندارد! با
این کار، هم خدمه خود را خوشحال خواهید
کرد و هم موجب مصرف کمتر آب گرم و مواد
شوینده خواهید شد.

* ژنراتور نبرید! به این ترتیب هم پول بار
کمتری خواهید داد. هم آلودگی نفتی کمتری

نشوند و کاغذ توالت‌های خود را هم جداگانه
در کیسه‌ای بگذارید تا آن را بسوزانید. امروزه
سیستم‌های «توالت خشک» طراحی شده
که دارای یک مخزن است و پس از قضای
حاجت، به جای ریختن آب، مقداری خاک اره
بر روی مدفوع می‌ریزند و پس از چند روز (یا
چند هفته) مخزن را به پایین حمل می‌کنند.
مدفوع مخلوط با خاک اره را با مقداری خاک
در گودال هایی می‌ریزند و پس از مدتی که
تجزیه شد، از آن به عنوان کود برای باغ و
کشتزار استفاده می‌کنند. در اردوهای بزرگ
می‌توان از تعداد میز و صندلی (یا اقلام غیر
ضروری دیگری) که به بالا برده می‌شود کم
کرد و این سیستم را برای کمپ اصلی برد.

* در حد توان خود، در طول مسیر و
در اطراف کمپ‌ها زباله‌های رها شده را
جمع‌آوری کنید.

* برنامه‌ها را سبک‌بار بر گزار کنید؛
صعود سبک‌بار (alpine style) بر محیط
زیست بسیار کم اثر تر است تا صعودهای
اردویی و ثابت گذاری. طناب‌هایی را که
ثابت می‌گذارید، و دیگر وسایل مانند چادرها
و زیراندازها و میخ‌ها را در پایان برنامه خود
جمع‌آوری کنید.

* زیاد حمام نکنید! چند روز یک بار با یک
حوله که در آب داغ قرار می‌دهید، عرق و
چربی خود را پاک کنید و پس از مالیدن کرم
ضد آفتاب چند دقیقه ای تن به آفتاب تند
کوهستان بدهید و مطمئن باشید که هر چه
باکتری زیان آور دارید، از میان خواهد رفت!
فکر نکنید که اگر از همه خدماتی که شرکت
شما می‌دهد استفاده نکنید، ضرر خواهید کرد؛
آب گرمی که راهنما و آشپز شما هر روز فراهم
می‌کند، به قیمت مصرف و ریختن و پاشن نفت
در محیط آسیب پذیر کوهستان تهیه می‌شود.
همچنین مواد شوینده ای که مصرف می
کنید، سرچشمه‌ی رودها را آلوده می‌سازد.

* به همین ترتیب، زیاد رخت نشوید!
قرار دادن لباس در معرض آفتاب به خوبی

نکات فنی در غارنوردی

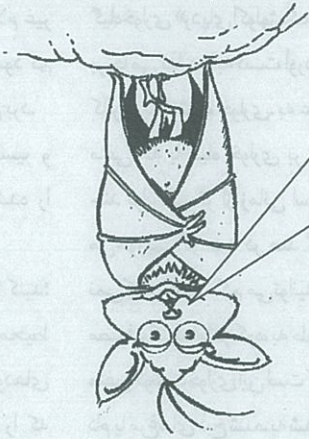
قسمت هشتم

افشین یوسفی

afshin_yousefi_ky@yahoo.com

Speleo Tech Tip

afshin_yousefi_k2@yahoo.com



غارها را به همان وضعیتی که هنگام ورود شما بود، ترک کنید. نه از خود چیزی در آن به جا بگذارید و نه چیزی از آن جا، با خود به بیرون ببرید.

اعتقاد غارنوردان

چیزی را از غار بیرون نیاورید جز عکس
هیچ اثری در غار به جا نگذارید جز ردپا
چیزی را در غار نکشید مگر زمان

غارنوردی به صورت فنی و جدی می‌تواند برای مبتدیان یا حتی افراد کار کرده بسیار خطرناک و خطر آفرین باشد. این مجموعه نکات فنی برای کسانی تهیه شده که به اصول اولیه غارنوردی آشنایی کامل دارند و برای کسب اطلاعات بهتر و بیشتر می‌خواهند از این نکات استفاده کنند. مادامی که به فنون غارنوردی تسلط کافی پیدا نکرده‌اید، استفاده از آنها خطر آفرین خواهد بود.

این نکات، فقط به گوشه‌هایی از نکات فنی در دنیای پر هیجان غارنوردی تعلق دارد و برای کامل کردن تجربیات و آموزش‌های خود باید نزد مربیان با تجربه و کارآموده به کسب تجربه بپردازید و اطلاعات فنی خود را تکمیل کنید. مولف و نشریه کوه هیچ گونه مسؤلیتی در برابر حواث احتمالی برای افرادی که از این توصیه‌ها استفاده می‌کنند ندارد و تمامی مسؤلیت به عهده خوانندگان است.

اشاره:

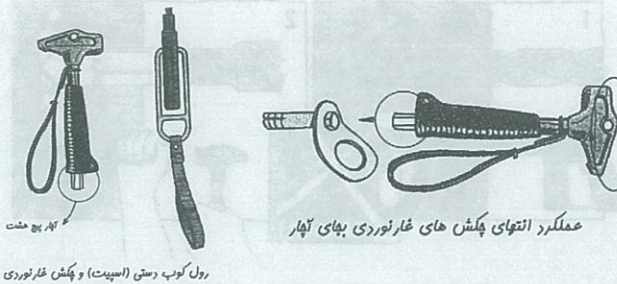
از آنجایی که ذات ورزش و تکنیک‌های فنی در غارنوردی با سنگ‌نوردی متفاوت است از این رو استانداردهای تدوین شده آنها نیز با هم متفاوت است به طور نمونه استاندارد صفحه پلاک‌های غارنوردی ۱۵۰۰ کیلوگرم است، ولی صفحه پلاک‌های سنگ‌نوردی باید ۲۲۰۰ کیلوگرم تحمل داشته باشند یا در مورد مقاومت رول‌ها و رول کوبی تفاوت‌هایی با سیستم‌های سنگ‌نوردی وجود دارد که ممکن است در این مجموعه مقالات با برخی از آنها برخورد داشته باشید.

چند نکته فنی در مورد رول کوبی در غار:

به طور قطع رول کوبی و تکنیک‌های آن یکی از مهم‌ترین بخش‌های کار فنی در غارنوردی محسوب می‌شود که مستقیماً با ایمنی غارنوردان سر و کار دارد. در این بخش فقط به طور مختصر رول اسپیت که یکی از پر مصرف‌ترین رول بولت‌های غارنوردی است می‌پردازیم و به نکات فنی ظریف آن اشاره می‌کنیم.

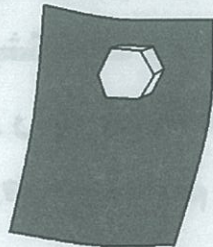
رول اسپیت spit :

همچنین برخی از شرکت‌های تجاری برای رفع نیاز حمل آچار و سرعت در استفاده، در انتهای چکش رول کوبی آچاری برای پیچ نمره ۸ تعبیه کرده‌اند که با این کار نیاز به بردن آچار در غار از بین می‌رود. امروزه همچنین تولید و فروش رول کوب نمره هشت در بین شرکت‌های تولید کننده لوازم غارنوردی رواج زیادی دارد.



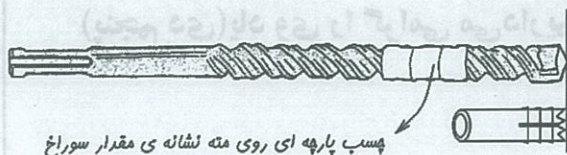
نکات مهم:

یکی از ایرادات برداشتن پیچ و صفحه رول، این است که اگر داخل رول سنگ‌ریزه یا گل برود دیگر غیر قابل استفاده خواهد بود و همچنین محل پیدا کردن صفحه رول در مسیر غار بدون صفحه رول تقریباً سخت و دشوار است. به همین منظور می‌توان هنگام خروج و جمع کردن طناب‌ها یک پیچ معمولی گالوانیزه همراه با یک تکه پارچه رنگی برزنتی به جای صفحه رول در جای رول‌ها قرار داد. این کار هم باعث دیده شدن محل رول و هم سالم ماندن رول در مسیر گل و خاک می‌شود.



پیچ و پارچه رنگی برزنتی بهای صفحه رول

هنگام سوراخ کردن دیواره غار برای گذاشتن رول اسپیت با دریل برقی برخلاف مدل سوراخ کاری برای رول هیلتی حتماً از اشل و میله اندازه‌گیری دریل استفاده کنید تا سوراخ به هیچ عنوان بلندتر از طول بدنه رول نشود. اگر دریل شما میله اشل ندارد؛ می‌توانید روی بدنه مته را به اندازه رول با چسب زخم بپوشانید تا بیشتر از آن مقدار دیوار را سوراخ نکند و هنگام دریل کاری آن را ببینید.



"اسپیت" یکی از پرمصرف‌ترین رول بولت‌های مصرفی در غارنوردی است و از سال ۱۹۶۱ در بین غارنوردان اروپایی رواج پیدا کرد و این رواج تا امروزه ادامه داشته است. از آنجایی که این رول خود سوراخ کننده بوده و برای کار گذاشتن و سوراخ کردن سنگ نیاز به مته جداگانه ندارد و سرعت کار در این رول کوبی بالا است محبوبیت زیادی در بین غارنوردان پیدا کرده است.

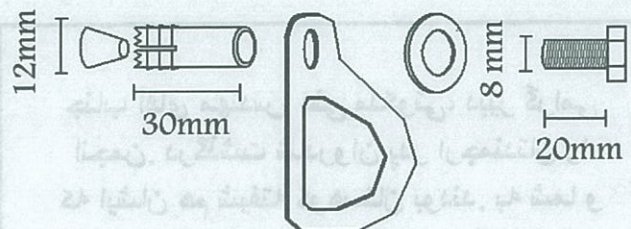
در این بین آزمایشات متعدد زیادی نیز بر روی این رول و مقاوت آن بر روی سنگ‌های آهکی انجام شده و مقاوت‌های مختلف آن در حالت‌های متفاوت سنگ و شرایط مختلف کوبیده شدن اندازه‌گیری شده است.

مقدار مقاوت اسپیت نمره ۸ در شرایط عالی و در سنگ آهک سخت و در حالت افقی بین ۱۴۰۰ تا ۲۲۰۰ کیلوگرم متغیر بوده و اگر این شرایط باتوجه به نوع سنگ آهک تغییر پیدا کند می‌تواند تا ۷۰۰ کیلوگرم نیرو را در جهت عمود به محور پیچ تحمل کند که همین مقدار مقاوت برای استفاده از تکنیک‌های صعود و فرود در غار کفایت می‌کند. همچنین در آزمایشات مقاوت پوسته این رول در مقابل خوردگی فلز در شرایط مرطوب غار ۲۰ سال اندازه‌گیری شده و بعد از آن بهتر است رول جدید جایگزین شود.

به‌طور معمول غارنوردان در اروپا و آسیا از رول اسپیت نمره هشت برای غارنوردی استفاده می‌کنند (مگر در موارد و کشور های خاص). این نمره، قطر پیچی است که درون غلاف رول پیچیده می‌شود. قطر بیرونی این اسپیت، ۱۲ میلی‌متر و طول آن ۳ سانتی‌متر است.

مزیت دیگر رواج و استفاده از این رول در بین غارنوردان این است که معمولاً غارنوردان بعد از خروج از غار، صفحه پلاک و پیچ را از غار خارج می‌کنند تا صفحه و پیچ در فضای مرطوب غار و به مرور زمان دچار خوردگی (زنگ زدگی) و آسیب نشود. حالا اگر شما قصد بازدید از یک غار را داشته باشید، با خواندن گزارش رول کوبی غار فقط پیچ ۸ میلی‌متری و صفحه پلاک را با خود به غار می‌برید و در جای رول‌های اسپیت قرار می‌دهید.

چنانچه هر تیمی به سلیقه خود از رول‌های مختلف برای رول کوبی استفاده کند برای پیمایش غار می‌بایست مجموعه‌ای از پیچ‌ها و آچارهای مختلف را با خود به داخل ببرد.



پیچ، واشر، صفحه پلاک، رول اسپیت، گوه

به دلیل همین رواج، شرکت‌های تجاری برای غارنوردان صفحه رول را به همراه پیچ نمره هشت ۲ سانتی‌متری ارایه می‌دهند تا غارنورد به راحتی از آن استفاده کند.

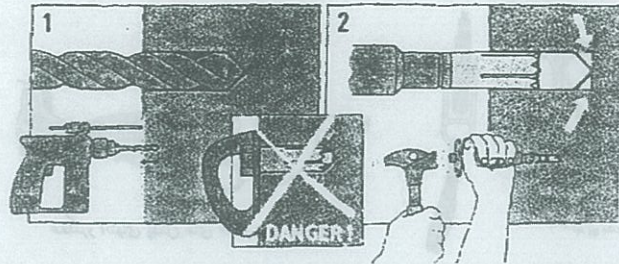
این غارسنگ‌ها توصیه نمی‌شود و در آزمایشات عدد دقیقی برای مقاومت رول کوبی در این سنگ‌ها به دست نیامده و عدد متغیری بوده است!
اگر در غار از رول‌های مشابه دیگری استفاده کردید که پیچ یا مهره مصرفی آن به اندازه استاندارد معمول نیست؛ پس از بازکردن صفحه پلاک، مهره یا پیچ را برای استفاده تیم بعدی در رول بپیچانید. ■

منابع تحقیقاتی این مطلب:
مطالب گفته شده در کلاس‌های آموزشی اردوی بین‌المللی غارنوردی ایران - سال ۲۰۰۸ میلادی
مطالب گفته شده در کلاس مریگیری و دوره امداد در غار لبنان - سال ۲۰۰۹ میلادی

کتاب - Vertical- Alan warild 2001
کتاب: - ALPINE CAVING TECHNIQUES - 2002
Gorges marbach & Bernard tourte

طرح درس آموزشی مدرسه غارنوردی فرانسه - چاپ ۱۹۹۶

اگر برای سوراخ کاری رول اسپیت از دریل برقی استفاده کردید؛ حتما باید انتهای سوراخ ایجاد شده با دریل را با خود رول کوب دستی اسپیت صاف کنید. در غیر این صورت هنگام کوبیدن گوه، گوه در بخش مخروطی انتهای سوراخ می‌ماند و در بدنه رول فرو نرفته و باعث انبساط و گیر کردن رول نمی‌شود!!



صاف کردن انتهای سوراخ مه‌با رول کوب دستی

این رول‌ها در مقابل رول‌های هیلتی بلند و انبساطی مقاومت و دوام کمتری دارند و در شرایط خاص و سیستم‌های امدادی و کارگاه‌های تیروول حمل مجروح در غار باید از رول‌های بلند و مقاوم‌تر استفاده شود.
کوبیدن رول در سنگ‌های رسوبی غار (سنگ نهشته‌ها) به دلیل مقاومت پایین

جناب آقای محمد جلالی فراهانی (اراک)

مربی محترم

درگذشت پدرتان را به جناب عالی و

خانواده گرامی‌تان تسلیت می‌گوییم

فصل‌نامه کوه

نوت ناگهانی مرحوم

حسن اکرامی فرد . پیشکسوت و خادم

ورزش کوه‌نوردی را به خانواده

محترم تسلیت عرض می‌نمایم

سعید موسوی - میرعلی هاشمی - حسین عزیزی

جناب آقای مهندس علی ملکوتی، دبیر گرامی انجمن. درگذشت شادروان پدر ارجمندتان را که ایشان هم شیفته کوهستان بودند. به شما و خانواده گرانقدرتان آرامش باد می‌گوییم. در این سوگ ما نیز همدرد شما هستیم.

انجمن کوه‌نوردان مساعد

در دومین سالگرد درگذشت پیش‌کسوت و مربی

کوه‌نوردی مرحوم علی عزیزی

(پنجم دی) یاد وی را گرامی می‌داریم.

خاندان عزیزی

در جستجوی یتی

آدم برفی

قسمت سیزدهم

رینهولد مسنر
ترجمه: پریسا حسینزاده

مطالب پراکنده‌ای از موجود افسانه‌ای هیمالیا در ذهن خود داشتم تا این که در وبلاگ کوه قاف به مدیریت همیالیانورد معروف آقای رضا زارعی بخشی که اطلاعاتی در خصوص کوه‌نوردان برتر جهان ارایه می‌داد متوجه مقاله‌ای از رینهولد مسنر شدم. وقتی که مطلب را به پایان رساندم از آقای زارعی خواهش کردم که آن مقاله که نام آن مسنرویتی بود را ترجمه و به وبلاگ ایشان تقدیم کنم که ایشان این افتخار را به بنده دادند. بعد از آن به فکر ترجمه کتاب‌های مسنر افتادم و مسلماً اولین کتابی که انتخاب کردم موجود افسانه‌ای هیمالیا یتی بود. ویرایش این کتاب را نیز آقای زارعی به عهده گرفتند و تا آخر عمر بر سر من منت گذاشتند. در جستجوی یتی کتابی است مملو از هیجان، آنجا که به این واقعیت اقرار خواهی کرد که یتی افسانه‌ای بیش نیست، یتی با حضور ناگهانی خود این واقعیت را به سخره می‌گیرد و وقتی که همه چیز مهیا شود تا وجود او را باور کنی جانوران گوناگونی نظیر خرس، میمون، گوریل و غیره ظاهر می‌شوند تا شما به باورهای خود شک کنید. پشتکار رینهولد مسنر در غلبه بر ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری جهان بر هیچ کس پوشیده نیست ولی تلاش وی در یافتن حقیقت یتی به راستی دلیلی است بر آنچه که این کوه‌نورد افسانه‌ای را به چنین درجه‌ای از توجه و محبوبیت رسانده است. بنابراین به خود اجازه دادم که کتاب در جستجوی یتی مسنر را ترجمه و به علاقه‌مندان احتمالی آن تقدیم کنم. امید است مورد توجه قرار گیرد.

لوپسانگ برای بدرقه من تا نزدیک اقامتگاه معتکفین در آن سمت دریاچه همراه شد و بعد نزد خانواده‌اش برگشت. از شیب یک راه پاکوب به سمت بالا به طرف کلبه‌هایی که بین شکاف بلند صخره قرارداشتند حرکت کردم. یک مرد تنها روی زمین نشسته بود و به من خیره شده بود. برای مدت طولانی چیزی نگفت. دسته‌های ژولیده موهای بلند از شانه‌هایش آویزان بود. صورتش از صورت چادر نشینان تیره‌تر بود. سرانجام بلند شد و به من اجازه ورود به اتاق کوچک

مکاشفه‌اش را داد که در آن ردیفی از اشیاء چیده شده بود، یک جمجمه نقره‌ای، یک فلوت که از استخوان انسان درست شده بود، یک طبل از پوست انسان. به بیرون برگشتم، به من گفت که چند روز قبل یک یتی را دیده که با بچه‌اش بازی می‌کرده و با یتی مادر صحبت کرده است. بعد دوربین مرا گرفت و از درون آن به شکاف قله جوناما خیره شد، یک کوه مقدس که در انتهای وادی قرار داشت. من هم همین کار را کردم. بین شکاف رشته کوه‌های یک برآمدگی صخره مانند بود که شبیه بودای متفکر بود که به آسمان اشاره می‌کند. وقتی که به کمپ برگشتم راجع به دست شمو که لوپسانگ قبلاً به آن اشاره کرده بود پرسیدم و به من یک پنجه معمولی و یک مشت چیزهای کرم خورده که فوراً تشخیص دادم متعلق به یک خرس است نشان دادند. زیرلب گفتم، این فقط پنجه یک خرس است و بعد سر قیمت آن شروع به چانه زدن کردم. زنی که صاحب آن تکه‌ها بود جر و بحث می‌کرد که اینها دست یک شمو است. او راه افتاد که برود

بی شک شگردی بود برای وادار کردن من به خریدن آن. از رفتار چادرنشینان متوجه شدم که از دید آنها این تکه‌ها چیزی بیش از پنجه خرس است. موهای پراکنده و زبر پنجه خشک شده در دود به طرز مبهمی به دست انسان شباهت داشت. تقلبی یا اصلی چیزی که من سفارش داده بودم خود یتی افسانه‌ای بود. بعد از چند لحظه تردید با قیمت پیشنهادی آن زن موافقت کردم، همه را در تکه‌ای کاغذ پیچیدم و در یک کیسه پلاستیکی گذاشتم و کیسه را نیز در کوله پشتی‌ام قرار دادم.

طی هفته‌ها سواره و پیاده درون نور شدید مناطق مرتفع ارتفاعات بالای چهارهزاروپانصد متر در انتهای تبت در حرکت بودیم. حتی یک بوته، یک درخت، هیچ چیز در مسیر ما نبود. در طی روز هوای گرم به عمق آسمان آبی بلند می‌شد درحالی که در بعد از ظهر سرمای گزنده باد شلاق زنان در سرتاسر ارتفاعات می‌وزید. شب‌ها هم سرمای یخی حاکم می‌شد. گیاهان در اینجا فقط سه ماه از سال رشد می‌کنند، شکوفه می‌زنند و قبل از طوفان‌های زمستانی خشک می‌شوند، پستانداران در تبت پوست‌های کلفت‌تر و موهای ضخیم‌تری از مابقی هموعان خود در دنیا دارند که از آنها در برابر بادهای فرسایشی و نوسانات شدید دما محافظت می‌کنند. پشت یک‌ها مانند سدی در برابر باد عمل می‌کند و دم پر پشت آنها بخش اعظمی از بدنشان را می‌پوشاند. شموها به عنوان حیوانات شگرد در ارتفاعات بالای برفی زندگی می‌کنند و قادرند که بهتر از سایر جانوران از خود محافظت کنند.

پیرمردان و پیرزنان، کودکان را در پشت خود حمل می‌کنند و بچه‌ها در راه‌های ناهموار درون گرد و غبار پیاده تردد می‌کنند. آنها را می‌دیدیم که کمپ‌ها را برقرار می‌کردند، در کنار جاده چای دم می‌کردند، گیاهان معطر می‌سوزاندند و دایما نیایش می‌کردند. این گروه‌های زایر در راه رفتن به لباسا طوری باهم ترکیب می‌شدند که شبیه یک صف واحد و طولیل به نظر می‌رسیدند. هر کجا که آنها می‌رفتند

دود بالای سرشان در هوا معلق بود. در یکی از دهکده‌های کنار جاده از گروهی از مردان تبتی پرسیدم که آیا تا به حال شمو دیده‌اند. آنها خندیدند و بادقت مطالبی را به من گوشزد کردند و جنگل را به من نشان دادند.

یکی از آنها گفت، بله یک شمو چند خانه پایین‌تر در بازار در حیات یک فروشگاه آویزان است.

از او خواستم که مرا به آنجا ببرد. بیرون یک



ردیف
آلو نک
چوبی توقف
کردیم. من گفتم،
دوسی دلی.
پیر مردی
که صورتش در
اثر تابش آفتاب
کوهستان به سیاهی
می‌زد وقتی که

وارد فروشگاهش شدیم برای خوشامدگویی زبانش را چرخاند. از جملاتی که بین آنها ردوبدل شد سر در نیاوردم ولی متوجه کلمات شمو و عکس شدم.

صاحب فروشگاه در عقب را باز کرد و ما را به انبار کم نوری هدایت کرد. یک پوست سر به دیوار آویزان بود. هوای آنجا از بوی تعفن چربی فاسد و گندیدگی سنگین بود. همان‌طور که درحال درآوردن پوست از قلاب بودم یک‌دسته مو از آن جدا شد و در دستم ریخته شد. تبتی‌ها مخالفتی با گرفتن عکس نداشتند و با لبخند مرا تماشا می‌کردند. آنها می‌خواستند بدانند که آیا می‌خواهم آن را بخرم که جواب دادم نه فقط می‌خواهم از آن عکس بگیرم.

وقتی که دوباره به خیابان برگشتم از شدت هیجان می‌لرزیدم. مطمئن بودم که فقط مدرک اثبات وجود داشتن شمو را دیده‌ام، و این مدرک پاسخی است به تمامی مواردی که من به آنها شک داشتم یعنی اینکه شمو نوع نادری از خرس است. محل سکونت این موجود میان کوه‌های بین ارتفاعات سه هزار تا پنج هزار متری است. شرها بانیان اصلی افسانه‌های یتی از این مناطق مرتفع مهاجرت کردند. یتی به عبارتی دیگر یک شمو بود که با بزرگ جلوه دادن، ابعاد افسانه‌ای به خود گرفت. فراتر از یک سراب، توهم، تخیل یا افسانه، یتی منشایی نزدیک به انسان حیوان‌نما دارد که رفتارهای او اسرارآمیز باقی مانده است. وقت آن رسیده که این جانوران را در اقامتگاه طبیعی خود ببینیم.

در خیابان‌های لهاسا که روزانه چادرنشینان از سراسر تبت و استان‌های همسایه چین، سیچوان، چینگ‌های و سینکیانگ به آنجا سرازیر می‌شوند همه جا افسانه یتی وجود داشت. بسیاری از چادرنشینان با پای پیاده ماه‌ها طول می‌کشید تا به آنجا برسند. ملیس به لباس‌ها و کت‌هایی از موی یاک، مانند عقربه‌های ساعت به دور جوخانگ مقدس‌ترین معبد می‌چرخیدند. جوخانگ بیش از هزار و سیصد سال قدمت دارد و به روایتی روی یک دریاچه زیرزمینی که در آن آینده قابل پیش‌بینی است ساخته شده بود. زایران این سفر را در پیش می‌گرفتند تا سزاوار تناسخ بعدی باشند. بعضی‌ها می‌آمدند که بمیرند.

زایران تمام شب را در پارکور می‌ماندند، اطراف

می‌رسید که منظور مرا نمی‌فهمد، بنابراین دوباره تصمیم گرفتم که بگویم یتی، اگرچه از دست این لغت بیمار شده بودم. از کنار تعداد زیادی توریست در خیابان‌های کاتماندو می‌گذشتم که تصادفی بریده‌های صحبت‌های آنها به گوشم خورد که عمدتاً به زبان‌هایی بود که من نمی‌فهمیدم. به نظرمی‌رسید که یتی برای آنها متداول‌تر بود.

بعد از سفر به کایلاش وقتی که به دفترم در اتریش برگشتم، روت منشی‌ام که سال‌ها است با من کار می‌کند یک نامه از شرکت کداک به من داد. در نامه نوشته شده بود حلقه فیلمی را که شما برای ظهور فرستاده بودید طی حمل از بین رفته است. متأسفانه نمی‌توانیم آنرا چاپ کنیم، به عنوان واکنشی از روی حسن نیت به پیوست یک حلقه فیلم جدید برای شما فرستاده می‌شود.

حلقه از بین رفته فیلم شامل تصاویر ردپاها در برف بود. مدرک واضح من تا به این تاریخ از بین رفته بود. ■

تعدادی راهب که از جانوران و پارک مراقبت می‌کردند از فاصله‌ای دور مراقب من بودند. آنها وقتی که سعی کردم دوربینم را بین حفاظ فلزی قرار بدهم پیدایشان شد. بدون دادن انعام نمی‌توانستم این عکس‌های مهم را از شموها بگیرم.

در پاییز سال ۱۹۹۶ با کارکنان یک شبکه تلویزیونی آلمانی به تبت برگشتم، از کاتماندو به غرب تبت به کوهستان کایلاش و ماناسارووار، دریاچه مقدس رفتیم. در پایین بخش غربی کایلاش به یک زایر برخوردیم که در جایی درون مه اشاره می‌کرد و می‌گفت درمونگ. از گفته‌های او چیزی نفهمیدم و فقط در برگشت از سفرمان یک دانش‌آموز تبتی وقتی که در کاروانسرای در جاده نشسته بودیم مرا توجیه کرد و این فرمول را برایم نوشت: **dremong = chuti = yeti = miti**

وقتی که به کاتماندو برگشتم به جستجوی ادامه دادم. برای تلفظ کلمه شمو که اصوات آن بیشتر شبیه درمونگ باشد دقت می‌کردم. ولی خامپاس به نظر

آتش کمپ‌ها می‌نشستند و دعا می‌خواندند. آنها اطراف بزرگ‌ترهای خود به شکل گروه‌های کوچکی حلقه می‌زدند، آشپزی می‌کردند، غذا می‌خوردند و داستان تعریف می‌کردند و بزرگ‌ترها شعله آتش را با فوت کردن روشن نگه می‌داشتند. آنها چای کره (تشکیل شده از برگ چای، نمک و کره یک) را در فنجان‌های چوبی که از یک قابلمه که با تکه‌های خمیرجو مشترک بود می‌ریختند. سگ‌ها در انتظار پسمانده غذاها نشسته بودند و تکه‌های چربی و گوشت به طرف آنها پرت می‌شد.

قبل از ادامه سفرمان از پارکی در نوربولینکا که باغ وحش آن بین درختان بید و غرفه‌های مواد غذایی قرار گرفته بود و مکان مورد علاقه مردم لهاسا بود دیدن کردیم. در آنجا گربه وحشی و روباه پشت توری‌های فلزی قرار گرفته بودند و آنسوی یک حصار آهنی به ضخامت یک بند انگشت دو خرس که من مطمئن بودم شمو هستند وجود داشتند. یتی‌ها اینجا نبودند ولی فتوکپی آنها اینجا بود.

آغاز و حرکت خود نشانی از موفقیت است

این بالندگی را به اعضای تیم بارونتسه و اعضای خانه کوه‌نوردان تهران تبریک می‌گوییم.

هیات امناء

مربی گرانقدر جناب آقای محمود میرنوری

قدردان تلاش و زحمات بی دریغ شما در پیشبرد اهداف خانه کوه‌نوردان تهران هستیم.

هیات امناء

جناب آقای عباس رنجبری

عضو تیم خانه کوه‌نوردان تهران

تلاش شما در صعود به قله «بارونتسه»

را تبریک گفته و از خداوند متعال

برای شما عزیزان تندرستی و موفقیت

بیشتر آرزومندم.

میرعلی هاشمی

بیاید تا قطرهای نباشیم که تا اقیانوس را ندیده است خود را دریا می‌پندارد



کفر چو منی گزاف و آسان نبود
محکم تر از ایمان من ایمان نبود

اولین برف سال چهره قلعه‌ها را سفیدپوش کرد. دوباره فصل اسکی آغاز می‌شود و باز گردشگران، اسکی‌بازان و کوهنوردان عازم پیست دیزین می‌شوند. پیستی که گفته می‌شود روزگاری سومین پیست برتر دنیا به شمار می‌رفت! و امروز با همان تجهیزات و عدم تغییرات بنیادی و امکانات درخور، به آن پیست بین‌المللی دیزین اطلاق می‌شود! حال یک پیست باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا در رده‌بندی بین‌المللی قرار گیرد خود مقوله‌ای است که در این مجال فرصت بحث آن نیست. ولی باید بدانیم که برگزیدن و یا بخشیدن عناوین این چنین با دست و دلبازی و بدون در نظر گرفتن تمهیدات منطقی و اصولی و فنی، تنها به صرف برگزاری چند مسابقه، تبعات و تعهداتی به دنبال دارد که با این بضاعت ناچیز نمی‌توان پاسخ‌گوی جوانب مختلف آن بود. امروزه برای تمام امور، الگوها و تعاریفی وجود دارد که ملاک سنجش و سنگ محک سره از ناسره است. نمی‌توان با خوش بینی چشم را به روی واقعیات بست و پنداشت که دیگران هم نمی‌بینند. بیاید تا قطرهای نباشیم که تا اقیانوس را ندیده است خود را دریا می‌پندارد.

نزدیک به ده ماه از حادثه تاسف بار ریزش بهمن در جاده شمشک به دیزین گذشت. در این حادثه هشت تن از بهترین عزیزمان جان خود را از دست دادند. به همین سادگی که خواندید. امروز کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که از دور دستی بر آتش داشته و از کم و کیف ماجرا حداقل براساس شواهد و قراین مجازی بی‌اطلاع باشد. در این مدت همان‌طور که می‌دانیم و در کشورمان رسم است افراد مختلف کارشناس و غیر کارشناس مطلع و غیرمطلع، بدون بررسی و با بررسی به موضوع پرداخته و اظهارنظر نموده‌اند. در اینجا قصدم خرده گرفتن و بی‌احترامی به عقاید و اکفار و نظرات دیگران نیست، همه در ابراز عقیده و نظر آزادند ولی ملاک قرار دادن نظریات غیر کارشناسانه یا متخصصین امر دیگر به همان اندازه دور از عدالت و

انصاف است که واقعیات را قلب نماییم. من بر این باورم که در چنین حوادثی علاوه بر عوامل و شرایط طبیعی، اشتباهات انسانی پنهان و آشکاری وجود دارد که از کنار آنها گذشتن و نپرداختن به آنها تاییدی است بر بی‌تفاوتی از تکرار مکرر آنها. و از سویی دیگر پرداختن به موضوع و به دست فراموشی سپردن آن نه تنها کوچک‌ترین تفاوتی با نپرداختن ندارد بلکه آشکارا توهینی است به حرمت انسانی و بی‌ارزشی جان‌ها و تداعی کارهای مقطعی، نمایشی و فرمایشی. کند و کاو و پی بردن به علل حوادث توسط متخصصین و کارشناسان کارآموزده و به کارگیری آن در جلوگیری از بروز حوادث هیچ‌گاه نمی‌تواند فرزندی را به کانون خانواده بازگرداند ولی همین که دیگر فرزندی جانش را در راه بی‌توجهی و بی‌تفاوتی دیگران از دست نمی‌دهد خود غنیمیتی است گرانبها که آن را ارج می‌نهیم.

درخصوص حادثه پانزدهم بهمن ماه کارشناسان حوادث ناشی از کار!! موضوع را مورد بررسی قرار داده و اظهارنظر نمودند که مورد استفاده قاضی پرونده قرار گرفت. در همان اوان و در گرماگرم حادثه به درخواست تربیت بدنی هیات کوهنوردی استان تهران با تعدادی از متخصصین و کارشناسان کوهنوردی حادثه را مورد بررسی قرار داده و نتیجه را در اختیار فدراسیون قرار داد. کمیته بررسی حوادث فدراسیون کوهنوردی باتوجه به این گزارش و فیلم‌های موجود پس از چند جلسه نظرات خود را به صورت مکتوب به ریاست فدراسیون و در نهایت به سرپرست تربیت بدنی بازرسی کل کشور اعلام داشت که متأسفانه این گزارش نه اعلام عمومی گردید و نه مورد استفاده قرار گرفت بلکه تنها به بایگانی فراموشی سپرده شد. گزارشی که می‌توانست کم‌خطراتین و بهینه‌ترین گزارش برای استفاده همه ما باشد. از آنجایی که عدم شفافیت موضوع نمی‌تواند کمکی به حل مشکلات و معضلات نماید و خدشه‌ای به چهره کوهنوردی کشور

محسوب می‌گردد رواست آنچه را که حاصل نشست و برداشت و تخصص جمعی از کوهنوردان است حداقل برای جلوگیری از تکرار حادثه به عنوان یک دستورالعمل جهت به کارگیری ارائه گردد. اگر می‌توانستیم آنچه را که در آینده اتفاق خواهد افتاد به درستی بدانیم بی‌شک بسیاری از حوادث تلخ رقم نمی‌خورد و هرگز نیازی نبود سازمان‌ها و ارگان‌هایی جهت کاهش و پیشگیری حوادث با صرف وقت و هزینه‌های هنگفت به فعالیت بپردازند. حال که این چنین نیست و لزوم فعالیت این گونه تشکیلات محرز است باید کارها بر پایه اصول علمی و قوانین تجربه شده بین‌المللی باشد و این امر به هیچ شکل و وجهی میسر نیست مگر با بهره‌گیری از افراد حاذق و باتجربه.

من به عنوان همسر و یار و هم‌نورد فرهاد، مربی و مدرس وارسته و خوشنام کشور بر خود فرض می‌دانم تا آنچه را که ظرف این مدت به تحقیق یافته‌ام به دور از هر گونه مصلحت اندیشی و جانب‌داری، به حکم وظیفه‌ای که او خود به من آموخته بود در اختیار همگان قرار دهم. نیک به خاطر دارم زمانی را که او به هنگام نوشتن و تنظیم مقاله «ما لعبت‌کنیم و فلک لعبت باز» * ماه‌ها وقت خود را صرف کرد و تلاش نمود تا به دور از پیش‌دوروی و قضاوت فقط با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر محیط، مطالب را جمع‌آوری نموده و به منظور کاهش آمار بروز حوادث آن را به رشته تحریر درآورد.

من هم امیدوارم به مانند او بتوانم جانب صداقت را نگهدارم؛ با این هدف و به منظور کاهش ضریب خطا در نگرشم قبل از هر چیز به مطالعه جزوات و فیلم‌های کلاس‌های بهمن شناسی مدرسین ISMS (فدراسیون جهانی اسکی کوهستان) پرداخته و پس از تماس با آنها و اطلاع از نحوه ایمن‌سازی جاده‌ها در اروپا و شنیدن صحبت‌های شاهدان و مطالعه مکاتبات آنان و دیدن فیلم‌های حادثه و به نظر خودم از همه مهم‌تر

شبیه‌سازی لحظه به لحظه برنامه برای نزدیکی بیشتر به فضای ذهنی سرپرست برنامه در لحظات تصمیم‌گیری، سعی نمودم با نگاهی منصفانه و اصولی و به دور از احساسات جانب‌دارانه موضوع را بررسی نمایم. البته بد نیست اشاره داشته باشم که بر این عقیده‌ام که: این مهم نیست که در مقطع زمانی بعد از وقوع یک حادثه و با اطلاع از آنچه رخ داده است بخواهم حادثه‌ای را نقد و بررسی نمایم بلکه مهم این است که با اطلاع و درک صحیح از جوانب و شرایط همان زمان، تصمیم گرفته شده را مناسب یا غیرمناسب تشخیص دهیم که این خود بدون ضریب خطا امری محال به نظر می‌رسد.

حال برای اینکه به زمان وقوع حادثه نزدیک شده و واقعه برای مان کمی ملموس شود به بازخوانی گزارش برنامه که برداشتی از مکتوبات شاهدان و فیلم و... می‌پردازم.

سرپرست برنامه در تلاوم هوای خراب و دستور تخلیه پارکینگ و حرکت اتومبیل‌ها به تصور بازبودن جاده برای به دست آوردن وضعیت مطلوب در ارتفاع کم‌تر تیم را به سمت پایین به حرکت درمی‌آورد. آنها حدود دو تا سه کیلومتر از پارکینگ دور شده بودند که به صف طویل اتومبیل‌ها که در پشت بهمن متوقف شده بودند، رسیدند. لودر در حال کار و بازنمودن جاده است. نیم ساعت از توقف آنها می‌گذرد و لودر نمی‌تواند بیش از یک سوم از برف انباشته شده را پاک کند. او می‌داند که از عوامل تحریک کننده بهمن صدا و ارتعاش است قطع نمودن اتصال برف را هم به آن اضافه کنید. بررسی‌های انجام شده در ماه‌های بعد مبین این است که چند دهلیز به «میشک دره» منتهی می‌شود و به همین سبب چند بهمن به فواصل مختلف ریزش نموده است. منابع موجود در زمینه بهمن شناسی شرایط مناسب برای ریزش بهمن برف پودر را این گونه تعریف می‌کنند: در صورت وجود حجم برف قابل توجه (۲۰ سانتی‌متر و بیشتر) و بستر مناسب (شیب ۳۰ الی ۴۵ درجه) زمینه مناسب جهت ریزش بهمن حتی بدون عامل خارجی دیگر نیز وجود دارد و خطر در ۴۸ ساعت اولیه بارش برف بسیار زیاد است البته این به این معنی نیست که در شرایط دیگر احتمال ریزش بهمن وجود ندارد و یا در این شرایط حتما ریزش اتفاق خواهد افتاد بلکه موارد فوق احتمال ریزش بهمن برف پودر را بسیار بالا می‌برد. عوامل بسیار دیگری می‌توانند در ریزش و یا

عدم ریزش بهمن موثر باشند. از یاد نبریم که او استاد و مدرس دوره بهمن‌شناسی است و علاوه بر مطالعه و تدریس، تجارب محیطی زیادی دارد. ساعت حدود دو نیم بعد از ظهر است و می‌داند که در منطقه خطر تیم را متوقف نموده است. احساس ناخوشایندی دارد و هر لحظه بیم آن می‌رود که بهمن دیگری سرازیر شود، به خوبی می‌داند که بهمن‌های دیگری در راه است. باید تیم را از محدوده خطر خارج کرد. به برگشت به سوی بالا فکر می‌کند. مسیر خطرناک و پارکینگی که دیگر کسی در آنجا نیست و تله کابین تعطیل شده. او به ناچار و براساس اصول ایمنی کم‌خطرترین گزینه، نه بی‌خطرترین را انتخاب می‌کند. کم کردن ارتفاع و دور شدن از مناطق خطر، کاری که اگر اتومبیل‌ها هم برایشان میسر بود انجام می‌دادند. کاری که مسئولین هم با همین تفکر دستور تخلیه پارکینگ و بازنمودن جاده را داده بودند. او رهایی را در پشت آن انبوه برف می‌دید و شب و سرما را در کمین. دست به کار شد و تیم را به گروه‌های چهار نفره تقسیم نمود. و با رعایت اصول ایمنی مشغول عبور دادن آنها شد. همه عبور می‌کنند و حالا این تیم آخر است که حرکت می‌کند به ناگاه حجم زیادی از هوا جا به جا می‌شود و غباری شفاف به توده عظیمی از برف مبدل می‌گردد فریادها در هم می‌پیچد و در فضای کوهستان به ابدیت می‌پیوندد. عبوری صورت نمی‌گیرد و صورت‌ها در دستان و در برف پوشیده می‌شود. سکوت مستولی می‌شود، سرپرست و تعدادی از بچه‌ها و تعدادی از اسکی‌بازان به بهمن می‌رسند و در لحظات اول سه نفر را بیرون می‌کشند. تلاش برای پیدا کردن نفر چهارم بی‌نتیجه است. هیچ کس به فکر خود و بهمن دیگری که در کمین است، نیست. دوباره همه چیز تکرار می‌شود و بهمن دیگری همه را به کام خود می‌کشد. دوباره تلاش شروع می‌شود سه نفر را نجات می‌دهند و سرپرست برنامه را بی‌جان از دل برف بیرون می‌آورند. شب فرا می‌رسد و شب‌زدگان را روستاییان با حالتی دردناک و غم‌انگیز به پایین می‌برند. زندگان که نه مردگان متحرک به همراه سرپرستی که دیگر نمی‌تواند سرپرستان باشد به انتظار صبح، شی طولانی و بی‌پایان را سپری می‌کنند. روز جمعه تلاش آغاز می‌شود و پیکر هفت نفر را از دل بهمن بیرون می‌آورند. چند روز بعد پزشکی قانونی زمان مرگ دو

نفر را روز جمعه شانزدهم بهمن اعلام می‌نماید. این اولین بهمنی نبود که در این منطقه توریستی ورزشی به علل مختلف که تماما ریشه در بی‌توجهی و بی‌تفاوتی دارد با ریزش خود تعداد زیادی را از نعمت زندگی محروم کرد. همه؛ بهمن‌های پیست شمشک، جاده شمشک، پیست دربندسر، محور شمشک به دیزین، پیست دیزین، محور گچسر به دیزین و غیره را به یاد دارند و تا زمانی که رویکرد برخورد با این گونه حوادث حذف علل زیربنایی و از بین بردن عوامل بروز آن نباشد، شاهد تکرار این گونه حوادث خواهیم بود.

با مروری که به روز حادثه داشتیم سوالاتی مطرح می‌گردد که پاسخ آنها شاید علت بروز حادثه باشد.

آیا جاده‌های منتهی به پیست دیزین از ساختار محافظتی (ایجاد ترانشه، گالری،...) برخوردار هستند؟

آیا جاده‌های منتهی به پیست دیزین به خصوص محور شمشک به دیزین از نظارت پلیس راه و کنترل جاده به لحاظ ممنوعیت عبور و مرور برخوردار است.

آیا مسئولین ذی‌ربط از ساده‌ترین قوانین ایمنی جاده‌های کوهستانی و برف‌گیر مطلع بوده و آن را به کار می‌گیرند.

آیا مسئولین امر از پایدار شدن برف و ایمنی مسیر قبل از اقدام به تخلیه مسافری از پارکینگ مطمئن بودند.

آیا روش به کار گرفته شده شیوه مناسبی برای پاکسازی و تخلیه جاده بوده است؟

آیا مسئولین پیست‌ها و محورهای منتهی به آنها از محل‌های بهمن گیر منطقه تحت نظارت خود آگاه بوده و از ابزارهای رهاسازی بهمن برخوردار هستند؟

باتوجه به اینکه بین ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر گرم‌ترین زمان و در نتیجه خطرناک‌ترین ساعات برای ریزش بهمن محسوب می‌شود آیا می‌توان گفت زمان مناسبی برای پاکسازی انتخاب شده است!

آیا مسئولین وزارت راه می‌توانند به صرف امضای یک قرارداد مسئولیت جان مردم را بدون هیچ نظارت و استانداردی به دست افراد غیر مطلع بسپارند؟

آیا پیست دیزین و پیست‌های اطراف از گروه‌های زنده و امکانات ملدو و نجات برخوردار می‌باشند؟ آیا‌های دیگری که امیدوارم دیگر زمینه و بستر مطرح کردن آنها فراهم نیاید

سپیده جوادیان (خلیلی خوشه‌مهر)

*این مقاله در فصلنامه شماره ۵۳ به چاپ رسید

گزارش حادثه دلخراش غار پراو

از حوادث درس پیاموریم

هدف از درج مقالاتی از این دست نه به خاطر آزردن روحی کوه‌نوردان و نه به خاطر نمک پاشیدن به زخم بازماندگان عزیزان از دست رفته است، بلکه بپذیریم که در پس حادثه‌ای یک کلاس آموزشی برای دیگران است. با این تفکر ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم «پدرام بوچانی» گزارش زیر با هم می‌خوانیم.

اگر چه هر یک از ما در درون تنهایی خویش غار یا دخمه ای دارد که گاه گاهی در آن فرو می‌رود، ولی قلب ما برای دیدار مجدد با خورشید گرم می‌تپد و دوستدار دیدار مجدد رودهای زلال و ابرهای سفید و ستاره‌های درخشان آسمانی است

(گزارش از پرهام بوچانی) : من (پرهام بوچانی) و برادرم (پدرام) و آقای ساسان کرمخانی (دایی‌مان) در ابتدای تابستان امسال تصمیم گرفتیم برنامه پیمایش غار پراو را که چند سال مد نظر داشتیم؛ اجرا کنیم، ولی هر بار شرایطش فراهم نمی‌شد. برای اجرای این برنامه تمرینات مستمر و مداوم، یومار زدن در شرایطی شبیه به داخل غار و تا حدودی انجام تمرینات هوازی نیاز بود. از اول تابستان با برنامه‌ریزی دقیق، از نظر آمادگی جسمانی به حد مطلوبی رسیدیم. اما مشکل اصلی ما تهیه کردن طناب‌ها بود، نهایتاً ۸۰ درصد طناب‌ها را تهیه کردیم ولی باز هم طناب‌های بعضی از چاه‌ها را کم داشتیم.

علی بابایی از اعضای برنامه ما نبود او در نظر داشت کار پیمایش غار را انفرادی انجام دهد، ولی به

دلیل اینکه توانایی تهیه کل طناب‌ها را نداشت، از ما خواست که با هم برنامه مشترکی را اجرا کنیم. در روز ۸۹/۶/۱۱ قبل از برنامه اصلی، یک بار تا چاه پنجم پیمایش را با موفقیت انجام دادیم؛ پس از گذشت دو هفته تصمیم گرفتیم که پنج روز قبل از اجرای برنامه اصلی طی یک برنامه بار گذاری، در مورخ ۲۰ و ۲۱ و ۲۲/۶/۸۹ طناب‌ها را به چاه پنجم منتقل کنیم تا در برنامه اصلی انرژی کمتری مصرف کنیم.

روز شنبه ۲۰/۶/۸۹ ساعت ۱۳ قرار بود که حرکت کنیم. ساعت ۱۲ علی به خانه ما آمد و برنامه‌ریزی ما را تغییر داد. قرار شد تا چاه ۱۱ ثابت‌گذاری کرده و پایین برویم؛ در عرض نیم ساعت کلیه برنامه‌ریزی ما به هم ریخته شد و بزرگ‌ترین اشتباه زندگیمان را مرتکب شدیم و همین باعث اشتباهات بعدی تیم شد؛ چون طناب برای چاه هفت نداشتیم، قرار شد از یکی از دوستان یک تکه طناب ۱۰ متری به امانت بگیریم و اشتباه دوم ما این بود که طناب را چک نکرده و حتی بعد از اینکه از ماشین پیاده شدیم، طناب را باز کرده و آن را جمع کردیم؛ ولی با اینکه زمان جمع کردن اجباراً تمام قسمت‌های طناب را لمس کردیم، باز هم متوجه پوسیدگی طناب نشدیم.

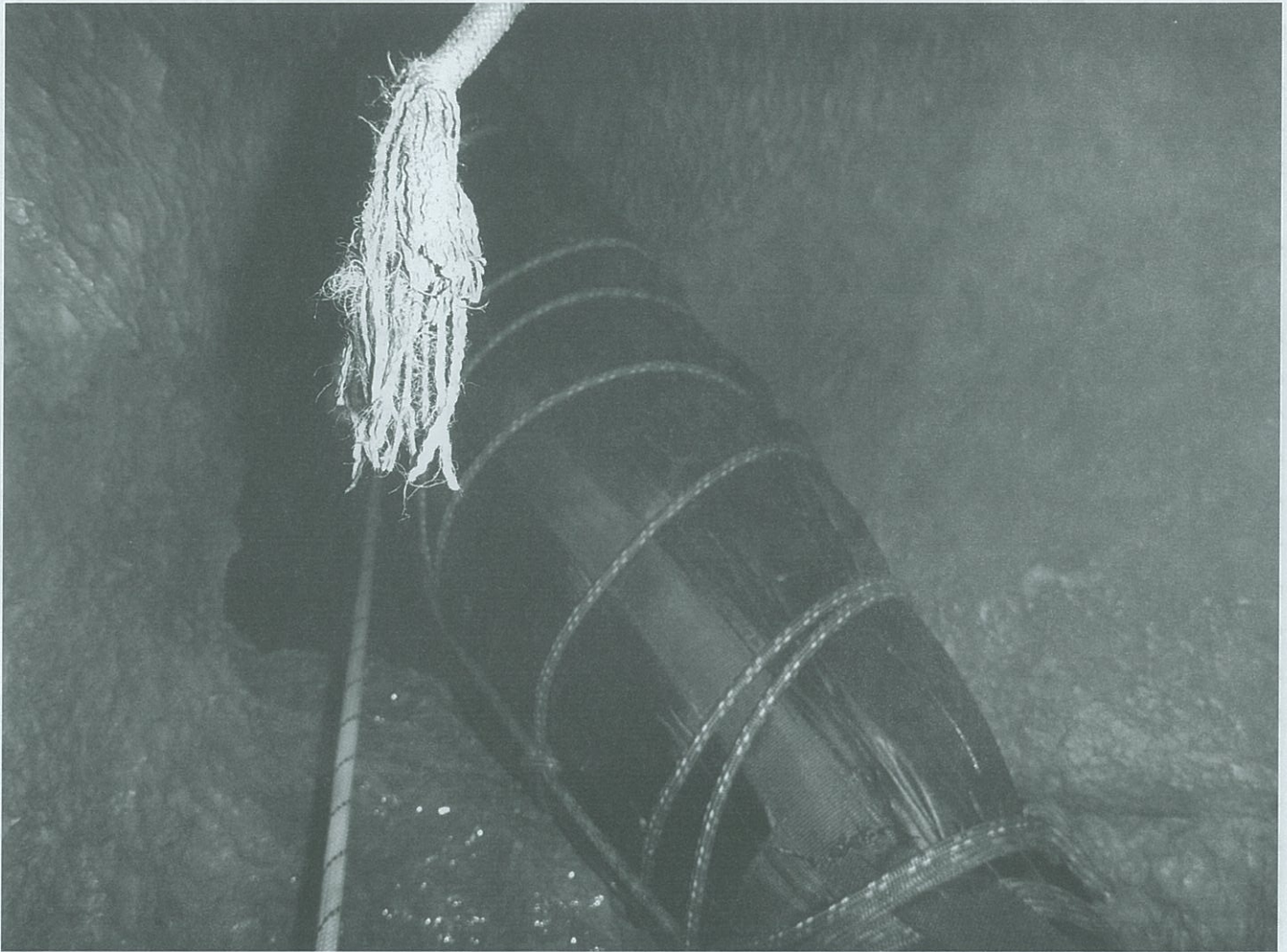
همان روز ساعت ۱۷ به طرف پناهگاه پراو حرکت کردیم و ساعت ۲۲ در تاریکی شب به پناهگاه رسیدیم. پس از صرف شام مشغول آماده کردن وسایل شدیم و بعد از ساعتی به استراحت پرداختیم.

روز یکشنبه ۲۱/۶/۸۹ راس ساعت ۸ صبح پس از چک کردن ابزارها حرکت خود را از دهانه غار آغاز کردیم. تیم متشکل از پنج نفر بود: من، پدرم، مادرم، پدرام و علی قرار بود که حرکت تیم تا محل کمپ

پنجم مشترک باشد و سپس پدرام و علی تا چاه یازده پایین رفته و ثابت‌گذاری کنند.

من و پدرم کمی عقب تر از تیم بودیم. آخرین بار در تالار کوروش کبیر (سر چاه سوم) برادرم را دیدم که آماده فرود می‌شد. از من خواست که از او عکس بگیرم و بعد فرود رفت. ساعت ۹:۴۰ دقیقه وقتی به کمپ پنج می‌رسند، علی و پدرام تصمیم می‌گیرند قبل از رسیدن من و پدرم به کمپ پنجم، حرکت کنند و زودتر به چاه یازده رسیده و تا قبل از خروج ما از غار در موقع برگشت به ما برسند. من و پدرم ۱۰ دقیقه بعد از آنها به مادرم ملحق شدیم و تصمیم گرفتیم که سه نفری تا سر چاه رفته و پس از استراحت کوتاهی در محل کمپ پنجم به سوی دهانه غار حرکت کنیم ما راس ساعت ۱۴ از دهانه غار خارج شدیم.

(گزارش از علی بابایی) پس از جدا شدن از مادر پدرام در کمپ پنجم، من و پدرام برای طناب‌ریزی چاه‌های بعدی حرکت کردیم. چاه ششم را فرود رفته و از دو چاهک ۷ گذشتیم، خودمان خبر نداشتیم به چاه هشتم رسیده‌ایم و فکر می‌کردیم که در ابتدای چاه هفتم هستیم. طناب ۱۰ تا ۱۲ متری را که برای چاه هفتم در نظر گرفته بودیم به پدرام دادم او طناب را به کارگاه وصل کرد. ابتدا من آماده فرود شدم. پایین را که نگاه کردم طاقچه کوچکی را دیدم. وزن بدنم را روی طناب انداختم و پایین رفتم. در حین فرود، طناب صدای عجیبی می‌داد. به پدرام گفتم: «طناب موقع برگشت پاره نشده»، اما او تاکید کرد: «طناب خویبه». روی طاقچه که رسیدم سمت چپم به فاصله ۱/۵ متری یک رول بود، که ما فکر



تا ساعت ۲۴ صبر کردیم؛ اما جایی برای صبرکردن نبود. پس با آقای حمید امیری تماس گرفتم و ماجرا را به او گفتم و او نیز گفت: «طبق گفته علی چون از چاه یازده به بعد طناب داره شاید تا چاه شانزدهم رفته باشند؛ که در این صورت در حال حاضر باید بین چاه‌های چهارم و سوم در حال برگشت باشند» و اضافه کرد که دو نفر تا سر چاه سوم رفته و اگر خبری نبود سریعا ما را باخبر کنید.

(گزارش از علی بابایی) ساعت ۳:۳۰ روز بعد (۸۹/۶/۲۲) بود که صدای ضعیفی را شنیدم. داد زدم بیا بیا پایین‌تر و سریعا طنابی را که با آن فرود آمده بودم یومار زدم و به کارگاه رسیدم. پرهام سر چاه بود پرسید چی شده؟ این طناب چرا پاره شده هیچی نگفتم.

ولی پرهام بی‌قرار بود. به او گفتم پدرام پایش شکسته و پرسیدم با خودت طناب آوردی؟ گفت:

در یک لحظه جلوی چشمانم پرپر شد و رفت. پیکر بی‌جانم را از داخل حوضچه آب بیرون کشیدم و دست‌ها و پاهایش را مرتب کردم. کنارش نشستم. با روشن کردن الکل جامد و آتش زدن زباله‌ها و نرمش کردن خودم را گرم می‌کردم.

(گزارش از پرهام بوچانی): با توجه به آمادگی جسمانی بالای دو نفر انتظار می‌رفت که تا ساعت ۱۸ به دهانه غار برسند؛ اما خبری نشد. من و آقای سهند اختیاری برای جویا شدن از وضعیت نفرات وارد غار شدیم و تا سر چاه سوم رفتیم و چون از آمادگی سهند مطمئن نبودم برخلاف میلم برگشت را بهترین راه دیدم و از سر چاه سوم به دهانه غار برگشتم؛ اما این بار هوا تقریبا تاریک شده بود و من از اینکه از برادرم و علی خبری نبود، دلشوره داشتم؛ ولی با روحیه بالا سعی داشتم پدر و مادرم را دلداری دهم.

می‌کردیم آنجا باید کارگاه چاه هشتم باشد. به پدرام گفتم: «چرا کارگاه این قدر دوره؟»

گفت: که اجازه بده خودم پایین بیام و طناب رو وصل کنم با پدرام در حال حرف زدن بودم، که طناب را داخل هشت انداخت و با شوک ناگهانی وزنم را روی طناب انداخت. طناب با صدای عجیبی پاره شد و پدرام با گفتن صدای «وای.....» سقوط کرد و به کف چاه ۸ افتاد چند بار صدا زد: «پدرام پدرام» اما جوابی نشنیدم. پس از چند دقیقه طاقچه را دست به سنگ به طرف رول تراورس کردم. بعد از زدن خود حمایت، طناب چاه هشتم را به کارگاه وصل کرده و فرود رفتم چند متر مانده به کف چاه پدرام را دیدم که به پشت افتاده و از گوش و بینی و دهانش خون جاری است. باورم نمی‌شد! پدرام با آن همه خاطرات گذشته، تمام برنامه‌هایی که با هم رفته، و تمام برنامه ریزی‌هایی که برای آینده داشتیم،

آره. بعد یک‌سر طناب را پایین فرستاد. طناب چاه ۱۰ را به انتهای طناب او وصل کردم که به کارگاه وصل کرد. بعد از رسیدن به سر چاه ۸ پرهام دوباره از من پرسید: «راستش را بگو چه اتفاقی افتاده؟». ماجرا را برای او گفتم. ابتدا سکوت کرد و بعد زار زار گریست. بعد از مدتی دوتایی به راه افتاده، تا به دهانه غار رسیدیم.

(گزارش از هادی جهانگرد مسؤل کمیته غارنوردی استان کرمانشاه) ساعت ۰۰:۳۰
 بامداد حمید با من تماس گرفته و گفت که یک تیم از بچه های کردند روز قبل ساعت ۸ وارد غار شده و برایم توضیح داد. از اولین کلمات حمید مطمئن شدم که برای آنها اتفاقی افتاده است. با این وجود در آن ساعت فقط توانستم که تعدادی از دوستان را خبردار کنم. ساعت ۷:۰۰ صبح بعد از تماس حمید با خبر شدم که یکی از آنها در چاه هشت بر اثر پاره شدن طناب سقوط کرده است. بلافاصله با آقای نقدی (رییس هیات کوهنوردی استان کرمانشاه) جهت هماهنگی‌های لازم با استانداری و هلال احمر جهت جابه‌جایی نفرات با بالگرد به ارتفاعات پراو تماس گرفتم. ساعت ۱۰:۰۰ به اتفاق تعدادی از دوستان در فرودگاه حاضر شدیم. با وجود اینکه نفرات زیادی در آنجا حاضر بودند، فقط اسامی تعداد محدودی از نفرات در لیست انتخابی هیات بود. پس از ورود به باند پرواز و چک کردن بالگرد توسط عوامل فنی پرواز و کسب اجازه لازم، ساعت ۱۲:۰۰ موفق به پرواز شدیم. هلی‌کوپتر فقط ۵ نفر را می‌توانست به ارتفاعات ببرد، سه نفر از بچه‌هایی که برای امداد آمده بودند و دو نفر از هلال احمر سوار شدند، بعد از رسیدن به میدان پراو وسایل را با خود به طرف پناهگاه برده و با پرس و جو از افراد تیم، از شرح وقوع حادثه و وضعیت طناب‌ها با خبر شدیم و چون دیدم که افراد از روحیه خوبی برخوردار نیستند؛ همگی آنها را راضی کرده تا با آمدن هلی‌کوپتر به پایین بازگردند. با رفتن آنها به پایین، شش نفر در پناهگاه ماندیم:

(هادی جهانگرد، علی اکبر مرادنژاد، اصغر زرین، مهرداد چاوشی، رضا شهلائی و مسعود اکبری) همگی به غیر از آقای اکبری بعد از جمع کردن وسایل فنی با ۴ رشته طناب، کیسه حمل جسد و

هشتم به زیر چاه پنجم منتقل کرده و تیم دوم او را از چاه پنجم تا بعد از چاه اول حمل کرده و پس از تعویض کیسه و بسکت مجدد تیم سوم متشکل از اقوام و دوستان متوفی با سرپرستی آقای اختیاری و پدر مرحوم، پیکر را به بیرون از غار منتقل کنند. بعد از جلسه وسایل‌مان را مرتب کرده و به استراحت می‌پردازیم.

تیم اول شامل: علی اکبر مراد نژاد، رسول چلنگر پور، بهنام راشدی، هوشیار قنبری، یوسف سورنی نیا و مهرداد چاوشی روز جمعه ۸۹/۶/۲۶ ساعت ۸ صبح وارد غار شده و پس از رسیدن به پایین چاه هشتم؛ نفرات هر کدام وظایف محوله خود را انجام می‌دهند. تیم اول به سرپرستی آقای مراد نژاد، پیکر پدرام را از چاه هشتم و سپس از چاه هفتم بالا کشیده، بعد از نصب کارگاه در ارتفاع چند متری بالای سر خرچنگ رو یکی به صورت بالا کشنده و دیگری به صورت جلو کشنده بین چاه‌های هفتم و ششم پیکر پدرام را متر به متر به جلو کشیده و به زیر چاه ششم می‌آورند. سپس سه نفر از دوستان به بالای چاه رفته تا کارگاه‌های بالا کشنده و جلو کشنده پیکر را از چاه ششم به انتهای کوچه دلگشا و سپس با بستن تیروی از انتهای کوچه دلگشا به کمپ پنجم انتقال داده و با بستن تیروی دیگر از کمپ پنجم او را به زیر چاه پنجم می‌رسانند. آنها در ساعت ۲۲:۰۰ تقریباً پس از ۱۴ ساعت فعالیت مداوم از غار خارج می‌شوند.

تیم دوم شامل: هادی جهانگرد، جلیل آزادی، رضا شهلائی، بهنام مهدویان، حمید امیری و علی بابایی بعد از هماهنگی‌های لازم با تیم اول بلافاصله به سرپرستی هادی جهانگرد وارد غار می‌شوند. این تیم پس از رسیدن به زیر چاه پنجم، و هماهنگی‌های لازم همانند تیم اول کارها را به صورت از پیش مشخص شده انجام می‌دهند.

جهت بالا کشی و انتقال از سر چاه پنجم به زیر چاه چهارم مجبور می‌شویم چهار بار خرچنگ روبین ۵ به ۴ را طی کنیم پس از هماهنگی‌های لازم حدود شش متری بالای خرچنگ رو ۵ به ۴ کارگاه بالا کشنده را نصب کرده و در این زمان سه نفر از بچه‌ها پیکر پدرام را از چاه پنجم بالا کشیده و دو

مقداری طناب ۷ میلی‌متری جهت بسکت کردن، و بررسی وضعیت طناب‌ها و کارگاه‌ها وارد غار شدیم، تمامی طناب‌های داخل غار یا دینامیک هستند و یا طناب مستعمل که نمی‌توانیم به آنها اطمینان کنیم. پس از چک کردن کارگاه‌ها و طناب‌ها مجبور می‌شویم، از چهار رشته طناب خودمان استفاده کنیم. به ابتدای چاه هشتم که می‌رسیم، با طناب پوسیده ۷ میلی‌متری که بر اثر پوسیدگی بیش از حد، قطر آن ۹ میلی‌متری به نظر می‌رسد، مواجه می‌شویم که از ۳۰ سانتی‌متری زیر کارگاه پاره شده است. پس از فرود از چاه هشتم پیکر سرد و بی‌جان پدرام را در کف چاه می‌بینیم. تمامی آب حوضچه را خون فرا گرفته. پیکر پدرام را داخل کیسه حمل جسد گذاشته، و بسکت کردیم. بعد از گرفتن عکس همگی شروع به بالا رفتن از چاه‌ها می‌کنیم. ساعت هشت شب از غار خارج شده و به طرف پناهگاه حرکت می‌کنیم بعد از رسیدن به پناهگاه و تعویض لباس‌هایمان و خوردن غذایی که آقای اکبری تدارک دیده‌اند به پایین حرکت می‌کنیم. ساعت ۳:۳۰ بامداد در ابتدای تنگ چرودره یکی از دوستان خوبمان منتظر است با او راهی کرمانشاه می‌شویم.

در روز ۸۹/۶/۲۳ با حضور دوستان و با وجود خستگی شب قبل جلسه ای تشکیل داده. و وسایل مورد نیاز جهت انتقال پیکر پدرام را لیست کرده و طی نامه ای آنها را از هلال احمر درخواست می‌کنیم. خوشبختانه وسایل مورد نیاز پس از طی مراحل سخت و دردسرهای اداری در روز ۸۹/۶/۲۵ در آخرین ساعات حرکت توسط هلال احمر به ما تحویل داده شد. طبق قرار قبلی تمام اعضای تیم ساعت ۱۷:۰۰ کنار در استانداری جمع شده و پس از حمل بارها از طریق پادگان شهید داوودی به وسیله یک دستگاه ماشین نظامی، همگی نفرات از راه همیشگی به طرف چشمه دوزه ری حرکت می‌کنیم. ساعت ۲۰:۰۰ به کنار بارها رسیده و بعد از لحظاتی استراحت و تقسیم بارها به طرف پناهگاه حرکت می‌کنیم. ساعت ۲۲:۰۰ به پناهگاه می‌رسیم. پس از صرف شام دور هم جمع شده و پس از تقسیم نفرات در قالب سه تیم نحوه فعالیت آنها را مشخص می‌کنیم. قرار بر این می‌شود که تیم اول پیکر پدرام را طی ۱۲ ساعت از زیر چاه



رضایت می‌کنیم. چند دقیقه‌ای تن‌های خسته‌مان را به گرمای آفتاب می‌سپاریم. هنوز دقایقی نگذشته است که با دوستانمان در دهانه غار مواجه می‌شویم که دست‌مان را به گرمی می‌فشارند به همراه آنها به طرف پناهگاه حرکت می‌کنیم. تیم سوم به سرپرستی آقای اختیاری و پدر مرحوم پدram بوچانی وارد غار شده و پیکر پدram را به ابتدای غار منتقل می‌کنند. آن شب در خنکای هوا و به دور از گرمای آفتاب او را به چشمه دوزه‌ری منتقل کرده و از آنجا با هماهنگی با فرماندهی پادگان شهید داوودی پیکر پدram را با ماشین پادگان به شهر منتقل می‌کنیم. ■

با تشکر و سپاس فراوان از تمامی غارنوردان و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی که در انتقال پیکر مرحوم پدram بوچانی ما را یاری نمودند.

چاه سوم منتقل می‌کنیم. بعد از انتقال به بالای چاه سوم. در تالار کوروش کبیر پیکر پدram را به همراه دوستان با دست به زیر چاه دوم انتقال می‌دهیم سپس شروع به بالا کشی پیکر پدram به بالای چاه دوم و چاه اول می‌کنیم. در بالای چاه اول پیکر بی‌جان پدram را در داخل کیسه سالم دیگری گذاشته و دوباره بسکت می‌کنیم، تا تیم سوم راحت‌تر بتواند بقیه کار را تا دهانه غار انجام دهد؛ پس از بسکت مجدد، آن را به بعد از چاه اول منتقل می‌کنیم. البته کلیه طناب‌ها را نیز از زیر چاه هشتم همزمان با انتقال پیکر پدram بوچانی به بیرون از غار منتقل می‌کنیم. تقریباً ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز شنبه ۸۹/۶/۲۷ از غار خارج می‌شویم و همگی از اینکه کار را طبق برنامه و با زمانی قریب ۱۳ ساعت به پایان رسانده‌ایم احساس

نفر دیگر کارگاه جلو کشنده را بر پا می‌کنند. سپس با طناب بالا کشنده آن را بالا کشیده و با طناب جلو کشنده به سمت جلو انتقال می‌دهیم؛ همزمان یک نفر سر و یک نفر در انتهای پیکر پدram تعادل و حرکت آن را کنترل می‌کنند، تا آرام آرام به زیر چاه چهارم منتقل می‌شود. بالا کشی از چاه‌ها تقریباً راحت‌ترین قسمت کار بچه‌ها است.

بعد از بالا آمدن سه نفر از بچه‌ها از چاه چهارم آنها بلافاصله مشغول برپا کردن کارگاه‌های بالا کشنده و جلو کشنده می‌شوند و سه نفر دیگر مشغول بالا کشیدن پیکر پدram از چاه چهارم می‌شوند. پس از برپایی کارگاه‌ها و اتصال طناب‌ها به جسد، همانند خرچنگ رو بین چاه‌های ۵ به ۴ کار را ادامه می‌دهیم؛ با این تفاوت که در بین ۴ به ۳ باید پیکر پدram را تقریباً ۳ متری بالاتر از کف خرچنگ رو به طرف جلو کشیده شود و این کار نیاز به ۳ کارگاه بالا کشنده تقریباً در یک سطح و به موازات خرچنگ رو دارد، که پس از انتقال جسد به نقطه مورد نظر باید برروی کارگاه بعدی منتقل شود؛ در صورت کوچک‌ترین اشتباهی امکان آن می‌رود که جسد به بچه‌ها برخورد کرده و اتفاق دیگری رخ دهد، با دقت و هماهنگی با یکدیگر بدون هیچ مشکلی با وجود خستگی و کار توان فرسا دوستان این قسمت را نیز پشت سر گذاشته و در ادامه با بستن دو تیرویل در ابتدای خرچنگ رو ۴ به ۳ و یک تکه صعود سه متری و انتقال آن به بالا و انتقال بر روی تیرویل بعدی که تا زیر چاه سوم (اروئیکا) کشیده شده همزمان با جابه‌جا کردن پیکر پدram توسط بچه‌ها به چپ و راست بر روی طناب تیرویل متر به متر به زیر چاه سوم (اروئیکا) نزدیک می‌شویم. البته طناب تیرویل را به وسیله دو کارگاه دیگر که در بین مسیر یکی سمت راست و دیگری سمت چپ قرار دارد، طناب را تقریباً در فضا قرار می‌دهیم تا انتقال پیکر پدram راحت‌تر باشد. بعد از رسیدن جسد به زیر چاه سوم، بچه‌ها دقایقی را مشغول استراحت و خوردن تنقلات می‌شوند.

سپس نفرات چاه سوم را یکی یکی یومار زده در بالای چاه سوم کارگاهی را برپا می‌کنند و با قرقره و طناب رفت و برگشتی پیکر پدram را به راحتی به بالای

کوهستان خالی از خطر نیست

با آموزش، تمرین، احتیاط، خودداری از غرور بیجا و برنامه‌ریزی صحیح امکان بروز حادثه را به حداقل ممکن برسانیم.



فدراسیون کوه نوردی و صعود های ورزشی
جمهوری اسلامی ایران

بانوان خراسانی پرچم مقدس کشورمان را

بر فراز «لنین» به اهتزاز درآوردند

باردیگر بانوان پرتوان ایران زمین اراده کردند و توانستند افتخاری دیگر را برای میهن عزیز اسلامی رقم زنند و این بار بانوان کوه نورد خراسان رضوی با اراده ای مثال زدنی و در شرایط نامساعد جوی توانستند مقارن با سالروز وفات بزرگ بانوی مکرم اسلام؛ حضرت خدیجه (س)، و با ذکر یا علی بن موسی (الرضا) ع، پرچم پرافتخار کشورمان را (ساعت ۱۳:۱۵ امروز به وقت ایران) بر فراز قله ی ۷۱۳۵ متری «لنین» (در قزاقستان) به اهتزاز درآوردند و برگ زرین دیگری را بر لوح افتخارات بانوان این مرز و بوم به ثبت رسانند. بر خود لازم می دانیم؛ ضمن تسلیت وفات حضرت خدیجه (س)، این پیروزی ارزشمند و غرورآفرین را به یکیایک اعضای تیم و همه ی دلسوزان و زحمت کشان عرصه ورزش کشور و همه ی ایرانیان شریف و سربلند، تبریک و تهنیت عرض نمایم.

برگزاری دوره بارآموزی و هماهنگی

مربیان، طراحان و داوران صعودهای

ورزشی

دوره بارآموزی و هماهنگی مربیان، طراحان و داوران صعودهای ورزشی در بخش بانوان از ۱۶ الی ۲۳ آبان ماه با حضور مجموعاً ۷۰ نفر از ۱۲ استان در سالن زنده یاد داوودی مجموعه ورزشی شهید شایرودی تهران برگزار شد. دوره مربیان طی دو روز ۱۸ و ۱۹ آبان، دوره

طراحان طی دو روز ۲۰ و ۲۱ آبان و دوره داوران طی دو روز ۲۲ و ۲۳ آبان.

کادر اجرایی دوره مربیان: سرپرست-خدیجه جهانیش-ناظر-منصوره گرجی. مدرس- کامران اندامی، گوهرز ناطق، محمد طبیبی و امین امینیان / کادر اجرایی دوره طراحان: سرپرست-خدیجه جهانیش-ناظر-منصوره گرجی. مدرس= کامران اندامی، آرتیس فرهاد یگانه / کادر اجرایی دوره داوران: سرپرست-موسوی-ناظر-منصوره گرجی. مدرس= بابک ضیاء / اوبرهماهنگی: محمد طبیبی / روابط عمومی: محمد رضا آفرین زاد

با حکم رئیس سازمان تربیت بدنی

دبیر فدراسیون منصوب شد

دکتر «سعید لو» رئیس سازمان تربیت بدنی، به استناد مواد ۸ اساسنامه فدراسیون های ورزشی آماتوری و با عنایت به تأیید مجمع عمومی مورخ ۲۹ مهر ماه ۸۹ فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی؛ طی حکمی «هادی صابری» را را به عنوان دبیر این فدراسیون منصوب کرد.

کوه نوردان لرستانی

قله «لانگ تانگ» را صعود کردند

تیم پنج نفره ی هیئت کوه نوردی و صعودهای ورزشی لرستان، موفق شد قله «لانگ تانگ» در هیمالیای نپال را صعود کند. این گزارش حاکی است: تمامی اعضای این تیم در سلامتی کامل به میهن بازگشتند.

«حسین امانی» رئیس

هیئت خراسان رضوی شد

در جریان برگزاری مجمع هیئت کوه نوردی و صعودهای ورزشی خراسان رضوی که با حضور رئیس فدراسیون برگزار گردید؛ «حسین امانی» به عنوان رئیس این هیئت انتخاب شد. در این انتخابات «مجید مذهبی» نیز نامزد شده بود.

برگزاری مجمع سالیانه اتحادیه

کوه نوردی آسیا در چین

محمود شعاعی رئیس فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی به همراه «محمد فهیمی» دبیر کارگروه روابط بین الملل این فدراسیون، در مجمع سالیانه اتحادیه کوه نوردی آسیا (UAAA) در کشور چین حضور یافتند. شایان ذکر است: در حال حاضر ایران نایب رئیس اتحادیه کوه نوردی آسیاست.

برای نخستین بار؛ تیم ملی سنگ نوردی

ایران در رده چهارم جهان قرار گرفت

تیم ملی سنگ نوردی کشورمان برای نخستین بار موفق شد در رشته «سرعت» رقابت های جام جهانی در چین، در رده چهارم جهان بایستد. بنا بر این گزارش: با درخشش «محسن محمدی نژاد» که موفق شد برای اولین بار در رده چهارم رشته «سرعت» جهان قرار گیرد، در تجمیع امتیازات تیم های شرکت کننده، تیم ملی سنگ نوردی کشورمان نیز در این رشته در جایگاه چهارم جام جهانی قرار گرفت. گفتنی است: تیم های چین، روسیه و لهستان نیز به ترتیب اول تا سوم شدند. در این دوره از مسابقات که در «هالیچی» چین (۱۸۰ کیلومتری «کوانگجو») برگزار شد: ۸۵ سنگنورد از ۱۷ کشور با هم به رقابت پرداختند.

تلاش ارزنده سنگ نوردان ایرانی در

رقابت های جهانی «راک مستر»

سنگ نوردان ایرانی پس از درخشش در رقابت های سنگ نوردی قهرمانی جهان و کسب عنوان چهارم رشته سرعت که برای اولین بار روی داد، در مسابقات «راک مستر» جهان در چین نیز شرکت کردند و با تلاشی ارزنده خوش درخشیدند. به گزارش رسیده: در مسابقات «راک مستر» جهان که با حضور ده سنگ نورد برتر جهان از هر رشته برگزار می شود، در رشته لید (سرطاب) و از بین ۱۹ شرکت کننده از کشورهای روسیه، هنگ کنگ، ایران، چک، کره جنوبی، لهستان، اسلوانی و چین، ۲ سنگ نورد تیم ملی ایران به مرحله ی فینال راه یافتند و در نهایت «داود رکابی» مشترکاً به مقام هفتم رسید و «علی برات زاده» رتبه ی نهم را به دست آورد. در رشته ی سرعت نیز و در دیواره ی رکورد (۱۵متری) و با ۲۰ شرکت کننده از برترین سنگ نوردان جهان انجام شد، محسن محمدی نژاد رتبه ی هفتم، حمیدرضا توننده جانی رتبه ی نهم و امید شیخ بهایی رتبه ی دوازدهم را کسب کردند.

گزارش جشنواره بین المللی «بیستون» و

گزارش صعود به «نوشاخ»

فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی گزارش جشنواره بین المللی «بیستون» و گزارش صعود تیم مشترک هیئت های گلستان، همدان و تهران به قله «نوشاخ» را یکشنبه ۱۶ آبان در سالن اجتماعات شهید

قله «نانگاپاربات» در سیزده مهر ماه سال جاری ساعت ۱۷:۳۰ در سالن شهید قندی افتتاح شد و از برگزارندگان این جشنواره تقدیر گردید. یادآور می شود: پس از برگزاری جلسات هیئت داوران و از میان ۲۹۰ اثر راه یافته به بخش داوری، در نهایت ۴۰ عکس به عنوان آثار منتخب، جهت ارائه در نمایشگاه این جشنواره مشخص شدند. شایان ذکر است: بر اساس اعلام قبلی در فراخوان جشنواره: ۳ اثر در بخش «صعود زمستانی سراسری سال ۸۸ به دماوند» و ۳ اثر نیز در بخش «آزاد» به عنوان آثار برگزیده هیئت داوران انتخاب شدند که طی مراسم افتتاحیه برپایی نمایشگاه معرفی و جوایز فیزیکی به آنان اهداء شد.

آثار افراد ذیل در این نمایشگاه ارائه گردید: (تقدم و تأخر ندارد) - احسان جمالی (۲ عکس) - کاوه فرزانه (۳ عکس) - محمد کاتبی (۵ عکس) - محمد آفرین زاد (۱ عکس) - حسن صفری (۲ عکس) - علی علی محمدی (۳ عکس) - نیما بهرینی (۲ عکس) - غلام بهرامی (۱ عکس) - ابوالفضل زمانی (۱ عکس) - امیرمیرچلیلی (۲ عکس) - محمد علی فوقانی مقدم (۱ عکس) - محمد رزاقان (۲ عکس) - الهام هدایتی (۱ عکس) - محمد حسین عسکری (۲ عکس) - لیلا طبطبایی اصل (۱ عکس) - سعید مهدی هاشمیان (۳ عکس) - محمد نصیری (۳ عکس) - علی عزیزی اصل (۱ عکس) - مجید نیان (۱ عکس) - مهدی صضلی نو (۱ عکس)

ارائه گزارش به فدراسیون از تخریب غارهای کشور

حفظ و پاسداری از منابع طبیعی وظیفه ملی و شرعی برای هر ایرانی است و غارها نیز جزء لاینفک عرصه‌های طبیعی در کشور عزیزمان هستند. با عنایت به این مهم: بخش غارنوردی کارگروه کوهنوردی از تمامی هیئت‌ها و گروه‌های سراسر کشور درخواست می‌نماید در صورت مشاهده هرگونه تخریب و دست‌اندازی به این مکان‌ها اطلاعات مستند خود را شامل گزارش کتبی همراه با عکس و یا فیلم به این کارگروه ارسال نمایند تا پیگیری‌های لازم با نهادهای مرتبط انجام گیرد.

گرامیداشت زنده یادان «فرشاد خلیلی» و «اسماعیل متحیر پسند»

کارگروه کوه نوردی فدراسیون یاد و خاطره مربیان فقید: زنده یادان «فرشاد خلیلی» و «اسماعیل متحیر پسند» را طی مراسم با شکوهی در کنار دیواره پل خواب گرامی داشت. این مراسم با حضور گرم و پر شور هموردان آن کوه نوردان و مربیان فقید برگزار شد.

آموزشی در راستای بالا بردن سطح علمی و فنی بانوان در بخش مربی گری، طراحی و ... ۵- تعیین سطوح اختیارات نواب رییس بانوان هیئت های کوهنوردی و صعودهای ورزشی استانها.

انتصاب در هیئت های خراسان شمالی و اصفهان

رئیس فدراسیون، طی احکام جداگانه ای «سید مجتبی غلافگر» را - بنا بر انتخابات و آرای مجمع استان - به عنوان رئیس هیئت اصفهان به مدت چهار سال و «حسین بهمنیار» را - بنا بر پیشنهاد مدیر کل تربیت بدنی استان - به عنوان سرپرست هیئت خراسان شمالی، به مدت سه ماه تا تشکیل مجمع منصوب کرد.

شرکت مسئولین فدراسیون در اجلاس جهانی کوه نوردی در «ایتالیا»

«محمود شعاعی» رئیس فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی کشورمان به همراه «محمدفهمی» دبیر کارگروه روابط بین الملل این فدراسیون، در اجلاس سالیانه اتحادیه جهانی کوه نوردی (UIAA) در «ایتالیا» حضور یافتند. این اجلاس ۵ روز به طول انجامید. خاطر نشان می شود: «محمود شعاعی» نایب رئیس اتحادیه کوه نوردی آسیا نیز می باشد.

گزارش صعود «عظیم قیچی ساز» به «نانگاپاربات» و تقدیر از وی

با همکاری فدراسیون: سه شنبه ۱۳ مهر ماه، در سالن شهید قندی «عظیم قیچی ساز» کوه نورد افتخارآفرین کشورمان، گزارش صعود موفقیت آمیز خود به قله ۸۱۲۵ متری نانگاپاربات را با ارائه ی عکس و فیلم به حاضرین ارائه کرد. در قسمت پایانی این گزارش و پس از بخش پرسش و پاسخ، از سوی فدراسیون و هیئت استان تهران و با حضور خانواده های هیمالیاتوردان فقید «سامان نعمتی» و «مهدی اعتماد فر» لوح تقدیر و هدایایی به «عظیم قیچی ساز» اهدا شد.

برپایی نمایشگاه عکس جشنواره «صعود به بام ایران در یک نگاه»

نمایشگاه عکس جشنواره ی «صعود به بام ایران در یک نگاه» پیش از گزارش برنامه «عظیم قیچی ساز» به

شیرودی برگزار و از دست اندرکاران این دوبرنامه تقدیر کرد.

دیدار استانی کارگروه صعودهای ورزشی؛ خراسان رضوی

به گزارش کارگروه صعودهای ورزشی: «مهدی داور پور» رئیس این کارگروه یکشنبه ۹ آبان ماه باسفر به مشهد مقدس و حضور در هیئت خراسان رضوی، با جامعه صعودهای ورزشی این استان اعم از مربیان، داوران، طراحان و سنگ نوردان دیدار و تبادل نظر به عمل آورد. گفتنی است: سفرها و بازدید های استانی این کارگروه به صورت متناوب تداوم خواهد داشت.

برگزاری مجمع فدراسیون و انتخاب دبیر، بازرس و خزانه دار

مجمع عمومی و سالیانه فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی روز پنج شنبه ۲۹ مهر ماه در محل سالن جلسات شهید هادیان استادیوم آزادی شهر کرمانشاه و مقارن با جشنواره سنگ نوردی بیستون برگزار شد. در این مجمع که مسئولین فدراسیون به همراه رؤسای هیئت های سراسر کشور و سایر اعضای مجمع حضور داشتند، ابتدا «محمود شعاعی» گزارشی اجمالی از عملکرد فدراسیون در سال ۸۸ و ۶ ماهه اول سال ۸۹ ارائه کرد و سپس رؤسای هیئت ها به بیان مسائل و مشکلات و درخواست های خود پرداختند. در ادامه جلسه با نظارت مسئول مجامع سازمان تربیت بدنی انتخابات مربوط به دبیر، بازرس و ذی حساب فدراسیون صورت گرفت و «صابری»، «کرمانشاهی» و «کریمی» به ترتیب به عنوان دبیر، بازرس و خزانه دار فدراسیون انتخاب شدند. بخش پایانی مجمع نیز به ارائه ی گزارش کار و برنامه های در دست اقدام کارگروه های فدراسیون اختصاص داشت.

محورهایی از هم اندیشی اولین همایش نواب رئیس بانوان

محورهایی از هم اندیشی نواب رئیس بانوان هیئت های سراسر کشور که مهر ماه گذشته در بلور برگزار شد: ۱- برگزاری مسابقات چهارگانه در بخش صعودهای ورزشی در استانهای همجوار و هر فصل در یک استان ۲- برگزاری همایش نواب رییس بانوان به صورت سالیانه ۳- فعال سازی کوهنوردی و صعود های ورزشی در سطح جامعه ۴- برگزاری دوره های

«سید مجتبی غلافگر»**بار دیگر رئیس هیئت اصفهان شد**

در جریان برگزاری مجمع و انتخابات هیئت کوه نوردی و صعودهای ورزشی استان اصفهان؛ «سید مجتبی غلافگر» بار دیگر به عنوان رئیس این هیئت انتخاب شد. در این مجمع که با حضور مهندس «محمود شعاعی» رئیس فدراسیون همراه بود؛ از بین ۳ کاندیدا - که یک نفر انصراف داد - در نهایت «غلافگر» با کسب ۱۳ رأی از ۱۹ رأی مأخوذه به مدت چهار سال به عنوان رئیس هیئت استان اصفهان انتخاب شد.

برگزاری دوره مربیگری**درجه ۳ ملی کوه پیمایی**

کارگروه کوه پیمایی فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی دوره مربیگری درجه ۳ ملی کوه پیمایی آقایان را از سوم مهر ماه لغایت هشت مهر ماه سالجاری در مجتمع کوهستانی رودبارک برگزار کرد. در این دوره بالغ بر ۵۰ نفر از پذیرفته شدگان در آزمون ورودی شرکت داشتند که پس از گذراندن آموزش ها و احراز شرایط لازم به کسب عنوان مربی درجه سه ملی کوه پیمایی نائل شدند.

تبریک و تقدیر کمیته ملی المپیک از**افتخار آفرینی تیم ملی سنگ نوردی**

بهرام افشار زاده دبیرکل کمیته ملی المپیک طی مکتوبی خطاب به رئیس فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی، ضمن ارج نهادن به زحمات وی و دیگر دست اندرکاران فدراسیون، کسب مدال های ارزنده توسط ملی پوشان غیور و پرتلاش تیم ملی سنگ نوردی را از رقابت های قهرمانی آسیا تبریک گفت. وی اظهار امیدواری کرده است، در آینده شاهد کسب افتخارات بیشتری در این عرصه باشیم.

سایت فدراسیون «کوه نوردی و صعودهای**ورزشی» برگزیده شد**

در جریان برگزاری چهارمین نشست ماهیانه مدیران روابط عمومی فدراسیون های ورزشی، سایت اینترنتی

فدراسیون کوه نوردی و صعودهای ورزشی در گروه خود به مقام اول و برگزیده دست یافت و به همین جهت کارگروه روابط عمومی فدراسیون مفتخر به دریافت لوح تقدیر گردید. در این نشست که در خانه تکواندو با حضور نیکی سرپرست اداره کل روابط عمومی سازمان تربیت بدنی و مدیران روابط عمومی های فدراسیونهای ورزشی برگزار شد، سایت های برتر گروه های پنجگانه ۵۰ فدراسیون ورزشی شامل کوه نوردی و صعودهای ورزشی، وزنه برداری، قایقرانی، تیراندازی و اسکواش بر اساس مؤلفه های مختلفی از جمله روزآمدی و اطلاع رسانی به هنگام، برگزیده و تقدیر شدند.

برگزاری آزمون ورودی مربیگری**غار نوردی در مقطع درجه سه ملی**

پیرو اعلام قبلی مبنی بر برگزاری آزمون ورودی مربیگری غارنوردی در مقطع درجه ۳ کشوری، از تاریخ 20 آبان لغایت ۲۱ آبان اردوی فوق در قرارگاه فدراسیون کوه نوردی در پلور به اجرا درآمد. هدف از برگزاری آزمون، ارزیابی و تعیین سطح آمادگی متقاضیانی بود که در سالهای قبل دوره های پیشرفته را طی نموده بودند و در آینده نزدیک در دوره مربیگری درجه ۳ شرکت می نمایند. بدین منظور از شب ۱۹ آبان کادر برگزاری شروع به آماده سازی مسیرها روی دیواره مصنوعی قرارگاه نمودند و کلیه روشها و تکنیکهای SRT شامل: عبور از انحراف (Deviation)، عبور از لوبها، تیروول + / -، تراورس، صعود و فرود مرحله ای، مسیریابی، طناب ریزی، روشهای خود امدادی، آزادسازی و انتقال مجروح در حالت های صعود و فرود، تکنیکهای پاندول اسپانیا و ده ها روش فرا گرفته در دوره های قبلی ترکیب شد و آزمون بعمل آمد. همچنین جهت سنجش اطلاعات پایه و عمومی غارنوردی از شرکت کنندگان امتحان کتبی شامل بر ۴۲ سوال طراحی گردید و شرکت کنندگان در زمان ۲ ساعت این امتحان را نیز با موفقیت به پایان رساندند.

شرکت کنندگان: مجید اسکندری، علی ولی زاده، حمید خاندی / باشگاه آفاق کرگان تالپی، اصفری، اربابی، دایسند / خانه کوهنوردان تهران؛ کتبی، خداداد شرق، علایی پور / کادر برگزاری: کامران جابراصفاری مدرس و سرپرست اردو - وحید معدری واحد آموزش، مدرس - کامران اندامی مدرس - فرشید امین لیا روابط عمومی و همکاران

درخشش بی سابقه سنگ نوردان «ایران»**کسب دو مدال نقره و برنز «آسیا» در****«سرعت»**

به گزارش رسیده از رقابت های سنگ نوردی قهرمانی آسیا در رده سنی بزرگسالان که در «شنگ زی» کشور «چین» برگزار شد؛ دو سنگ نورد تیم ملی مردان ایران موفق به کسب دو نشان ارزشمند شدند. بنا بر این گزارش: در رشته ی سرعت و در بخش انفرادی: «امید شیخ بهایی» موفق به کسب مدال نقره ی آسیا شد و در همین رشته «محسن محمدی نژاد» مدال برنز آسیا را کسب کرد. شایان ذکر است این برای اولین بار بود که سنگ نوردان تیم ملی ایران، موفق به کسب این دو مدال در رشته ی «سرعت» و در رده ی سنی بزرگسالان در سطح قاره ی آسیا شده اند. از دیگر نتایج بدست آمده ی تیم ایران نیز می توان به کسب مقام چهارمی در رقابت های سرعت مختلط تیمی و هم چنین رده ی هفتم آسیا توسط «الناز رکابی» در «سرطناب» اشاره کرد.

گفتنی است: سه سنگ نورد دیگر ایران نیز که با شایستگی و تلاشی ارزنده به جمع فینالیست های رشته های مختلف در رقابت های سنگ نوردی قهرمانی آسیا (چین) راه یافته بودند، توانستند این جایگاه ها را به خود اختصاص دهند: «علی برات زاده» در جایگاه پنجم آسیا در رشته «بولدرینگ»، «داوود رکابی» در رده نهم آسیا در رشته «سرطناب» و «الناز رکابی» در رده هفتم آسیا در رشته «سرطناب» بانوان و نهم در «بولدرینگ».

شایان ذکر است: رقابتی نیز به صورت آزمایشی در رشته ای تحت عنوان «تمام مسیرها» برگزار گردید که «حمید رضا تونزدجانی» با توانایی خاص خود موفق شد در این بخش که شامل رقابت در مجموعه ای از رشته های سنگ نوردی داخل سالن بود، به مقام دوم و مدال نقره دست پیدا کند. در همین رشته «علی برات زاده» نیز به مدال برنز دست یافت و «الناز رکابی» در بخش بانوان هفتم شد.

قلل ۷ گانه

رضا زارعی

صعود سریع به قله ۷ گانه

اما چندی است صعود سریع به قله هفت گانه و در مدتی کمتر از یک سال در میان کوه نوردان باب شده. نخستین بار دانیل گریفیت کانادایی در مدت ۱۸۷ روز (با صعود کارستنز پیرامید) موفق به فتح هفت قله شد. کوهنورد هندی بابو مالی مستان در ۱۷۲ روز (با صعود کوسیوسکو) این زمان را بهبود بخشید و سومین صعود سریع به این قله توسط فردریک استرانگ در مدت ۱۹۱ روز (شامل هر دو قله کارستنز پیرامید و کوسیوسکو) صورت گرفت.

و البته در ماه جولای ۲۰۰۷ اریش لن مک کور کوه نورد ۳۷ ساله آمریکایی توانست در مدت ۱۵۶ روز نام خود را در صدر این فهرست قرار دهد. وی که تلاش خود را در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷ با صعود کوه وینسون در قطب جنوب آغاز نموده بود، در ۱۱ فوریه آکانکاگوا، ۳ مارس کلیمانجارو، ۱۶ مارس کارستنز پیرامید، ۱۶ می اورست، ۳۱ می البروز و ۳۰ جون کوه دنالی را صعود کرد. اینک باید منتظر بود و دید این رکورد چگونه شکسته خواهد شد و چه سبکهای دیگری برای صعود به این قله توسط کوه نوردان ابداع می شود؟! صعود هفت قله با دست، یا دنده عقب؟

هفت آتشفشان

اما از سال ۱۹۹۹ این نوع ماجراجویی به آتشفشانهای معروف و بلند ۷ قاره نیز سرایت نمود و امروزه سبکی در صعود به این قله پدید آمده که آنرا ۷ آتشفشان یا Volcanic Seven Summits می خوانند و منظور فتح مرتفعترین آتشفشانهای ۷ قاره می باشد. اما نکته جالب قرار گرفتن نام کوه دماوند به عنوان مرتفعترین قله قاره آسیا در میان این قله است. شاید در آینده ای نه چندان دور شاهد هجوم علاقمندان به این سبک کوه نوردی در کشورمان هم باشیم.

با هم این قله را مرور می کنیم:

آمریکای جنوبی - اوجوز دل سالادو در مرز شیلی و آرژانتین - ۶۸۹۳ متر ارتفاع و برجستگی ۳۷۰۰ متر - قله دوم: پیسیس ۶۷۹۵ متر. آفریقا - کلیمانجارو در تانزانیا - ۵۸۹۵ متر و برجستگی ۵۸۸۵ متر - قله دوم: کوه کنیا ۵۱۹۹ متر. اروپا - البروز در قفقاز روسیه - ۵۶۴۲ متر و برجستگی ۴۷۴۱ متر - قله دوم: کازبک ۵۰۴۷ متر. آمریکای شمالی - اورازایا در مکزیک - ۵۶۳۶ متر و برجستگی ۴۹۲۲ متر - پوپوکاتپتل ۵۴۲۶ متر. آسیا - دماوند در ایران - ۵۶۱۰ متر و برجستگی ۴۶۶۷ متر - آرات ۵۱۳۷ متر. اقیانوسیه - گیلو در استرالیا - ۴۳۶۸ متر و برجستگی ۲۴۸۸ متر - هاگن ۳۷۷۸ متر. قاره جنوبگان - سیدلی در قطب جنوب - ۴۲۸۵ متر و برجستگی ۲۵۱۷ متر - اربوی ۳۷۹۴ متر در جزیره روز. ■

اگر چه صعود به بلندترین قله قاره های ۷ گانه دنیا جزو برترین فعالیتهای کوه نوردی به شمار نمی آید، اما فعالیتی است که توانسته طی سالهای اخیر ماجرجویان و گردشگران زیادی را که عمدتاً در عرصه کوه نوردی فنی جایی ندارند به سوی خود جلب نماید

در حالی که تنها ۲۲ کوه نورد در دنیا توانسته اند بر فراز هر چهارده قله بالای هشت هزار متر دنیا بایستند، اما آمار فاتحان هفت قله به بیش از یکصد نفر می رسد. البته در میان ایشان نامدارانی چون راینولد مسنر ایتالیایی - نخستین فاتح تمامی قله هشت هزار متر دنیا و دومین فاتح ۷ قله - و همینطور پارک یانگ سوک کره ای - هشتمین فاتح قله هشت هزار متری و نخستین فاتح گراند اسلم کوه نوردی (صعود به ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری و پیمایش قطب شمال و جنوب را گراند اسلم کوهنوردی می گویند) - هم به چشم می خورد.

در میان ۷ قله تنها اورست در هوای رقیق و ارتفاع بیش از هشت هزار متر قرار دارد و در کنار آن دنالی در آلاسکا نیز از شرایط سرما و برف زیادی برخوردار است و سایر قله همچون کلیمانجارو گله تا حد قله راه پیمایی می باشند. با این حال شرکتیهای بزرگ تجاری کوه نوردان و گردشگران را برای صعود به این قله تحت پوشش خود قرار داده اند و حتی شرکتیهای هستند که کلیه تمرکز خود را برای دادن خدمات به علاقمندان صعود به هفت قله در طول یک سال قرار داده اند اما نخستین بار این پت موروی کانادایی بود که در هشت می سال هشتاد و شش و تنها چند ماه پیش از راینولد مسنر ایتالیایی نام خود را به عنوان نخستین فاتح هفت قله ثبت نمود. با آغاز دهه نود صعود به این قله روند چشمگیری را به خود گرفت و تاکنون حدود یکصد و بیست نفر به این موفقیت نائل آمده اند

قلل ۷ گانه کدامند؟

اورست - ۸۸۴۸ متر - نپال / آسیا

آکونکاگوا - ۶۹۶۲ متر - آرژانتین / آمریکای جنوبی

دنالی - ۶۱۹۵ متر - آلاسکا / آمریکای شمالی

کلیمانجارو - ۵۹۶۳ متر - تانزانیا / آفریقا

البروس - ۵۶۳۳ متر - روسیه / اروپا

کوه وینسون - ۴۸۹۷ متر - رشته کوه السورث / قطب جنوب

کارستنز پیرامید - ۴۸۸۸ متر - اندونزی / اقیانوسیه - گروهی معتقدند بلندترین قله بخش جنوبی نیمکره شرقی و قاره اقیانوسیه کوسیوسکو ۲۲۲۸ متر می باشد و گروهی کارستنز پیرامید را به عنوان بلندترین قله این محدوده به شمار می آورند. نخستین فاتحان ۷ قله به کوسیوسکو صعود نمودند، بعدها عده زیادی کارستنز پیرامید را صعود کردند و امروزه صعود کنندگان به این قله ترجیح می دهند برای دوری از هر شبهه ای به هر دو قله صعود نمایند

اخبار انجمن کوه نوردان



در این رویداد کردند. موضوع با فدراسیون کوه‌نوردی، اداره ی میراث فرهنگی کرمانشاه، جمعیت هلال احمر کرمانشاه، هیات کوه‌نوردی کرمانشاه در میان گذاشته شد و در فروردین ۸۹ در جلسه مشترکی که در کرمانشاه برگزار شد، مقدمات اجرای جشنواره فراهم شد.

جشنواره بیستون از ۲۵ تا ۳۰ مهر با کار مشترک سازمان‌های یاد شده، و همچنین کمک شرکت‌های کوه‌ویسی (نماینده پتزل) و آپامهر و همکاری سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، و سازمان صدا و سیما، در بیستون برگزار شد. در این جشنواره ۲۵ سنگ‌نورد از فرانسه، سوییس و اسلوانی به همراه حدود پنجاه سنگ‌نورد ایرانی به صعود روی دیواره و تبادل تجربه‌های سنگ‌نوردی پرداختند (کوه‌نوردانی از آمریکا و انگلستان هم خواهان حضور در جشنواره شده بودند که نتوانستند ویزای ورود به ایران را به موقع دریافت کنند)، و برای نخستین بار در تاریخ کوه‌نوردی ایران، شماری از برجسته‌ترین کوه‌نوردان جهان (از جمله: Prezelj Marko برنده جایزه "کلنگ طلایی" در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۷) در ایران حضور یافتند و بیش از ده مسیر و نیم مسیر در یک مدت کوتاه روی دیواره بلند بیستون باز شد. گزارش‌های مفصل و اخبار این برنامه را می‌توانید در تارنماهای انجمن، فدراسیون، کوه‌نیوز، و... ببینید.

آموزش زبان فرانسه: از بیش از دو سال پیش، انجمن با همکاری بخش فرهنگی سفارت فرانسه در تهران، و به منظور ارتقای مرادبه با کوه‌نوردان فرانسوی، اقدام به برگزاری کلاس‌های زبان فرانسه کرده است. این کلاس‌ها همچنان ادامه دارد و نقش قابل توجهی در تسهیل ارتباط‌های کوه‌نوردان ایرانی و خارجی داشته است.

گنجینه آثار کوه‌نوردی: همان گونه که پیش از این هم گفته ایم، انجمن اقدام به جمع‌آوری وسایل،

(تاسیس Club Alpine American The) (۱۹۰۹) ای میلی دریافت کردیم که در آن اظهار علاقه کرده بودند با کوه‌نوردان ایرانی یک برنامه "مبادله کوه‌نورد" اجرا کنند. به این ترتیب که تعدادی از کوه‌نوردان ایرانی به آمریکا بروند و برای ده روز در یک منطقه‌ی کوهستانی مهمان آن باشگاه باشند و متقابلاً تعدادی از کوه‌نوردان آمریکایی به ایران بیایند و در کوه مهمان ایرانی‌ها باشند. در شهریور ماه ۸۹ تیم نه نفره ایرانی به منطقه گراند تیتان (Teton Grand) که به آلپ‌های آمریکا معروف است، رفتند و در مدت ده روز توانستند چند قله و دیواره را صعود کنند و چند برنامه کوه‌پیمایی هم داشته باشند. گزارش مفصل این برنامه را می‌توانید در تارنمای انجمن ببینید.

جشنواره جهانی سنگ‌نوردی بیستون؛

انجمن از سال ۸۶ تماس‌هایی را با سازمان پر اعتبار "گروه کوهستان بلند" (GHM) که در فرانسه مستقر است و از برترین کوه‌نوردان جهان عضو می‌گیرد، برقرار کرد. نتیجه این تماس‌ها، برقراری دو "اردوی سنگ‌نوردی برتر" با کمک فرانسوی‌ها در سال‌های ۸۶ و ۸۸ (پل خواب و سنگسر) سه دوره حضور یخ‌نوردان ایرانی در جشنواره یخ‌نوردی اکرن (فرانسه) و اجرای چند برنامه کوه‌نوردی در آلپ‌ها بود. در آذر ماه ۸۸ پس از اردوی سنگسر، فرانسوا برنار (Bernard Francois) و آنتوان کایرول (Cayrole Antoine) به همراه چند نفر از اعضای انجمن به بیستون رفتند و صعودهایی را روی دیواره انجام دادند. در این برنامه، فکر برگزاری یک جشنواره جهانی پا گرفت و سپس با پی‌گیری‌های فرانسوا برنار در سطح اروپا و همچنین تلاش‌های انجمن که به‌طور عمده توسط ابراهیم نوتاش صورت گرفت، شمار در خور توجهی از برترین کوه‌نوردان مطرح جهان اعلام آمادگی برای حضور

نشست‌های ماهانه؛ این نشست‌ها، مطابق

معمول، در چهارشنبه‌های آخر هر ماه برگزار شد و در آبان ماه، نود و سومین نشست تهران را داشتیم. علاقه‌مندان می‌توانند گزارش این جلسه‌ها را در تارنمای انجمن ببینند.

شرکت در نمایشگاه کتاب کوه‌شامونی؛

بیستمین دوره این نمایشگاه از ۱۴ تا ۱۷ مرداد ماه در شهر پاسی (Passy) در منطقه‌ی شامونی فرانسه که از مهم‌ترین شهرهای مبدا کوه‌نوردی جهان است، برگزار شد. انجمن، برای معرفی کوه‌ها و کوه‌نوردی ایران اقدام به چاپ چند بروشور به زبان‌های فارسی و فرانسه و انگلیسی درباره‌ی دماوند، علم کوه، سیلان، اشترانکوه، و رشته کوه‌های البرز و زاگرس کرد تا آن‌ها را در نمایشگاه یاد شده ارایه کند. همچنین کتاب‌ها و نشریه‌هایی از فدراسیون کوه‌نوردی و دیگران تهیه و توسط عباس ثابتیان، عضو هیات مدیره و مسؤل روابط عمومی انجمن به نمایشگاه برده شد. این، نخستین حضور ایران در این نمایشگاه بود.

دفترهای نمایندگی جدید؛ در شهرهای خرم‌آباد،

سمیرم، سنقر، آمل، و شاهرود دفترهای انجمن آغاز به فعالیت کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر لطفاً با دفتر مرکزی تماس بگیرید.

دوره‌های آموزشی؛ در چند ماه گذشته، دفترهای

انجمن در بروجرد، ساری، سمنان، و تهران اقدام به برگزاری یا شرکت در دوره‌های آموزشی نقشه‌خوانی و کار با جی‌پی‌اس، حفاظت کوهستان، ایمنی در کوهستان، پزشکی کوهستان، و غارپیمایی کرده‌اند.

برنامه "مبادله کوه‌نورد" با آمریکان آلباین

کلاب؛ در اواخر سال ۸۷ از باشگاه کوه‌نوردی آمریکا

تربیت بدنی مازندان به خاطر انصراف از اجرای برنامه‌ی یاد شده سپاسگزاری می‌کند.

مخالفت با ایجاد راه پاکوب در دماوند؛

کوهنوردان با سابقه کشور، شروع به کشیدن راهی از پناهگاه غربی دماوند به سوی پناهگاه جنوبی کردند. شماری از کوه نوردان و اهالی منطقه، به مخالفت با این کار پرداختند و موضوع را به دیگران و به سازمان حفاظت محیط زیست گزارش کردند. این قضیه به سرعت در مطبوعات و وبلاگ‌های زیست محیطی و کوه نوردی بازتاب یافت و مورد مخالفت بیشتر کوه نوردان و طبیعت دوستان قرار گرفت. فدراسیون کوه نوردی و انجمن کوه نوردان هم به شدت با این کار مخالفت کردند.

در اواخر آبان ماه مجمع عمومی سالیانه انجمن کوه‌نوردان برگزار و افراد زیر به عنوان هیات مدیره جدید انتخاب شدند.

۱- خانم فاطمه زندحیبی ۲- خانم لطیفه بقراط ۳- آقایان: عباس ثابتیان، محمدتقی بهره‌ور، دکتر ابوالفضل جوادی، افشین یوسفی، عرفان فکری و همچنین «رضا میرزایی» (بازرس)

با عضویت در انجمن کوه نوردان ایران و تشکیل دفترهای نمایندگی در شهرهای مختلف، به شکل‌گیری هرچه بهتر و تقویت نهاد صنفی و مردم نهاد جامعه کوه‌نوردی یاری رسانید. ■

دفتر مرکزی: تهران - خیابان انقلاب، جنب لاله زار، شماره ۵۰،

واحد ۱۲. کد پستی: ۱۱۴۵۷۷۴۴۴

تلفن: ۶۶۷۱۲۲۴۳ شماره: ۶۶۷۱۲۲۴۱

ای‌میل: info@alpineclub.ir

تارنما: www.alpineclub.ir

وبلاگ دیده‌بان کوهستان:

www.mountainwatch.persianblog.ir

تارنمای پاکوب (فشننامه آزاد کوه نوردی) www.pakoob.com

تارنمای کوه چاه (شعر و ادب کوهستان) www.koohchame.com

ضروری در «گردشگری مسولانه» پرداختیم. پوشش خبری این مجموعه فعالیت‌ها از سوی صدا و سیما و مطبوعات و خبرگزاری‌ها، سبب شد که مسایل مربوط به حفاظت محیط زیست و مشکلات منطقه‌ی دماوند تا حد زیادی در سطح جامعه طرح شود.

گروه کوه نوردی سایپا، موسسه‌ی کوهستان سبز، انجمن دوستداران دماوند، انجمن کوه نوردی دانشجویان دانشگاه تهران، و گروه کوه نوردی شرکت دخانیات، از جمله همکاران ما در این سال بودند.

جشن روز ملی دماوند؛ امسال برای پنجمین سال

پیاپی، در نزدیک‌ترین جمعه به سیزدهم تیر که در تقویم باستانی ایران روز جشن تیرگان بوده است، جشن و همایش «روز ملی دماوند» در شهر رینه برگزار شد.

پاک سازی مسیرهای شمالی و جنوبی

دماوند؛ گروه کوه‌نوردی پارس شمیران با همکاری انجمن کوه نوردان، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ مرداد اقدام به پاک سازی مسیر شمالی دماوند (مسیر جان پناهها) گرد و توانست حدود چهل گونی زباله‌ها شده در مسیر (تا ارتفاع ۵۰۰۰ متر) را جمع آوری کند و به شهر رودهن ببرد.

در روز ۱۴ مرداد نیز دفتر نمایندگی انجمن در آمل و شماری از اعضای انجمن دوستداران دماوند، مقدار زیادی از زباله‌های رها شده در مسیر جنوبی دماوند را جمع آوری کردند.

دماوند، نماد سرزمین ایران است؛ از به جا گذاشتن پسماندها در این کوه پرهیزیم و در هر برنامه خود، بخشی از زباله‌های به جا مانده از دیگران را به پایین برسانیم.

لغو برنامه کوه پیمایی ده هزار نفره؛

نامه‌نگاری‌ها، کار رسانه‌ای، و امضای تومار از سوی دوستداران محیط زیست کوهستان، موجب شد که تربیت بدنی مازندان از اجرای برنامه‌ای که گویا قرار بود با جمعیتی ده هزار نفره در نیمه مرداد در دماوند برگزار شود، لغو گردد. دیده بان کوهستان که یکی از سازمان‌های مخالف این گونه برنامه‌های جمعیتی است، به سهم خود از

کتاب‌ها، پوشاک، دست نوشته‌ها، عکس‌ها و دیگر آثار قدیمی یا دارای ارزش خاص که مربوط به کوه نوردی باشد، کرده است. تا کنون اقلام زیادی گردآوری شده و در تماس‌هایی که با بعضی سازمان‌ها و نهادهای داشته ایم، پیشنهاد داده ایم که فضای مناسبی را به گنجینه (موزه) دایمی کوه نوردی اختصاص دهند.

از همه پیش‌کسوتان کوه نوردی و دیگر علاقمندان درخواست داریم، به منظور حفظ میراث‌ها و یادگارهای کوه نوردی ایران، اقلام قدیمی و با ارزشی را که در اختیار دارند به انجمن کوه نوردان ایران اهدا کنند تا به نام خودشان ثبت و در گنجینه آثار نگهداری شود. برای اطلاع بیشتر لطفاً با دفتر انجمن یا آقای بهرام ذوالفقاری (۰۹۱۲۵۸۵۵۸۰۲)، مدیر گنجینه تماس بگیرید.

دیده بان کوهستان

روز ملی مبارزه با سد سازی؛ ۲۹ اردیبهشت

۱۳۸۷ نخستین همایش برای معرفی «روز جهانی رویارویی با سدها» که ۱۴ مارس برابر با ۲۴ اسفند است، در تهران برگزار شد. دیده بان کوهستان، به دلیل اثر بسیار مخرب سد سازی بر محیط‌های کوهستانی، یکی از سازمان‌های فعال در این عرصه بوده است.

روز ملی علم کوه؛ ۲۱ خرداد ۱۳۸۱ سازمان

حفاظت محیط زیست، منطقه علم کوه و تخت سلیمان و سیاه کمان را از ارتفاع تقریبی ۳۸۰۰ متر به بالا، به عنوان «اثر طبیعی ملی» در فهرست منطقه‌های حفاظت شده ثبت کرد. امسال، به پیشنهاد نمایندگی انجمن در کلاردشت، تصمیم گرفتیم که روز ۲۱ خرداد را به عنوان «روز ملی علم کوه» اعلام کنیم.

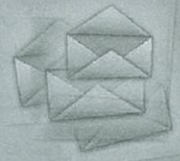
نگاهبانی دماوند؛ طبق روال شش سال گذشته، در

فاصله ۱۵ خرداد (روز جهانی محیط زیست) تا ۱۳ تیر (روز ملی دماوند) در تمام روزهای تعطیل در جاده پلور - رینه به ویژه در دشت خومه (یا دشت شقایق)، به کار آموزش چهره به چهره محیط زیست و گوشزد ساختن نکته‌های

فروشگاه اینترنتی لوازم کوه‌نوردی و ورزشی

www.AlvarsSport.ir





از میان نامه‌های رسیده

هر کوه‌نورد یک درخت

در تمامی برنامه‌های کوه‌نوردی بحث جمع‌آوری زباله‌ها همواره مورد نظر گروه‌های کوه‌نوردی بوده و هست. همواره در فصل‌نامه کوه مطالبی را در ارتباط با پاکسازی و پاکیزگی محیط کوهستان در برنامه‌های کوه‌نوردی تاکید بسیار شده است. اما کمتر مطلبی را در خصوص نحوه حفظ پوشش گیاهی مناطق پر رفت و آمد کوهستانی در جایی خوانده‌ایم و یا شنیده‌ایم. روز ۱۵ اسفند ماه هر سال معمولاً به عنوان روز درختکاری نام گرفته است که عمدتاً این امر در شهرها جامه عمل می‌پوشد. حال با کمی دقت نظری توان از انرژی پتانسیل نهفته در میان گروه‌های کوه‌نوردی و جامعه کوه‌نوردی در خصوص افزایش پوشش گیاهی مناطق کوهستانی پر رفت و آمد استفاده کرد. می‌توان روز درختکاری را در میان کوه‌نوردان با طرح این عبارت (هر کوه‌نورد یک درخت) جامه عمل پوشاند. اگر هر کوه‌نوردی در طول سالیان کوه‌نوردی خود هر ساله یک اصله نهال درخت متناسب با آب و هوای مناطق کوهستانی اطراف محل سکونت که معمولاً بیشتر در آن به کوه‌نوردی می‌پردازند بکار، در طول چندین سال می‌توان در کنار برکه‌ها و جویبارها در دامنه کوهستان‌های ایران شاهد رشد درختانی باشید که با همکاری و همیاری و همت والای کوه‌نوردان کاشته شده است و این امر میسر نخواهد بود مگر حمایت و اطلاع رسانی متولیان کوه‌نوردی (فدراسیون کوه‌نوردی و سازمان‌ها و تشکیلات مرتبط با آن) و به‌خصوص دیده‌بان کوهستان. پس بیایید با کاشت یک اصله نهال در هر سال رسالت خود را جامه عمل پوشانیم که فردا دیر است.

* سیدعلی معافی مدنی

افسوس پس از افسوس

نمی‌دانم چه بگویم که حقیقت وجودیم را بر زبان آورده باشم. آیا انسان به آیتدگان می‌اندیشد یا خیر؟ مسئولین چه زمانی می‌خواهند نیاز انسان به طبیعت را احساس کنند؟ تا کی می‌خواهند روح انسان‌های طبیعت پرست را آزرده خاطر کنند؟! آیا ما مسئولیتی نسبت به آیتدگان نداریم؟ در آینده فرزندانمان با کدامین طبیعت خستگی روزمره را از تن بزدایند؟ آیا احداث یک کمربندی (کمربندی تنکابن - رامسر) باید به قیمت نابودی یک منطقه از محیط زیست تمام شود. خسارتی که غیر قابل جبران است و مسیر عبوری روستاییان را با حادثه ریزش سنگ مواجه کرده است، که با خاکریزی درون رودخانه به احداث جاده پرداختند.

اگر در انجام عملیات راه‌سازی و ... از کارشناسان استفاده شود که در کشور هم کم نیستند دیگر شاهد این حوادث نخواهیم بود. حتی روستاییان این منطقه به امکان ریزش کوه بعد از این خاکبرداری عظیم واقف بودند و شکایاتی را انجام دادند ولی به آنها توجهی نشد. این ریزش عظیم حتی امکان تجمع حجم زیادی آب و ایجاد سیلی در منطقه را داشت. حال با احداث پل موقت (غیر استاندارد) در حال بازگشایی مسیری ایمن برای مردم هستند!

خاکبرداری بیش از حد برای احداث کمربندی، تاسیس کارخانه شن و ماسه از عوامل بسیار مهم در تخریب منطقه سه هزار است. شما چه احساسی پیدا می‌کنید وقتی به محل دفع زباله تنکابن می‌روید و با طبیعتی بکر و زیبا روبرو می‌شوید که به علت دفع غیر بهداشتی زباله بوی تعفن و وجود حشرات فراوان شما را آزرده خاطر کند، البته ناگفته نماند با احداث کارخانه کمپوسیت معضل این منطقه رو به کاهش است ولی چرا اینقدر دیر ...

ریزش قسمتی از کوه مربوط به منطقه خانیان سه‌هزار می‌باشد.

* امان الله بهنیا (بجنورد)

درد دل یا حرف دل

آقای فرح بخش.

بفرمایید اینجا هستیم.

سلام

سلام، بفرمایید، در خدمتم.

آقای فرح بخش با کسی هماهنگی کردید.

برای چی؟ موضوع چیه؟

عرض کردم برای اقامت و ورود به اینجا با کسی هماهنگی کردید؟

باید هماهنگی می‌کردم؟

بله. اینجا رزرو شده و ظرفیت تکمیل شده.

رزرو شده! مگه اینجا رو هم می‌شه رزرو کرد. تا به حال که اینجوری نبوده.

ما هم که توی حیاط و روی زمین کنار ماشین یه جایی جور کردیم و به حداقل

جای اینجا راضی شدیم که یه استراحتی کنیم و فردا ساعت ۵ صبح هم از اینجا

خارج می‌شیم و صعود می‌کنیم.

من شرمندم، اینجا رزرو شده و مدیریت هم عوض شده!

سرتون را درد نمی‌آورم این بخشی از صحبت‌های تیم ما و مسئولین جدید خانه کوهنورد سی سخت است که به علت عدم هماهنگی جهت ورود به این محل که تا قبل از این چنین تشریفات نداشت مانع از اقامت ما حتی در محیط خانه کوهنورد شدند. ما هم تصمیم گرفتیم شب را همچون مسافران و گردشگران در پارک بگذرانیم تا خودمان باور کنیم که: کوهنوردیم و عاشق طبیعت. به راستی مشکل از کجاست؟ مشکل از کوهنوردان است؟ مشکل از اداره تربیت بدنی است که این مکان را در اختیار پیمانکار قرار داده است؟ مشکل از عدم نظارت فدراسیون کوهنوردی است؟

این محل که شامل ۲ اتاق و یک آشپزخانه کوچک و سرویس بهداشتی است* هزینه اقامت هر نفر برای یک شب ۲۰۰۰۰ ریال و هزینه پارک نمودن ماشین در محوطه نیز مبلغ ۲۰۰۰۰ است و هزینه راهنمای منطقه ۴۰۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

آیا صحیح است که این محل را که همیشه میزبان کوهنوردانی بوده که فقط عشق به کوه و دنا آنها را به این محل کشانده. منبع کسب درآمد پیمانکاران نماییم و مقید به هیچ منش و اخلاقی و احترامی برای پیشکسوتان، مربیان و حتی افرادی که ابتدای این راه هستند نباشیم.

آیا برای کوهنوردی که سرمای زمستان و گرمای تابستان خانه کوچک خود را بر دوش حمل می‌کند و روی برف و سنگ و خاروخاشاک بیابان خانه خود را بنا

من با کسی هماهنگی نکردم و اطلاعی از این موضوع هماهنگی نداشتم، حالا باید چی کار کنیم؟

اینجا که خودتان می‌بینید جا نداریم.

من هم از شما اتاق نخواستم همین جایی که هستیم هم مشکلی نداریم و شب رو می‌گذرونیم، فردا هم باید برویم توی منطقه برای صعود.

من نمی‌دانم، شرمنده!!

شما شرمنده نمی‌شوید اگر تیم رو بیرم توی بلوار و پارک و خیابان و شب رو اونجا بخوابند، اما شرمنده‌اید از اینکه توی حیاط اینجا که اسمش هست خانه کوهنورد بخوابیم!

آقای فرح بخش از ما ناراحت نشوید شما وارد یک محیط دولتی شده‌اید باید از قبل هماهنگی می‌کردید تا ما هم با محیط بانی هماهنگ کنیم و حداقل بدانیم شما کوهنورد هستید و یا شکارچی!!! ما هم اینجا مسؤلیم.

اگر مشکلاتان با کوهنورد بودن ماست که مشکلی نیست من مدارکم همراهم است، این هم کارت ملی مربیان کوهنوردی. ولی هیچ جای کشور اینجوری نیست که شما دارید اینجوری سخت‌گیری می‌کنید.

شاید اگر شما به هیات‌های استان‌های اطراف نامه یا فاکس می‌فرستادید و موضوع هماهنگی جهت ورود و اقامت را اطلاع می‌دادید این مشکلات گریبان‌گیر تیم از راه رسیده و خسته نمی‌شد.

فرم اشتراک

همنورد گرامی توجه فرمایید:

نظر به اینکه تعدادی از حواله‌های واريز شده به حساب مجله فاقد نام پرداخت کننده است و یا آدرس آنها به دست ما نرسیده است لذا ارسال مجله برای آنها مقدور نبوده است. لطفا کسانی که وجهی پرداخت کرده‌اند (از ابتدای انتشار مجله تاکنون) و مجله دریافت نکرده‌اند با دفتر مجله تماس بگیرند.

در صورتی که مایلید فصل نامه کوه را مشترک شوید، خواهشمندیم به نکات زیر توجه فرمایید:

- ۱- حق اشتراک یکساله فصل نامه کوه (۴ شماره در سال) در داخل ایران با پست عادی ۹۵۰۰۰ ریال و پست سفارشی ۱۱۰۰۰۰ ریال و خارج از کشور با پست هوایی ۳۵۰۰۰۰ ریال است که این مبلغ باید به حساب سپهر (+۱۰۰۲۶۲۴۷۴۰۰۰) بانک صادرات به نام فصلنامه کوه (قابل پرداخت در کلیه شعب) واريز گردد. (لطفا به بانک تاکید فرمایید که درج نام فرستنده ضروری است) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۹۶۱۵/۹۳۸ فصل نامه کوه ارسال فرمایید.
- ۲- کپی فیش بانک را تا زمان دریافت نخستین شماره مجله نزد خود نگاه دارید.
- ۳- از فرستادن وجه نقد، چک، پست مالی بابت حق اشتراک، جدا خودداری فرمایید.
- ۴- هر گونه تغییر در نشانی را سریعاً به دفتر مجله اعلام فرمایید.
- ۵- دوره‌های صحافی شده فصلنامه ۱-۸، ۱-۱۶، ۹-۲۴، ۱۷-۳۲، ۲۵-۴۰، ۳۳-۴۸، ۴۱-۵۲، ۴۹-۵۶، ۵۳-۵۶ موجود می‌باشد.

نام و نام خانوادگی:..... شغل:..... تلفن:.....

نشانی:

کدپستی:..... صندوق پستی:..... طی فیش بانکی شماره:..... به

مبلغ:..... درخواست از شماره:..... تا:..... مورخه:..... کد اشتراک قبلی:.....

مشترک محترم: در صورتی که پس از ۲۰ روز از آغاز فصل، مجله به دست شما نرسید لطفا اطلاع دهید تا مجدداً ارسال شود.

فتوکپی فرم ارسالی مورد قبول است. لطفاً فقط برای یک سال وجه اشتراک واريز نمایید.

می‌کند و با عشق به طبیعت مونس شب‌های کوه و دشت و کویر می‌شود سخت است شب را در بلوار و خیابان و پارک همچون مسافران و گردشگران بگذراند؟ آیا کوه‌نوردی که کار و زندگی خود را رها کرده با کوله پشتی خود از محل سکونتش به عشق کوه سفر نموده این‌قدر برای ما ارزش ندارد که حتی در محوطه خانه کوه‌نورد یا اداره تربیت بدنی یا هر مکان دولتی دیگر شب را به صبح برساند؟

شاید هم توقع ما زیاد است!!

حال چاره چیست؟

خودتان قضاوت کنید ...!!!

کاش می‌دانستیم کوه‌نورد و ورزش کوه‌نوردی که هیچ رقابت، مسابقه و مدالی برای آن تعریف نشده در اداره تربیت بدنی چه جایگاهی دارد؟

* حمیدرضا فرح بخش (هیأت کوه‌نوردی شهرستان بهبهان)

احتراما در صفحه ۱۱۱ نشریه شماره ۶۰ (از میان نامه‌های رسیده) نامه هم‌نوردی گرامی آقای جلال کپول (جلال کپوری) از همدان در نقد همایش کوه‌نوردی بروجرد که در روزهای ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت برگزار شد، درج گردیده که نیازمند توضیحاتی است تا از تشویش اذهان خوانندگان جلوگیری شده و اشتباهات آشکار نگارنده نیز، گوشزد شود.

۱ - اردوگاه در نظر گرفته شده برای اسکان میهمانان، تنها «به صورت چادر ...» نبود، بلکه تعداد هشت اتاق مجهز به تخت و بخاری با ظرفیت حدود یکصد نفر نیز مورد استفاده قرار گرفته و چادرها برای جبران کمبود جا برپا شده بود و این اتاق‌ها تا پایان همایش و بازگشت تمامی صعودکنندگان، جهت استراحت و تعویض و خشک کردن لباس‌ها و سپس عزیمت به شهرهای خود در اختیار کوه‌نوردان قرار داشت.

۲ - در مورد «سخنرانی طولانی و خسته کننده ...» مراسم افتتاحیه حق با ایشان است و این توضیح لازم است که برنامه ما برای مراسم افتتاحیه برنامه‌ای متنوع و مفرح بود که بنا به دلایلی ناچار به تغییر آنها شدیم.

۳ - منظور نگارنده را از «گروه ۳۳ نفره ما برای مسیر میش پرور ...» متوجه نشدیم زیرا اگر منظور ایشان همه افراد تیم صعود کننده به میش پرور است که این تعداد بالغ بر هشتاد نفر بوده‌اند و چنانچه منظورشان افراد شرکت کننده از گروه زاگرس همدان است که ایشان نیز همراه آنها بوده‌اند. طبق آمار پذیرش ما این تیم از جمله نگارنده نامه مذکور تنها چهار نفر بوده‌اند.

۴ - در مورد وضع هوا و بارندگی روز صعود باید به اطلاع نگارنده محترم برسانیم که زمان اجرای همایش از چند ماه قبل تعیین و برنامه ریزی شده بود، به گونه‌ای که ما از هشتم فروردین ماه دعوت‌نامه‌های خود را برای شهرهای مختلف ارسال کرده بودیم و تا روزهای قبل از صعود نیز که گزارشات هواشناسی را دنبال می‌کردیم هیچ خبری از احتمال بارندگی گزارش نشده بود و این اتفاق کاملا غافل گیر کننده بود.

۵ - همانطور که ایشان اشاره کرده‌اند در بازگشت، چادرهای محوطه اردوگاه جمع‌آوری شده بود زیرا نیازی به وجود آنها نبود و برای اسکان موقت میهمانان، اتاقها کاملا مهیا بود. همچنین سالن اجتماعات و نمازخانه بزرگ و فرش شده اردوگاه نیز آماده بهره‌برداری و استفاده بود. ضمناً چند نفر از مسئولین هیأت کوه‌نوردی از جمله اینجانب تا بدرقه آخرین نفر، در اردوگاه مستقر بوده و با پذیرایی به وسیله چای و راهنمایی‌های مورد نیاز کوه‌نوردان میهمان، به انجام وظیفه مشغول بودیم.

۶ - با اینکه در دعوت‌نامه ارسالی اعلام کرده بودیم که وسیله نقلیه از اردوگاه تا روستای ونایی و بالعکس به عهده هیأت کوه‌نوردی بروجرد است، اما برای میهمانانی که وسیله‌ای برای بازگشت به ترمینالهای مسافربری نداشتند، از جمله هم‌نوردانی از تهران، اصفهان و ... اتومبیل‌های آژانس روستای فیال مهیا گردید.

* محمد اسماعیل ابلاغیان (دبیر هیأت کوه‌نوردی بروجرد)

با تشکر از هم‌نوردان زیر مطالب شما به دستمان رسید:

گروه چکاد رشت، رامین مجدزاده (خراسان شمالی)، امان الله بهنیا (بجنورد)، مسعود بنیادی، گروه بانوان بامداد بروجرد و آقای اقبال خزدوزی (سنندج)، در آینده‌ای نزدیک در مورد معرفی ۷ قله منفرد جهان مطالبی چاپ خواهیم کرد.

کتاب تاریخ کوه‌نوردی کارگران ایران

چون در نظر است تاریخچه فعالیت‌های کوه‌نوردی کارگران کشور گردآوری شود و این امر بدون مدارک و شواهد معتبر امکان‌پذیر نیست لذا از کلیه فعالین و علاقمندان کوه‌نوردی کارگری که مایل به همکاری هستند دعوت می‌شود مطالب را با نام خودشان تا مورخه ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ به آدرس الکترونیکی EBRAHIMFARA.JIPOOR@YAHOO.COM و یا جهت اطلاعات بیشتر با شماره موبایل ۰۹۱۲۴۶۱۹۴۳۸ آقای ابراهیم فرجی‌پور تماس و ارسال نمایند.

رئوس مطالب مورد نظر به شرح زیر می‌باشد:

- ۱ - تاریخ و مدارک تشکیل هیاتها و گروه‌های کوه‌نوردی کارگری.
- ۲ - صعودهای شاخص داخلی و برون مرزی کارگری.
- ۳ - فعالیت‌های کوه‌نوردی کارگری بخش بانوان کارگر..
- ۴ - مدارک احکام آموزشی و قهرمانی و غیره کارگری.
- ۵ - عکس از صعود به قله‌ها و تاریخ و نفرات صعود کننده کوه‌نوردی کارگری.
- ۶ - گزارش برنامه‌های مستقل و مشترک و برون مرزی کارگری.
- ۷ - نام فعالین و پیشکسوتان عرصه کوه‌نوردی کارگری.
- ۸ - حوادث و شهدای کارگری در حین ماموریت به صعود قله و دیواره‌ها.

و نیز هرگونه مطالب که در بخش کوه‌نوردی کارگران کشور می‌تواند در کتاب فوق گنجانده شود به آدرس فوق ارسال نمایند.

جمعی در روز دوم مهرماه مصادف با روز پاکسازی کوهستان تعدادی از غارهای کشور را پاکسازی گردید و به عنوان نمونه در یکی از این پاکسازی ها که به همت غارنوردان تهران و اراک در غار کهک واقع در استان مرکزی صورت گرفت مقدار ۱۱۵ کیلوگرم زباله از این غار بی نظیر که همه هفته مورد بازدید گروه های گردشگری، کوهنوردی و علاقه مند به غار صورت میگیرد خارج و به شهر انتقال داده شد.

در این طرح که حدود ۳۵۰ غارنورد از سراسر کشور در آن حضور داشتند در مجموع بیش از ۹۵۰ کیلوگرم زباله که عمدتاً ظروف پلاستیکی، آب، کپسول گاز، چوب های نیمه سوز، گونی و پلاستیک بودند را از این غارها خارج نمودند.

بدیهی است که این غارها به طور کامل پاکسازی نشده و برای کامل شدن این کار نیاز به همراهی و همکاری گروه های بازدید کننده و مردم محلی و اجرای برنامه های بیشتر میباشد.

نام شهرستان ها و غارهای که در روز دوم مهر و به عنوان غارهای پر زباله در روز غارهای پاک مورد پاکسازی قرار گرفت شامل:

اراک: غارهای کهک، امجک، کل، زیرآب و صادق علی، آسیلی (آقا سید علی) و آزاد خان - ۴۵ نفر، اصفهان: غار کلهرود - ۱۶ نفر - ۱۶۰ کیلو زباله، تبریز و مراغه: غار هامپاهویل واقع در شهرستان مراغه - ۳۲ نفر - ۱۰۰ کیلو زباله، تهران: غار کهک مشترک با اراک - ۱۲ نفر ۱۱۵ کیلو زباله، رشت: غارهای سه گانه دوعالم کوه واقع در منطقه تنیان، زنجان: غار زرین رود - ۱۴ نفر - ۶۰ کیلو زباله، سنندج: غار صلوات آباد - ۱۶ نفر - ۱۶۰ کیلو زباله، شیراز: غار بلع زار - ۸ نفر، کرج: غار یخ مراد - ۶ نفر همراه با سه نفر کره ای ۳۰ کیلو زباله، مشهد: غار مغان - ۵۵ نفر - ۱۲۰ کیلو زباله، نیشابور: غار شیخ - ۱۱ نفر - ۸۰ کیلو زباله، بوکان: غار اینگیجه، بندر عباس: غار نمکدان جزیره قشم، کرمان: غار طرنگ واقع در شهرستان بافت، رفسنجان: غار میرزا، سیرجان: غار جفریز در شهرستان بافت، بم: غار چاه واقع در منطقه جبال بارز، گرگان: غار رودخانه ای دیو سپید - ۷۰ نفر - ۱۰ کیلو زباله، همدان: غار تاریخی و دست کن قلعه جوق - ۸ نفر - ۶۰ کیلو زباله، بروجرد: غار مخفی - ۶ نفر - ۱۰ کیلو زباله، شهرکرد: ۱۷ نفر - ۱۰ کیلو

لازم به ذکر است که در سال گذشته نیز در چند برنامه پاکسازی از طرف غارنوردان باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند و انجمن غارنوردان و غارشناسان ایران غارهای گل زرد و غار یخ مراد به عنوان دو غار آلوده استان تهران پاکسازی و مقدار ۳۰۰ کیلوگرم زباله از آنها خارج گردید. همچنین با تشکر از ارگانهای ذیربط، هلال احمر شهرستانها،

جناب آقای امانی

انتخاب شایسته شما به عنوان رئیس هیات

کوموردی استان خراسان رضوی را که موجب

مباهات و افتخار کوموردان خراسان می باشد، به

جنابعالی و همچنین جامعه کوموردی خراسان

تبریک عرض می نمایم.

مهدی ناصری - بهزاد شکیبایی

اخبار



پاکسازی غارهای ایران در روز ۲ مهر، روز غارهای پاک

عکس: افشین یوسفی

با پیشنهاد انجمن غارنوردان و غارشناسان ایران (در حال تاسیس) اعضای انجمن و دیگر غارنوردان کشور در حرکتی جمعی در روز جمعه دوم مهرماه مصادف با روز پاکسازی کوهستان تعدادی از غارهای کشور را پاکسازی کردند.

"وضعیت غارهای ایران نابسامان است. ما در دیدار از غار گل زرد با غاری ویران شده روبرو گشتیم"

جملات تلخ بالا گفته "ژانپیر بارتولینز" رئیس کمیته حفاظت از غارها و کارست اتحادیه جهانی غارشناسی بود که دو سال قبل در اولین اردوی غارنوردی بیان شد. همچنین به گفته فادی نادر دبیر اتحادیه جهانی غارنوردی بیشترین خسارت و آسیب وارد شده به غارها، از جانب مردم و بازدید کنندگان معمولی و گردشگران و همچنین توسط غارنوردان ناآگاه به غارها وارد گشته. افسوس و صد افسوس که ما در قبال زیبایی هایی که آنها به ما دادند قدرناشناس بودیم. با ریختن زباله های خود چشمه های گوارایشان را آلوده کردیم. بر روی تالوئه کریستالها رنگ پاچیدیم تا مغرورانه به آیندگان کوتاه فکری خود را ثابت کنیم. با شکستن قطعاتی از غار و تاراج گنجینه های طبیعی آنها برای خود در گوشه ای از اطاق منزلمان انداخته ای از افتخارات کاذب گرد آوردیم. و ظلمی که بر خفاشها، این ضعیف ترین موجودات کردیم موجب شرمساری گشت.

با بازگشت پاییز دل انگیز و ماه مهر گروهی از غارنوردان کشور سعی بر آن داشتند تا مهر خود را در تلاشی هم زمان نثار جهان پنهان کنند. بنابر این با پیشنهاد انجمن غارنوردان و غارشناسان ایران (در حال تاسیس) اعضای انجمن و دیگر غارنوردان کشور در حرکتی



صدا و سیما و گروه های و مردم محلی و سه غارنورد از کشور کره جنوبی که ما را در این برنامه همراهی و با غارنوردان به پاکسازی مشغول شدند.

■ به دنبال حادثه تلخ و ناگوار ریزش بهمن در مسیر جاده شمشک-دیزین (تهران) در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۵ که منجر به مرگ ۸ کوهنورد از جمله مربی باتجربه فرشاد خلیلی خوشه مهر گردید، کمیسیون کوهنوردی ایمن در هیئت کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان تهران تشکیل شد. در اولین جلسه این کمیسیون در تاریخ ۸۸/۱۱/۲۸، حادثه بهمن شمشک مورد بررسی قرار گرفت و پس از بحث و گفت و گو، مهم ترین مأموریت تشکیل کمیسیون، تلاش در جهت کاهش و جلوگیری از بروز حوادث مشابه در آینده عنوان شد. در ابتدا اعضای کمیسیون تحت تاثیر حادثه فوق، موضوع بهمن شناسی را در دستور کار خود قرار دادند اما پس از چند جلسه مشخص شد که توجه صرف به بهمن شناسی، کاری ناقص بوده و لازم است به کلیه سوانح کوهنوردی در ایران با دقت و حوصله لازم رسیدگی شود، با این پیش فرض که درس سوانح و خطرات در کوهنوردی می تواند پس از تأیید فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی در آینده در زمره دروس الزامی در دوره های کوهنوردی و مربی گری قرار گیرد.

در جلسات بعدی، اعضای کمیسیون به بررسی وضعیت کوهنوردی در ایران پرداخته و موارد زیر را مد نظر قرار دادند:

کوهنوردی در ایران در دو دهه اخیر رشد کمی قابل توجهی داشته و به ویژه در یک دهه گذشته تعداد بی شماری از قشرهای مختلف مردم به این ورزش روی آورده اند. با وجود تلاش سازمان های مسئول، باشگاه ها و گروه های کوهنوردی در توسعه تکنیکی این ورزش، رشد کیفی کوهنوردی در مقایسه با رشد کمی آن از شتاب کمتری برخوردار بوده است.

در این میان، موضوع خطرات کوهستان از جمله مواردی می باشد که مورد غفلت بیشتری قرار گرفته و به این دلیل احتمال بروز حوادث و سوانح نیز فزونی یافته است. به منظور جلوگیری و کاهش سوانح لازم است دروس مربوط به این بخش از ورزش کوهنوردی با جدیت و دقت بیشتری مورد توجه قرار گرفته و در جهت رفع خلأ های موجود تلاش های موثرتری صورت گیرد.

در ادامه جلسات، مهم ترین اهداف و وظایف کمیسیون به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت اهداف زیر به ترتیب اولویت تعیین و انتخاب گردید:

الف- آموزش مبانی خطرات و سوانح در کوهنوردی، ب- اطلاع رسانی در زمینه های مختلف مرتبط با موضوع، ج- تنظیم بخشنامه ها و مقررات، د- جمع آوری و تدوین آمار حوادث، با توجه به اولویت آموزش، آماده سازی طرح درس خطرات و سوانح در کوهنوردی در دستور کار کمیسیون قرار گرفت و پس از چند جلسه، مراحل آموزشی درس به صورت زیر تنظیم شد:

الف- مرحله مقدماتی: مقدمه ای بر آشنایی با خطرات و سوانح در کوهنوردی

ب- مرحله پیشرفته: آموزش تفصیلی هر یک از خطرات

الف- مرحله مقدماتی

کلیات این مرحله طی چند جلسه با دقت و وسواس زیاد تنظیم و آماده ارائه می باشد. در این درس، کوهنوردان با علل و ریشه های بروز خطرات و سوانح در کوهنوردی آشنا می شوند.

ب- مرحله پیشرفته

در این مرحله، اعضای کمیسیون ۹ مورد از سوانح در کوهنوردی را که شامل بهمن، گرفتار شدن در طوفان، هیپوترمی، سر خوردن و سقوط و... می باشد در زمره رایج ترین خطرات در کوهنوردی تشخیص داده و به مرور در حال تدوین و آماده کردن هر یک از این خطرات به صورت مشروح و مستقل جهت ارائه و تدریس در کلاس های مربوطه می باشند.

به تشخیص این کمیسیون، آموزش برخی از دروس مانند بهمن شناسی در مقایسه با دیگر درس ها، نیاز به وقت بیشتری داشته و تعدادی از دروس نیز، نیازمند آموزش عملی با حضور در کوهستان می باشند.

لازم به ذکر است که در مراحل تنظیم مطالب درس خطرات در کوهنوردی، مسائلی همچون سادگی مطالب، دقت، قابل فهم بودن، نحوه انتقال به فراگیران و جاذبه های درس مورد توجه خاص قرار داشته است. به علاوه از تجربیات شخصی اعضای کمیسیون و منابع داخلی و خارجی در تدوین مطالب درسی بهره گرفته شده است.

به تصمیم اعضای کمیسیون و با توجه به امکانات موجود، مطالب تدوین شده صرفاً برای ارائه در کلاس توسط مدرس تهیه شده و تنظیم جزوات تفصیلی به مراحل بعدی کار موکول می شود.

در آخرین جلسه کمیسیون که در تاریخ ۸۹/۸/۲۴ در دفتر هیات کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان تهران با حضور مسئول این هیات برگزار شد گزارشی از فعالیت های کمیسیون ارائه و پیشنهادهای از سوی رئیس هیات به منظور توسعه فعالیت های آن مطرح گردید. در حال حاضر کمیسیون کوهنوردی ایمن با حضور ۵ عضو شامل آقایان عباس علی نژاد، محمود میرنوری، شهنام جباری، کاوه اشکشی و خانم سرو حوری و با دبیری آقای عبدالله اشتری به فعالیت خود ادامه می دهد و بدینوسیله ضمن اطلاع رسانی به عموم کوهنوردان، آمادگی خود را برای دریافت نظرات و پیشنهادات کوهنوردان و صاحب نظران اعلام می نماید.

■ یادی از مهدی ملکی شجاع نامبرده از فعالان غارنوردی کشور در دهه ی ۶۰ بوده و فعالیت های چشمگیر نامبرده به عنوان مسئول کمیته ی غارنوردی کانون کوهنوردان کرمانشاه نقش بسیار ارزنده ای در شناسایی، کشف و شناساندن و ترویج این رشته ی جذاب ورزشی در کشور بوده و به واقع نوشته ها و گزارش های غارنوردی ایشان در مجلات ورزشی و روزنامه های سرار کشور یکی از مسببان فعال شدن این رشته ی ورزشی بوده است. درگذشت وی در اسفند ماه ۸۸ و به سبب عارضه ی ریوی بوده است. نامبرده پس از آن که به دلیل کسالت جسمی از فعالیت ورزشی کنار کشید وارد دنیای مطبوعات شد و سردبیری روزنامه ی آوای کرمانشاه را به عهده گرفت در این برهه نیز در جهت درج اخبار کوهنوردی و غارنوردی و نیز درج مقالات کوهنوردان و تحلیل های آنان از هیچ کوششی فروگذار نمود. نگارش کتاب غار قوری قلعه ی وی نیز به پایان رسیده و هم اینک زیر چاپ می باشد و در آینده ی نزدیک در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

■ فعالیت های نیمه اول سال ۸۹ هیات کوهنوردی شهرستان دیواندره:

۱۵ خرداد روز جهانی محیط زیست - کوهنوردان هیوا فقه سلیمانی، وحید دارابی، داریا دارابی از سنجند و سلام اسماعیل سرخ از دیواندره از مسیر شمالی به قله سبلان صعود نمودند.

۱۸ تیر ماه - ابراهیم رحیم زاده، اشرف مرادی، سلام اسماعیل سرخ صعود موفق به

در مرز ترکیه را با موفقیت صعود نماید.

افراد شرکت کننده در برنامه عبارتند از: علی مولودی (سرپرست گروه) - مهندس جلال درویشی - مهندس صابر زرزا - جعفر رضانی - اسعد رضانی - رسول ابراهیم زاده - رضا ابراهیم زاده - رحیم ابراهیم زاده - سعید ابراهیم زاده - محمد آذر کمند - سلیمان پنیرفروش - رحیم محمدپور.

■ گروه کوهنوردی زاگرس در شهرستان پناه از استان کرمانشاه به مدت سه سال است که تشکیل گردیده و در طی این مدت قله‌های مهم و مشهور را صعود کرده است.

۱- در تاریخ ۸۹/۳/۱۴ گروه کوهنوردی زاگرس به سرپرستی آقای سید فاتح حسینی و با همراهی آقایان تحسین بابایی، پیمان احمدی، ساسان احمدی، سیروس احمدی، منصور احمدی، مهرداد احمدی، طها احمدیان، کمال حیدری، صباح میرانی، حشمت بهشتی، ایرج بهشتی، سرحد رستمی و غریب آهنگری پور کوه سلطان از ارتفاعات چهل چشمه را صعود نمود.

۲- در تاریخ ۸۹/۴/۱۸ گروه کوهنوردی زاگرس بعد از بازدید از دریاچه زیبای اوآن در منطقه الموت به سرپرستی آقای طاهر حسام پناه و اعضای گروه آقایان ایرج بهشتی، حشمت بهشتی، صباح میرانی، دلشاد صالحی، منوچهر صالحی، پیمان احمدی، منصور احمدی و افراسیاب سلیمانی قله ۴۱۸۰ متری خشچال را صعود نمودند.

۳- در تاریخ ۸۹/۵/۷ قله ۴۳۸۵ متری آزادکوه توسط گروه زاگرس پناه با سرپرستی آقای سیروس احمدی و اعضای گروه آقایان ادیب حسینی، شهاب حسینی، ساسان احمدی، پیمان احمدی، حشمت بهشتی، طاهر حسام پناه، کمال حیدری، صباح میرانی، احمد رستمی، بختیار فتاحی و حیدر نادری صعود گردید.

■ گروه کوهنوردی آسمان البرز در مرداد ۸۹ و در یک هوای نیمه زمستانی از جبهه شمال شرقی و جنوبی به قله دماوند صعود کردند. شرکت کنندگان: خانمها: نسرين صابری، فیروزه مال میر، عشرت موسوی و آقایان: بابک دکترزاده (سرپرست)، حسین احمدی، پیمان سبزه پرور، احمد حقیقی، محمد آذرنیاه، شروین سوادیان و دامون ابوالقاسمی.

در مورخه ۸۹/۵/۱۴ صعود به سبلان به ارتفاع ۴۸۱۱ متر به سرپرستی رحیم صمدی و هموردی حاج محمد حبیب زاده جانباز ۷۰ درصد

آرارات ترکیه به ارتفاع ۵۱۳۷ متر توسط جانباز ۷۰ درصد حاج محمد حبیب زاده نماینده کوهنوران موسسه ورزشی و کوهنوردی ساوالان ماکو به همراه کوهنوردان گمرک بازرگان صعود گردید.

■ فعالیت‌های گروه کوهنوردی بانوان غزل گنبدکاوس از استان گلستان:

۱- صعود به تمام قله‌های منطقه تا ارتفاع ۳۸۰۰ متر

۲- صعود به قله توچال ۳۹۵۰ متر

۳- صعود به قله آزادکوه، به ارتفاع ۴۳۵۰ متر ۸۹/۴/۲۵

۴- صعود به قله دماوند، در شرایط سخت جوی همراه با بارش برف ۸۹/۵/۱۵

جبهه جنوبی

شرکت کنندگان: الهام سعدی، مریم اسلام زاده، ناهید تاجدار، مهری ابراهیمی، راضیه عظیمی، آرزو باغبانی، بی بی سلیمه آق آتابای، زینب قوچانی، سمانه قریشی، سرپرست گروه آرزو نورمحمدی.

قله دماوند از مسیر شمال شرقی داشتند.

۸ و ۹ مرداد ماه ۱۳۸۹- ۱۱ نفر از کوهنوردان شهرستان دیواندره به قله آرارات در کردستان ترکیه صعود نمودند، نفرات عبارتند از: ۱- جبار سلیمانی (سرپرست)، سعید بهرامی، آوات احمدی، جمیل باینجویی، امین منصور، ایوب آقراضایی، سامان رسولی، حامد نوشادی، محمود بهرامی، عثمان زارعی، داوود رستمی.

۲۵ و ۲۶ شهریورماه - کوهنوردان عثمان زارعی، سهند زارعی، محمد ولایتی از مسیر شمال شرقی به قله دماوند صعود نمودند.

کوهنوردان شرکت گاز تهران به سرپرستی آقای بیگدلی همراه کوهنوردان دیواندره به قله ۳۲۰۰ متری چهل چشمه صعود نمودند و در ضمن از غار کرفتو بازدید نمودند.

■ یک تیم از کوهنوردان (موسسه ورزشی و کوهنوردی ساوالان ماکو) در یک برنامه مشترک با کوهنوردان (گروه کوهنوردان یاران سید داغی) در یک برنامه ۳ روزه موفق به صعود به آرارات شدند. از اعضای موسسه ساوالان ماکو (علی محرم نژاد - رشید مختارزاده - داریوش بایرامپور - داود عبدالله زاده - رحیم صمدی - بختیار حسن پور - علیرضا جلیل پور - غلامعلی صحرائی و نورالله رضائزاد (سرپرست)).

گروه ساوالان ماکو هم‌چنین به قله کاجکار ترکیه نیز صعود کردند.

اعضای گروه یاران سید داغی (صابر علی اصغرپور - توج حیدرزاده - اکبر قوجازاده و احمد محمودی (سرپرست))

■ گروه کوهنوردی زاگرس شهرستان بانه به سرپرستی آقای محمد قادری با تعداد ۹ نفر در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۲ با موفقیت به قله دماوند صعود نمودند.

■ گروه کوهنوردی ساوالان ارومیه جهت صعود به قله آرارات در مورخه ۸۹/۵/۲۹ از مرز بازرگان عازم ترکیه گردید.

اعضای شرکت کننده در برنامه صعود:

حمید کاظمی - ابراهیم شفیقپور - مرتضی علی محمدی - مجید حسن زاده - یوسف سلطان زاده - قاسم قلندرزاده - عین‌الله بینا - مصطفی علی محمدی - یوسف مسعودی - منصور نعمتی - الیار قلندرزاده - علی رضازاده (سرپرست برنامه).

■ یک گروه پنج نفری از اعضای هیات زرین شهر موفق شدند در تاریخهای ۱۴ لغایت ۱۶ مرداد ماه ۸۹ قله دماوند را از جبهه شمال شرقی صعود و از جبهه جنوبی اقدام به فرود نمایند. اعضای شرکت کننده: علی آقاجانی - احمد کریم زاده - سید مجید حسینی - سجاد ترابی فرد - قربانعلی خاشعی.

■ سه نفر از اعضای گروه پویندگان شهرستان کازرون به نامهای: سید مهدی عالی - ابوالحسن پسند - قاسم پورحسین در تاریخ ۸۹/۴/۲۹ به قله ۵۱۳۷ متری آرارات ترکیه صعود نمودند.

گروه کوهنوردی شاهو نقده در ادامه فعالیت‌های خود توانست در تاریخ ۸۹/۳/۲۷ قله ۳۲۴۰ متری پسی ریز واقع در بین شهرهای مرزی پیرانشهر و اشنویه را صعود نماید - افراد شرکت کننده در برنامه: علی مولودی (سرپرست گروه) - جعفر رضانی (سرپرست برنامه) - محمد عزیز - رسول ابراهیم زاده - رضا ابراهیم زاده - رحیم ابراهیم زاده - سعید ابراهیم زاده - رحیم محمدپور - عبدالله چیدانی - خانم شیرین معروفی - محمد آذر کمند - حیدر مولودی - سلیمان پنیرفروش.

همچنین گروه کوهنوردی شاهو نقده - در تاریخ ۸۹/۴/۱۱ توانست قله دالانپر واقع

گشایش خانه کوهنورد فشم

با تلاش و پیگیری های هیئت کوهنوردی و صعودهای ورزشی شهرستان شمیرانات نخستین خانه کوهنورد استان تهران افتتاح شد. با حمایت کامبیز رنجبر رئیس اداره تربیت بدنی شمیرانات، شهرداری و شورای شهر فشم این ساختمان دو طبقه به مساحت ۱۲۰ متر مربع طی مراسمی در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۸ با حضور کاوه کاشفی، مسئولین محلی و کوهنوردان و پیشکسوتان به هیئت کوهنوردی شمیرانات تحویل داده شد.

خانه کوهنورد فشم در محوطه ای ورزشی شامل یک استخر سرپوشیده، سالن بدن سازی و پارکینگ قرارداد و کوهنوردان می توانند علاوه بر اقامت، با استفاده از امکانات جانبی مجموعه خستگی برنامه روزانه را رفع کرده و برای برنامه فردا آماده شوند. این مجموعه در نزدیکی میدان فشم و مجاور بخشرداری واقع است. دکتر حمید مساعديان رئيس هیئت کوهنوردی شمیرانات اعلام کرد که کلیه گروه های کوهنوردی و کوهنوردان از سراسر کشور می توانند پس از هماهنگی قبلی از این مکان استفاده کنند و مریدان می توانند کارآموزان خود را در این



خانه اسکان داده و بخش نظری کلاس خود را نیز در همان جا برگزار کنند. علاقمندان به ویژه دوستان ساکن شهرستان می توانند با مراجعه به پایگاه خبر رسانی هیئت کوهنوردی شمیرانات به نشانی www.shemiranclimb.ir از نحوه هماهنگی مطلع شوند.

دکتر مساعديان یادآوری نمود که منطقه رودبار قصران (فشم، میگون و...) قطب کوهنوردی و اسکی کشور است و دارای کوه های متعدد ۴۰۰۰ متری، دیواره یخ نوردی هملون، مکانهای مناسب جهت کارآموزی یخ و برف و پیست های متعدد اسکی است. وی اضافه نمود که در حال حاضر بخشی از تجهیز خانه کوهنورد فشم با کمک های فدراسیون کوهنوردی انجام پذیرفته و ما از کمک های گروه های کوهنوردی و کوهنوردان برای تکمیل امکانات، استقبال می نماییم. ■

پژواک نخستین نشریه انجمن کوهنوردان ایران (نماینده گی آمل) است که به تازگی انتشار یافته است. در این شماره می خوانید گزارش صعود به قله لنین، اصول اولیه کوهنوردی، معرفی کوه های شمالی البرز، معرفی گونه های جانوری منطقه شمال، تنوع رویشی جنگل های شمالی ایران و مطالب متنوع دیگر. ضمن عرض تبریک به هم نوردان مان در آمل امیدواریم که انتشار آن تداوم یابد.

اعضای گروه کوهنوردی مخابرات اصفهان در پاییز گذشته به قله آزادکوه جمهور (قلعه بابک)، و هزار صعود کردند. و اعضای کمیته بانوان این گروه نیز از غار «چال نخیر» بازدید به عمل آوردند.

جناب آقای مهدی شیرازی

درگذشت پدر همسر تان را به جناب عالی و همسر گرامی تان تسلیت می گویم

فصلنامه کوه



برگی از تاریخ ایران باستان

کوالیه - کودلیه (آرامگاه کاوه آهنگر)

جعفر سپهری

تمدن سیلک و همچنین تمدن مرو دشت پیوند داشته است. باستان شناسان بر این باورند که تمدن‌های حاشیه زاینده‌رود، از کهن‌ترین تمدن‌های به وجود آمده در سرزمین ایران است. تا پیش از ساخته شدن سد و به دنبال آن دریاچه زاینده‌رود، تپه آشنا در حد میانی دلتای رود «آراگون» از سرشاخه‌های زاینده‌رود و رودخانه کوچک «آشنا» قرار داشته است. اینک این تپه جزیره‌ای در میان دریاچه زاینده‌رود است. طول دریاچه در گاه پرابی تا ۴۸ کیلومتر هم می‌رسد. پیرامون این روستا دو برج بزرگ که یکی سالم‌تر مانده نشان از اهمیت این منطقه در دوران‌های پیش می‌دهد. بازمانده ساختار یک دژ، در نزدیکی آبادی جمالو به نام «مزدکیان» وجود دارد، که مردم، این محل را زادگاه مزدک، بنیان‌گذار آیین مزدکی می‌دانند. در پیرامون روستای مشهد کاوه روستایی به نام اسکندری وجود دارد که به گفته مردم اسکندر ذوالقرنین آن را ساخته است. بازمانده چارتاقی‌های معروف به آتشکده در سمنندگان و آبخفته، و چپگان که به گفته مردم آتشکده آهنگران بوده، و همچنین دژی به نام قلعه نادر در چادگان و چند خانه تاریخی اهمیت منطقه را به خوبی بازگو می‌کند.

منطقه فریدن در دوران هخامنشیان پرتیکان نام داشته است. پرتیکان برگرفته از نام فریدون پادشاه پیشدادی است.

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت آن نیکویی

تو داد و دهش کن فریدون تویی

آداب و رسوم مردم منطقه بسیار نزدیک به آداب و رسوم ایل بختیاری است. طبیعت بکر این روستا و پیرامون آن در بهاران غوغا می‌کند. آوای خوش پرندگان جنگالی بر می‌انگیزد که شوق و ذوق را در انسان برپا می‌کند. بسیاری از ایران‌گردان و حتی جهان‌گردان بهار این منطقه را از دست نمی‌دهند.

همه اهالی منطقه از پیر و جوان، زن و مرد کاوه آهنگر را به خوبی می‌شناسند و داستان‌های مربوط به او را با جزئیات شنیدنی می‌دانند و به درستی بازگو می‌کنند. هنوز هم پس از گذر هزاره‌ها می‌توان جلوه‌هایی از روحیه دلاوری، سلحشوری، جنگجویی و سپاهی‌گری نیاکان مردم منطقه فریدن را در شیوه زندگی مردم وبه ویژه در بازی‌های محلی کودکان و نوجوانان و جوانان آن، مشاهده کرد.

در درون ساختمان آرامگاه که حدود بیست سال پیش بر روی ساختاری کهن بازسازی شده است چهار مزار وجود دارد. یک ضریح چوبی با سه سنگ. سنگ مزار میانی که بزرگ‌تر هم هست مربوط به قباد پسر کاوه است که در شاهنامه از او به عنوان «کارن

مخفی نماند که کاوه از ناحیه‌ای است که الحال به فریدن اشتهار دارد و معلوم نیست که این خروج و شورش در همان قریه واقع شده یا او به جهت کسب به شهر آمده و به شغل آهنگری مشغول بود». ... «عاقذ و مبدع آن (درفش کاویانی) در قدیم مردی بود از ده «کودلیه و یا به قولی کوالیه» نام او کابی که بر بیوراسب پادشاه (ضحاک) خروج کرد و پیش از او کسی نام رایت و علم نمی‌دانست». ... «و آن دیه (کودلیه، کوالیه) در این وقت به مشهد آهنگران معروف است و قبر کاوه و قارن در آن جا است و هر که آن جا رفته دیده و می‌داند و معلوم می‌شود که بعد از وفات نعش آنها را بدان جا که مولد آنها بوده است برده و دفن نموده‌اند». ... «کاوه آهنگر رئیس جبهه خانه و اسلحه سازی قشون از اهل فریدن بوده است و مقبره او در مشهد فریدن است، ... و در چهلیم بهار آنجا روند ...».

نصف جهان فی تعریف الاصفهان و محاسن الاصفهان

هنگامی که فریدون کودکی شیرخواره بود پدرش آبتین به دست دژخیمان سفاک ضحاک کشته شد. مادرش فرانک او را برداشت و در مرغزاری پنهان شد. ضحاک که از منجمان شنیده بود تباهی او به دست فریدون خواهد بود همواره در جستجو بود تا او را نابود نماید. روزی به بزرگان کشور گفت، باید بنویسید که من تا به حال به جز کار نیک نکرده‌ام و از پیر و جوان به این امر گواهی بگیرید. در این هنگام کاوه آهنگر از بیداد و ستمی که ضحاک بر او با قتل فرزندان و دیگر مردمان روا داشته بود و مغز آنان را خوراک ماران نشسته بر شانه‌هایش کرده بود به خروش آمد و چرم پاره پیشدامنش را بر سر چوبی نمود و فریاد ستمدیدی سر داد. مردم که از ستمکاری ضحاک به ستوه آمده بودند به گردش در آمده و در کارزاری ضحاک شکست خورده، در دماوند به بند کشیده شد و فریدون به پادشاهی ایران رسید. فریدون کاوه آهنگر را سپهسالار لشکر خود داشت و حکومت اسپادنا (سپاهان - اصفهان) را بدو سپرد و درفش کاویانی را به نشانه آزادیخواهی بر افراشت. فریدون پس از مرگ کاوه او را در کودلیه (کوالیه) در کنار فرزندش قارون به خاک سپرد. این آرامگاه تجلی عشق به ایران زمین است. این مکان اکنون «مشهد کاوه» نام دارد.

رزم آرانیز در کتاب جغرافیای نظامی ایران اشاره می‌کند: «گروهی از مردمان منطقه‌ای فریدن که در روستاهای مشهد کاوه، جمالو، اورگان و بردشاه زندگی می‌کنند، خود را فرزندان کاوه آهنگر می‌دانند. آرامگاهی هم در روستای مشهد کاوه در جنوب داران (فریدن) برپاست که مردم محل آن را آرامگاه کاوه آهنگر می‌دانند».

چندی پیش باستان‌شناسان در تپه آشنا که در میان دریاچه زاینده‌رود قرار دارد، آثاری از عصر آهن، بیش از سه هزار سال پیش، از جمله انواع سفال و جسد تدفین شده دو نوزاد درون سبدهایی از تنه درخت را یافتند. این آثار نشان می‌دهد که تمدن زاینده‌رود با

کاوگان» یاد شده، سنگ سمت راست که کوچک‌تر است مربوط به دختر کاوه آهنگر است. مزار کاوه آهنگر در خارج این ضریح قرار دارد. در هنگام بازدید ما سنگ مزار کاوه را در تاقچه پهلویی گذاشته بودند و روی مزار را موزاییک کرده بودند! البته نشانه‌ای هم بر روی آن گذاشته بودند! در روی سنگ عباراتی با خط فارسی نوشته شده است که انتساب مزار به کاوه آهنگر را تایید می‌کند.

صنایع‌دستی این روستا و پیرامون آن نخریسی، پارچه دستباف، نجاری، شال‌بافی، گیوه‌دوزی، نمدمالی، قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، چوقا‌بافی، کیسه‌بافی، گلیم‌بافی و قلم‌زنی، منبت‌کاری، معرق، حکاکی، تهنیز و خطاطی و ملیله‌دوزی و رودوزی سنتی و هویه‌کاری، سبببافی، گلدوزی و گل‌سازی هستند. همچنین آهنگری در منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. در دوران ساسانی آهنگران هنرمند منطقه سپاهان وظیفه ساخت زره برای سواره نظام سنگین اسلحه ایران به نام «سواره نظام آهنین» را بر عهده داشتند. سواره نظامی که سردار و مورخ رومی امین مارسل در توصیف آنها می‌نویسد: "با نخستین پرتو آفتاب، ایرانیان در رو به روی ما نمایان شدند. سوار نظام آهنین که نام او را شنیده بودیم، اینک از دور با خودهای درخشان و غرق در پولاد، به سرعت پیش می‌آمد". "سپاهی که در زیر فرمان اسپهبد مهران، فرمانده کل سواره‌نظام ایران به سوی ما می‌آمد یکپارچه از آهن و فولاد بود. تکه‌های آهن که سرپای سربازان را می‌پوشاند به شکلی به هم

جفت شده بود که آنان می‌توانستند به راحتی دست و پای خود را حرکت دهند. کلاهخود آنان تمام سروصورت و حتی پشت گردن را حفظ می‌کرد. تنها در برابر چشم‌ها و دهان شکاف کوچکی داشت که برای دیدن و نفس کشیدن بود. به جز این شکاف‌ها از جای دیگری سلاح دشمن به این رویین‌تنان کارگر نبود."

نام مشهد کاوه در متون کهن به دو صورت کوادیه و کوالیه آورده شده است. کوادیه (کوا + دیه) به معنی سرزمین کاوه است. از سوی دیگر شباهت فراوان بین واژه‌های «کوالیه» در زبان فارسی و شوالیه در زبان فرانسه و cavalry در زبان انگلیسی جای تفکر فراوان دارد.

بوی خوش موسوم اردیبهشت باد گذر کرده ز سوی بهشت

در اردیبهشت زیبا و دل‌انگیز که باد بهشتی وزیدن می‌گیرد و سراسر این منطقه را با گل‌های رنگارنگ فرش می‌کند، آنگاه که شمیم شکوفه‌های بهاری، در کنار سرچشمه‌های خنک و پرآب زاینده‌رود موج می‌زند، به یاد آورید این آهنگر دوران کهن را با چرم و سندانش که پوستین ضحاک را درید، از پس هزاران سال ایستاده به ما می‌نگرد. او که در هر آبخاری ضرب آهنک پتکش به گوش می‌رسد.

چنانش بکوبم به گرز گران که پولاد کوبند آهنگران

ژاپنی‌ها جایزه بزرگ هیمالیانوردی را از آن خود کردند

مترجم: تکلیلا بهبهانی

بانوی کوهنورد زبده - خانم کی تانیگوچی - به همراه زوج هم‌نوردش به نام کازویا هیراییده برترین صعود هیمالیانوردی را به سبک صعود آلیپی بر روی جبهه جنوب شرقی کامت (۷۵۶۷ متر) در گاروال هند که تا آن زمان هنوز صعود نشده بود در پاییز سال جاری به اتمام رساندند.

این زوج ابتدا در ارتفاع ۷۲۰۰ متر در مسیر عادی جبهه شمال شرقی هم‌هوایی کرده و سپس مسیری با درجه سختی بالا برای صعود برگزیدند. این مسیر در دهلیزی مشخصاً ناپیوسته با شیب تندی به طول تقریبی ۲۰۰۰ متر و ترکیبی را در جبهه جنوب شرقی قرار داشت. هیرایید و تانیگوچی ۶ شب را بر روی دیواره بیواک کردند و سنگین‌ترین قسمت صعودشان را در ۳ بخش ترکیبی دشوار در ارتفاعی حدود ۷۰۰۰ متر درنوردیدند که ۲ روز از وقتشان را به خود اختصاص داد. درجه سختی کار WI ۵+ و IM5 بود که با توجه به آن ارتفاع بسیار قابل توجه است. ۲ روز دیگر لازم بود تا آنها به مسیر عادی بازگردند. این زوج ۱۰ روز پس از آغاز حرکت به کمپ اصلی بازگشتند. گشایش مسیر جدید آنان با نام 'ساموری دایرکت' یکی از قابل توجه‌ترین کارها در منطقه هیمالیا در سال‌های اخیر است که یک بانوی کوهنورد موفق به انجام آن شده است.

زمانی که کامت در سال ۱۹۳۱ توسط هلنز ورث، لوا، شیپتن و اسمیت صعود شد، بلندترین قله جهان در آن زمان بود که صعود می‌شد. این چهار تن در چنان وضعیت

خوبی از لحاظ آمادگی جسمانی قرار داشتند که هلنز ورث قبل از فرود با روشن کردن پیپ خود این صعود را جشن گرفت. امروز کامت بلندترین قله ای است که صعود به آن در هند برای کوهنوردان آزاد اعلام گردیده است.

بازگردیم به زمان حاضر که در جای دیگر کوهنوردان جوان ژاپنی، کازوکی آمانو، فومیتاکا ایشی موروا و یوسوکی ساتو، که بخشی از یک گروه پراکنده به نام 'گیری گیری بویز' بودند در تلاش برای ارتقاء سبک کوهنوردی ژاپنی به سطوح جدیدتری از جسارت و سختی صعود، اولین صعود خود را به خوبی بر روی جبهه شمالی کلانکه (۶۹۳۱ متر) که بلندترین همسایه شانگایانگ است، به پایان رساندند. مسیر صعود آنان ترکیبی از دو مسیر بود که یکی از آنها مسیری بود که نیک بولاک و کنتن کول در سال گذشته بر روی آن تلاش کرده بودند و دیگری مسیری مرکزی رول کوبی شده‌ای بود که در سال‌های اخیر توسط گروه‌های دیگر برای صعود از آن استفاده می‌شد. با به همراه داشتن تنها ۵ روز وعده غذایی، ۳ کوهنورد ژاپنی صعود و فرودشان را به سبک صعود آلیپی به مدت حدوداً ۱۰ روز با موفقیت به اتمام رساندند که به دلیل هوای طوفانی مجبور شده بودند به مدت ۳ روز در بالای کراکس مسیر به درجه سختی IM5+ بمانند. این مسیر ۱۸۰۰ متری 'بوشیدو' نامیده شد و صعود کنندگان، مفتخر به دریافت جایزه 'طبر یخ طلایی' در سومین جشنواره کلنگ طلایی آسیا که در ماه نوامبر در سئول برگزار گردید شدند. ■

وضعیت نابسامان زباله در منطقه علم کوه

هزینه‌هایی که جهت حمل زباله، توسط قاطر انجام شده به شرح ذیل می‌باشد:

سرچال ۹ بار قاطر حدود ۳۳ گونی ۳۳۷۵۰۰ ریال (سیصد و سی و هفت هزار و پانصد تومان). علم چال ۱۱ بار قاطر حدود ۴۰ گونی ۸۲۵۰۰۰۰ ریال (هشتصد و بیست و پنج هزار تومان). حصار چال ۴ بار قاطر حدود ۱۶ گونی ۸۰۰۰۰۰ ریال (هشتاد هزار تومان). مبلغ ۱۰۰۰ ریال، از هر کوهنورد جهت پاک‌سازی دریافت می‌شود که جمع مبلغ دریافتی امسال ۶۵۰۰۰۰۰ ریال بوده است. مبلغ ۱۲۴۲۵ ریال (یک میلیون و دویست و چهل و دو هزار و پانصد تومان) هزینه حمل زباله به پایین و مبلغ ششصد و پنجاه هزار تومان مبلغ دریافتی. حال ضاوت با شماست!!

موضوع دیگر بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی افرادیست که پس از ترک پناهگاه سرچال، درب و پنجره‌های پناهگاه را باز گذاشته که این امر موجب شکستگی درب و پنجره‌ها می‌شود. روشن کردن شمع برای روشنایی در شب در کنار پنجره‌ها، موجب ترک برداشتن و شکسته شدن شیشه پنجره‌ها می‌شود. رهاسازی بطری‌های خالی آب در سرویس‌های بهداشتی، موجب گرفتگی لوله‌های فاضلاب شده که امکان استفاده از سرویس‌ها را مختل می‌کند. در خاتمه از همه افرادی که وارد منطقه می‌شوند تقاضا دارد در حفظ و نگهداری پناهگاه و جان‌پناه‌های منطقه بکوشند. زباله‌های خود را در مکان‌های مشخص شده قرار دهند و در صورت امکان زباله‌های خود را به پایین بازگردانند. ■

علی فرضی

پانزده سال از عملکرد پاک‌سازی منطقه علم کوه می‌گذرد و در این سال‌ها همه طبیعت دوستان و کوهنوردان از نزدیک شاهد این فعالیت‌ها بوده‌اند.

باعث تأسف است که بیشترین میزان زباله، از آن کوهنوردان حرفه‌ای و افرادی است که سال‌ها به این منطقه می‌آیند و با سرد و گرم سختی‌های آن آشنایی کامل دارند. این گروه‌ها بار خود را توسط قاطر به ارتفاعات بالا (سرچال، علم چال، حصارچال) انتقال داده و متأسفانه حاضر نیستند زباله‌های خود را به پایین حمل کنند.

بیشترین زباله را که بطری‌های خالی آب، قوطی انواع کنسروجات و پلاستیک تشکیل می‌دهد در محل انباشته و رها می‌کنند. حتی مشاهده شده ظروف آب‌میوه و کنسروجات را پس از مصرف در شکاف‌های مسی‌های گرده و دیواره جاسازی می‌کنند. و به نظر خود، کوهستان را تمیز نگاه داشته و اثری از خود به جا نگذاشته‌اند و حتی افرادی هستند که زباله خود را روی تخت و یا گوشه و کنار پناهگاه سرچال جا می‌گذارند و زحمت جمع‌آوری زباله‌ها را به خود نمی‌دهند؛ این در حالی است که در چند قدمی پناهگاه جای مخصوصی برای حمل زباله وجود دارد!

امسال نیز متأسفانه شاهد بیشترین میزان زباله در منطقه سرچال بودیم. باتوجه به آمار، از میان مراجعه‌کنندگان به مجتمع ورزشی کوهستانی رودبارک حدود ۱۵۰۰ نفر به سرچال و علم چال و ۴۰۰۰ نفر به حصارچال صعود کرده‌اند و حدود ۱۰۰ نفر نیز بدون مراجعه به این مجتمع به حصارچال عزیمت نموده‌اند.

سپستان Cordia Myxal

گردآوری: نرگس روحانی

ریخت گیاه: درختان کوچک، به ندرت درختچه‌هایی با چند تنه که ارتفاع آن به ۱۰-۸ متر می‌رسد. تقریباً پیچ‌دار. پوست به رنگ قهوه‌ای متمایل به خاکستری. دارای تاج وسیع و گسترده سبز پوشیده از کرک‌های تنگ است برگ‌ها دم‌برگ‌دار تخم‌مرغی با گل به رنگ سفید مجتمع در گرزهای انتهایی منشعب، میوه شفت به بزرگی یک گیلاس

محل رویش: غیربومی. از زمانی‌های پیش وارد رویشگاه‌های ایران شده در سواحل و جزایر جنوبی خوزستان، بلوچستان، چاه‌بهار، نیک شهر و بندرعباس کاشته می‌شود.

قسمت مورد استفاده: میوه، پوست، ریشه

کاربرد درمانی: پوست این درختچه و ریشه آن مسهل است برگ آن در بعضی نواحی مخصوصاً در هند مانند برگ گیاه گاوزبان استفاده می‌شود. دم کرده میوه خشک آن به تنهایی یا مخلوط با میوه و دانه‌های لعابدار به عنوان نرم کننده مصرف می‌شود. ■





GarChal (Holy Fire Place)

Or Dasht-e-Havij
(Carrot Pampas)

Jafar Sepehri

University of Applied Science and
Technology

Dasht-e-Havij is the name of small beautiful grassland near Afjeh, a village in Lavasan. It is about 25 kilometers northeast of Tehran. You can go to Afjeh by car, and then you have about 2 hour's hiking to reach this beautiful pampas.

Although in Persian the name means "pampas of carrot", you can hardly find any carrot plant in there. Its real name is GarChal or AgerChal. Ager in ancient Persian language means fire. Even nowadays Kurdish people make fire in New Year festival and call it Ager-Noroji. The word Chal means place. So AgerChal means the place of fire. There are four mountains around this pampas which make it seem like a firebox.

The summits of the four mountains are BorjRizan (3650 m.), Parsoon (3100 m.), Atashkouh (3850 m.), and MehrChal (3920 m.), respectively. There is also another summit called Saka (3700 m.) located near them. These mountains and pampas are Elysium (heaven?) for mountain climbers. MehrChal means place of sun and Atashkouh means mountain of light.

In ancient Iranian myth, it is mentioned that coldness was the name of a monster and people used to fight with it. Then Hoshang, king of Iranian, found silex firestone in 30th of January. They fought with the monster of coldness with help of fire on this day and got victory. Since then, 30th of January became the first Iranian festival which was called Saadeh, meaning 100 days after beginning of great winter.

There is a small pampas near Afjeh village too called Siavosan. Siavoosh was a famous good Iranian hero who was killed by the greatest enemy of Iran, Afrasiab. There is an ancient village with 3000 years of history near this pampas called Kond.

This village and pampas were places where the Iranian hero Feridoon was brought up. Feridoon (Triton) with help of a brave black smith Kaveh, fought with tyrant draconian King, Zahak (means Dragon) who had two horrible serpents (snakes) upon his shoulders. These serpents needed to feed up by human brain everyday. In a battle, Feridoon defeated Zahak and imprisoned him in Damavand Volcano, the highest top of Iran (5604 m.).

GarChal (Holy Fire Place)

GarChal

نماینده انحصاری در ایران



پانیز اسپرت

کوله پشتی

کتانی سنگ نوردی



از شهرستانهایی که فاقد نمایندگی می باشد
نمایندگی فعال پذیرفته می شود

تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به چهارراه سپه،
مقابل پاساژ المپیک، شماره ۲۸، ۱۰۲۸
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۷۰۷۱۳ تلفکس: ۰۲۱ ۶۶۴۰۴۰۵۲

اسامی نمایندگی ها در شهرستان ها

مشهد-آزادکوه: ۰۵۱۱ ۶۰۵۲۰۷۰

رشت-ترانگو: ۰۱۳۱ ۲۲۴۵۸۰۰

اراک-شرپا: ۰۸۶۱ ۲۲۱۴۴۴۰

اصفهان-راک اسپرت: ۰۳۱۱۰۲۱۲۰۱۴۵-۶

www.paniz-karrimor.com

E-mail: paniz_sport@yahoo.com



فروشگاه تخصصی ورزش‌های کوهستانی

بَناداک

کوهنوردی ، سنگ نوردی ،
اسکی و کمپینگ

عرضه کننده لوازم



نمایند ه محصولات
Bonadak
کفش بنادک
Bonadak

LOWA
Handcrafted in Europe

تهران : میدان منیریه
خیابان ولیعصر
برسیده به چهارراه سپه
مقابل پاساژ تانان
شماره ۱۲۹۸

۶۶۶۴۰۵۷۰

تلفن : ۶۶۹۶۳۱۸۱

۶۶۹۶۵۵۸۵۰